



دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تهران مرکزی



دانشده حقوق

فصلنامه علمی تحقیقات حقوقی بین المللی

دوره ۱۷ / شماره ۶۳ / بهار ۱۴۰۳

فصلنامه علمی «تحقیقات حقوقی بین المللی» به استناد نامه شماره ۱۱۹۰۱-۱۳۹۹ مورخ ۱۴۰۰/۱۰/۱۲
کمیسیون نشریات علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری دارای رتبه علمی می باشد.

صاحب امتیاز: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

مدیر مسئول: دکتر صادق سلیمی

سر دبیر: دکتر سید باقر میرعباسی

مدیر داخلی: دکتر محمدرضا پیرهادی

ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی

نشانی: تهران، بزرگراه امام علی(ع)، بلوار ارتش، خیابان شهید سوهانی، مجتمع دانشگاهی ولایت.

کد پستی: ۱۹۵۵۸۴۷۷۸۱ ؛ تلفن: ۰۲۱۲۲۴۸۱۶۲۶ ؛ سامانه: alr.iauctb.ac.ir ؛ رایانامه: alr.iauctb.ac.ir@gmail.com

شاپای چاپی: ۱۶۳۴-۲۳۸۳۸ * شاپای الکترونیکی: ۳۶۶۱-۲۳۸۳

قابل دسترسی از: isc, noormags.ir, magiran.com, sid.ir, scholar.google.com

مجوز این فصلنامه در تاریخ ۱۳۸۴/۱۰/۲۴ از کمیسیون بررسی و تایید مجلات علمی دانشگاه آزاد اسلامی صادر شده است و برابرنامه شماره ۱۲۴/۳۲۹ اداره کل امور مطبوعات خبرگزاری های داخلی جمهوری اسلامی ایران وزارت ارشاد اسلامی، معاونت امور مطبوعاتی و تبلیغات، پروانه نشر آن صادر گردیده است.

* مقاله های منتشر شده در مجله، لزوماً بیانگر دیدگاه این فصلنامه نیست. *

هیات تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

دکتر حسین آقایی جنت مکان، دانشیار دانشگاه شهید چمران

دکتر حمید ابهری، استاد دانشگاه مازندران

دکتر بهشید ارفع نیا، دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

دکتر منوچهر توسلی نائینی، دانشیار دانشگاه اصفهان

دکتر صادق سلیمی، دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

دکتر احمد شمس، دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

دکتر مهرباب داراب پور، استاد دانشگاه شهید بهشتی

دکتر همایون مافی، استاد دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری

دکتر محمدرضا مجتهدی، استاد دانشگاه تبریز

دکتر سید باقر میرعباسی، استاد دانشگاه تهران

داوران این شماره (به ترتیب حروف الفبا):

دکتر امیر احمدی، استادیار دانشگاه پیام نور

دکتر میثم اسلامی، استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد ورامین

دکتر امین امیریان فارسانی، استادیار دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی

دکتر محمدرضا پیرهادی، استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

دکتر مسعود راعی، دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد

دکتر حسین زارع شعار، استادیار دانشگاه پیام نور

دکتر صادق سلیمی، دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

دکتر سوده شاملو، استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

دکتر جواد صالحی، دانشیار دانشگاه پیام نور

دکتر محسن عبدالمهی، دانشیار دانشگاه شهید بهشتی

شرایط ارائه مقاله به فصلنامه علمی «تحقیقات حقوقی بین‌المللی»

۱. مقاله را در سامانه فصلنامه به آدرس alr.iauctb.ac.ir ثبت و ارسال کنید.
۲. ساختار مقاله شامل: صفحه عنوان، چکیده (زمینه و هدف / روش / یافته ها و نتایج)، کلیدواژه ها، مقدمه، یافته‌های پژوهش، نتیجه‌گیری، پیشنهادهای کاربردی، سپاسگزاری و منابع باشد.
۳. نام و نام خانوادگی نویسنده یا نویسندگان به همراه سمت علمی و پست الکترونیکی ذکر شود.
۴. چکیده مقاله از ۱۵۰ تا ۲۵۰ کلمه و حجم مقاله حداکثر ۷۵۰۰ کلمه باشد.
۵. نحوه ارجاعات: شیوه‌استنادها و منبع‌نویسی باید به روش APA باشد:

✳ کتاب‌ها:

- ارفع نیا، بهشید. (۱۳۹۹). *حقوق بین‌الملل خصوصی*. چاپ نوزدهم. انتشارات بهتاب.
- پیرهادی، محمدرضا. (۱۳۹۵). درس گفتارهایی در حقوق قراردادها. جلد اول. انتشارات خرسندی.
- بوگانسکی، میتکو و پترسکی، دریژ (۱۳۹۴). *تروریسم سایبری، تهدید علیه امنیت جهانی*. ترجمه ندا نیازمند. در مجموعه مقاله‌ها تروریسم‌شناسی. چاپ اول. انتشارات نگاه بینه.
- Hayward, K. (2017). *Cultural Criminology*. 1st Edition. Critical Concepts in Criminology. Routledge.

✳ مقالات:

- سلیمی، صادق. (۱۴۰۰). مفهوم و مرجع احراز «منافع عدالت» در دیوان بین‌المللی کیفری در پرتو وضعیت افغانستان. *پژوهشنامه حقوق کیفری*، ۱۲(۱)، ۷۵-۹۸.

https://jol.guilan.ac.ir/article_4887.html

- Mary I, Imogen R, Mark A. (2020). Newsmaking criminology in Australia and New Zealand: Results from a mixed methods study of criminologists media engagement. *Australian & New Zealand Journal of Criminology*, 53(1), 84-101.
<https://journals.sagepub.com/doi/full/10.1177/0004865819854794>

✳ پایان‌نامه / رساله تحصیلی:

- شمس‌اژی، علیرضا. (۱۳۷۹). جرم سازمان‌یافته و بررسی مصادیق آن در حقوق موضوعه ایران [پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی تهران].

شیوه ارزیابی مقالات

مقالات ارسالی که شرایط پذیرش را احراز نمایند، برای داوران هم‌تراز، هم‌تا و خبره در آن موضوع ارسال می‌گردند. داوران محترم، علاوه بر ارزشیابی کیفی مقالات، راهبردهای سازنده‌ای نیز پیشنهاد می‌نمایند. پیشنهادهای داوران محترم به‌طور کامل، اما بدون ذکر نام داور، برای نویسنده مقاله ارسال خواهد شد.

مراحل و شرایط پذیرش و چاپ مقاله

نویسنده به سایت فصلنامه مراجعه نموده، ثبت نام می‌کند و از طریق سایت مقاله خود را ارسال می‌نماید.

مقاله دریافتی از نظر انطباق با الگو و ساختار نشریه بررسی می‌شود. در صورت عدم مطابقت مقاله در قالب نشریه، مقاله مورد نظر رد و به نویسنده مسئول اعلام خواهد شد.

هیات تحریریه فصلنامه پس از مطابقت موضوع با سیاست‌های نشریه، درباره در اولویت قرار گرفتن یا نگرفتن مقاله برای چاپ در فصلنامه تصمیم می‌گیرند.

مقالات تأیید شده در مرحله قبل، برای حداکثر ۳ داور تخصصی ارسال می‌گردد.

در صورت تأیید نهایی توسط داوران، نظر داوران و فصلنامه به نویسنده مسئول اعلام می‌گردد.

مقاله اصلاح شده توسط نویسنده، توسط سردبیر و یا داوران مورد تأیید نهایی قرار گرفته و در اختیار ویراستاران علمی نشریه قرار می‌گیرند.

برای رفع اشکالات احتمالی (جملات یا عبارت‌های نامفهوم، جاافتاده، غیرمرتبط، استنادهای بدون منبع، منابع با اطلاعات غلط، جداول مشکل‌دار،...) توسط ویراستار به نویسنده اعلام می‌گردد. برای کوتاه‌شدن این فرآیند و تسریع در چاپ، توصیه می‌شود مقاله طبق شیوه نامه و با رعایت کامل نظرات داوران نوشته شود.

پس از ویرایش علمی و رفع اشکالات، مقاله به ویراستار ادبی داده می‌شود.

پس از ویرایش‌های علمی و ادبی مقاله برای صفحه‌آرایی ارسال می‌شود.

برای کنترل و تأیید نهایی، مقاله صفحه‌آرایی شده برای نویسنده مسئول ارسال می‌شود. در این مرحله رفع اشتباهات فاحش قابل اصلاح می‌باشد.

مقاله نهایی پس از صفحه‌آرایی، برای چاپ ارسال می‌گردد.

فهرست مقالات دوره ۱۶، شماره ۶۰، تابستان ۱۴۰۲

عنوان.....صفحه

جهانی شدن گونه‌های نوین مجازات متأثر از آموزه‌های جرم‌شناسی

علی آقاپور، عباس منصورآبادی، عباسعلی اکبری ۱

نقش شرط مارتنس در تحدید بکارگیری تسلیحات جدید خودکار

میثم قارایی، هیبت الله نژندی منش و محمدرضا علی پور..... ۲۳

تبیین جایگاه محوری فناوری بلاکچین در نظام حقوق بین‌الملل مالکیت فکری

ساناز ابوالقاسمی، میثم نوروزی و مهدی اسکندری خوشگو..... ۴۵

سمت در جرائم محیط‌زیستی در حقوق اتحادیه اروپا و ایران

حسین نوروزی، محمدرضا پروین و منصور پورنوری..... ۶۵

مقابله با استثمار جنسی آنلاین از کودکان با نگاهی به اقدامات یورپل و اینترپل

سامان عبدالهی..... ۸۵

بازسازی بنگاه‌های اقتصادی در نظام حقوقی ژاپن و آمریکا، با نگاهی بر قواعد راهنمای ...

محسن ناظمی زاده، محمدرضا پاسبان و علی رادان جبلی..... ۱۰۹

نظام حقوقی استفاده از انرژی هسته‌ای در فعالیت‌های نظامی ممنوع نشده، با تأکید بر قضیه آکوس

هاشم زعفرانی و صالح رضایی پیش رباط..... ۱۲۷

نقش شورای حقوق بشر در ارتقای حق بر توسعه

زهره باقری خرم‌دشتی، حسین شریفی طرازکوهی و فاطمه فتح پور..... ۱۴۷

Globalization of New Forms of Punishment Influenced by Criminological Teachings

Ali Aghapour¹, Abbas Mansoorabadi²✉, Abbasali Akbari³

Abstract

Field and Aims: The theory of the globalization of criminal law and specifically the globalization of punishments based on the standards and concepts of human rights and respect for human dignity, leads to the influence of criminology, to the thought and process of globalization by explaining the causes of delinquency and the development of executive stages, the legislator in Improvement and correction of criminal laws has led. thus, criminal law thinkers generally accept the influence of these doctrines in criminal law, especially that these doctrines are based on empirical data and are relatively proven. one of the important types of using criminology data and its results is the new types of punishment in the general criminal law of legal systems.

Method: The present research is conducted in the form of descriptive and causal studies in a library-document format.

Finding and Conclusion: Over time, criminology and its sub-branches have made criminal law dynamic and advanced. The solutions proposed by this field are without political orientation and are based only on scientific research. If they are used correctly and with planning, they will help to realize just criminal law. Therefore, in the light of criminological studies and criticisms that have been made on the three issues of criminal law, criminal ideas have changed and with the acceptance of the globalization of new types of punishment such as: "semi-liberty system", "electronic surveillance" and "punishment". Alternative Sanctions to Imprisonment have entered the general criminal law. Over time, criminology and its sub-branches have made criminal law dynamic and advanced. The solutions proposed by this field are without political orientation and are based only on scientific research. If they are used correctly and with planning, they will help to realize just criminal law. Therefore, in the light of criminological studies and criticisms that have been made on the three issues of criminal law, criminal ideas have changed and with the acceptance of the globalization of new types of punishment such as: "semi-liberty system", "electronic surveillance" and "punishment". Alternative Sanctions to Imprisonment have entered the general criminal law.

Keywords: Globalization of Criminal Law, New Forms of Punishment, Criminology, Semi-Freedom System, Electronic Monitorin, Alternative Sanctions to Imprisonment.

*Citation (APA): Aghapour, A.; Mansoorabadi, A.; Akbari, A. (2024). Globalization of New Forms of Punishment Influenced by Criminological Teachings. *International Legal Research*, 17(63), 1-21.

1. Doctoral student of criminal law and criminology, Tabriz Unit, Islamic Azad University, Tabriz, Iran. Email: aliaghapour65@gmail.com

2. Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, University of Tehran, Farabi School, Qom, Iran. (Author). Email: behmansour@ut.ac.ir

3. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran. Email: dr.akbari@iaut.ac.ir

جهانی شدن گونه‌های نوین مجازات متأثر از آموزه‌های جرم‌شناسی

علی آقاپور^۱، عباس منصورآبادی^۲✉، عباسعلی اکبری^۳

چکیده

زمینه و هدف: نظریه جهانی شدن حقوق کیفری و به صورت خاص، جهانی شدن مجازات‌ها مبتنی بر موازین و مفاهیم حقوق بشری و رعایت کرامت انسانی، منجر به متأثر شدن جرم‌شناسی، به اندیشه و فرآیند جهانی شدن با تشریح علل بزهکاری و تکوین مراحل اجرایی، قانون‌گذار را در بهبود و اصلاح قوانین کیفری هدایت کرده است. بدین‌سان، اندیشمندان حقوق کیفری به طور کلی، نفوذ این آموزه‌ها را در حقوق کیفری مورد پذیرش قرار می‌دهند؛ به ویژه آن که این آموزه‌ها مبتنی بر داده‌های تجربی بوده و نسبتاً ثابت شده باشند. یکی از اقسام مهم استفاده از داده‌های جرم‌شناسی و دستاوردهای آن، گونه‌های نوین مجازات در حقوق کیفری عمومی نظام‌های حقوقی است.

روش: تحقیق حاضر از نوع مطالعات توصیفی و علی به صورت کتابخانه‌ای - اسنادی انجام می‌شود.

یافته‌ها و نتایج: با گذشت زمان، جرم‌شناسی و زیرشاخه‌های آن، حقوق کیفری را پویا و پیش‌رو ساخته است. راهکارهایی که این رشته پیشنهاد می‌نماید، که بدون جهت‌گیری سیاسی و تنها بر اساس تحقیقات علمی است، در حالتی که به‌درستی و با برنامه‌ریزی مورد بهره‌گیری واقع شوند، به محقق شدن حقوق کیفری عادلانه یاری می‌رساند. از این‌رو، در پرتو مطالعات جرم‌شناختی و نقدهایی که بر موضوع‌های سه‌گانه حقوق کیفری وارد شده است، اندیشه‌های کیفری دگرگون گشته و با پذیرش جهانی شدن گونه‌های نوین مجازات از قبیل: «نظام نیمه‌آزادی»، «نظارت الکترونیکی» و «مجازات‌های جایگزین حبس»، وارد حقوق کیفری عمومی شده است.

کلیدواژه‌ها: جهانی شدن حقوق کیفری، گونه‌های نوین مجازات، جرم‌شناسی، نظام نیمه‌آزادی، نظارت الکترونیکی، مجازات‌های جایگزین حبس.

* استناددهی (APA): آقاپور، علی؛ منصورآبادی، عباس؛ اکبری، عباسعلی. (۱۴۰۳). جهانی شدن گونه‌های نوین مجازات متأثر از آموزه‌های جرم‌شناسی. تحقیقات حقوقی بین‌المللی، ۱۷(۶۳)، ۱-۲۱.

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

رایانامه: aliaghapour65@gmail.com

۲. دانشیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران، دانشکده‌گان فارابی، قم، ایران. (نویسنده مسئول).

رایانامه: behmansour@ut.ac.ir

۳. استادیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

رایانامه: dr.akbari@iaut.ac.ir

مقدمه

حقوق کیفری با جهانی‌شدن معضل جرم، تدابیر متعددی را در سطح ملی و برون‌مرزی توصیه نموده است، ولی جرم‌شناسی با چند دهه تأخیر، به اندیشه و فرآیند جهانی‌شدن توجه نموده است. بدین ترتیب، در حال حاضر، با توجه به تحول متغیرهای مطالعات جرم‌شناسی، ناکارآمدی مطالعات جرم‌شناختی در سطح ملی، ضرورت استقلال علمی در قبال ملاحظات سیاسی و اجتماعی دولت‌ها و کمک به توسعه فعالیت‌های علمی جرم‌شناسی در سطح برون‌مرزی، ایجاب می‌کند که این علم نیز جهانی شده (جرم‌شناسی جهانی^۱) و ضمن انجام تحقیقات و مطالعه در سطح فرامرزی، راهکارهای برون‌مرزی نیز برای جامعه جهانی در قبال پدیده بزهکاری ارائه نماید (بابایی، ۱۳۹۰: ۱۱۵).

تأثیر و تأثر متقابل حقوق کیفری و جرم‌شناسی بی‌گمان در پرتو سنجه‌های حقوق بشری و سلوک اخلاقی صورت می‌گیرد که بر اصول حقوق کیفری حاکم است؛ زیرا در هر دو رشته مبتنی بر کرامت ذاتی انسانی، فارغ از ویژگی‌های نژادی، قومی، دینی و... موضوعیت دارد. امروزه، کرامت انسانی یکی از بنیادهای شکل‌گیری نظم سیاسی و حقوقی در قلمرو داخلی و بین‌المللی است و این مفهوم در عرصه حقوق کیفری اهمیت دوچندانی دارد. از این رو، می‌توان فلسفه وجودی حقوق کیفری را استوار بر پاسداشت کرامت انسانی شناسایی کرد و به جرأت می‌توان گفت سیاست جنایی در جوامع امروزی در پرتو آن شکل می‌گیرد و از ملزومات و مقتضیات اصلی اقتدار قضایی به شمار می‌رود (اعتمادی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۵۹).

از این رو، در جوامع دموکراتیک، دستاوردهای علمی، از جمله یافته‌های جرم‌شناسی برای ورود به حقوق کیفری در پرتو اصول و معیارهای حقوقی ارزیابی می‌شود؛ آورده‌های علمی که در عین حال ممکن است با خوانش سیاسی سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران حاکم روبه‌رو و مستند سیاست‌های «عوام‌گرایانه کیفری^۲» و یا «سخت‌گیرانه کیفری^۳» واقع شوند. لیکن، این

۱. اصطلاح «جرم‌شناسی جهانی» (Global Criminology) به مجموعه‌ای از آثار در حال تکامل اشاره می‌کند که به دنبال بررسی ارزش جرم‌شناسی برای درک دامنه و ماهیت پیچیده جهانی‌شدن و به‌هم‌پیوستگی فراملی هستند. این اصطلاح را نمی‌توان به این معنا دانست که جرم‌شناسی به عنوان یک علم اجتماعی در دامنه خود جهانی شده است، بلکه نشان‌دهنده تلاش‌های روش‌شناختی، نظری و اخلاقی برای انتقال دانش جرم‌شناسی به فراسوی مرزهای ملی است (کرامتی معز، ۱۴۰۲: ۲۰۴).

۲. عوام‌گرایی برای نخستین بار در علوم سیاسی مطرح شد، اما حرکت‌های عوام‌گرا مسئولان دستگاه عدالت کیفری در خصوص افزایش جرائم و... سبب توجه به خواست مردم و افکار عمومی در سیاست‌گذاری‌های کیفری شدند. از این رو، دولتمردان با توجه به ناکارآمدی الگوهای اصلاح و درمان در برابر نرخ جرم و هزینه بسیار زیاد این رویکردها و بحران اقتصادی دولت‌ها و مطالبه روزافزون مردم در زمینه تأمین امنیت و آسایش، سبب گرایش به سیاست‌های کیفری عوام‌گراانه شدند (آقاپور و شاهد، ۱۴۰۲: ۸۵).

۳. اصطلاح سخت‌گیری کیفری یا به عبارت دیگر، عدم انعطاف و مدارانابذیری، با اتخاذ ضمانت‌اجراهای شدید و حتمی، سیاست بدون اغماض مبارزه با جرائم را در دستور کار خود قرار داد و مقوله تأمین و حفظ نظم و امنیت را به عنوان موضوع

سیاست گذاری‌ها همواره در پرتو دموکراسی علمی قابل ارزیابی تخصصی - فنی جرم‌شناسانه نیز است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۸: ۷۱۹-۷۱۸).

در واقع، جرم‌شناسی حقوق کیفری دانشی است که با انجام مطالعات جرم‌شناختی و بررسی بازتاب‌های آن در قوانین کیفری به دنبال پر کردن خلأهای تقنینی (دستاوردهای ابتدایی) و یا اصلاح قوانین کیفری فعلی (دستاوردهای اصلاحی) است (لافر و آدلر^۱، ۲۰۱۳: ۷).

در کشور ما نیز در نتیجه تلاش‌های گروهی از جرم‌شناسان و حقوق‌دانان کیفری در چند دهه گذشته، این دانش جایگاه و پایگاه بلندی پیدا کرده است و اندیشه‌ورزی‌های آنان به طور چشم‌گیری حقوق کیفری کشورمان را تحت تأثیر قرار داده است؛ تا جایی که رد و تأثیر این اندیشه‌ورزی‌ها در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲^۲ بیش‌ازپیش نمود پیدا کرده است. به عبارتی، توجه به گونه‌های نوین مجازات بیشتر تحت تأثیر یافته‌های جرم‌شناسی و تعاملات بین‌المللی در حوزه مبارزه با بزهکاری و شناخت تجربه کشورهای غربی و افزایش چشم‌گیر منابع مکتوب جرم‌شناختی در ایران است. با این حال، مشکلات اجرایی و تورم جمعیت کیفری به موازات هزینه‌های سرسام‌آور نگهداری زندانیان در سال‌های اخیر در گرایش به گونه‌های نوین مجازات نیز تأثیرگذار بوده است.

بنابراین، یکی از اقسام استفاده از داده‌های جرم‌شناسی و دستاوردهای آن می‌تواند ناظر به حقوق کیفری عمومی باشد. از جمله نفوذ آموزه‌های جرم‌شناسی در حقوق کیفری عمومی می‌توان به مجازات‌های نوین که مهم‌ترین آن‌ها جایگزین حبس می‌باشد، اشاره داشت.

با توجه به تحولات چشم‌گیری که از آغاز پیدایش جرم‌شناسی تا به امروز شاهد آن بوده‌ایم، از یک سو، جرم‌شناسی به شاخه‌های گوناگونی دسته‌بندی می‌شود و از سوی دیگر، آموزه‌های بسیار متنوعی در این شاخه‌ها و از سوی جرم‌شناسان مطرح گردیده است که قلمرو وسیعی را شامل می‌شود. از این رو، در این پژوهش به دنبال نشان دادن مهم‌ترین آموزه‌های تأثیرگذار جرم‌شناسی بر گونه‌های نوین مجازات که در حقوق کیفری عمومی پیش‌بینی شده است، می‌باشیم و بدیهی است فرصت ارزیابی تمام جوانب قوانین کیفری در پیوند با تمام آموزه‌های جرم‌شناسی فراهم نیست.

شایان ذکر است پژوهش‌های قابل توجهی که درباره مجازات‌ها انجام گرفته، عمدتاً ناظر به شرایط اجرایی و ویژگی‌های مجازات‌ها است و مطالعات بنیادین مانند توجه به ابعاد جرم‌شناختی گونه‌های نوین مجازات‌ها به ندرت در آنها به چشم می‌خورد؛ در همین راستا، این پژوهش تحلیل

عمده اجتماعی از رهگذر واکنش‌های سختگیرانه‌ای مانند تعقیب، دستگیری و بازداشت‌های وسیع افراد مظنون و غیرمظنون در کانون توجه قرار می‌دهد (کرامتی معز حسن آبادی، ۱۴۰۲: ۹).

1. Laufer & Adler

۲. زین پس، به صورت اختصاری از آن با حروف «ق.م.» یاد می‌شود.

آموزه‌های جرم‌شناختی و تأثیر آن بر پذیرش این قسم از مجازات‌ها را مدنظر قرار می‌دهد. به‌این ترتیب، در این مقاله در پی پاسخ‌گویی به دو پرسش هستیم: ۱- مهم‌ترین نظریه‌های جرم‌شناسی که می‌توان به عنوان مبانی نظری پذیرش جهانی گونه‌های نوین مجازات بجای مجازات سنتی حبس در حقوق کیفری از آن‌ها یاد کرد، کدامند؟ ۲- تأثیر آموزه‌های جرم‌شناسی بر شکل‌گیری جهانی گونه‌های نوین مجازات چگونه بوده است؟

۱. نظریه‌های جرم‌شناسی مبتنی بر جهانی‌شدن گونه‌های نوین مجازات

همان‌طور که می‌دانیم، هدف از طرح مبانی نظری پژوهش، بیان نظریه‌ها و مدل‌های علمی است که تحلیل داده‌های پژوهش مبتنی بر آن‌ها صورت می‌گیرد و به عنوان سنگ‌بنای پژوهش و معیار و محک ارزیابی آن در اختیار خواننده قرار می‌گیرد؛ از یک سو، قلمرو و دامنه پژوهش را محدود می‌سازد و از سوی دیگر، چشم‌انداز پژوهشگر به موضوع و مسئله را نشان می‌دهد. افزون بر این، پژوهشگر می‌تواند نتایج پژوهش خود را در راستای نظریه‌ها یا مدل‌ها مورد نقد و ارزیابی قرار دهد و درستی فرضیه خود را اثبات کند. در این راستا، پژوهش حاضر بر پایه چند نظریه مهم جرم‌شناسی به شرح زیر انجام می‌شود: ۱- نظریه اصلاح و درمان و شکست آن، ۲- نظریه برچسب‌زنی / جرم‌شناسی تعامل‌گرا، ۳- نظریه جرم‌شناسی محکومان و ۴- جرم‌شناسی صلح‌طلب.

۱-۱. نظریه اصلاح و درمان و شکست آن

مجازات حبس به منزله یک مجازات اصلی، از نیمه دوم قرن هجدهم به عنوان یک واقعیت گریزناپذیر در نظام کیفری بسیاری از کشورها وجود دارد؛ هرچند در سیر تحول نظام مجازات‌ها، تحولاتی در زمینه مجازات حبس و بهتر اجرایی شدن آن وجود دارد (صفاری، ۱۴۰۱: ۴۳).

تحقیقات جرم‌شناسی مبتنی بر این است که مجازات حبس در وصول به هدف اصلاحی نیز ناکام ماند و به یک کانون آموزش بزهکاری و جرم تبدیل گردید تا زندانیان در آن مکان روش‌های مختلف ارتکاب جرم را به صورت فنی و حرفه‌ای آموزش دیده و یاد بگیرند؛ تا جایی که زندان را از ماهیت «کلینیک درمانی» در نگاه جرم‌شناسان تحقیقی به «مدرسه جرم» بدل کرد. در واقع، با شکست رویکرد اصلاح و درمان و نگاه مثبت به مجازات حبس، جرم‌شناسی انتقادی با ایرادات وارده به رویکرد جرم‌شناسی تحقیقی، زمینه ظهور مجازات‌های جایگزین را فراهم آورد؛ اگرچه از مقطعی به بعد هم‌آوایی نظریه‌های جرم‌شناسی در تأیید تحدید کیفر زندان نیز قابل توجه است (ریاضت، ۱۳۹۸: ۱۵۱). شکست سیاست‌های اصلاح و درمان که از آن با عنوان «شکست جرم‌شناسی اصلاح و درمان» یاد می‌شود، به بحرانی در کشورهای غربی بدل گردیده بود.

جرم‌زا بودن محیط زندان، هزینه اقتصادی زندان، مشکلات بهداشتی و روانی موجود در آن و... باعث بروز انتقادات شدیدی نسبت به این مجازات شده است، به طوری که حتی موافقان آن را

دچار تردید کرده و در نهایت، به واکنش وا داشته است. یکی از مهم‌ترین واکنش‌هایی که نسبت به این اعتراضات صورت گرفته است، پیشنهاد استفاده از جایگزین‌های مجازات حبس و اجتناب از آن، مگر همچون آخرین حربه بوده است (والهی و احسان پور، ۱۳۹۵: ۲۴۷).

گراف نیست اگر بگویم جرم‌شناسی به آرامی زاده شد، ولی به سرعت رشد و توسعه پیدا کرد؛ به گونه‌ای که هر روز شاهد پیدایش نظریه‌ای تازه در این عرصه هستیم. شاید بتوان گفت نظریه اصلاح و درمان که جرم‌شناسان نخستین (بنیان‌گذاران مکتب تحقیقی) بر آن تأکید داشتند، نخستین نظریه‌ای بود که راه را برای طرح دیگر نظریه‌های جرم‌شناسی هموار ساخت؛ تا جایی که در حدود دهه هفتاد، با توجه به افزایش آمار بزهکاری در آمریکای شمالی و پاره‌ای دیگر از کشورها، در تقابل با آن نقدهای فراوانی مطرح شد و به نظریه شکست اصلاح و درمان موسوم گشت.^۱ اگر با طراحان این ایده همدل باشیم و با در نظر گرفتن مطالعات تجربی دیگری که در کشورهای مختلف در زندان‌ها انجام شده است، این باور را بپذیریم که حبس و زندان محل مناسبی برای اصلاح و درمان نیست، از این راه می‌توانیم به این درک برسیم که نطفه رویکرد به مجازات‌های نوین، به ویژه جایگزین‌های حبس، با رویکرد انتقادی به حبس و اصلاح و درمان منعقد گردیده است. چکیده سخن این است که زندان برخلاف انتظار، نه تنها در امر اصلاح و درمان توفیق نداشته و ندارد، بلکه به محلی برای فراگیری شیوه‌های دیگر بزهکاری تبدیل شده است. از این رو، چاره‌جویی‌ها ما را به جایگزین‌های حبس و مجازات‌های نوین رهنمون می‌سازد.

۱-۲. نظریه برچسب‌زنی (جرم‌شناسی تعامل‌گرا)

جان‌مایه نظریه برچسب‌زنی^۲، این عقیده است که «وقتی یک فرد از سوی دیگران در قالب خاصی توصیف شود، در نتیجه فشار اجتماعی، به تغییر ادراک از خویشتن و رفتار خود دست خواهد زد تا با این تعریف هماهنگ گردد» (نجفی ابرند آبادی و هاشم بیکی، ۱۴۰۱: ۱۸۲).

نظریه برچسب‌زنی یا جرم‌شناسی تعامل‌گرا در باورهای «ادوین. ام. لی مرت» ریشه دارد و به دو مفهوم «کج‌روی نخستین» و «کج‌روی دومین» توجه دارد؛ کج‌روی نخستین که همان نقض هنجارهای کیفری برای بار نخست است و کج‌روی دومین یا تکرار جرم که احتمال گرایش به آن با واکنش سامانه عدالت کیفری افزایش می‌یابد (مارش و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۰۲)؛ زیرا به واسطه برخورد جامعه و نظام کیفری با این دسته به عنوان بزهکار، شماری از آنان سریعاً تحت تأثیر تصویر ارائه شده از سوی دیگران قرار می‌گیرند و بر این اساس، مانند نوع نگاه سایرین رفتار

۱. شایان ذکر است که شکست نظریه اصلاح و درمان، گروهی را بر آن داشت تا به توجیه تشدید واکنش‌های کیفری روی آوردند (پرادل، ۱۳۹۶: ۱۲۹-۱۲۳).

2. Labeling Theory

می‌کنند. به این سان، کج‌روی دومین نتیجه فرآیند بزهدار به شمار آوردن تعدادی از شهروندان است.

در همین چارچوب، «هوارد بکر» هم با معرفی نظریه برچسب‌زنی به نقش واکنش اجتماعی در تکرار بزهداری اشاره داشته است (مارش و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۹۹). از این منظر، بزهداری نتیجه تدوین مقررات و اعمال آن‌ها و محاکمه مرتکبان این پدیده است (صدیق سروستانی، ۱۴۰۱: ۵۷). بنابراین، جرم‌شناسی تعامل‌گرا در راستای اعتراض به جرم‌شناسی رایج یا جریان اصلی و یا تحت مطالعه قرار دادن «واکنش سیاست جنایی» و نقش و سهم نهادهای عدالت کیفری در پیدایش بزهداری شیوه‌های مداراگرایانه مانند کیفرهای جامعه‌مدار را برای کاهش احتمال خوردن برچسب مجرمانه، کسب هویت بزهدار و پایداری شماری از شهروندان در عرصه بزهداری پیشنهاد داده است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۴: ۱۷).

یکی از مهم‌ترین آثار زیان‌بار زندان، الصاق برچسب به مرتکب و در نتیجه، طرد اجتماعی اوست. نفس ورود به زندان با جدا شدن از جامعه متعارف می‌تواند زمینه تغییر در طرز تفکر و برخورد دیگران با شخص را فراهم آورده و برچسب‌زننده باشد، بدین ترتیب تحقیقات جرم‌شناسی مؤید این واقعیت است که اساساً اجرای مجازات زندان با اندیشه اصلاح و بازپروری بزهدارانه منافات دارد. به همین جهت و البته، با توجه به ایرادهای اقتصادی و حقوق بشری ناظر به زندان، قانونگذار از رهگذر فصل نهم بخش نهم کتاب اول با عنوان «مجازات‌های جایگزین حبس» در صدد شناسایی این شیوه برای پاسخ‌دهی به جرم برآمده است. بدیهی است این نوع ضمانت اجراها که به موجب ماده ۶۴ این قانون شامل «... دوره مراقبت، خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی، روزانه و محرومیت از حقوق اجتماعی است...» می‌تواند تا اندازه‌ای اسباب دور شدن مجرمان از پیامدهای زیان‌بار زندان را فراهم سازد. به این ترتیب، به نظر می‌رسد آموزه‌های جرم‌شناسی تعامل‌گرا در جهت‌دهی مقنن به سمت وارد ساختن مجازات‌های جامعه‌مدار به سیاهه پاسخ‌ها نقش داشته است.

با این وصف، تئوری برچسب‌زنی یک رویکرد جامعه‌شناختی و جرم‌شناختی متمایز ارائه می‌دهد که بر نقش برچسب‌گذاری اجتماعی در توسعه جرم و انحراف تمرکز دارد. این نظریه فرض می‌کند که اگرچه رفتار انحرافی در ابتدا می‌تواند ناشی از علل و شرایط مختلف باشد، اما هنگامی که افراد به عنوان منحرف، برچسب زده یا تعریف شدند، اغلب با مشکلات جدیدی مواجه می‌شوند که ناشی از واکنش‌های خود و دیگران به کلیشه‌های منفی (انگ و برچسبی که بر آن‌ها نهاده شده) است. اگرچه برچسب‌زنی درباره هر نوع واکنش کیفری مصداق دارد و در نگاه نخست ممکن است چنین به نظر برسد که داعیه نادیده گرفتن حقوق کیفری را دارد، اما با لحاظ سطح و گونه‌های برچسب، در پی تعدیل حقوق کیفری و کاستن از پیامدهای منفی آن است.

از این رو، مهم‌ترین پیشنهاد هواداران این نظریه اجتناب از تعیین مجازات حبس به عنوان بدترین برجسیبی است که بر بزهکاران زده می‌شود. بدین سان و با توجه به اینکه هنوز گزینه‌های مناسبی برای روگردانی از حقوق کیفری در اختیار نداریم، بهتر است از برجسب حبس که می‌تواند در واکنش‌های بعدی بزهکار تأثیر جدی داشته باشد، رویگردان شویم. در این راستا، بهترین گزینه جایگزین‌های حبس و مجازات‌های نوین است.

۱-۳. نظریه جرم‌شناسی محکومان

جرم‌شناسی محکومان برخلاف تمام رشته‌های جرم‌شناسی که در خارج از زندان متولد شدند، درون زندان به دنیا آمد، رشد و نمو یافت و جای خود را در میان سایر نظریه‌ها و مکاتب جرم‌شناسی باز نمود. اگر پدیدآورندگان جرم‌شناسی کلاسیک فلاسفه بودند، جرم‌شناسی علمی توسط پزشکان و بعدها، جامعه‌شناسان و روانشناسان به وجود می‌آمد؛ جرم‌شناسی محکومان را زندانیان خلق کردند (شیری، ۱۳۹۷: ۵۲).

آموزه‌های جرم‌شناسی محکومان به نقد سیاست‌گذاری‌های جنایی پرداخته است؛ من جمله اینکه با توجه به جمعیت بالای زندانی و ازدحام ناشی از آن و افزایش هزینه‌های زندان، شلوغی زندان‌ها و کاهش منابع بودجه، دستاوردهای تأدیبی، اصلاحی و تربیتی را استدلال کرده‌اند که هیچ اقدامی در اصلاح زندان‌ها و پیشبرد اهداف بازپروری آن انجام نمی‌شود. بسیاری از زندان‌ها به انباری برای مجرمان تبدیل شده‌اند و نه تنها باعث بازپروری مجرمان نمی‌شود، بلکه به عنوان (مدرسه جرم) در انتقال فرهنگ بزهکاری به مجرمان تازه کار مؤثر خواهد بود (کرامتی معز، ۱۴۰۲: ۱۱۱).

این جنبش توسط محکومان سابق که اکنون به استادان دانشگاه‌ها تبدیل شده‌اند، ایجاد شده است. این زنان و مردان که لباس‌های نامناسب زندان و جامه فاخر دانشگاهی را پوشیده‌اند و سال‌ها در پشت دیوارهای زندان بوده و اکنون در دانشگاه‌ها به سر می‌برند، معماران اصلی این جنبش به شمار می‌روند (دکسردی، ۱۴۰۲: ۹۸-۹۹).

جرم‌شناسی محکومان دیدگاهی نسبتاً جدید در زمینه‌های جرم‌شناسی و عدالت کیفری به شمار می‌آید. مهم‌ترین دستاورد کسانی که در ذیل این عنوان نظریه‌پردازی کرده‌اند، این بوده است که واقعیت بزهکاری و واکنش در برابر آن را نمی‌توان بدون درک مستقیم و بی‌واسطه این دو موضوع نشان داد. مطالعات این گروه که توسط پژوهشگران درگیر در زمینه بزهکاری و محکومیت کیفری صورت گرفته است، تأثیر زیادی بر تغییر نگرش اندیشمندان حوزه علوم جنایی، سیاستمداران و سیاست‌گذاران جنایی گذاشت و آنان را به چاره‌جویی برای رهایی از بحران زندان‌ها و داشتن بی‌اغراق، حاصل گفتمان برآمده از نظریه‌پردازی این گروه بستر پذیرش و اجرای مجازات‌های نوین و جایگزین‌های حبس را فراهم ساخت. نقادی آن‌ها بود که به مثابه

نهیست جدیدی در عرصه علوم جنایی، همگان را به تردید و تأمل درباره مسلمات حقوق کیفری، از جمله کیفر حبس و چاره‌جویی برای روش‌های کیفری مناسب‌تر واداشت. بدین‌سان، مطالعات این گروه که در حوزه جرم‌شناسی انتقادی نوین قرار می‌گیرند، راه را برای بازبینی پیوسته راهکارهای کیفری باز کرد و به‌درستی می‌توان کیفرهای نوین و جایگزین‌های حبس را به مثابه یکی از مهم‌ترین دستاوردهای آن به شمار آورد.

۱-۴. جرم‌شناسی صلح‌طلب

«جرم‌شناسی صلح‌طلب»^۱ مبتنی بر توافق و مصالحه بوده و بیانگر یک رویکرد صلح‌جویانه در برخورد با مرتکبین بزه است و در واقع، مخالف هرگونه خشونت در اجرای مجازات‌ها است. نگرش جرم‌شناسی صلح‌طلب در مورد مفهوم جرم و راهکارهای مقابله با آن متفاوت از سایر جرم‌شناسی‌هاست که استفاده از این نگرش و راهکارها در مورد برخی جرائم می‌تواند آثار مفیدی را به همراه داشته باشد (صفاری و صابری، ۱۳۹۸: ۱۴۸).

از مهم‌ترین جنبه جرم‌شناسی صلح‌طلب می‌توان به پارادایم عدالت ترمیمی اشاره داشت که از منظر فلسفه فکری اصلاح‌مدارانه و ترمیم‌خواه، با جرم‌شناسی صلح‌جو در یک مسیر هستند. جرم‌شناسان صلح‌طلب، عدالت ترمیمی را به عنوان پاسخی صلح‌گرا به جرم می‌شناسند و به نوعی، طرفدار عدالت ترمیمی در سیاست جنایی قضایی هستند. به عبارت بهتر، ایجاد عدالت ترمیمی، مهم‌ترین رسالت جرم‌شناسی صلح‌طلبانه در جهت بازپروری و بازسازی نظام عدالت کیفری است. جرم‌شناسی صلح‌جو زمینه‌هایی نو در تغییر اعمال راهبردهای سخت‌گیرانه کنترل جرم، به سمت وسوی استفاده از راهبردها و شیوه‌های انسانی همچون مصالحه و میانجی‌گری می‌باشد (کرامتی معز، ۱۴۰۲: ۸۶-۸۷).

از این‌رو، این نظریه در جستجوی مداراگرایی با مرتکبان جرائم می‌باشد. لذا، نه تنها ایجاد و وضع شیوه‌های نوین اجرای کیفر مثل آزادی تحت نظارت سامانه‌ها و نیمه‌آزادی همسو با آموزه‌های این نظریه است، بلکه بسترسازی برای بهره‌گیری از نهادهای تخفیفی توسط قضات که نمایانگر رویکرد سازشی و مداراگرایانه است نیز متأثر از این یافته‌ها می‌باشد. در این میان، نهاد عفو را می‌توان یکی از بارزترین و برجسته‌ترین نهادهایی دانست که متأثر از جرم‌شناسی صلح‌جو می‌باشد؛ زیرا مقامات قضایی و اجرایی به منظور اعطای این نهاد در برخورد با بزهکاری و بزه‌کار، خشونت را کنار گذاشته و به مصالحه می‌پردازند (باقری، ۱۴۰۰: ۶۳). در واقع، در چنین وضعیتی نظام عدالت کیفری عذوفت خود را نشان داده و با ملایمت با بزهکار رفتار می‌کند.

در ارتباط با پذیرش جهانی گونه‌های نوین مجازات، نظریه جرم‌شناسی صلح‌طلب می‌تواند تأثیراتی مثبت داشته باشد. این نظریه بر این اعتقاد است که اعمال مجازات‌هایی که منجر به از

1. Peacemaking Criminology.

دست دادن آزادی و حقوق افراد می شوند، اغلب منجر به تشدید احساسات منفی، خشونت و خشم در جامعه می شود و در نهایت، می تواند به افزایش جرم و خشونت منجر شود. از این رو، برخی از طرفداران نظریه جرم شناسی صلح طلب باور دارند که گونه های نوین مجازات می توانند بجای جرم و خشونت، راهکارهایی را برای حل صلح آمیز اختلافات و اصلاح رفتارها ارائه دهند.

۲. تأثیر آموزه های جرم شناسی بر جهانی شدن گونه های نوین مجازات

تحولات حقوق کیفری در سطح جهانی نقش عمده ای در گرایش به گونه های نوین مجازات در ایران داشته است. مجمع عمومی سازمان ملل متحد به عنوان فراگیرترین نهاد بین المللی با قطعنامه ۱۴ دسامبر ۱۹۹۰ (۲۳ آذر ۱۳۶۹ خورشیدی)، «قواعد استاندارد حداقل برای اقدام های غیر سالب آزادی» معروف به قواعد توکیو^۱ را تصویب می کند و در ادامه، شورای اروپا با توصیه نامه قواعد اروپایی درباره ضمانت اجراها و تدابیر اجتماعی در تاریخ ۱۹ اکتبر ۱۹۹۲ (۲۷ مهر ۱۳۷۱ خورشیدی)، جایگزین های حبس و نهادهای ارفاقی را جهانی سازی می کند. همچنین، بیانیه ابوجا- نیجریه - که هشتم تا دهم فوریه ۲۰۰۰ (۱۹ تا ۲۱ بهمن ۱۳۷۸ خورشیدی) توسط سازمان اصلاحات کیفری بین المللی تدوین شد، به صراحت جایگزین های حبس را که در زمره گونه های نوین مجازات قرار می گیرند، در کنار استانداردسازی و بهبود شرایط زندان ها به دولت ها توصیه می کند و بدین ترتیب، انواع و اشکال جایگزین های نوین حبس در قوانین کشورهای راه می یابد (رستمی، ۱۴۰۲: ۱۵۹).

حقوق کیفری تا پیش از شکل گیری جریان های حقوق بشری و جرم شناسانه، به تعدادی اندک از ضمانت اجراها تکیه داشت. در این میان، کیفرهای بدنی و سالب آزادی بیش از دیگر گونه های کیفر مورد توجه بودند. با وجود این، روآوری به مجازات سالب آزادی به جهات مختلف از جمله از حیث آموزه های جرم شناسی با انتقادهای متعددی مواجه شده است. در طول تاریخ حقوق کیفری ایران، برای فردی کردن مجازات، نهادهای مختلفی از جمله تعلیق تعقیب، تعلیق اجرای مجازات، اعمال تخفیف، تبدیل مجازات و آزادی مشروط وجود داشته است که می توان از آنها به گونه های سنتی مجازات های جایگزین زندان در حقوق کیفری عمومی نام برد. در این نوشتار، گونه های نوین مجازات مدنظر است که عبارتند از: «نظام نیمه آزادی^۱»، «نظام نظارت الکترونیکی^۲» و «مجازات های جایگزین حبس» که در ادامه، به تبیین تأثیر آموزه های جرم شناسی بر شکل گیری هر یک از آنها می پردازیم.

1. Semi-liberty
2. Electronic Monitoring



۲-۱. تحلیل جرم‌شناسی جهانی شدن پذیرش نظام نیمه آزادی

مطالعات جرم‌شناسی حاکی از آن است که اعمال شیوه مدیریت واحد (یکسان برای همه) در زندان نمی‌تواند تغییرات اصلاحی مورد نظر را در زندانیان فراهم آورد و این پیام را آشکار می‌سازد که به جای اعمال شیوه مدیریت واحد و یکسان برای همه زندانیان، لازم است از الگوهای دیگر همچون نظام نیمه آزادی استفاده شود؛ این نوع نظام، که به موجب آن، محکوم شغل و یا دست‌کم، کار خود خارج از محیط زندان را در طول روز حفظ و شب‌ها و روزهای تعطیل را در زندان سپری می‌کند، می‌توان به حبس‌های پایان هفته‌ای نزدیک دانست (آنسل، ۱۴۰۱: ۹۹). در پرتو این شیوه، محکومان به کیفر حبس بدون مراقب در بیرون از محیط زندان فعالیت‌های حرفه‌ای خود را پی گرفته و در دیگر وقت‌ها مثل شب‌ها، در زندان به سر می‌برند.

قانون‌گذاران کیفری هدف از اعطای این نهاد را تحقق یکی از اهداف جرم‌شناختی مجرم‌محوری اصلاح یا بزه‌دیده‌محوری جبران ضرر و زیان دانسته‌اند (عبداللهی، ۱۳۹۳: ۲۷۰)؛ لذا، چنانچه احتمال تحقق چنین اهدافی وجود نداشته باشد، بهره‌گیری از این تأسیس ممکن نخواهد بود. از این رو، می‌توان این نهاد را در پرتو جرم‌شناسی بالینی و بزه‌دیده‌شناسی حمایتی ملاحظه نمود؛ چراکه غرض از جرم‌شناسی بالینی، اصلاح مجرم و پیشگیری ثالث بوده و غایت بزه‌دیده‌شناسی حمایتی هم مساعدت بزه‌دیده و ترمیم خسارات وارده به او می‌باشد.

در قانون مجازات فرانسه، مواد ۱۳۲-۲۵ و ۱۳۲-۲۶ و ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ مواد ۵۶ و ۵۷ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ با تأسی از نظریات جرم‌شناسی و بهره‌مندی از گفتمان حاکم بر جرم‌شناسان بین‌المللی، نظام نیمه آزادی را در جهت حمایت از شخص بزه‌کار، خانواده او و در نهایت، جامعه به رسمیت شناخته است.

مقابله با آثار سوء حبس از طریق به‌کارگیری نظام نیمه آزادی در برخی از اسناد بین‌المللی نیز مورد توجه قرار گرفته است. در ماده ۲۹ مصوبه مجمع عمومی موضوع قطعنامه شماره ۴۰/۳۳ در ۱۹۸۵ راجع به حداقل قواعد معیار سازمان ملل متحد برای اجرای عدالت نوجوان معروف به قواعد پکن بر تلاش دولت‌ها در فراهم ساختن ترتیبات شبه‌نهادی مانند: نصف اقامت در منزل، آموزش در منزل، مراکز آموزشی روزانه و یا سایر ترتیباتی که به جوانان در بازگشت مجدد و مناسب به اجتماع یاری رساند، تأکید شده است. در برنامه ایدز سازمان ملل متحد مصوب ۱۹۹۹ نیز ترتیباتی برای پیشگیری از انتقال بیماری ایدز در زندان‌ها پیش‌بینی شده است که نظام نیمه آزادی در عداد این تدابیر مورد تصریح قرار گرفته است. مطابق مواد ۴۹ و ۵۰ این سند، بر ضرورت احتراز از محروم‌سازی زندانیان از نظام نیمه آزادی تأکید شده و آن را ترتیبی برای مراقبت‌های پزشکی، حمایت روانی و خدمات اجتماعی به زندانیان مبتلای به ایدز دانسته است (اکرمی و سیف‌الله پور، ۱۳۹۶: ۶).

این نظام برای اشخاصی مفید است که به صورت اتفاقی مرتکب جرائم خفیف یا غیر عمدی می شوند و چند روز محرومیت از آزادی موجب تنبیه آنان می شود. از طرف دیگر، تعهد بزهکاران به سپردن تأمین مناسب و مشارکت در تداوم زندگی خانوادگی، درمان اعتیاد یا بیماری، تعهد به انجام یک فعالیت شغلی، آموزشی و حرفه آموزی برای بهره مندی از این راهکار در نظر گرفته شده است.

افزون بر این، دو شرط دیگر با رویکرد بزه دیده مدار برای بهره جستن از شیوه نیمه آزادی در ماده ۵۶ قانون مجازات اسلامی پیش بینی شده است. شرط نخست، گذشت شاکی و شرط دوم، مشارکت بزهکار در ترمیم خسارت های وارد بر بزه دیده است. از نظر تدوین کنندگان قانون، صرفاً آن دسته از مجرمان سزاوار برخوردار از این نهاد هستند که علاوه بر داشتن شرایط پیش گفته، در جهت ترمیم خسارت های وارد بر بزه دیده و جلب رضایت وی اقدام نمایند. مع الوصف، برخلاف گذشته که این روش تنها به عنوان یکی از شیوه های عدالت کیفری عمودی و با ماهیت بازپرورانه به شمار می آمد، امروزه در پرتو قوانین کیفری و پذیرش رویکرد اعتباربخشی به اراده بزهکار، شیوه نیمه آزادی به صورت یکی از جلوه های راهبردهای ترمیمی نیز شناسایی شده است.

رویکرد ترمیمی اهداف عدالت کیفری را به شیوه های کم هزینه تر و انسانی تر دنبال می کند؛ همچنین، احساس بیشتری از امنیت و آرامش جامعه، هماهنگی اجتماعی، صلح و آشتی را برای تمام کسانی که درگیر مسأله هستند، به ارمغان می آورد (رجبی تاج امیر، ۱۴۰۰: ۱۷۳). در نهایت، روش های ترمیمی ممکن است (جان استون^۱، ۲۰۰۲: ۸۸). در چارچوب ضمانت اجراهای میانه، از گذر نظام نیمه آزادی، به حمایت از بزه دیده و احقاق حق های او بینجامند. برای این منظور، قانون گذار مقرر کرده است اگر محکوم بخواهد از امتیاز نیمه آزادی بهره مند شود، باید خسارت وارده بر بزه دیده را جبران نماید و یا گذشت و رضایت او را بگیرد؛ به طور معمول، چنین راهکارهایی بهتر می تواند خواسته بزه دیدگان را نیز برآورده بسازد و از این جهت می توان نظام نیمه آزادی را جلوه ای از عدالت ترمیمی به شمار آورد (منصورآبادی، ۱۳۹۹: ج ۳، ۲۶۸). در این صورت، با توجه به ماده های ۵۶ و ۵۷ از ق.م.ا، بزهکار ضمن محکومیت به زندان و تحمل حبس هم می تواند به یک فعالیت اجتماعی مثبت حرفه ای، آموزشی و... در بیرون از زندان و نیز به اصلاح و بازپروری خود پردازد و هم می تواند در فرایند جبران آثار بزه دیدگی و بازسازی بزه دیده سهیم شود. بدین سان، نظام نیمه آزادی حس مسؤولیت پذیری بزهکار را تقویت می کند و روحیه سازش و آشتی را میان افراد جامعه رواج می دهد (رایجیان اصلی، ۱۳۹۸: ۷۶).

آموزه های جرم شناسی می توانند به مسئولین نهاد نیمه آزادی کمک کنند تا برنامه های تربیتی بهینه ای را برای افراد محکوم طراحی کنند. این برنامه ها باید به شکلی باشند که به مرور زمان بهبود

1. John Stone

رفتار افراد را تضمین کنند و آن‌ها را به بازگشت به جامعه به شکل مسئولانه و پایدار تشویق کنند. همچنین، جرم‌شناسی می‌تواند به طراحی و اجرای برنامه‌های مؤثر و کارآمد در نهاد نیمه‌آزادی کمک کند تا هدف اصلی آن، یعنی بازگرداندن افراد به جامعه به شکل مسئولانه و ایجاد افرادی با رفتارهای مثبت، تحقق یابد.

۲-۲. تحلیل جرم‌شناسی جهانی شدن پذیرش نهاد نظارت الکترونیکی

با گام گذاردن جوامع بشری به هزاره سوم، نظام‌های کیفری خشن و سخت‌گیرانه مبتنی بر «الگوهای تنبیهی» کارکرد و کارآیی خود را از دست داده و با انتقادهای علمی و انسانی بیشتری مواجه شده است؛ به طوری که راهکارهای پیشین برای کاهش جرم، نجات زندانی و افزایش امنیت عمومی حساب خود را پس داده و می‌توان از آن‌ها به عنوان «الگوی ناکام» یاد کرد. در مقابل، بر مبنای آموزه‌های جرم‌شناسی، توسعه و گسترش نظام‌های کیفری انعطاف‌پذیر و نرم که بر روش‌های ترمیمی و جبرانی استوار است، با ارائه سازوکارهای توانمندسازی، کسب مهارت‌ها، حفظ حقوق و مسئولیت‌پذیری، کارآیی خود را به اثبات رسانده و بیشتر مورد پذیرش نظام‌های قضایی و صاحب‌نظران علوم اجتماعی و جرم‌شناسان قرار گرفته است (آقایی جنت مکان، ۱۳۹۳: ج ۳، ۴۶).

این نهاد مترقی علاوه بر این که مانع از برجسب‌زنی به محکوم به حبس می‌شود، به فردی‌سازی اجرای این مجازات هم می‌پردازد و اصل شخصی بودن مجازات‌ها را به معنای دقیق کلمه در اجرای حبس به منصفه ظهور می‌رساند. افزون بر آن، آزادی تحت نظارت با عدم قطع ارتباط بین محکوم و خانواده‌اش، به پیشگیری رشد مدار مبادرت ورزیده و با دشوار کردن ارتکاب مجدد جرم در راستای پیشگیری موقعیت‌مدار گام بر می‌دارد. نکته حائز اهمیت که سیاست‌گذاران کیفری بر مبنای آموزه‌های جرم‌شناسی به آن توجه نموده‌اند، امکان بهره‌گیری از سایر نهادهای ارفاقی در ضمن مراقبت الکترونیکی می‌باشد. این مقرر رجیح رویکرد بازپرورانه و سیاست نرمشی را نسبت به سزادهی و صرف اجرای مجازات نمایان می‌سازد.

به طور کلی، اساس و منشأ نظارت الکترونیکی به دهه ۱۹۶۰م باز می‌گردد. در سال ۱۹۶۴م، پژوهشگران آمریکایی برای اولین بار سیستم نظارت الکترونیکی را نسبت به اطفال بزهکار ابداع کردند. بسیاری از کشورها از مدل آمریکایی نظارت الکترونیکی اقتباس کرده‌اند، به گونه‌ای که استفاده از این نهاد در زمینه‌هایی به تدریج جهانی شده و اولین پروژه نظارتی مرتبط پس از آمریکا، از سوی شورهای چون کانادا (۱۹۸۷م) و استرالیا، انگلستان و ولز (۱۹۸۹م) راه‌اندازی شد؛ در کشورهای اروپایی چون بلژیک (در سال ۱۹۹۸م)، فرانسه (۲۰۰۰م)، آلمان (۲۰۰۰م)، ایتالیا (۲۰۰۱م)، پرتغال (۲۰۰۲م)، اسپانیا (۲۰۰۰م)، دانمارک (۲۰۰۵م)، استونی (۲۰۰۷م)، جمهوری چک (۲۰۰۹م)، اتریش (۲۰۱۰م)، فنلاند (۲۰۱۰م)، آلمان (۲۰۱۱م) مورد پذیرش قرار

گرفته و در آمریکای جنوبی نیز آرژانتین در اواخر دهه ۱۹۹۰، این نهاد را پذیرفت و اجرایی کرد. نیوزیلند در سال ۱۹۹۹م و در آسیا نیز سنگاپور اوایل دهه (۱۹۹۰م) و تایوان (۲۰۰۶م) برنامه‌های نظارت الکترونیکی را راه‌اندازی کرده است (فروغی و ایرانی، ۱۳۹۵: ۶۰۴-۶۰۵).

به عبارتی، ورود فناوری اطلاعات و ارتباطات نیز در مطالعات علوم جنایی، نحوه اجرای مجازات سالب آزادی و جایگزین‌های آن را متحول ساخته است. نظام نظارت الکترونیکی یکی از این راهبردها می‌باشد که اخیراً با اقتباس از نظام‌های حقوقی دیگر مبتنی بر مطالعات جرم‌شناسی به حقوق کیفری ایران نیز راه یافته است. ظرفیت نوین پیش‌بینی شده در ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به دستگاه قضا اختیار داده است تا محکوم به حبس را با رضایت وی در محدوده مکانی مشخص تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی قرار دهد. این نظام نوین با داشتن هم‌وغم تحقق رسالات مورد انتظار حبس و اهدافی چون کاهش جمعیت زندان، پیشگیری از جرم و تکرار جرم، احتراز از آثار سوء جرم‌شناسانه زندان پیشگیری از پذیرش فرهنگ زندان^۱ و پیشگیری از پدیده برچسب‌زنی^۲، حفظ شغل و روابط اجتماعی و خانوادگی، جلوگیری از اطاله دادرسی و کاهش هزینه اقتصادی کیفر اهمیت یافته است.

نظارت الکترونیکی به گونه‌ای است که مجرم مجاز به رفتن به سر کار و نیز شرکت یافتن در بعضی از فعالیت‌های معین بوده و الباقی مواقع در منزل زندانی بوده و رفت‌وآمدش نظارت شده می‌باشد (آشوری، ۱۳۹۸: ۲۲۰). به کارگیری این سیستم را در مورد مجرمان نوپا و کم‌خطر توصیه می‌نمایند که هزینه‌های استفاده و نگهداری از تجهیزات را هم پرداخت کنند. از طرفی، عدم پیش‌بینی بسیاری از مقررات و شرایط ضروری برای اجرای نظارت الکترونیکی از ضعف‌های نهاد نوین کیفری است. اختصاص تنها دو ماده به پیش‌بینی تمامی مقررات این نهاد بسنده نیست. برای نمونه، در ق.م.ا. ۱۳۹۲، چگونگی پایان دادن به نظام نظارت الکترونیکی یا انصراف محکوم از ادامه اجرای این مجازات پیش‌بینی نشده است.

می‌توان به پذیرش نهاد نظارت الکترونیکی از دیدگاه «جرم‌شناسی مدیریت خطر» نیز نگریم. از این منظر، زندان برخلاف اندیشه اصلاح و بازپروری تبدیل به «زباله‌دان اجتماعی» یا محلی برای انباشت توده‌های مجرمین پرریسکی می‌شود که ضایعات انسانی و تفاله‌های به‌جامانده از تحولات اجتماعی محسوب می‌شود (پاک نهاد، ۱۳۹۴: ۲۲). بر این اساس، شایسته و بلکه، ضروری است که «گورستان زندگان»^۳، تنها به مرده‌دلان خطرناکی اختصاص یابد که با ارتکاب جرائم سنگین و شدید، نظم عمومی را چنان مخدوش می‌سازند که چاره‌ای جز سلب آزادی آنان

1. Prisonization 2. Labelling

۳. تعبیر به «گورستان زندگان» از مجازات زندان، اشاره به حدیثی است که مطابق آن حضرت یوسف (ع) بر درب زندان مصر به شرح زیر نوشته است: «هَذَا قُبُورُ الْأَحْيَاءِ، بَيْتُ الْأَخْرَانِ، تَجْرِبَةُ الْأَصْدِقَاءِ وَ شِمَاتَةُ الْأَعْدَاءِ»؛ یعنی زندان گورستان زندگان، منزلگاه غم‌ها، مکان آزمودن دوستان و محل سرزنش و شماتت دشمنان است (توجهی، ۱۴۰۲: ۴۴۳).

وجود ندارد (توجهی، ۱۴۰۲: ۴۴۳). با این رویکرد، محکومی که جرم سنگینی را انجام نداده و به عبارتی، دارای حالت خطرناک نیست، با اعزام به زندان ممکن است در محیط زندان آسیب ببیند و انگ مجرمانه نیز آینده وی را تحت شعاع قرار دهد. لیکن، با پذیرش نهاد نظارت الکترونیکی، بزهدار تحت نظارت و مدیریت مقام قضایی قرار می‌گیرد و می‌توان از این طریق مدیریت مناسبی بر رفتار وی اعمال کرد و منجر به گرفتن فرصت‌های تکرار جرم از آنان (توان‌گیری) خواهد شد. به طور کلی، وجود نهاد نظارت الکترونیکی مورد تأیید علم جرم‌شناسی بوده و می‌تواند موجبات جلوگیری از اجرای بسیاری از تصمیمات قضایی و حتی مجازات‌هایی را فراهم آورد که رخداد و عینیت یافتن آن‌ها نتیجه و بیان مثبتی را رقم نمی‌زنند. در این نهاد، بزهدار با نوعی اخطار مواجه است و لذا، سعی خواهد کرد کماکان موجبات خوش‌بینی دستگاه قضایی را نسبت به خود حفظ نماید. بنابراین، در ذات این نهاد می‌توان از عناصر پیشگیرنده و بازدارنده هم سراغ گرفت که تقویت آن‌ها را به مراتب بهتر از اجرای نظام سنتی مجازات‌ها دانست.

آموزه‌های جرم‌شناسی تعامل‌گرا و محکومان می‌توانند تأثیر زیادی بر نهاد نظارت الکترونیکی داشته باشند؛ به عنوان مثال، اصول جرم‌شناسی می‌توانند به عنوان مبنا و استنادی برای تصمیم‌گیری در مورد استفاده از ابزارهای نظارت الکترونیکی استفاده شوند. علاوه بر این، اصول تشخیص و تحلیل جرم‌شناسی می‌تواند در فرایند نظارت و پایش افراد تحت نظارت الکترونیکی از اهمیت بالایی برخوردار باشند؛ به عنوان مثال، با ارزیابی زمان و مکان حضور و یا عدم حضور فرد، میزان رعایت حکم قضایی و یا شناسایی نقض‌های قانونی توسط فرد تحت نظارت. به طور کلی، آموزه‌های جرم‌شناسی به عنوان یک چارچوب تئوری تخصصی، نقش مهمی در طراحی و اجرای نظارت الکترونیکی برای محکومان را دارد.

۲-۳. تحلیل جرم‌شناسی جهانی شدن پذیرش مجازات‌های جایگزین حبس

تردید نیست که طرد نمودن فرد بزهدار از جامعه و محبوس کردن وی در قالب کیفر حبس، علاوه بر محروم‌سازی جامعه از خدمات و کارایی نام‌برده، او را نیز از حقوق اجتماعی محروم ساخته و بازاجتماعی شدن وی را دشوار می‌سازد؛ بر این اساس، تلاش در جهت بازسازی و اصلاح شخصیت مجرم در درون جامعه‌ای که به آن تعلق داشته و پس از تحمل محکومیت نیز در همان جامعه به فعالیت خود ادامه خواهد داد، نقش مؤثری در بازاجتماعی شدن وی ایفا می‌کند که این مهم در پرتو کاربست مجازات‌های جایگزین حبس میسر می‌باشد (توجهی، ۱۴۰۲: ۴۲۵).

در این راستا، یکی از صاحب‌نظران با تصریح به این واقعیت که بهترین راه اصلاح آن است که فرد درون همان جامعه‌ای که به آن تعلق دارد، مورد بازسازی و اصلاح قرار گیرد، ضمن اشاره به نظریات و دیدگاه‌های جرم‌شناختی، می‌افزاید: «یکی از این دیدگاه‌ها، دیدگاه یا نظریه‌ی تعامل‌گرا است که در واقع، ورود فرد به فرایند کیفری مخصوصاً زندان را به عنوان یک عامل

«برچسب‌زننده»، معرفی می‌کند. در این چارچوب، فرد از اجتماع و جمعیت فاصله می‌گیرد و به جمعیت برچسب‌خورده‌ی جامعه اضافه می‌شود و فرد خود را جداشده از جامعه تلقی می‌کند. این دیدگاه به ما تأکید می‌کند که فرد اصولاً به فرایند کیفری وارد نشود یا حداقل به مجازات حبس محکوم نشود (مهدوی، ۱۳۹۳).

بر این اساس، نظر به این که ضرر و زیان حاصل از اجرای کیفر حبس در بسیاری از موارد می‌تواند از آسیب ناشی از جرم ارتكابی بر جامعه بیشتر باشد، اقتضای عدالت و منطق آن است که در کاربست مجازات یادشده، به ضرورت‌ها بسنده گردد و با کاربست سایر مجازات‌ها و یا جایگزین‌های حبس، زمینه‌ی تقلیل آثار منفی زندان و کیفر حبس فراهم شود.

بر این اساس، برخلاف مجازات‌های اصلی که غالباً در یک مجازات منحصر بوده و به‌ندرت به صورت تخییری آن هم بین دو کیفر مقرر گردیده‌اند، مجازات‌های جایگزین حبس اقسام و گونه‌های متعددی داشته و در پرتو این ویژگی مثبت، دادگاه در تعیین اصل و انتخاب نوع آن‌ها اختیار بیشتری دارد که نتیجه‌ی کاربست شایسته‌ی آن، به شخصی کردن حداکثری مجازات‌ها می‌انجامد. در این راستا، مجمع عمومی سازمان ملل متحد با تصویب قطعنامه شماره ۴۵/۱۱۰ در تاریخ ۱۴ دسامبر ۱۹۹۰، با عنوان «حداقل قواعد استاندارد سازمان ملل راجع به اقدامات غیربازداشتی» که به «قواعد توکیو» معروف است، تدابیر جایگزین حبس را در سه مرحله‌ی پیش از محاکمه، محاکمه و تعیین مجازات و بالأخره، مرحله‌ی پس از محاکمه، پیش‌بینی نموده و ضمن مطالبه تنوع‌بخشی در خصوص جایگزین‌های حبس از کشورهای عضو، تأکید می‌کند (توجهی، ۱۴۰۲: ۴۲۷).

لازم به ذکر است که علاوه بر نهادها و سازمان‌های بین‌المللی در سطح منطقه‌ای نیز تلاش‌هایی جهت استفاده از جایگزین‌های حبس به عمل آمده که می‌توان به عنوان نمونه، به «قواعد اروپا در خصوص مجازات‌ها و اقدامات اجتماعی» که در قالب توصیه‌نامه‌ی شماره ۹۹، در سال ۱۹۹۲ به تصویب کمیته وزیران شورای اروپا رسیده، اشاره کرد. به رغم غیرالزام‌آور بودن اسناد بین‌المللی یادشده، از جمله قواعد توکیو و قوانین کشورهای مختلف، در این زمینه تردیدی در تأثیرپذیری آن‌ها از آموزه‌های جرم‌شناسی و تلاش برای بازنگری مقررات داخلی کشورها در خصوص مجازات حبس و جایگزین‌های آن وجود ندارد.

مجازات‌های جایگزین حبس در ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ حاصل تلاشی است که از سال ۱۳۷۹ به همت مدیران قوه قضائیه و جمعی از دانشگاهیان جهت تدوین لایحه قانونی مجازات‌های اجتماعی آغاز گردید. هرچند تهیه‌کنندگان متن اولیه، مجازات‌های اجتماعی را در قالب لایحه‌ای مستقل با عنوان لایحه قانونی مجازات‌های اجتماعی، پیشنهاد کرده بودند^۲ و همواره از اطلاق عنوان

1. United Nations Standard Minimum Rules for Non-custodial Measures (the Tokyo rules).

۲. برای آگاهی از فرآیند تدوین لایحه قانون مجازات‌های اجتماعی، رجوع کنید به: (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۶: ۱۰۹-۱۲۷).

«مجازات‌های جایگزین زندان» به این مجازات‌ها بر حذر بودند، اما متأسفانه فرآیند پریپچ‌وخم تصویب آن هم به عنوان فصلی از قانون مجازات اسلامی و نه به عنوان قانونی مستقل و با توجه به اظهارنظرهای افرادی با دغدغه‌های سیاسی و اجرایی که غالباً با دید ابزاری به آن لایحه نگریستند، آخر الامر منجر به تغییرات زیادی در مواد لایحه شد و متأسفانه، نهایتاً، به عنوان فصل نهم قانون مجازات اسلامی تصویب شد.

البته، انتخاب عنوان «مجازات‌های جایگزین حبس» برای فصل مذکور، امری اتفاقی نبوده است؛ زیرا لایحه مجازات‌های اجتماعی وقتی به مجلس راه یافت، کلیات آن با عنوان «لایحه قانون مجازات‌های اجتماعی جایگزین زندان» به تصویب رسید و به این ترتیب، با پسوندی که به عنوان لایحه افزوده شد، پرده از هدف اصلی آن برداشته شد. نهایتاً، وقتی مواد لایحه مذکور به فصل نهم لایحه قانون مجازات اسلامی انتقال یافت، عنوان «مجازات‌های جایگزین حبس» برای آن فصل برگزیده شد. در لایحه قانونی مجازات‌های اجتماعی، چهار نوع مجازات دوره مراقبت، خدمات عمومی، جزای نقدی روزانه و محرومیت از حقوق اجتماعی پیش‌بینی شده بود؛ اما در ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ جزای نقدی نیز به انواع مجازات‌های جایگزین حبس افزوده شده و این تعداد به پنج نوع رسیده است.

با این وصف، کیفرهای جایگزین که رهاورد اندیشه‌های جرم‌شناسان است، خصیصه‌های بخصوصی دارد؛ از جمله ویژگی‌های بارز آن‌ها، جامعوی و مشارکتی بودن و نقش برجسته‌ای است که جامعه در اعمال آن‌ها ایفا می‌کند (واس^۱، ۱۹۹۰: ۵۲). امروزه، حقوق کیفری متأثر از آموزه‌های جرم‌شناسی نقش فعالی در فرایند اجرای مجازات‌های جایگزین به جامعه مدنی داده است. همین ویژگی سبب می‌شود که مردم در جریان اجرای مجازات قرار گیرند و پذیرش مجرم و هنجارمند کردن وی توسط جامعه سریع‌تر و بهتر صورت گیرد.

بحث و نتیجه‌گیری

حقوق کیفری و جرم‌شناسی، راهی از تقابل تا تعامل را طی کرده‌اند؛ در آغاز، با سربرآوردن مکتب تحقیقی (اثباتی) و ظهور دانش جرم‌شناسی، این دانش هویت خود را در نفی حقوق کیفری می‌جست؛ اما هم‌اکنون این دو گرایش دادوستدی گسترده با یکدیگر دارند و در بیشتر دانشگاه‌های دنیا به عنوان یک گرایش علمی و دانشگاهی به شمار می‌آیند. در این تعامل و دادوستد، بسیاری از قواعد حقوق کیفری عمومی در تأثیرپذیری از اندیشه‌ورزی‌ها و آموزه‌های جرم‌شناسی به نظام‌های حقوق راه یافته‌اند. در این راستا، جرم‌شناسی به عنوان دانشی بین‌رشته‌ای و پویا در یکی دو سده گذشته، نقشی پررنگ در تعدیل و بهبود وضعیت جنایی و حقوق کیفری

1. Vass

کشورها داشته است. به همین دلیل، امروزه امکان به کارگیری بهینه حقوق کیفری به صورت جهانی بدون توجه به آموزه‌های جرم‌شناسی وجود ندارد.

در حقوق کیفری عمومی، آموزه‌های جرم‌شناسی به عنوان یکی از اصول اساسی و مبنایی سیستم کیفری مطرح می‌شوند که هدف آن‌ها، تعیین جرم و مجازات متناسب با آموزه‌های جرم‌شناسی است. این آموزه‌ها، با توجه به شرایط اجتماعی، فرهنگی و حقوقی، از دستاوردهای خاصی برخوردارند که نیازمند ارزیابی و تجدیدنظر مداوم است. این مسأله بیانگر اهمیت ارزیابی جامع و کامل آموزه‌های جرم‌شناسی در حقوق کیفری عمومی است.

با قطعیت از دستاوردهای علمی جرم‌شناسی و مشاهده اثرات و پیامدهای سوء و آسیب‌های اجتماعی غیرقابل جبران مجازات زندان، می‌توان نتیجه گرفت که نقش اصلاحی زندان‌ها به دلیل آثار سوء آن، به حاشیه رانده شده است و دیگر حبس به عنوان مجازاتی با هدف اصلاح، بازپروری و توانمندسازی فرد مجرم برای بازگشت به اجتماع و ادامه زندگی به عنوان فرد عادی، ابزار مناسبی تلقی نمی‌شود و به شدت برای کاهش تبعات منفی حبس، بر ضرورت به کارگیری جهانی شدن گونه‌های نوین مجازات تأکید داشت.

پیشنهادها

۱) قانون‌گذار نهاد حقوقی-جرم‌شناختی نظام نیمه آزادی را با اقتباس از قانون مجازات فرانسه و به توصیه جرم‌شناسان، وارد سامانه حقوق کیفری ایران کرده است؛ لیکن متأسفانه، این اقتباس به صورت ناقص صورت گرفته است؛ برای نمونه، مکانیزم پس گرفتن ارفاق اعطاء شده به محکوم علیه در نظام نیمه آزادی، در صورت عدم رعایت تعهدات، پیش‌بینی نشده است. از این رو، پیشنهاد می‌شود آیین دادرسی حاکم بر نحوه اجرای نهاد نیمه آزادی مبتنی بر آموزه‌های جرم‌شناختی پیش‌بینی شود.

۲) نسبت به نظارت سامانه‌های الکترونیکی، پیشنهاد می‌شود که انصراف محکوم به حبس از رضایت اولیه در مدت قرار داشتن تحت نظارت الکترونیکی در ق.م.ا پیش‌بینی شود؛ چرا که ممکن است شخص محکوم به رغم رضایت ابتدایی مبنی بر قرار گرفتن تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی، به عللی، از استمرار قرار داشتن تحت نظارت منصرف شود. برای اینکه این نهاد مبتنی بر آموزه‌های جرم‌شناسی شود، ضروری است مقنن نسبت به امکان انصراف محکوم علیه از رضایت ابتدایی و آثار آن، تدبیری اتخاذ کند.

۳) پیشنهاد بعدی، رفع ابهام مقنن در مورد سکوت نسبت به تعیین مدت، نوع و کیفیت «محرومیت از حقوق اجتماعی» به عنوان یکی از مجازات‌های جایگزین حبس است. حتی اگر بتوان با تسامح نوع محرومیت مورد نظر مقنن را از مصادیق مندرج در ماده‌ی ۲۶ ق.م.ا استنباط نمود، ولی تعیین مدت آن بدون مستند، وجاهت قانونی ندارد. بر این مبنای، ضروری است قانونگذار نسبت به رفع این خلأ، راهکاری بیندیشد.

منابع

- آشوری، محمد. (۱۳۹۸). جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین. ویراست جدید. انتشارات جهش.
- آقاپور، علی و شاهد، بهارک. (۱۴۰۲). رابطه دولت و عوام‌گرایی کیفری در بستر سیاست جنایی قضایی با تأکید بر پرونده‌های قتل. کارآگاه، ۱۷(۶۲)، ۳۸-۲۱.
- آقایی جنت مکان، حسین. (۱۳۹۳). حقوق کیفری عمومی (کیفرشناسی نو). جلد سوم. چاپ دوم. انتشارات جنگل.
- آنسل، مارک. (۱۴۰۱). اصول دفاع اجتماعی. ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرندآبادی. چاپ ششم. انتشارات گنج دانش.
- اعتمادی، علی؛ شاملو، باقر؛ علیمردی، امان‌اله و احمدی موسوی، سیدمهدی. (۱۳۹۸). جایگاه احترام به کرامت انسانی در ارتقای اقتدار قضایی. تحقیقات حقوق تطبیقی ایران و بین‌الملل، ۱۲(۴۶)، ۱۸۲-۱۵۹.
- اکرمی، روح‌الله و سیف‌الله پور، فرزانه. (۱۳۹۶). تحلیلی بر نظام نیمه آزادی در حقوق کیفری ایران و فرانسه با رویکردی به مبانی فقهی آن. پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۴(۱۳)، ۳۸-۱.
- بابایی، محمدعلی. (۱۳۹۰). جهانی شدن جرم: ضرورتی پیش روی مطالعات و تحقیقات جرم‌شناسی. آموزه‌های حقوق کیفری، ۱۸(۱)، ۱۳۶-۱۱۵.
- باقری، شیرین. (۱۴۰۰). تحلیل جرم‌شناختی اجرای احکام کیفری. چاپ اول. انتشارات مهر کلام.
- پاک‌نهاد، امیر. (۱۴۰۱). اصول جرم‌شناسی. چاپ اول. بنیاد حقوقی میزان.
- پاک‌نهاد، امیر. (۱۳۹۴). سیاست جنایی ریسک‌مدار. چاپ دوم. بنیاد حقوقی میزان.
- پردال، ژان. (۱۳۹۶). تاریخ اندیشه‌های کیفری. ترجمه: علی حسین نجفی ابرندآبادی. چاپ یازدهم. تهران. سمت.
- توجهی، عبدالعلی. (۱۴۰۲). نهادهای ارفاقی در قانون مجازات اسلامی. چاپ اول. تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.
- سلیمی، علی و داوری، محمد. (۱۳۹۳). جامعه‌شناسی کجروی. چاپ ششم. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- شیرینی، عباس. (۱۳۹۷). مکتب جرم‌شناسی انتقادی محکومان، دانشنامه جرم‌شناسی محکومان. به کوشش عباس شیرینی. چاپ اول. بنیاد حقوقی میزان.
- دکسردی، والتر اس. (۱۴۰۲). جرم‌شناسی انتقادی معاصر. ترجمه و تحقیق از مهرداد رایجیان اصلی و حمیدرضا دانش‌ناری. چاپ چهارم. دادگستر.
- رایجیان اصلی، مهرداد. (۱۳۹۸). بزهدیده‌شناسی. جلد اول. چاپ دوم. شهردانش.
- رجبی تاج‌امیر، ابراهیم. (۱۴۰۰). نهادینه‌سازی رویه‌های عدالت ترمیمی در پلیس. مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، ۹(۱۸)، ۱۹۸-۱۶۷.
- رستمی، هادی. (۱۴۰۲). ارزیابی نهادهای ارفاقی در سیاست جنایی ایران (با تأکید بر گسترش افراطی و ناکارآمدی). آموزه‌های حقوق کیفری، ۲۰(۲۵)، ۱۷۸-۱۵۳.
- ریاضت، زینب. (۱۳۹۸). مطالعه جرم‌شناختی مجازات‌های جایگزین حبس در قانون مجازات اسلامی. کتاب چهارم. علوم جنایی تجربی. زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی. چاپ اول. بنیاد حقوقی میزان.

- صديق سروسناني، رحمت الله. (۱۴۰۱). *آسيب شناسی اجتماعی (جامعه شناسی انحرافات اجتماعی)*. چاپ يازدهم. سمت.
- صفاری، علی. (۱۴۰۱). *کیفرشناسی*. چاپ سی و هشتم. انتشارات جنگل.
- صفاری، علی و صابری، راضیه. (۱۳۹۸). *جرم شناسی صلح طلب: رویکرد آن به جرم و راهکارهای مقابله با جرم*. مطالعات پیشگیری از جرم، ۱۴ (۵۳)، ۱۶۶-۱۴۹.
- عبداللهی، افشین. (۱۳۹۳). *تعامل جرم شناسی و آیین دادرسی کیفری*. رساله دکتری رشته حقوق کیفری و جرم شناسی دانشگاه شهید بهشتی.
- فروغی، فضل الله و ایرانی، امیر. (۱۳۹۵). *مطالعه تطبیقی شناسایی و اجرای نظارت الکترونیکی در حقوق کیفری ایران و امریکا*. مطالعات حقوق تطبیقی، ۷ (۲)، ۶۰۱-۶۲۶.
- کرامتی معز، هادی. (۱۴۰۲). *جرم شناسی (طرح مباحث نوین در دانش جرم شناسی)*. چاپ اول. شرکت سهامی انتشار.
- کرامتی معز، هادی و حسن آبادی، عبدالرحمن. (۱۴۰۲). *سیاست کیفری سخت گیرانه در آیین دادرسی کیفری ایران (در بومه نقد)*. چاپ اول. انتشارات عدل قانون.
- مارش، یان و همکاران. (۱۳۹۸). *نظریه های جرم*. ترجمه حمیدرضا ملک محمدی. چاپ دوم. بنیاد حقوقی میزان.
- منصورآبادی، عباس. (۱۳۹۹). *حقوق جزای عمومی ۳*. چاپ اول. بنیاد حقوقی میزان.
- مهدوی، محمود. (۱۳۹۳). *سخنرانی ارائه شده در همایش مجازات های جایگزین حبس و راهکارهای اجرایی آن*. برگزار شده در پژوهشگاه قوه قضاییه ۱۳۹۳/۸/۳.
- نجفی ابرند آبادی، علی حسین و هاشم بیکی، حمید. (۱۴۰۱). *دانشنامه جرم شناسی*. چاپ ششم. گنج دانش.
- نجفی ابرند آبادی، علی حسین. (۱۳۹۸). *پیوند حقوق کیفری و جرم شناسی، افق های نوین حقوق کیفری*. نکوداشت حسین آقایی نیا. چاپ اول. بنیاد حقوقی میزان.
- نجفی ابرند آبادی، علی حسین. (۱۳۹۴). *جرم شناسی در آغاز هزاره سوم، دیباچه در: مگ وایر، مارک و دیگران*. دانشنامه جرم شناسی آکسفورد. ترجمه حمیدرضا ملک محمدی. جلد اول. چاپ دوم. بنیاد حقوقی میزان.
- نجفی ابرند آبادی، علی حسین. (۱۳۸۶). *مجازات های جامعه مدار در لایحه قانون مجازات های اجتماعی جایگزین زندان: راهکاری برای کاهش جمعیت زندان*. در مجموعه مقالات همایش راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان. چاپ اول. بنیاد حقوقی میزان.
- والهی، حمید و احسان پور، سیدرضا. (۱۳۹۵). *جایگاه جایگزین های مجازات حبس با رویکرد فردی کردن آن ها در نظام عدالت کیفری ایران*. مجلس و راهبرد، ۸۵ (۸۵)، ۲۷۸-۲۴۷.

- John Stone, Gerry (2002). *Restorative Justice (Ideas, Values, debates)*, willan publishers.



- Mathew O.yeager (2011). Frank Tannenbaum: The making of a convict criminologist, *The prison journal*, 91, 2.
- Laufer, William S. & Adler, Freda (Editors), (2013). *Advances in Criminological Theory, The Criminology of Criminal law*, Volume 8, Transaction publishers, New Jersey.
- Vass, Antony A, (1990). *Alternatives to Prison, Custody and The Community*, London, Newburly Park Publisher.

The role of the Martens clause in limiting the use of new automatic weapons

Meysam Gharaei¹, Heybatollah Najandi Manesh²✉, Mohammad Reza Alipour³

Abstract

Field and Aims: "Marten's clause" which has manifested and its many effects in the field of humanitarian rights sources, especially in the common article 3, according to the essential elements included in this declaration, that is, "the principles of humanity and the rules of collective conscience", today It has a special place in the construction and formation of the rules of customary international law. The issue of the rule gap in the production and use of new automatic weapons is one of the main human rights challenges for all governments. The Islamic Republic of Iran, as one of the countries It is advanced in the production of new automatic weapons, which, of course, has always adhered to the general principles of humanitarian law and has regulated some cases in this field in terms of legal and jurisprudence, but due to the superiority of the rules of customary international law over domestic laws, the issue of legislation in This field has a vacuum and needs to be revised in the internal laws. In this research, which is carried out by analytical-descriptive method, we are trying to answer this basic question, what is the role of "Marten's clause" in limiting the use of this challenge to make the rule.

Method: This article is written in a descriptive-analytical way.

Finding and Conclusion: According to the numerous works affected by the "Martens clause", the results indicate that governments can consider the principles of this declaration as a mechanism for creating rules in customary international law, because until reaching The international community has a common goal to create a universally binding customary rule, the issue of belief in the legal obligation to the general principles of humanitarian rights, must first be formed in the belief of the governments.

Keywords: principles of humanity, Opinion juris, customary international law, new automatic weapons, Marten's clause.

*Citation (APA): Gharaei, M.; Najandi Manesh, H.; Alipour, M. (2024). The role of the Martens clause in limiting the use of new automatic weapons. *International Legal Research*, 17(63), 23-44.

1. PhD candidate in Public International Law, Faculty of Law, Theology and Political Sciences, Science and Research Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: m.gharaei110@gmail.com

2. Assistant Professor, Department of Public and International Law, Faculty of Law and Political Sciences, Allameh Tabatabaiee University, Tehran, Iran. (Author).
Email: hnajandimanesh@gmail.com

3. Assistant Professor, Department of Public and International Law, Faculty of Law, Theology and Political Sciences, Science and Research Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
Email: m_alipour@srbiau.ac.ir

نقش شرط مارتنس در تحدید بکارگیری تسلیحات جدید خودکار

میثم قارایی^۱، هیبت الله نژندی منش^۲✉، محمدرضا علی پور^۳

چکیده

زمینه و هدف: «شرط مارتنس» که تجلی و آثار متعدد آن در حوزه منابع حقوق بشردوستانه، به ویژه در ماده ۳ مشترک بروز و ظهور نموده، به حسب عناصر مُقَوِّم مندرج در این اعلامیه، یعنی «اصول انسانیت و احکام وجدان جمعی»، امروزه از جایگاه خاصی در ساخت و شکل گیری قواعد حقوق بین الملل عرفی برخوردار است. موضوع خلأ قاعده در تولید و استفاده از تسلیحات جدید خودکار یکی از چالش های اصلی حقوق بشری برای همه دولت ها می باشد. جمهوری اسلامی ایران نیز به عنوان یکی از کشورهای پیشرفته در تولید تسلیحات جدید خودکار می باشد که البته، همواره به اصول کلی حقوق بشردوستانه پایبند بوده و مواردی را در این حوزه به لحاظ قانونی و فقهی قاعده سازی نموده است؛ لیکن، به دلیل برتری قواعد حقوق بین الملل عرفی نسبت به قوانین داخلی، موضوع قانونگذاری در این زمینه دچار خلأ بوده و نیازمند بازنگری در قوانین داخلی می باشد. در این پژوهش که به روش تحلیلی- توصیفی صورت می گیرد، درصدد پاسخ به این سؤال اساسی هستیم که «شرط مارتنس» در قبال تحدید بکارگیری این چالش برای ساخت قاعده چه نقشی دارد؟

روش: این مقاله به شیوه توصیفی- تحلیلی نگارش یافته است.

یافته ها و نتایج: با توجه به آثار متعدد متأثر از «شرط مارتنس»، نتایج حاکی از آن است که دولت ها می توانند اصول این اعلامیه را به عنوان سازوکاری برای خلق قاعده در حقوق بین الملل عرفی قلمداد نمایند؛ چرا که تارسیدن جامعه جهانی به یک هدف مشترک برای ایجاد قاعده عرفی الزام آور عام الشمول، موضوع باور الزام حقوقی به اصول کلی حقوق بشردوستانه، ابتدا باید در باور دولت ها شکل بگیرد.

کلیدواژه ها: اصول انسانیت، احکام وجدان جمعی، حقوق بین الملل عرفی، تسلیحات جدید خودکار، شرط مارتنس.

* استناددهی (APA): قارایی، میثم؛ نژندی منش، هیبت الله؛ علی پور، محمدرضا. (۱۴۰۳). نقش شرط مارتنس در تحدید بکارگیری تسلیحات جدید خودکار. *تحقیقات حقوقی بین المللی*، ۱۷(۶۳)، ۲۳-۴۴.

۱. دانشجوی دکتری حقوق بین الملل عمومی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: m.gharaei110@gmail.com
۲. استادیار گروه حقوق عمومی و بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). رایانامه: hnajandimanesh@gmail.com
۳. استادیار گروه حقوق عمومی و بین الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: m_alipour@srbiau.ac.ir

مقدمه

حقوق بین‌الملل بشردوستانه به طور خاص از بدو تکوین تاکنون و در گذر از نظریات متفاوت و کارکردهای گوناگون، تحولات بسیاری را به خود دیده است. همچنین، مسئله منابع در رشته‌های حقوقی مزبور همواره از موضوعاتی بوده است که بخصوص در خلال یک‌صد سال گذشته دائماً دچار توسعه و تحولات بسیاری شده است. از یک سو، عرف بین‌المللی موجود درباره بسیاری از موضوعات دچار تغییرات کلی و جزئی شده و همچنین، در بسیاری از موارد که قواعد حقوقی و عرفی چندانی وجود نداشته، با ایجاد رویه‌های مستمر میان دولت‌ها که اصلی‌ترین بازیگران حقوق بین‌الملل هستند، عرف‌های جدید شکل گرفته است. یکی از این ابداعات نوآورانه در حقوق بین‌الملل بشردوستانه که بعداً دستخوش تحولات شگرفی گردید و روند شناسایی قواعد عرفی را متحول ساخت، تدوین و تصویب اعلامیه «شرط مارتنس»^۱ در جامعه بین‌المللی بود که بر مبنای آن در قلمرو حقوق بشردوستانه در ابتدای امر، موضوع لاینحل حمایت‌های افراد غیر نظامی، اسرای جنگی و سایر اشخاص در زمان مخاصمه نیز مسائل شکلی و ماهوی که محل اختلاف بسیاری از دولت‌ها بوده است را حل نمود (طرحی، ۱۳۹۸: ۳۵) و سپس، به تدریج با توسعه حقوق بین‌الملل بشردوستانه و تعدد کاربرد آن و نیز تفاسیر و نظرات مختلف، اذهان را به سمتی سوق داد که با وجود چنین تحولی در ساخت قاعده عرفی و مبنا قرار دادن اصول مندرج در شرط مارتنس، یعنی اصول انسانیت^۲ و احکام وجدان جمعی^۳، نمی‌توان هیچ‌کدام را به عنوان عذری برای انجام اقدامات مخالف با اصول بنیادین حقوق بین‌الملل بشردوستانه که از عرف (اصول بشریت و احکام وجدان جمعی) سرچشمه گرفته شده باشد را از دولت‌ها پذیرفت. با این حال، یکی از چالش‌های پیش روی جامعه بشری که تاکنون در حقوق بین‌الملل بشردوستانه قاعده‌مند نشده، موضوع خلأ قاعده در تولید و استفاده از تسلیحات جدید خودکار است. در این پژوهش که به روش تحلیلی-توصیفی صورت گرفت، درصدد پاسخ به این سؤال اساسی هستیم که «شرط مارتنس» در قبال تحدید بکارگیری این چالش در حقوق بین‌الملل و در حقوق داخلی چه نقشی دارد و یا می‌تواند داشته باشد؟

مفهوم‌شناسی شرط مارتنس

به موجب این شرط «تا هنگامی که مجموعه کامل‌تری از قواعد ناظر بر جنگ تدوین و تصویب نگردیده است، طرفین معظم در خصوص اعلام این مهم موافقت می‌نمایند در مواردی که تحت شمول مقررات مصوب قرار نمی‌گیرد، غیرنظامیان و نظامیان تحت حمایت و اقتدار اصول حقوق بین‌الملل منبعت از رویه تثبیت‌شده میان ملل متمدن، اصول انسانیت و احکام وجدان

1 Marten's clause

2 laws of humanity

3 requirements of the public conscience



جمعی باقی خواهند ماند»^۱ امروزه، شرط مارتنس نسبت به کل قلمرو حقوق بشردوستانه قابل اعمال است و این امر به اشکال مختلف در غالب اسناد مربوطه تأیید و تصدیق شده است (زر نشان، ۱۳۹۷:۳۲۲).

بررسی محتوایی اصول مندرج در شرط مارتنس

با عنایت به طیف وسیعی از تفاسیر گوناگون پیرامون شرط که برخی به تفسیر حداقلی و مضیق و برخی بسیار موسع آن قائل هستند، در نخستین گام باید کاربرد شرط مارتنس و البته، اجزا آن را در محاکم بین‌المللی، رویه‌های قضایی و نظرات حقوقدانان ملاحظه و مورد مذاقه قرار داد. شرط مارتنس دارای سه عنصر اصلی است: اصول حقوق بین‌الملل (ملت‌ها)، اصول بشریت و احکام وجدان جمعی. آنچه که در بین این اصول حائز اهمیت است و تفاسیر مختلفی از آن به میان آمده، دو شرط اصول انسانیت و احکام وجدان جمعی است؛ چرا که اصول ملت‌ها برآمده از عرف رایج بین ملت‌هاست. البته، این مفاهیم، به صورت مفهومی در ادبیات حقوق بین‌الملل، گنگ و مبهم می‌باشد و در هیچ سند الزام‌آوری که مبین روشن شدن مفهومی دقیق باشد، وجود ندارد و نیازمند تحلیل بیشتر می‌باشد.

۱- اصول انسانیت

نخستین جزء شرط «اصول انسانیت» است که اساساً، نمی‌توان آن را مجزا از ملاحظات اولیه انسانی دانست؛ مفهومی که برای مدت‌ها مورد توجه قضات، داوران و سایر اندیشمندان بوده و همواره برای اعطاء معنایی مشخص به آن تلاش گردیده و به طور خاص، در حیطه تعهدات دولت‌ها مطرح شده است (مرون^۲، ۲۰۰۰: ۸۲). واژه بشریت به طور کلی دارای تعاریف گوناگونی است، ولی آنچه که در بین اساتید اهل فن به آن اشاره شده، منظور از بشریت، توده‌ای انبوه از انسان‌ها که از استخوان و ریشه سرشته شده باشند، نیست؛ بلکه، همان ارزش‌های متعالی است که در تمام نظام‌های فکری و رفتاری به آن اعتبار داده شده است (فلسفی، ۱۳۷۹: ۴۰۳). در چارچوب نظری هم می‌توان بشریت را سرآمد مفاهیمی دانست که مدافعان حقوق طبیعی جدید از آن تحت عناوین و قالب‌های حقوقی مختلف بهره می‌گیرند تا بتوانند با عبور از اراده‌گرایی و پوزیتیویسم حقوقی، از چارچوب مضیق جزم‌گرایی حقوق خارج شوند و به ورای صرف دولت‌ها عزیمت کنند (تاور، ترجمه بیگ زاده، ۱۳۹۶: ۹). از منظر دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه کانال کورفو بیان داشت که: تعهدات دولت آلبانی بر اساس کنوانسیون لاهه ۱۹۰۷ که تنها در شرایط مخاصمه قابل اعمال

1. Until a more complete code of the law is issued, High Contracting Parties think it right to declare that in cases not included in the Regulations adopted by them, populations and belligerents remain under the protection and empire of the principles of international law, as they result from the usages established between civilized nations, from the laws of humanity, and the requirements of the public conscience.

2. Meron

است، به این دولت قابل انتساب نبوده، بلکه از برخی اصول خاص شناخته شده ناشی می‌گردد که «ملاحظات اولیه انسانی» نامیده می‌شوند که چه در شرایط مخاصمه و چه در زمان صلح قابل اعمال هستند.^۱ همچنین، دیوان در قضیه فعالیت‌های نظامی و شبه‌نظامی در نیکاراگوئه در رأی خود به سال ۱۹۸۶ عنوان داشت که: «رفتار دولت ایالات متحده آمریکا را می‌توان بر اساس اصول اساسی حقوق بشر دوستانه مورد قضاوت قرار داد و همچنین، قواعد خاصی که در ماده ۳ مشترک مورد اشاره قرار گرفته‌اند، نوعی معیار حداقلی را به منظور ارزیابی اعمال آن دولت فراهم می‌سازند؛ به علاوه، اصول دیگری را در این رابطه می‌توان مطمح نظر قرار داد که دیوان آن‌ها را پیش‌تر در قضیه کانال کورفو «ملاحظات اولیه انسانی» نامیده است.»^۲

۲- احکام وجدان جمعی

دومین جز شرط مارتنس نیز «احکام وجدان جمعی» است که به ارزش‌های مشترک در میان همه انسان‌ها و از ارزش‌های عرفی همه تمدن‌های بشری از آن یاد می‌شود. وجدان جمعی همچنین می‌تواند همچون اصولی در نظر گرفته شود که بطور گسترده‌ای به عنوان ترقی در منافع مشترک جهانی که محدود به حقوق فردی نیست، شناخته شده است (دهقانی، ۱۴۰۰: ۲۹۷). وجدان جمعی در کنار هم قرار دادن داورهایی است که انسان‌ها بر اساس وجدان فردی خود انجام می‌دهند و ملاک و معیار رفتارهای بین‌المللی، انطباق و یا تعارض با آن است (حسینی و راعی، ۱۳۹۵: ۴۵۸ و ۴۴۶). به‌طور کلی، می‌توان آن را از دو منظور مورد توجه قرار داد: نخست آنکه ممکن است آنها را بازنمای نظر عموم دانست که رفتار طرفین مخاصمه را شکل داده و موجب توسعه حقوق بین‌الملل بشر دوستانه می‌گردد؛ دوم آنکه به موجب دیدگاهی دیگر می‌توان احکام وجدان جمعی را به مثابه انعکاس اعتقاد به الزام حقوقی^۳ مورد توجه قرار داد که اصلی‌ترین مؤلفه احراز عرف بین‌المللی مدرن است؛ همچنین، از دیرباز در دستورالعمل نظامی بسیاری از کشورها نیز مورد تأکید قرار گرفته است؛ به‌عنوان مثال، در قرن نوزدهم، دستورالعمل نظامی تدوین شده برای ارتش اسپانیا^۴ مقرر داشته بود که قواعد ناظر بر جنگ و حقوق ملت‌ها ریشه در عقاید اصیل و استوار انسانی، عدالت و حسن‌نیت دارند و تبعیت ارتش از آن قواعد به صلاح خود ارتش و سایر تابعان خواهد بود. در همین راستا، دستورالعمل مزبور به «وجدان جمعی» نوعی قدرت قاعده‌سازی اعطا کرد که به موجب آن، مفهوم اخیر توانایی ایجاد قاعده در حیطه مخاصمات و همچنین، تعیین مجازات برای موارد نقض نظم عمومی را داراست. همین مسئله در دستورالعمل‌های نظامی حال حاضر نیز به چشم می‌خورد؛ به عنوان نمونه، دستورالعمل نظامی ارتش بریتانیا به نحوی مشابه بر

1. Corfu Channel case (UK v. Albania), Merits, 1949, ICJ Rep 4, p. 22.

2. Military and Paramilitary activities in and against Nicaragua (Nicaragua v. U.S.), Merits, 1985 ICJ Rep. 14,113-114, para 218.

3. Opinion juris

4. Reglamento para el servicio de campana



اهمیت «احکام وجدان جمعی» و آراء عمومی تأکید می‌ورزد. به موجب این دستورالعمل، هیچ دولتی نمی‌تواند بطور کلی خود را از قیود آراء عمومی و جهانی مبری بداند (طرحی، ۱۳۹۸: ۳۸). در نتیجه، اصول بشریت مندرج در شرط مارتنس، همان ملاحظات اولیه انسانی و یا همان ملاحظات بشردوستانه است که در همه وقت، چه در زمان صلح و چه در زمان مخاصمه، قابل اعمال است و آن متشکل از سه عنصر است: «۱- حق طرفین برای انتخاب وسایل و روش‌های جنگی نامحدود نیست. ۲- باید بین اشخاصی که در عملیات نظامی مشارکت دارند و اشخاصی که به جمعیت غیرنظامی تعلق دارند، تفکیک قائل شد و تا سرحد امکان باید آنها را از صحنه مخاصمه نجات داد. ۳- در آخر اینکه شروع حمله به جمعیت غیرنظامی ممنوع است.»

این اصول در حال حاضر جزئی از ارزش‌های اساسی، بنیادین و مشترک جامعه جهانی می‌باشند و دولتی که به این ارزش‌ها بی‌توجه باشد و یا باوری به وجود آنها نداشته باشد، بی‌شک نمی‌تواند جایگاهی در جامعه بین‌المللی امروز داشته باشد و احکام وجدان جمعی به‌مثابه همان اعتقاد به الزام حقوقی دولتها قلمداد می‌شود. امروزه، نظام کنونی حقوق بین‌الملل بشردوستانه تحت تأثیر برخی تحولات ناشی از رشد و گسترش مفاهیم انسانی و ملاحظات اولیه بشری قرار دارد و به وضوح روح شرط مارتنس در معاهدات، آراء قضایی، محاکم مختلف و رویه‌های قضایی و حتی در قوانین داخلی دولتها نیز دیده می‌شود. این موضوع البته، ریشه در اندیشه مکتب حقوق طبیعی دارد و توانسته پا جای اراده دولتها در فرآیند خلق قواعد حقوق بین‌الملل موضوعه بگذارد و حقیقتاً، تحولی نوین را در روند شکل‌گیری و سپس، شناسایی قاعده عرفی بوجود آورده است. تحولی که ریشه آن در شرط مارتنس بوده و تبلور و انعکاس آن ابتدا در شناسایی ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو نیکاراگوئه ۱۹۸۶ گواهی بر این مدعا بوده است که دیوان بین‌المللی دادگستری در روند شناسایی قواعد حقوق بین‌الملل عرفی از ملاحظه رویه دولتها در وهله اول - که همواره عنصر کلیدی در فرایند ساخت و پرداخت قواعد حقوق عرفی بوده است - صرف نظر کرده و در این روند برای اعتقاد حقوقی دولتها نقش محوری غالب قائل شده است.

در این چارچوب، اعتقاد حقوقی دولتها نه از رویه آنان، بلکه منبعث از اصول مندرج در شرط مارتنس، یعنی اصول انسانیت و احکام وجدان جمعی است. به دیگر سخن، اعتقادی که نه در چارچوب اراده دولتها و منافع ملی آنها، بلکه تحت تأثیر غالب اصول و اندیشه‌های آرمانی و ارزشی حقوق طبیعی شکل می‌گیرد. بطور کلی معمولاً، نقش شرط مارتنس بعنوان منبع ماهوی بر عرف بعنوان یک منبع شکلی مورد توجه قرار می‌گیرد و در این عرصه، شناسایی و احراز اعتقاد حقوقی دولتها نیازی به وجود رویه‌های مقدم و تجربه‌های پیشینی ندارد، بلکه اعتقاد حقوقی (نسبت به الزام آور بودن قاعده‌ای خاص) - براساس همان اصول انسانیت و احکام

وجدان جمعی که بی‌شک مورد قبول و پذیرش تمام اعضای جامعه بین‌المللی است - فرض گرفته شده و سپس، پیروی از آن در رویه دولت‌ها بررسی می‌شود. در همین راستا، تئودور مروون^۱ هم تصدیق کرده است که «شرط مارتنس گرایشی را تقویت می‌کند که بر اساس آن در فرآیند شکل‌گیری قواعد حقوق بین‌الملل عرفی، در وهله اول، احکام وجدان جمعی به عنوان مبنا مدنظر قرار گیرد تا رویه دولت‌ها» (مروون، منبع پیشین: ۸۸). همچنین، به همین ترتیب بوده است، دیدگاه آنتونیو کاسسه^۲ در رابطه با قید مذکور که وی معتقد بوده «عناصر مادی و معنوی به عنوان عناصر تشکیل‌دهنده عرف در یک شاخه خاص از حقوق بین‌الملل، یعنی حقوق بشردوستانه در درگیری‌های مسلحانه، نقش متفاوتی را ایفاء می‌نمایند. این امر بدلیل شرط معروف مارتنس است (کاسسه^۳، ۲۰۰۴: ۲۱۴). به نظر کاسسه، اینگونه اثبات شده است که: «برای شکل‌گیری یک اصل یا قاعده مبتنی بر قواعد انسانیت یا احکام وجدان جمعی، شرط عملکرد دولت لازم نیست یا حداقل این الزام نباید در مورد اصول و قواعدی که از شالوده و منطق متفاوت (انسانی) برخوردارند، آنقدر دارای اهمیت باشد. به عبارت دیگر، زمانی که مشخص شود یک اصل یا قاعده کلی ناظر بر قواعد انسانیت (احکام وجدان جمعی) است، در نتیجه تأثیر شرط مارتنس در حقوق بین‌الملل تکوین یافته است.» (منبع پیشین: ۱۲۱). در واقع، از طریق ماده ۳ مشترک بود که ورود حقوق بشردوستانه به نظام حقوقی داخلی دولت‌ها ممکن شد و به این ترتیب، شکاف عمیق بر دیوار سخت و سنگین حاکمیت دولت وارد کرد.^۴ در نتیجه اینکه شناسایی ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ توسط دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوئه نقطه عطفی بود در فرآیند شناسایی قواعد حقوق بین‌الملل عرفی. تصویب ماده ۳ مشترک را در حقیقت باید «تحویلی بنیادی» در حمایت از انسان به هنگام این نوع مخاصمات دانست. ترتیبات این ماده هر اندازه که محدود و کم‌شمار باشد، رخنه‌ای بی‌سابقه در سد نفوذناپذیر صلاحیت انحصاری دولت‌ها در این زمینه ایجاد کرد. پس، بی‌راه نیست که ماده ۳ مشترک را «تحویلی انقلابی» یا بهتر از آن، «انقلاب حقوقی واقعی» توصیف کنند؛ زیرا دولت‌ها پذیرفتند که از آن پس، اگر گروهی از مردم از فرمان حکومت سر پیچیدند و بر ضد آن شوریدند، حقوق بین‌الملل بر این رابطه و نزاع مسلحانه حاکم باشد.

تأثیر و انعکاس شرط مارتنس در منابع حقوق بین‌الملل بشردوستانه

1. Theodor Meron
2. Antonio Cassese
3. casese
4. G. Abi-Saab, *Conflicts armes non internationaux*, in: *Les dismensions internationaux du droit humanitaire*, UNESCO, Pedone, Paris, 1986, p.256.

به نقل از: ممتاز، جمشید و رنجبریان، امیرحسین، منبع پیشین، صص ۳۹ و ۴۰.



تأثیر شرط مارتنس در حوزه معاهدات، آراء دیوان بین‌المللی دادگستری و دیوان کیفری بین‌المللی

همانطور که در مطلب قبل بیان شد، شناسایی ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ توسط دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوئه نقطه عطفی در فرآیند شناسایی قواعد حقوق بین‌الملل عرفی بود، ولی آثار آن در منابع دیگر حقوق بین‌الملل بشردوستانه قابل ملاحظه است. بطور کلی، اصل خود شرط در مقدمه کنوانسیون شماره ۲ لاهه در خصوص قوانین و قواعد عرفی جنگ زمینی درج شد^۱ و در کنفرانس دوم صلح لاهه ۱۹۰۷ در بند ۸ مقدمه کنوانسیون شماره ۴ در خصوص جنگ زمینی مجدداً مورد تأکید قرار گرفت.^۲ شرط مذکور در بسیاری از معاهدات حقوق بشردوستانه نیز درج شده است که از آن موارد می‌توان به پروتکل ۱۹۲۵ ژنو در خصوص ممنوعیت گازهای سمی^۳، کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ (ماده ۶۳(۴)) کنوانسیون اول ژنو در مورد بهبود شرایط مجروحان و بیماران و غریقان نیروهای مسلح در میدان جنگ^۴ ماده ۶۲ کنوانسیون دوم ژنو راجع به بهبود سرنوشت مجروحان، بیماران و غریقان نیروهای مسلح در دریا،^۵ ماده ۱۴۲ کنوانسیون سوم راجع به معامله با اسیران جنگی^۶ و ماده ۱۵۸ کنوانسیون راجع به حمایت افراد کشوری در زمان جنگ^۷ و سپس، مجدد بار عین عبارات شرط مارتنس در پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷ در ارتباط با قربانیان مخاصمات مسلحانه (بند ۲ ماده ۱ پروتکل اول و بند چهارم مقدمه پروتکل الحاقی دوم) بیان گردید و در ادامه، در مقدمه کنوانسیون ۱۹۸۰ ژنو در خصوص ممنوعیت برخی تسلیحات متعارف^۸، مقدمه کنوانسیون ۱۹۸۰ ژنو در خصوص ممنوعیت جامع مین‌های ضد نفر^۹ و کنوانسیون ۲۰۰۸ در خصوص ممنوعیت بمب‌های خوشه‌ای^{۱۰} در حوزه حقوق

۱. ضمن اینکه در کنار تعریف شرط مارتنس باید به این نکته مهم توجه داشت که فارغ از اینکه چه تفاسیر گوناگونی در مورد ماهیت و اجزاء آن ارائه گردیده، به واسطه تأکید رویه قضایی در دادگاه نونبرگ، عملکرد دیوان بین‌المللی دادگستری، فعالیت‌های نهادها و سازمان‌های مختلف و اسناد متعدد مرتبط با حقوق بشردوستانه، نباید شرط مارتنس را صرفاً محدود به کنفرانس صلح لاهه و موضوع خاص آن دانست؛ بلکه موارد فوق به پذیرش عام و مقبولیت بین‌الملل شرط مارتنس (لااقل با تفسیری مضیق از آن) گواهی می‌دهند.

2. Hague Convention (IV) Respecting the Laws and Customs of War on Land, The Hague, 1907, Preamble.
3. Protocol for the Prohibition of the Use of Asphyxiating, Poisonous or Other Gases, and of Bacteriological Methods of Warfare. Geneva, 1925.
4. Geneva Convention for the Amelioration of the Condition of the Wounded and Sick in Armed Forces in the Field, Geneva, 1949, Art. 63(4).
5. Geneva Convention for the Amelioration of the Condition of Wounded, Sick and Shipwrecked Members of Armed Forces at Sea, 1949, 75 UNTS 8, Art. 62.
6. Geneva Convention Relative to the Treatment of Prisoners of War, 1949, Art. 142.
7. Geneva Convention Relative to the Protection of Civilian Persons in Time of War, 1949, Art. 158.
8. Convention on Prohibitions or Restrictions on the Use of Certain Conventional Weapons Which May Be Deemed to Be Excessively Injurious or to Have Indiscriminate Effects, 1980, Preamble.
9. Convention on the Prohibition of the Use, Stockpiling, Production and Transfer of Anti-Personnel Mines and on their Destruction, 1997.
10. Convention on Cluster Munitions, 2008.

بشر نیز علاوه بر بند دوم مقدمه اعلامیه جهانی حقوقی بشر^۱ در قطعنامه ۲۳ کنفرانس تهران راجع به حقوق بشر در سال ۱۹۶۸، ذکر نمود.^۲ جدا از این موارد، رویکرد دیوان در رأی مشهور مربوط به مشروعیت تهدید یا استفاده از سلاح‌های هسته‌ای در حقوق بین‌الملل ۱۹۹۶ نیز قابل تأمل و ملاحظه است. در چارچوب این رأی و به منظور شناسایی حقوق بشردوستانه قابل استناد در پرونده، دیوان پس از اینکه نتوانست دریابد در عرصه حقوق بین‌الملل منع جامع و جهانشمولی فی‌نفسه در مورد تهدید یا کاربرد سلاح‌های هسته‌ای وجود دارد، پاسخ به این پرسش را پیش روی خود قرار داد که آیا توسل به سلاح‌های هسته‌ای را با در نظر گرفتن اصول و قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه قابل اعمال در درگیری‌های مسلحانه و حقوق بی‌طرفی می‌توان نامشروع تلقی کرد یا خیر؟ در این زمینه، دیوان ضمن تأیید و تصدیق نظر اکثریت وسیعی از دولت‌ها و همچنین، حقوقدانان دال بر قابل اعمال بودن اصول و قواعد حقوق بشردوستانه حاکم در درگیری‌های مسلحانه در زمینه تهدید یا کاربرد احتمالی سلاح‌های هسته‌ای و در این چارچوب، بررسی اصولی چون تفکیک و منع ایراد درد و رنج غیر ضرور، اذعان می‌دارد: «تصور شرایطی که در آن کاربرد سلاح‌های هسته‌ای حقوق بین‌الملل بشردوستانه را نقض نکند، دشوار است؛ به ویژه، در پرتو خصوصیات منحصر به فرد این گونه سلاح‌ها». به زعم دیوان، اصول مذکور متضمن ماهیتی بنیادین‌اند که باید توسط کلیه دولت‌ها اعم از اینکه کنوانسیون‌های دربردارنده آن اصول را تصویب کرده باشند یا خیر، رعایت شوند؛ زیرا آنها اصول غیر قابل تخطی حقوق بین‌الملل عرفی و منعکس‌کننده «ملاحظات اولیه بشری» هستند.^۳

سلاح‌های خودکار مرگبار

سلاح‌های کاملاً خودکار یا روبات‌های خودگردان کشنده،^۴ تسلیحاتی هستند که بدون مداخله انسان به طور کاملاً خودکار اهداف خود را شناسایی و تعقیب می‌کنند و مورد هدف قرار می‌دهند.^۵ این تسلیحات با اتصال به رایانه برنامه‌ریزی شده و با یک بار راه‌اندازی توسط عامل انسانی، به عنوان یک رزمنده، بدون دخالت و نظارت انسان، از طریق برنامه‌های رایانه‌ای و حسگرهای خود به انجام عملیات جنگی می‌پردازند. شایان ذکر است که باید میان تسلیحات کاملاً خودکار و تسلیحاتی که به دوربین مجهزند و از طریق اپراتورها کنترل و هدایت می‌شوند یا تسلیحاتی که به هوش مصنوعی مجهزند، تمایز قائل شد. پیشرفت‌های تسلیحاتی و فنی جنگی از جمله «هوایم‌ای بدون سرنشین»^۶، «پهباد»^۱ روبات شناسایی یا روبات کشف و خنثی‌کننده مین،

1. UN General Assembly, Res.217 A (III), 1948.

2. UN International Conference on Human Rights, Tehran, Iran, 1968.

3. ICJ Reports, 1996: para 79-75..

4. Lethal Autonomous Robots

5. Views of the International Committee of the Red Cross (ICRC) on autonomous weapon system, 11 April 2016

6. The Unmanned Aerial Vehicle



غالباً با هدف افزایش قدرت نظامی و کاهش خطرات مخاصمه برای رزمندگان خودی حاصل می‌شوند.^۲ «روبات نظامی خودفرمان»^۳ نیز مانند سایر ابزارهای جنگی تحت حقوق مخاصمات مسلحانه است و باید قواعد آن را رعایت کند (کارافانو^۴، ۲۰۱۴: ۳). این واقعیت که فناوری‌های نوظهور مانند هوش مصنوعی^۵ بسیار سریع‌تر از حقوق مخاصمات مسلحانه توسعه پیدا کرده است، غیرقابل انکار است. پیشرفت سریع در حوزه هوش مصنوعی در راستای تولید تسلیحات خودکار مرگبار سبب شده تا مانند مخاصمات کاملاً مجازی که در «فضای سایبری»^۶ رخ می‌دهد، ابهاماتی در خصوص قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه در رابطه با مشارکت روبات‌ها در جنگ و مسئولیت ناشی از اقدامات آنها ایجاد شود (گنیس^۷، ۲۰۱۵: ۱۲)؛ برای مثال، هنگامی که روبات نظامی مرتکب «جنایت جنگی»^۸ می‌شود، چه کسی را باید مسئول تلقی کرد؟ یا اینکه آیا روبات نظامی می‌تواند اصول حقوق بین‌الملل بشردوستانه را هنگامی که در مقابل انسان‌ها مبارزه می‌کند، رعایت کند؟ تسلیحات خودکار که نوعی روبات رزمنده محسوب می‌شوند، از ویژگی‌های منحصر به فردی برخوردارند که موجب شده است توجه بیشتر کشورهای جهان به آنها جلب شود و با اختصاص بودجه‌های چشمگیر، تحقیقات برای تولید این سلاح‌ها را آغاز کنند؛ برای مثال، این روبات‌ها گرسنه نمی‌شوند و به آب و غذا نیازی ندارند. از آنجا که فاقد ادراک و شعور انسانی‌اند، بدون هیچ گونه ترس و وحشتی تمام دستورهای محوله را اجرا می‌کنند. مهم‌تر اینکه، واگذاری مأموریت‌های عملیاتی به چنین روبات‌هایی، جان سربازان را حفظ می‌کند و به طور چشمگیری از تلفات احتمالی طرفی که از این نوع تسلیحات استفاده می‌کند، می‌کاهد (شریفی طراز کوهی و صیادنژاد، ۱۳۹۹: ۵۶۲). در مخاصمات مسلحانه کنونی، به نحو گسترده‌ای از روبات استفاده می‌شود؛ بطوری که در حال حاضر، بیش از ۴۳ کشور از برنامه‌های نظامی روباتیک بهره می‌برند. در حال حاضر، دولت‌ها، برای داشتن دست برتر، تمایلی به افشای برنامه‌ها و دستاوردهای خود به خصوص در حوزه فناوری‌های نوین و تسلیحات نوظهور خود ندارند. بنابراین، صحبت کردن در مورد تسلیحاتی که اطلاعات بسیار کمی در مورد آنها داریم و بسیاری از وجوه آنها پنهان است، بسیار سخت است. از سوی دیگر، سنجش خطرها و فرصت‌های آنچه هنوز به بلوغ نهایی خود نرسیده است، بسیار مشکل است. تسلیحات خودکار و روبات‌ها، هم در تعداد و هم در کارکردها

1. Drone

2. Crotoof, Rebecca. "War, Responsibility, and Killer Robots," N.C. J. INT'L L. & COM. REG, 2015, vol. XL, p. 920.

به نقل از رنجریان و بذار، (۱۳۹۷)، رعایت حقوق بین‌الملل بشردوستانه از سوی روبات نظامی خودفرمان و مسئولیت ناشی از اقدامات آنها، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۵۹، ص ۶۴.

3. Autonomous Military Robot

4. Carafano

5. Artificial intelligence

6. Cyberspace

7. Gneiss

8. War Crime

و زمینه‌هایی که به کار می‌روند، در حال افزایش هستند (رنجیریان و بذار، ۱۳۹۷: ۶۴). سرمایه‌گذاری روبه‌رشد نظامی در تکنولوژی رباتیک توسط ایالات متحده آمریکا و بیش از چهل دولت دیگر نشان از این دارد که روبات‌ها در حال تبدیل شدن به بخش مهمی از تسلیحات آینده‌اند. ایالات متحده برای کاهش به خطر افتادن جان سربازان خود، جمع‌آوری اطلاعات و حملات مخفیانه^۱ از روبات‌ها استفاده می‌کند. اسرائیل و کره شمالی نیز برای حفظ امنیت ملی و مرزهای خود از روبات‌ها برای گشت‌زنی بهره می‌گیرند. در جنگ بین روسیه و اوکراین در سال ۲۰۲۲، از روبات‌های کشنده توسط دو کشور استفاده شد. کشور روسیه از مین ضد نفر روسی به نام پی-او-ام-۳ استفاده کرد. این مین‌ها بر اساس طرحی از ورماخت آلمان به نام ماین شرپنل^۲ ساخته شده است.^۳ یک مسابقه تسلیحاتی جهانی هوش مصنوعی مدت‌هاست که در جریان می‌باشد و عموم مردم تاکنون از آن بی‌اطلاع بوده‌اند و این برای بشریت یک زنگ خطر می‌باشد. ارتش ایالات متحده در حال توسعه یک تانک رباتیک به نام اطلس است. نیروی دریایی ایالات متحده در حال کار بر روی یک کشتی جنگی رباتیک کاملاً خودکار به نام «شکارچی دریا»^۴ است که پیش‌تر به طور مستقل سفر خود را از هاوایی به سواحل کالیفرنیا تکمیل کرده است. چین در حال توسعه موشک‌های کنترل‌شده با هوش مصنوعی است. روسیه قصد دارد یک زیردریایی بدون سرنشین به نام «پوزیدون»^۵ را بسازد که حتی قادر است به تسلیحات هسته‌ای مجهز شود. این یک کابوس است. آیا می‌توانید به چیزی وحشتناک‌تر از یک زیردریایی فکر کنید که در آن بجای یک کاپیتان، یک برنامه رایانه‌ای تصمیم می‌گیرد که جنگ هسته‌ای را آغاز کند یا خیر؟^۶ این کار هم‌اکنون توسط کره شمالی به بهره‌برداری رسیده و بنابراین، با توجه به پیشرفت‌هایی که در تکنولوژی تسلیحات در حال رخداد است و سلاح‌هایی که روزبه‌روز به سمت خودمختاری بیشتر پیش می‌روند، به گونه‌ای که پیش‌بینی می‌شود در مقایسه با پهپادها که از راه دور کنترل می‌شوند، این نوع از سلاح‌های جدید خودشان مستقلانه و بدون دخالت هیچگونه عامل انسانی

1. Strike Stealthily

2. Schrapnell mine

۳. این مین‌ها رد پا را تشخیص می‌دهد، سپس ابتدا به هوا می‌پرد و پس از آن، در ارتفاع یک متری منفجر می‌شود تا حد امکان با ترکش به سربازان آسیب برساند. روسیه اعلام کرده که این مین ترکش را با استفاده از نرم‌افزار هوش مصنوعی کنترل خواهد کرد که می‌تواند به دقت تشخیص دهد که آیا واحدهای روسی خود در حال نزدیک شدن هستند یا خیر و در صورت نزدیک شدن نیروهای خودی روس منفجر نمی‌شود و تنها در صورت تشخیص نزدیک شدن سربازان دشمن منفجر می‌شود و آنان را از بین می‌برد. چنین مین‌های زمینی‌ای ماهیت حیوانی دارند، چرا که افراد را به صورتی بی‌رویه نابود می‌کنند و اغلب به کودکان ضربه وارد می‌سازند. به همین دلیل است که این نوع از مین‌ها در سطح بین‌المللی غیرقانونی محسوب می‌شوند.

4. Sea Hunter

5. Poseidon

۶. برای مطالعه بیشتر به سایت مراجعه شود.

<https://www.kebnews.ir/report/۴۵۱۲۲۱>



می‌توانند در میداین جنگی فعال باشند. این همان نگرانی است که در صورت لجام گسیختگی و عدم ضابطه‌مندی و قانون‌مند شدن تسلیحات نوین، موجب هرج و مرج در جامعه خواهد شد و چه بسا با توجه به پیشرفت روزافزون در عرصه هوش مصنوعی و تولید انواع پهپاد و جنگ‌افزارهای نوین خودکار، جنگ جهانی سوم به واسطه همین ابزارها شکل بگیرد؛ جنگی که دامنه وسعت آن نامعلوم و نتیجه‌ای جز ویرانی برای بشریت نخواهد داشت.

مشروعیت کاربرد نظامی تسلیحات نوین خودکار در مخاصمات مسلحانه

در حال حاضر، در رابطه با قانونی‌بودن کاربرد تسلیحات خودکار مرگبار نظامی در مخاصمات مسلحانه باید گفت که این بحث تنها در خصوص «روبات خودفرمان‌کشنده»^۱ مطرح می‌شود (آلستون^۲، ۲۰۱۲: ۵۳). و همانگونه که ایالات متحده آمریکا در جنگ‌های عراق و افغانستان اعلام کرد، این مسئله در خصوص روبات نظامی، اعم از روبات جستجوگر یا روبات پزشکی که در جهت نجات جان نظامیان اقدام می‌کنند، مطرح نمی‌شود.^۳

کمیته بین‌المللی صلیب سرخ^۴ به عنوان حافظ کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و عهده‌دار تدوین و توسعه حقوق بین‌الملل بشردوستانه، پیامدهای بشردوستانه ابزار و روش‌های نوین جنگی را در دستور کار کارشناسان خود قرار داده است و این موضوع اولین بار در سال ۲۰۱۱ م مورد توجه کمیته بین‌المللی صلیب سرخ قرار گرفت.^۵ کمیته مذکور در مارس ۲۰۱۴ نشست را با حضور ۲۱ دولت و ۱۳ کارشناس مستقل، در چارچوب کنوانسیون تسلیحات متعارف^۶ در شهر ژنو با هدف بررسی و تبادل نظر پیرامون تسلیحات کاملاً خود یا تمام اتوماتیک برگزار کرد.^۷ در این نشست، نگرانی‌های حاصل از این قبیل تسلیحات بررسی و بر لزوم قاعده‌مندی‌سازی آنها تاکید شد. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ از تمامی دولت‌ها می‌خواهد تا پیامدها و مطابقت یا عدم مطابقت تسلیحات خودکار با قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه را بررسی کنند و به این پرسش پاسخ دهند که آیا کاربرد چنین تسلیحاتی با اصول حقوق بین‌الملل بشردوستانه مطابقت دارد؟^۸ متعاقب آن، دیدبان

1 Lethal Autonomous Robots or Killer Robots

2. Alston

3. Office of the Secretary of Defense, Department of Defense, FY 2009–2034 Unmanned Systems Integrated Roadmap, 6 April 2009, Annex H, pp. 39-40.

4. International Committee of the Red Cross

5. ICRC, The Challenges Raised By Increasingly Autonomous Weapons, (24 June 2014), available on: <https://www.icrc.org/en/doc/resources/documents/statement/2014/24-06-challenges-autonomous-weapons.htm> (24 June 2014)

6. CCW: Convention on Conventional Weapons

7. ICRC, Autonomous Weapons: ICRC Addresses Meeting of Experts. (13 May 2014), available on: <https://www.icrc.org/en/doc/resources/document/2014/05-13-autonomous-weapons-statement.htm>. (14 October 2014)

8. ICRC, Autonomous Weapons: What Role For Humans?, (12 May 2014), available on: <https://www.icrc.org/en/doc/resources/documents/news-release/2014-12-autonomous-weapons-ihl.htm>, (14 October 2014)

حقوق بشر در گزارش سال ۲۰۱۲ خود^۱ اعلام کرد که روایات خودفرمان علاوه بر اینکه نمی‌تواند منطبق با استانداردهای حقوقی عمل کند، ناامنی‌هایی را برای افراد غیرنظامی فراهم می‌آورد (اشمیت^۲، ۲۰۱۳: ۲). البته، موضوع خلاء معاهداتی و قاعده‌ای در مورد تسلیحات نوین جنگی با چاشنی نیم‌نگاهی به شرط مارتنس و تعمیم آن به این گونه تسلیحات (به‌خصوص در یک دهه اخیر)، جزء موضوعات بسیار مهم مطرح‌شده در دیدبان حقوق بشر بوده، به طوری که خانم بونیه دوچرتی^۳، عضو دیدبان حقوق بشر، در آخرین نشست شورای حقوق بشر در سال ۲۰۱۹ اظهار داشت: «با عنایت به اینکه تاکنون قاعده‌ای در خصوص استفاده از اینگونه تسلیحات خودکار مرگبار وجود نیامده، پیشنهاد استفاده از اصول مندرج در شرط مارتنس (یعنی اصول انسانیت و احکام وجدان جمعی به عنوان باور به اعتقاد حقوقی) را به جهت قاعده‌سازی به دولت‌ها داد که این موضوع با استقبال گسترده‌ای روبرو شد و بنا شد تا این موضوع یا به صورت شناسایی، قاعده‌گذاری و تدوین در قوانین داخلی پیش‌بینی و اقدام گردد یا به صورت معاهده‌ای دو یا چندجانبه لازم‌الاجرا پیشنهاد و مطرح گردد.»^۴

قواعد حاکم بر تسلیحات خودکار نظامی از منظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه

تعهدات حقوق بشردوستانه دو ویژگی متمایز از سایر تعهدات بین‌المللی دارند. نقض تعهدات بشردوستانه، زیان‌دیده را محق به توسل به «اقدامات متقابل»^۵ نمی‌کند.^۶ همچنین، مطابق تفسیر صلیب سرخ از ماده ۱ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹، تعهد تضمین رعایت حقوق بشردوستانه نه فقط بر دوش طرف‌های درگیر مخاصمه است، بلکه همه دولت‌ها مکلف‌اند هر آنچه در توان دارند، به کار بندند تا احترام به حقوق بین‌الملل بشردوستانه به گونه‌ای جهانشمول تضمین شود.^۷ روایات نظامی باید مطابق با حقوق بین‌الملل بشردوستانه اقدام کند و اگر چنین قابلیت نداشته باشد، استفاده از آن در مخاصمات مسلحانه، جنایت جنگی محسوب خواهد شد. دیوان بین‌المللی دادگستری در نظریه مشورتی خود در قضیه مشروعیت تهدید یا توسل به سلاح هسته‌ای تصریح کرد که اگر نتوان در به‌کارگیری یک سلاح، الزامات حقوق بشردوستانه بین‌المللی را رعایت کرد، کاربرد آن سلاح مغایر با حقوق خواهد بود (ممتاز و رنجبریان،

1. Human Rights Watch, "Losing Humanity: The Case against Killer Robots", Nov. 2012.

2. Schmitt

3. Bonie docherti

۴. برای مطالعه بیشتر

<https://www.hrw.org/news/2018/08/21/killer-robots-fail-key-moral-legal-test>

5. Countermeasures

6. ILC Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts 2001, art. 50.

۷. قطعنامه ۶۸۱ شورای امنیت ملل متحد در سال ۱۹۹۰ بر تفسیر مزبور تأکید کرد. امیرحسین رنجبریان و رضوان باقرزاده؛ «بنیان

اجرای حقوق بشردوستانه تعهد دولتها به رعایت و تضمین رعایت حقوق بشردوستانه»، مجله پژوهش حقوق عمومی، سال

شانزدهم، شماره ۴۶، بهار ۱۳۹۴، صص ۱۳۱-۱۳۰. این قطعنامه به استناد ماده ۱ مشترک، دول طرف کنوانسیون چهارم ژنو را

به تضمین رعایت تعهدات اسرائیل فرامی‌خواند (A/RES/32/90, 1977).



۱۳۸۷:۱۵۴)؛ حتی اگر دولت استفاده کننده از سلاح، کنوانسیون‌های حاوی این قواعد را تصویب نکرده باشد، چون این قواعد اصول غیرقابل تخطی حقوق بین‌الملل عرفی هستند.^۱ لازم به ذکر است که لزوم رعایت حقوق بین‌الملل بشردوستانه از سوی روبات‌ها، زمانی که آنها در مقابل روبات دیگر مبارزه می‌کنند، مطرح نمی‌شود؛ چون قواعد حقوق بشردوستانه اساساً دو هدف بنیادین حمایت از غیرنظامیان در مقابل آثار مخاصمات مسلحانه و حمایت از رزمندگان در خصوص رنج ظالمانه و غیرضروری را دنبال می‌کنند. در حال حاضر، در حقوق بین‌الملل، هیچ نوع قاعده یا رژیم‌ی مخصص تولید و کاربرد تسلیحات کاملاً خودکار وجود ندارد و تنها قواعد کلی حقوق بین‌الملل بشردوستانه ناظر بر هدایت مخاصمات و نحوه صحیح جنگیدن شامل: ۱- اصل حمایت از قربانیان، ۲- اصل محدودیت کنشگران، ۳- اصل تفکیک، ۴- اصل منع درد و رنج بیهوده، ۵- اصل تناسب، ۶- اصل ضرورت نظامی و مواردی دیگر همچون اصل احتیاط، اصل شأن انسانی و شرط مارتنس اعمال می‌شود. برای اظهار نظر در مورد قانونی بودن استفاده از تسلیحاتی که در خصوص آنها منع صریحی در حقوق بین‌الملل معاهده‌ای یا عرفی وجود ندارد، باید به اصول و قواعد اساسی حقوق بین‌الملل بشردوستانه مراجعه کرد. این اصول و قواعد بیانگر آن معیارهای کلی‌ای هستند که طرف‌های هر مخاصمه باید هنگام تصمیم‌گیری راجع به اینکه آیا استفاده از یک سلاح یا ابزار جنگی خاص مجاز است یا خیر، آن‌ها را در نظر بگیرند (ممتاز و شایگان، ۱۳۹۳:۱۰۱). بنابراین، در خصوص استفاده از تسلیحات در مخاصمات مسلحانه یا منع تصریح، اعم از معاهده‌ای یا عرفی در حقوق بین‌الملل بشردوستانه، وجود ندارد و استفاده از آن‌ها به موجب معاهدات خاص ممنوع یا محدود شده است؛ که البته، برای ارزیابی قانونی بودن استفاده از سلاح‌های دسته اول، باید به اصول و قواعد اساسی حقوق بین‌الملل بشردوستانه مراجعه کرد. بدیهی است که در مورد دسته دوم، هرگاه دولت‌های متخاصم طرف معاهده حاوی منع کاربرد سلاح مورد نظر باشند، باید به آن معاهده و در غیر این صورت، به حقوق بین‌الملل عرفی رجوع شود. در صورتی که در این منبع حقوق بین‌الملل فاقد قاعده‌ای در مورد ممنوعیت استفاده از آن سلاح باشد، به اصول اساسی حقوق بین‌الملل بشردوستانه مراجعه خواهد شد (ممتاز و شایگان، منبع پیشین: ۱۰۰). همانطور که در قسمت قبل اشاره گردید، دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی مشورتی خود راجع به قانونی بودن تهدید یا استفاده از سلاح‌های هسته‌ای، دو اصل اساسی حقوق بین‌الملل بشردوستانه را در این زمینه مورد شناسایی قرار می‌دهد: اصل تفکیک بین غیرنظامیان و رزمندگان و اصل رنج بیهوده یا غیرضروری.^۲ دیوان به اصل ممنوعیت استفاده از سلاح‌ها و

1. Legality of Threat or Use of nuclear weapons, Advisory Opinion of 8 July 1996, I.C.J. paras. 78, 79. 2ICJ, Report 1996 .para,78

وسایلی که مرگ نفرات دشمن را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد^۱، اشاره نمی‌کند. به نظر می‌رسد دیوان این اصل را نه یک اصل مستقل، بلکه باید از فروع اصل ممنوعیت ایجاد رنج غیرضروری و صدمه بیش از حد تلقی کرد.^۲ به همین دلیل، دیوان آن را به عنوان اصل سوم حاکم بر استفاده از سلاح در مخاصمات مسلحانه ذکر نکرده است. دیوان، علاوه بر این دو اصل عمده، شرط مارتنس را نیز ذکر می‌کند. اصول یادشده نشان می‌دهند که دولت‌ها در انتخاب سلاح‌هایی که به کار می‌برند، آزادی نامحدود ندارند. ماده ۳۵ پروتکل اول الحاقی به صراحت اعلام می‌کند که «حق طرف‌های مخاصمه برای انتخاب روش‌ها و وسایل جنگی نامحدود نیست». بطور کلی، در خصوص بحث حاضر که مربوط به تحدید استفاده از تسلیحات مرگبار خودکار می‌باشد، در مورد موضوع حمایت از غیرنظامیان در برابر عملیات نظامی، دو اصل بسیار مهم و اساسی مورد بحث قرار می‌گیرد: الف) اصل تفکیک که در ماده ۴۸ پروتکل اول الحاقی و به نحوی در ماده ۱۳ پروتکل دوم منعکس شده است؛ متخاصمان باید میان اهداف نظامی و غیرنظامی، اعم از اموال و افراد نظامی و غیرنظامی تفکیک قائل شوند. این اصل اقتضاء دارد که حملات فقط متوجه اهداف نظامی شوند، بدون وارد کردن صدمات جانبی نامتناسب به غیرنظامیان و اموال غیرنظامی.^۳ دیوان بین‌المللی دادگستری نیز مجدداً همین موضوع را به صراحت بیان داشت: «دولت‌ها هرگز نباید غیرنظامیان را هدف قرار دهند و در نتیجه، هرگز نباید سلاح‌هایی را مورد استفاده قرار دهند که قادر به تفکیک میان اهداف غیرنظامی و نظامی نیستند.» برخی از سلاح‌های خودکار مرگبار به واقع ذاتاً قادر به تفکیک میان اهداف غیرنظامی و نظامی نبوده و از این رو، استفاده از آن‌ها غیرقانونی و نامشروع است. طبق قاعده ۷۱ از قواعدی که بر اساس مطالعه کمیته بین‌الملل بشردوستانه عرفی شناخته شده‌اند: «استفاده از سلاح‌هایی که به دلیل ماهیتشان بدون تفکیک عمل می‌کنند، ممنوع است» (هنکارتز و دوسوالد بک^۴، ۲۰۰۵: ۳۷۴). سلاحی که فی‌نفسه غیرقانونی

۱. منظور از سلاحی که مرگ نفرات دشمن را اجتناب‌ناپذیر خواهد ساخت، سلاحی است که هیچ امکانی برای زنده ماندن افرادی که در شعاع معینی از محل برخورد یا به کارگیری این سلاح قرار دارند، باقی نمی‌گذارد. علت ممنوعیت اینگونه سلاح‌ها آن است که مرگ نفرات دشمن فراتر از آن چیزی است که برای دستیابی به هدف مشروع جنگ، یعنی غلبه بر دشمن با ایجاد حداقل صدمه و رنج، ضروری است. در نتیجه، مبنای منع استفاده از آن را می‌توان در اصل ضرورت نیز یافت. نک:

R.Kolb and R.Hyde, An Introduction to the International Law of Armed Conflicts, Oxford/Portland Oregon: Hart Publishing, 2008, pp153-155.

۲. بر طبق این اصل، «ایجاد رنج غیرضروری برای رزمندگان ممنوع است. بنابراین، استفاده از سلاح‌هایی که سبب این گونه صدمه یا تشدید بی‌فایده رنج آن‌ها می‌گردد، ممنوع است» cit.loc, ICJ حتی در مواردی که کشتن دشمن در نبرد در پاره‌ای شرایط مجاز شمرده می‌شود، این به معنای کشتن با هر وسیله و یا هرگونه بی‌رحمی نیست. نک:

R.Kolb and R.Hyde, op.cit., p153.

۳ نگاه کنید:

I.J. MacLeod and A. P.V. Regers, "The Use of White Phosphorus and the Law of War" YIHL, 2007, Vol, 10, p.85.

4. Henckaerts & Doswald-Beck



محسوب می‌شود، از نظر رزالین هینگنز^۱ سلاحی است که «قادر نباشد فقط یک هدف نظامی را نشانه بگیرد، هر چند صدمات جانبی هم به بار آید».^۲

بطور کلی، حقوق بین‌الملل بشردوستانه به بیان اصول کلی در زمینه قانونی بودن یا نبودن سلاح‌ها و وسایل جنگی معین اکتفا نکرده است. این شاخه از حقوق بین‌الملل علاوه بر این، با اتکا به همان اصول، به طور خاص ممنوعیت استفاده از برخی سلاح‌ها و وسایل جنگ را به موجب معاهدات مختلف اعلام نموده است و در آنجایی که برخی سلاح‌ها دارای قاعده معاهداتی نباشند، بواسطه اصول مندرج در شرط مارتنس محدود شده‌اند. مهم‌ترین تسلیحات ممنوعه، اعم از سلاح‌های متعارف و سلاح‌های انهدام جمعی عبارتند از: گلوله انفجاری، گلوله‌هایی که در بدن انسان باز و گسترده می‌شوند، سم و سلاح‌های سمی، سلاح بیولوژیکی و باکتریولوژیکی، سلاح‌های شیمیایی، تله‌های انفجاری، سلاح‌هایی که با اجزاء یا تکه‌های غیرقابل تشخیص (به وسیله اشعه ایکس) به بدن انسان صدمه وارد می‌کنند، سلاح‌های لیزری کورکننده و سلاح‌های خوشه‌ای که مسأله مشروعیت یا عدم مشروعیت استفاده از آن‌ها طی چند دهه مورد بحث و مجادله بوده است. ارزش والای حیات انسان ایجاب می‌کند که یک میزان حداقلی از «رابطه درون‌فردی»^۳ میان رزمندگان دو طرف متخاصم وجود داشته باشد و هنگامی که تسلیحات خودکار یا ربات در مقابل انسان می‌جنگد، هرگز نمی‌توان چنین رابطه‌ای را تصور کرد (اسپارو^۴، ۲۰۰۰: ۶۸). بنابراین، در کشتن انسان به وسیله ماشین، شأن انسان کشته شدنش، نادیده گرفته می‌شود.^۵

همچنین، حتی زمانی که رزمنده مطابق حقوق بین‌الملل بشردوستانه مجاز به کشتن رزمنده دشمن است، همواره بر اساس بررسی کاملاً شخصی و بر اساس وجدان انسانی‌اش تصمیم می‌گیرد و این قدرت تصمیم‌گیری و حس نوع‌دوستی که سبب و انگیزه ارتکاب عمل انسان می‌شود، در روبات‌ها قابل تصور نیست و آن‌ها نمی‌توانند ارزش واقعی زندگی و جان انسان را درک کنند و با وجود محدودیت‌هایی که امروزه در عرصه هوش مصنوعی وجود دارد، بسیار بعید است که روبات‌ها در آینده نزدیک بتوانند قابلیت‌های اخلاقی^۶ را کسب کنند.

1. Rosalind Higgins

2. Dinstein Opinion of Judge Higgins, ICJ, Rep. 1996, pp. 588-589.

3. Boothby, William H. Conflict Law: The Influence of New Weapons Technology, Springer-Verlag Berlin Heidelberg, 2014, p. 110.

به نقل از منبع پیشین

4. Sparrow

5. Roff, Heather M. "The Strategic Robot Problem: Lethal Autonomous Weapons in War," Journal of Military Ethics, 2014, vol. 13, No. 3, p. 214.

به نقل از منبع پیشین

۶ حقوق بین‌الملل بشردوستانه به شدت متأثر از مبانی اخلاقی است و اصل لزوم رفتار انسانی به عنوان بارزترین جلوه اخلاق در این حوزه، علاوه بر رزمندگان، در خصوص مجروحان، بیماران، اسرای جنگی، جاسوسان، خرابکاران و افراد مظنون به ارتکاب اقدامات خصمانه علیه دولت اشغالگر نیز لازم‌الرعايه است. وحید بذار، «جایگاه اخلاق در حقوق بین‌الملل»؛ فصلنامه تحقیقات حقوقی معاهده، سال دوم، شماره ۲ (پیاپی ۳)، تابستان ۱۳۹۷، ص ۲۷۲.

نقش شرط مارتنس در ایجاد تحدید در خصوص تسلیحات خودکار

همانطور که پیش‌تر هم بیان گردید، شرط مارتنس در مواردی که رزمندگان و غیررزمندگان تحت پوشش حقوق بین‌الملل بشردوستانه معاهده‌ای یا عرفی قرار نمی‌گیرند، تحت حمایت دو اصل مندرج در شرط، یعنی اصول انسانیت و احکام وجدان جمعی، باقی خواهند ماند. به این ترتیب، کارکرد شرط مارتنس ممانعت از آن است که هر آنچه صریحاً به موجب حقوق بین‌الملل بشردوستانه منع نشده است، مجاز شمرده شود (ممتاز و رنجبریان، منبع پیشین: ۱۰۱ و ۱۰۴). به این سبب که از شرط مارتنس غالباً برای تکمیل سایر استدلال‌های حقوقی استفاده می‌شود، استدلال‌های محکمی در خصوص ممنوعیت استفاده از تسلیحات خودکار با توسل به شرط مارتنس ارائه نشده است (ساعد، ۱۳۸۷: ۹۵). با این حال، دیوان بین‌المللی دادگستری در نظریه مشورتی مشروعیت استفاده از سلاح‌های هسته‌ای اعلام کرد که شرط مارتنس به عنوان ابزار مؤثر در پرداختن به رشد سریع فناوری نظامی قابل استفاده است.^۱ حال، به منظور ایجاد یک نظام جدید در حقوق بشردوستانه در خصوص اینگونه تسلیحات نیازمند ایجاد و تشریک مساعی تمام دولت‌ها و ارکان حقوق بشری است که حداقل استانداردهای لازم جهت استفاده از اینگونه تسلیحات را رعایت کنند، چرا که اصول مندرج در شرط مارتنس، اصولی است لازم‌الرعايه و در زمره قواعد آمره، قواعد عرفی و محسوب می‌گردد؛ ولی صرف رعایت این اصول به نظر کفایت نمی‌کند و این اصول تا به یک نظام قاعده‌مند در حقوق داخلی و بین‌المللی نرسد، این موضوع کماکان در هاله‌ای از ابهام باقی خواهد ماند. در واقع، بر اساس یک اصل بنیادین در حقوق بین‌الملل بشردوستانه، حق طرف‌های متخاصم در انتخاب شیوه‌ها و ابزارهای جنگی نامحدود نیست و استفاده از سلاح یا روش جنگی که در مغایرت با اصول حقوق بین‌الملل بشردوستانه است، مجاز نیست. پروتکل اول، منضم به کنوانسیونهای چهارگانه ژنو در این خصوص اشعار می‌دارد که: «طرف‌های این پروتکل باید پیش از کاربرد اسلحه، ابزار یا شیوه جنگی، بررسی کنند که آیا استفاده از آن بر طبق این پروتکل یا سایر قواعد حقوق بین‌الملل امکانپذیر است یا خیر».^۲

بحث و نتیجه‌گیری

بدون شک، «شرط مارتنس» و آثار آن در زمینه حقوق بشردوستانه بطور خاص ماده ۳ مشترک و پروتکل الحاقی دوم ۱۹۷۷ به عنوان نمادی عینی از رشد و توسعه مفاهیم انسانی در حقوق بشر بطور کلی و بخصوص در حقوق بشردوستانه به حساب می‌آید و حقیقتاً، به زعم دکترین اشاره‌شده، تحولی نوین در نحوه شکل‌گیری و شناسایی قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه را سبب شده است (زرنشان، ۱۳۹۷: ۳۳۴). اصولی که از آن به عنوان اصل انسانیت و اصل احکام وجدان

1. Legality of Threat or Use of Nuclear Weapons, Advisory Opinion of 8 July 1996, I.C.J. para. 78.

2. Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949, and Relating to the Protection of Victims of International Armed Conflict (Protocol I), of 8 June 1977, art. 36.



جمعی در اعلامیه مارتنس یاد شده است، امروزه به عنوان سازوکاری برای خلق قاعده عرفی جدید و چراغ هدایت، ساختار نظام حقوق بشر و بخشی از اعتقاد عمومی مشترک جهانی را شکل می‌دهد که هیچ دولتی نمی‌تواند آن را نادیده بگیرد.^۱ این اصول جزئی از ارزش‌های اساسی، بنیادین و مشترک جامعه جهانی‌اند و دولتی که به این ارزش‌ها بی‌توجه باشد یا باوری به وجود آنها نداشته باشد، بی‌شک نمی‌تواند جایگاهی در جامعه بین‌المللی امروز داشته باشد.^۲ با عنایت به موضوعات بیان‌شده، نگارندگان به این نتیجه می‌رسند که عرف مدرن با وجود تمام نقاط مثبت و انتقاداتی که در مورد آن مطرح است، حقیقتاً از مبانی مستحکمی چه در نظام بین‌المللی و چه در حقوق داخلی برخوردار است؛ بخصوص در موارد فقدان قاعده مشخص، به‌ویژه در مورد موضوع مورد بحث حاضر که مرتبط با چالش خلاً معاهداتی در مورد استفاده از تسلیحات مرگبار خودکار است، می‌تواند مورد استناد قرار بگیرد.^۳ به منظور قاعده‌سازی نسبت به تسلیحات نوین جنگی در عرصه داخلی و بین‌المللی، پیشنهادات ذیل ارائه می‌گردد: نخست آنکه بر اساس ماده ۳۶ پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو، دولت‌ها را موظف به سنجش و مطابقت ابزارهای جنگی قبل و بعد از تولید با قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه نموده است و همچنین، در این راستا کمیته بین‌المللی صلیب سرخ نیز از دولت‌ها می‌خواهد تا پیش از حتی تولید یک سلاح، انطباق و سازگاری آن را با اصول حقوق بین‌الملل بشردوستانه بسنجد. پیش‌بینی‌پذیری، قابل اطمینان بودن، اعمال نظارت و کنترل انسانی بر تسلیحات خودکار و در اختیار داشتن اطلاعات دقیق از عملکرد و رفتار سلاح، از جمله معیارهایی است که کمیته بین‌المللی صلیب سرخ از دولت‌ها می‌خواهد تا مدنظر قرار دهند. جمهوری اسلامی ایران نیز می‌تواند با تشکیل یک کارگروه متشکل از صاحب‌نظران حقوقی-دفاعی، سیاسی و نظامی بصورت لایحه توسط دولت و یا طرح توسط مجلس شورای اسلامی، با ایجاد ضوابط، قواعد، دستورالعمل و قوانینی در سطح کشور با هدف بررسی مشروعیت تسلیحات نوین از مرحله طراحی سلاح گرفته تا مرحله تولید و به کارگیری آن، از احتمال ایجاد مسئولیت بین‌المللی برای دولت و مسئولیت کیفری فردی ناشی از کاربرد تسلیحات مغایر با اصول حقوق بین‌الملل بشردوستانه جلوگیری کنند. دست آخر اینکه ممنوعیت یا قاعده‌مندسازی ابزار و روش‌های نوین جنگی تحت معاهدات چندجانبه خلع سلاح و کنترل تسلیحات می‌تواند به نگرانی‌ها در خصوص کاربرد ابزار و روش‌های نوین جنگی پایان

1 Weeramantry: ۴۹۰ ICJ Reports Dissenting Opinion of Judge, ۱۹۹۶.

2 Millennium Declaration, United Nations, A/55/L.2, 2000. Coupland, Robin, Humanity: What is it and how does it Influence International Law? 83 International Review of the Red Cross (IRRC), 2001.

۳. نمونه ر.ک:

- ✓Case concerning Legality of the Threat or Use of nuclear weapons, ICJ Reports, 1996., Dissenting Opinion of Judge Shahabuddeen, pp.396, 406.
- ✓Case concerning Legality of the Threat or Use of nuclear weapons, op. cit., Dissenting Opinion of Judge Weeramantry, p.486.

دهد؛ که در این راستا لازم است جامعه بین‌المللی با همکاری ارکان سازمان ملل متحد و کمیته صلیب سرخ و با در دستور کار قرارداد انبساط و ابزار و روش‌های نوین جنگی، از طریق انعقاد معاهدات چندجانبه خلع سلاح و کنترل تسلیحات در راستای ایجاد رژیم‌های حقوقی به منظور قاعده‌مندسازی و با هدف کسب اطمینان از مطابقت عملکرد این تسلیحات با اصول حقوق بشردوستانه اقدام نمایند.



منابع

- بیگ زاده، ابراهیم؛ تاور، اسماعیل. (۱۳۹۶). سهم دیوان بین‌المللی دادگستری در تجلی مفهوم بشریت. تهران، حقوقی بین‌المللی، (۳۴) ۵۷، ۲۹-۷.
- پیری، حیدر. (۱۴۰۲). شرط زیست‌محیطی مارتنس و حفاظت از محیط‌زیست در مخاصمات مسلحانه؛ با تأکید بر اصول پیش‌نویس ۲۰۱۹ کمیسیون حقوق بین‌الملل. تحقیقات حقوقی، ۲۶(۱۰۲)، ۳۴۹-۳۷۳.
- حسینی، محمد و راعی دهقی، مسعود. (۱۳۹۵). معناشناسی وجدان انسانی در اسناد بین‌المللی. فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، ۴۶(۲)، ۴۶۳-۴۴۱.
- دهقانی، پریسا. (۱۴۰۰). مدخل‌های ورود و کارکردهای شرط مارتنس در حقوق کیفری بین‌المللی، تهران، مجله پژوهش حقوق کیفری، ۹(۳۵)، ۲۳۷-۲۰۳.
- رنجریان، امیرحسین و بذار، وحید. (۱۳۹۷). رعایت حقوق بین‌الملل بشردوستانه از سوی روبات نظامی خودفرمان و مسئولیت ناشی از اقدامات آنها. حقوقی بین‌المللی، (۵۹)، ۸۴-۶۳.
- زرنشان، شهرام (۱۳۹۷). نسبت میان شرط مارتنس و حقوق بشر در نظم حقوقی بین‌المللی جدید، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، ۴۸(۲)، ۳۳۸-۳۱۹.
- شهبازی، آرامش. (۱۳۸۹). نظام حقوق بین‌الملل، وحدت در عین کثرت، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- شرفی طراز کوهی، حسین و صیادنژاد، محمد حسین. (۱۳۹۹). اعمال اصول حقوق بین‌الملل بشردوستانه بر تسلیحات کاملاً خودکار به عنوان ابزار نوین جنگی. مطالعات حقوق عمومی، ۵۰(۲)، ۵۷۵-۵۵۱.
- طرحی، مهرا. (۱۳۹۸). امکان یا امتناع اعمال شرط مارتنس در حقوق بشردوستانه معاصر، تهران، نشریه داخلی مرکز مطالعات حقوق بین‌الملل مدرن.
- فلسفی، هدایت اله. (۱۳۸۷). رویارویی عقل و واقعیت: مسأله منابع، سالنامه ایرانی حقوق بین‌الملل و تطبیقی، شماره سوم.

- Book

- Alston, Philip. "Lethal Robotic Technologies: The Implications for Human Rights and International Humanitarian Law," JILS Special Edition, 2012, vol. 21(2), p. 51.
- Atadjanov, Rustam. (2019). "Humanness as a Protected Legal Interest of Crimes Against Humanity: Conceptual and Normative Aspect", Springer, International Criminal Justice Series, Vol. 22.
- Gneiss, R. (October 2015). *The international-law dimension of autonomous weapons systems*, Firebrick Ebert Sifting.
- Meron, Theodor, (2000). "The Martens Clause, Principle of Humanity and Dictates of Public Conscience", *The American Journal of International Law*, Vol. 94, No. 1, p 82.
- Meron, Theodor,(1989). *Human Rights and Humanitarian Norms as Customary Law*, Oxford University Press.
- Nasu, Hitoshi & Robert Mclaughlin (2014). *New Thechnologies and the Law of Armed Conflict*, the Netherlands, Asser Press (ebook).
- Ticehurst, Rupert, (1997). "The Martens Clause and the Laws of Armed Conflict", 317 IRRC125.

-Tomuschat, C, (1993). *Obligation Arising for States Without or Against Their Will*, 241 Res Cours.

Article

-Carafano, James Jay. 2014, "Autonomous Military Technology-Opportunities and Challenges for Policy and Law", Backgrounder No. 2932 on National Security and Defense, Heritage Foundation.

A, Cassesentonio, ,sky? the in Pie Simply or Loaf a Half :Clause Martens The , Law international of Journal European II.Vol , ۱,۲۰۰۰.No ,.

-Millennium Declaration, United Nations, A/55/L.2, 2000. Coupland, Robin, *Humanity: What is it and How does it Influence International Law?*, 83 International Review of the Red Cross (IRRC), 2001.

-Schmitt, Michael N. "Autonomous Weapon Systems and International Humanitarian Law: A Reply to the Critics", *Harvard National Security Journal Feature*, 2013, p. 2.

-Sparrow, Robert. 2011, "Robotic Weapons and the Future of War", *New Wars and New Soldiers: Military Ethics in the Contemporary World*-edited by Jessica Wolfendale and Paolo Tripodi, Ashgate Publishing Company.

-Treder, Mike, (26 March 2009), "Robotic War Appears Inevitable", available

Case

-A/HRC/23/47 Human Rights Council, twenty-third session agenda item 3, promotion and protection of all human rights, civil, political, economic, social and cultural rights, including the right to development, report of the special rapporteur on extrajudicial, summary or arbitrary executions, Christof Hens, 9 April 2013.

-Case concerning Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, ICJ Reports, 1996., Dissenting

-Case concerning Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, op. cit., Dissenting Opinion of

Corfu Channel case (UK v. Avbania), Merits, 1949, ICJ Rep 4,22 .

Human Rights Watch, "Losing Humanity: The Case against Killer Robots", Nov. 2012.

-ICRC, meeting of Experts on Lethal Autonomous Weapons Systems (LAWS), 11-15 April 2016, Geneva

-ICRC, The Challenges Raised By Increasingly Autonomous Weapons, (24 June 2014), available

-Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, Advisory Opinion, 1996 ICJ Rep 226 (July 8).

-Military and Paramilitary activities in and against Nicaragua (Nicaragua v. U.S), Merits, 1985 ICJ Rep. 14,113-114, para 218.

-Prosecutor v. Furundzija, Judgment, No. IT-95-17/I-T, para 137 (December, 10, 1998).

-Prosecutor v. Martić, Review of the indictment Pursuant to Rule 61, No. IT-95-11-R61, para 13, (March, 13, 1996).

-Reports of the Secretary General of The United Nation pursuant to paragraph 2 of Security Council resolution 808, (1993), para. 48, n 9, UN Doc. S/25704 (1993).

See: ICRC 2014 Meeting of Experts on Lethal Autonomous Weapons Systems

-UN General Assembly, Res. 96(1), 1946.

-UN General Assembly, Res.217 A (III), 1948.



-UN International Conference on Human Rights, Tehran, Iran, 1968

Convention

- Convention on Cluster Munitions, 2008.
- Convention on Prohibitions or Restrictions on the Use of Certain Conventional Weapons Which May Be Deemed to Be Excessively
- Convention on the Non-Applicability of Statutory Limitations to War Crimes and Crimes Against Humanity, 26 November ۱۹۶۸.
- Convention on the Prohibition of the Use, Stockpiling, Production and Transfer of Anti-Personnel Mines and on their Destruction, 1997.
- Geneva Convention for the Amelioration of the Condition of the Wounded and Sick in Armed Forces in the Field, Geneva, 1949, Art. 63(4).
- Geneva Convention for the Amelioration of the Condition of Wounded, Sick and Shipwrecked Members of Armed Forces at Sea, 1949, 75 UNTS 8, Art. 62
- ICRC, Autonomous Weapons: What Role For Humans?, (12 May 2014), available on:
<https://www.icrc.org/en/doc/resources/documents/news-release/2014-12-autonomous-weapons-ihl.htm>, (14 October 2014
- Injurious or to Have Indiscriminate Effects, 1980.
- International Committee of the Red Cross (ICRC) on autonomous weapon system, 11 April 2016 Judge Weeramantry, p.486.
 on National Security and Defense, Heritage Foundation, 2014.
- Protocol for the Prohibition of the Use of Asphyxiating, Poisonous or Other Gases, and of Bacteriological Methods of Warfare. Geneva, 1925.

Pronouncement

- Dissenting opinion of Judge Shahabuddeen, Nuclear Weapons, ICJ Reports Dissenting Opinion of Judge ۱۹۹۶.
- Dissenting Opinion of Judge Weeramantry, Nuclear Weapons, ICJ Reports Dissenting Opinion of Judge ۱۹۹۶.
- Geneva Convention Relative to the Protection of Civilian Persons in Time of War, 1949, Art. 158.
- Geneva Convention Relative to the Treatment of Prisoners of War, 1949, Art. 142.
- Hague Convention (IV) Respecting the Laws and Customs of War on Land, The Hague, 1907, Preamble.

Website

- <https://qavanin.ir/Law/TreeText/96913>
- <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=47392>
- <https://www.hrw.org/news/2018/08/21/killer-robots-fail-key-moral-legal-test>
- ICRC. Autonomous Weapons: ICRC Addresses Meeting of Experts. (13 May 2014), available On:
<https://www.icrc.org/en/doc/resources/document/2014/05-13-autonomous-weapons-statement.htm>. (14 October 2014)
- on: <https://www.icrc.org/en/doc/resources/documents/statement/2014/24-06-challenges-autonomous-weapons.htm> (24 June 2014).
- online: <<http://ieet.org/index.php/IEET/more/treder20090327>>, (3 February 2014).
- Opening Statement of the Prosecution in the Einsatzgruppen Trial (September 29, 1947), Accessed May 08, 2019

Explaining the central position of blockchain technology in the international intellectual property rights system

Sanaz Abolghasemi¹, Meysam Norouzi²✉, Mehdi Eskandari Khoshgoo³

Abstract

Field and Aims: Today, blockchain technology is referred to as a revolutionary technology that will have the potential to change many common affairs of current life; Some even consider the revolutionary nature of this technology to be equivalent to the emergence of the Internet in the 20th century. Intellectual property rights are a branch of law in which the rights and obligations of people who have an intellectual and non-financial property are specified. This research has tried to answer the question, what place does blockchain technology have in the international intellectual property law system? So far, there has not been an article that independently examines the central position of blockchain technology in the international intellectual property rights system.

Method: This research was done using descriptive-analytical method.

Finding and Conclusion: One of the powerful applications of blockchain technology in solving real-world problems is the transformation in the management and protection of intellectual property rights. Blockchain technology, with its security and transparency features, can help improve the international intellectual property rights system and provide a proper balance between intellectual property rights and public rights.

Keywords: Security, international intellectual property rights, transparency, blockchain technology.

*Citation (APA): Abolghasemi, S.; Norouzi, M.; Eskandari Khoshgoo, M. (2024). Explaining the central position of blockchain technology in the international intellectual property rights system. *International Legal Research*, 17(63), 45-63.

1. Ph.D. candidate of Public International law, Islamic Azad University, Hamedan Branch, Hamedan, Iran. Email: sanazabolghasemi2019@gmail.com

2. Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Humanities, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran. (Author). Email: m.norouzi@basu.ac.ir

3. Master of International law, Institute of Higher Education of Construction and development, Hamedan, Iran. Email: mehd1380skan@gmail.com

تبیین جایگاه محوری فناوری بلاکچین در نظام حقوق بین الملل مالکیت فکری

ساناز ابوالقاسمی^۱، میثم نوروزی^۲، مهدی اسکندری خوشگو^۳

چکیده

زمینه و هدف: امروزه، از فناوری بلاکچین به عنوان یک فناوری انقلابی یاد می‌شود که پتانسیل تغییر در بسیاری از امور متداول زندگی کنونی را خواهد داشت؛ حتی برخی انقلابی بودن این فناوری را معادل ظهور اینترنت در قرن بیستم می‌دانند. حقوق مالکیت فکری شاخه‌ای از حقوق است که در آن، حقوق و تکالیف افرادی که یک مال فکری و غیرمالی دارند، مشخص می‌شود. این پژوهش تلاش نموده است تا به این پرسش پاسخ دهد که فناوری بلاکچین دارای چه جایگاهی در نظام حقوق بین الملل مالکیت فکری است؟ تاکنون، مقاله‌ای که به طور مستقل به بررسی جایگاه محوری فناوری بلاکچین در نظام حقوق بین الملل مالکیت فکری بپردازد، انجام نشده است.

روش: این پژوهش با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است.

یافته‌ها و نتایج: یکی از کاربردهای قدرتمند فناوری بلاکچین در حل مسائل دنیای واقعی، تحول در مدیریت و حفاظت از حقوق مالکیت فکری است. فناوری بلاکچین با امکانات امنیتی و شفافیتی که ارائه می‌دهد، می‌تواند به بهبود نظام حقوق بین الملل مالکیت فکری کمک کرده و تعادل مناسبی بین حقوق مالکیت فکری و حقوق عمومی فراهم آورد.

کلیدواژه‌ها: امنیت، حقوق بین الملل مالکیت فکری، شفافیت، فناوری بلاکچین.

* استناددهی (APA): ابوالقاسمی، ساناز؛ نوروزی، میثم؛ اسکندری خوشگو، مهدی. (۱۴۰۳). تبیین جایگاه محوری فناوری بلاکچین در نظام حقوق بین الملل مالکیت فکری. تحقیقات حقوقی بین‌المللی، ۱۷(۶۳)، ۴۵-۶۳.

۱. دانشجوی دکتری حقوق بین الملل عمومی، گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد همدان، همدان، ایران.

رایانامه: sanazabolghasemi2019@gmail.com

۲. استادیار حقوق بین الملل عمومی، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران. (نویسنده مسئول).

رایانامه: m.norouzi@basu.ac.ir

۳. کارشناس ارشد حقوق بین الملل، موسسه آموزش عالی عمران و توسعه، همدان، ایران.

رایانامه: mehd1380skan@gmail.com

مقدمه

در دهه های اخیر، با پیشرفت فناوری اطلاعات و ارتباطات، توسعه و نگهداری حقوق مالکیت فکری به یکی از چالش های مهم حقوق بین الملل تبدیل شده است. افزایش حجم اطلاعات و انتقال آن به سرعت نیاز به سازوکارهایی را ایجاد کرده است که اطمینان از اعتبار و امانت اطلاعات را فراهم کنند. در این میان، فناوری بلاکچین به عنوان یک تکنولوژی نوآورانه و پویا، ظاهراً قابلیت های منحصر به فردی را برای بهبود و بهینه سازی نظام حقوق بین الملل مالکیت فکری ارائه می دهد. فناوری بلاکچین نوید سیستم های شفاف انعطاف پذیر و ایمن را می دهد که می توانند راه حل های جدید تجاری را فراهم آورند (نیلفروشان و ایازی، ۱۳۹۹: ۳). فناوری بلاکچین این قابلیت را داشته که بدون در خطر افتادن حریم خصوصی، امنیت دارایی های دیجیتال و طرف های درگیر، کلیه سیستم های مالی و فعالیت بسیاری از صنایع، مؤسسات مالی، بانک ها و شرکت های خدماتی سراسر دنیا را دستخوش تغییر نماید. در حال حاضر، مطالعه ابعاد استفاده فناوری بلاکچین، در دستور کار بسیاری از ارگان ها و نهادهای سیاست گذاری ملی در کشورهای مختلف قرار گرفته است. به طور کلی، شرکت ها و دولت هایی که می توانند به سرعت روی امواج فناوری های جدید سوار شوند، پیش از همه دست به پیاده سازی بلاکچین زده اند. علاوه بر این، استفاده از فناوری بلاکچین و پیشرو شدن در آن، در نهادهای سیاست گذار دولتی بسیاری از کشورها مورد بررسی قرار گرفته است. علاوه بر این، بسیاری از سازمان های بین المللی نظیر سازمان ملل و سازمان تجارت جهانی نیز در حال بررسی استفاده از کاربردهای این فناوری در حوزه های مختلف مورد نظارت خود هستند. بلاکچین به عنوان یک سیستم روزآمد و امن انتقال اطلاعات، از ویژگی های منحصر به فردی برخوردار است. این فناوری با استفاده از ترکیبی از رمزنگاری، توزیع متمرکز و امضاء دیجیتال، امکان ثبت و انتقال اطلاعات را بدون نیاز به واسطه های متعدد و تراکنش های سنتی فراهم می کند. این ویژگی ها به نظام حقوق مالکیت فکری اجازه می دهند که با بهره مندی از شفافیت بالا و کاهش احتمال تقلب، عدالت و امانت را در اختیار داشته باشد. هدف این پژوهش، تجزیه و تحلیل جایگاه و نقش فناوری بلاکچین در نظام حقوق بین الملل مالکیت فکری است. این پژوهش به بررسی اثرات مثبت و چالش ها و موانع ممکن بر مسیر پیشرفت بلاکچین در حوزه حقوق مالکیت فکری می پردازد. در پژوهش حاضر، اولاً، به معرفی مفاهیم ابتدایی همچون فناوری بلاکچین و نظام حقوق بین الملل مالکیت فکری می پردازیم. ثانیاً، به بررسی جایگاه فناوری بلاکچین در حقوق بین الملل مالکیت فکری خواهیم پرداخت. ثالثاً، به ارزیابی کاربردهای عملی بلاکچین در زمینه حقوق مالکیت فکری می پردازیم تا اثرات عملی و کارکردهای این فناوری را در محیط های واقعی بررسی نماییم. رابعاً، چالش های استفاده از بلاکچین در نظام حقوق بین الملل مالکیت فکری را بررسی خواهیم نمود.



۱. مفاهیم

۱-۱. بلاکچین و ویژگی‌های آن

بلاکچین از دو کلمه بلوک و زنجیره تشکیل شده است و معنی بلاکچین در ابتدایی‌ترین سطح خود، به معنای یک زنجیره بلوک است. وقتی در این متن کلمات «بلوک» و «زنجیره» را می‌گوییم، ما در واقع در مورد اطلاعات دیجیتالی (بلوک) ذخیره‌شده در یک بانک اطلاعاتی عمومی (زنجیره) صحبت می‌کنیم. تفاوت آن با سیستم‌های دیگر (متمرکز) این است که اطلاعات ذخیره‌شده روی این نوع سیستم غیرمتمرکز میان همه اعضای یک شبکه به اشتراک گذاشته می‌شود. با استفاده از رمزنگاری و توزیع داده‌ها، امکان هک، حذف و دستکاری اطلاعات ثبت شده تقریباً از بین می‌رود. عملکرد بلاکچین در بحث مالی و در مورد انتقال پول که یکی از شناخته‌شده‌ترین کاربردهای آن در حال حاضر است، به این صورت است که وقتی دو نفر بخواهند انتقال پولی داشته باشند، رکورد جدیدی ایجاد می‌شود که جزئیات آن تراکنش را مشخص می‌نماید. این رکورد، به صدها رایانه دیگر که دارای یک کپی از آن هستند، ارسال می‌شود. این رایانه‌ها تأیید می‌نمایند که این معامله مجاز است و در نهایت، آن‌ها قبل از تأیید رکورد، موافقت یا مخالفت خود را در مورد مشروع بودن معامله اعلام می‌دارند. این کار باید با همه کپی‌های اطلاعات مطابقت داشته باشد؛ بنابراین، علاوه بر دو نفری که پول بین آن‌ها رد و بدل می‌شود، صدها نفر نیز در کنار این دو ناظر خواهند بود که آیا نفر دوم واقعاً پولش را به دست آورده است یا خیر. علاوه بر این، آن‌ها قادر خواهند بود که جوانب دیگر معامله را نیز کنترل نمایند (نوفر و همکاران^۱، ۲۰۲۰: ۶). ویژگی‌های بارز بلاکچین عبارتند از: (۱) تمرکززدایی یا همتا به همتا: در یک سیستم متمرکز تنها راه دسترسی به اطلاعات، ارتباط با خود سیستم می‌باشد. شما پول خود را در بانک قرار می‌دهید و تنها راه دسترسی به پول شما، ارتباط با بانک می‌باشد. (۲) رمزگذاری شده و ایمن: بلاکچین برای حفظ امنیت مجازی از دو کلید برای سیستم تأیید اعتبار استفاده می‌کند. این سیستم تأیید اعتبار باعث می‌شود امنیت کامل در بلاکچین برقرار باشد و هیچ‌کس نتواند به داده‌های کاربران نفوذ کند. (۳) شفافیت با حفظ حریم خصوصی: سیستم بلاکچین در عین شفافیت، به حریم خصوصی افراد هم احترام می‌گذارد، اما چگونه این موضوع ممکن است؟ هویت افراد در بلاکچین از طریق یک سیستم رمزنگاری پیچیده و ایمن پنهان می‌شود و تراکنش‌ها توسط یک آدرس عمومی که بلاکچین به فرد می‌دهد، ثبت می‌شود و به دیگران نشان داده می‌شود. بنابراین، در حالی که هویت واقعی فرد محفوظ مانده، تمام معاملات انجام شده او با آدرس عمومی در معرض دید همگان قرار می‌گیرد. (۴) تغییرناپذیری: تغییرناپذیری در بلاکچین به این معناست که اگر چیزی وارد شبکه‌ی بلاکچین شود، دیگر قابل دستکاری

1. Nofer et al

نخواهد بود. دلیل این که بلاکچین این ویژگی را دریافت کرده است، «هش‌های» رمزنگاری شده هستند. به عبارت ساده، هش کردن به معنی گرفتن یک رشته به هر اندازه‌ای و دادن یک خروجی با یک طول ثابت است. بلاکچین بجای بررسی انبوهی از داده‌های ورودی، فقط هش را بررسی می‌کند. به این طریق، اگر کوچک‌ترین تغییری در داده‌های ورودی انجام شود، تغییرات در هش بزرگ خواهد بود. این تغییر باعث نامعتبر شدن بلوک می‌شود و بلوک نامعتبر طی فرآیندی شناسایی و از اضافه شدن به زنجیره بلاکچین منع خواهد شد. اگر هکری بخواهد در بلاکچین مداخله کند و آن را تغییر دهد، باید کنترل بیش از ۵۰ درصد گره‌ها را بدست بگیرد که با وجود میلیون‌ها گره در سطح جهان، این کار عملی نخواهد بود. این مسئله نشان‌دهنده امنیت بالای بلاکچین است (بوتا و همکاران^۱، ۲۰۲۱: ۸).

۲-۱. حقوق مالکیت فکری

حقوق مالکیت فکری شاخه‌ای از حقوق است که در آن، حقوق و تکالیف افرادی که یک مال فکری و غیرمالی دارند، مشخص می‌شود. منظور از مال فکری، چیزی است که در اثر کار و تلاش فکری و هنری ایجاد می‌شود و برخلاف سایر اموال غیرفیزیکی است و حالت مادی ندارد. در جهان امروز که عصر انفجار اطلاعات است، دانش، هنر و تکنولوژی ارزش و اعتبار بسیاری یافته‌اند و دارای ارزش اقتصادی بسیار زیادی هستند. تفاوت بنیادین اموال فکری با سایر اموال در این است که مال فکری می‌تواند به‌طور هم‌زمان مورد استفاده بسیاری از افراد قرار بگیرد، بدون اینکه آسیبی بیند یا از آن کاسته شود. به عبارت دیگر، ذاتاً انحصاری نیست. مالکیت فکری به افراد ابزاری برای حمایت از همهٔ اموالی می‌دهد که محدود نیستند و قابلیت نشر و انتشار و استفاده‌ی گسترده دارند (دونکان^۲، ۲۰۱۷: ۱۰). باید توجه نمود که حقوق نمی‌تواند از چیزی حمایت کند که در عالم واقع وجود ندارد؛ یعنی حقوق از آنچه که در ذهن شما می‌گذرد، حمایت نمی‌کند؛ چون اساساً قابل دسترسی نیست. حقوق از تجلی شکل یافتهٔ آنچه که در ذهن شماست، حمایت می‌کند؛ به عبارت بهتر، از ایده حمایت نمی‌شود، از شکل و فرم ابراز ایده حمایت می‌شود. فکر زیبایی که در ذهن شماست، البته ارزشمند است؛ اما قابل حمایت حقوقی نیست. با این حال، به محض اینکه این فکر تبدیل به متن یا شعری شد و در جایی در عالم مادی ثبت شد، مثلاً روی کاغذ آمد، در دسته‌ی اموال فکری قرار می‌گیرد و فکری است متعلق به شخص شما و قابل حمایت حقوقی (سنفتلین و وو^۳، ۲۰۲۰: ۵). حقوق مالکیت فکری به دو بخش عمده تقسیم می‌شود: حقوق مالکیت ادبی و هنری که به آن حق مؤلف یا کپی‌رایت هم گفته می‌شود و حقوق مالکیت صنعتی. هر کدام از این بخش‌ها حمایت‌کنندهٔ اموال فکری خاصی

1. Bhutta et al
2. Duncan
3. Senftleben & Vu



هستند. حقوق مالکیت ادبی و هنری یا همان کپی‌رایت از آن دسته اموال فکری حمایت می‌کند که بیشتر وجهه نوشتاری و ادبی یا هنری دارند. کتاب‌ها چه علمی و فنی باشند، چه هنری و ادبی، آثار موسیقی، فیلم‌ها، عکس، نقاشی، مجسمه‌سازی و معماری، همگی تحت حمایت کپی‌رایت هستند. مدت زمان حمایت از هر کدام از این آثار تفاوت دارد. نکته‌ی مهم دیگر این است که این گروه نیازی به ثبت ندارند و به محض خلق اثر، شما مالک آن شناخته می‌شوید؛ بدون اینکه نیاز به طی هیچ مرحله و تشریفات قانونی یا اداری داشته باشید (دری فوس و فرانکل^۱، ۲۰۱۴: ۱۰). حقوق مالکیت صنعتی هم همان‌طور که از نام آن بر می‌آید، بیشتر با صنعت و تکنولوژی سروکار دارد. اختراع مهم‌ترین مصداق این گروه است، اما موارد دیگری مانند علائم تجاری و طرح‌های صنعتی هم در این گروه قرار دارند. برخلاف کپی‌رایت، در این دسته برای اینکه شما به عنوان مالک به رسمیت شناخته شوید، لازم است که با طی تشریفات قانونی و پروسه‌های اداری، اختراع یا علامت تجاری یا طرح صنعتی خود را به ثبت برسانید و در این صورت است که قانون از شما به عنوان مالک حمایت می‌کند (کیور و مونزیچ^۲، ۲۰۱۹: ۸).

۲. جایگاه فناوری بلاکچین در حقوق بین‌الملل مالکیت فکری

در این بخش، جایگاه فناوری بلاکچین را در اصول حقوق بین‌الملل مالکیت فکری و کنوانسیون‌های بین‌المللی مالکیت فکری و سازمان جهانی مالکیت فکری بررسی خواهیم نمود.

۲-۱. جایگاه فناوری بلاکچین در اصول حقوق بین‌الملل مالکیت فکری

اصول حقوق بین‌الملل مالکیت فکری مجموعه‌ای از اصول و مقررات حقوقی هستند که به مالکیت ادبیات، هنر، اختراعات، نشان‌های تجاری، طرح‌ها و سایر ابداعات فکری اشاره دارند. این اصول، در قالب توافقات بین‌المللی مانند توافقنامه تریپس و سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان جهانی مالکیت فکری اجرا می‌شوند تا حقوق و تعهدات مالکیت فکری به درستی حفظ و تشویق شود (کلارک^۳، ۲۰۲۰: ۹). در ادامه، به برخی از اصول مهم حقوق بین‌الملل مالکیت فکری اشاره می‌نمایم و به بررسی جایگاه فناوری بلاکچین در هر یک از آنها می‌پردازیم. الف) اصل پرهیز از تبعیض که عبارت است از: «تضمین عدالت و برابری در اعطای حقوق مالکیت فکری به افراد و اқشار مختلف جامعه». بلاکچین، با اطلاعاتی که در آن ثبت می‌شوند و قابل دسترسی برای تمام افراد هستند، از تبعیض در دسترسی به حقوق مالکیت فکری جلوگیری می‌کند. همه افراد با شفافیت اطلاعات به یکنواختی در این دسترسی شرکت می‌کنند. ب) یکی از مهم‌ترین اصول، اصل احترام به حقوق انسانی است. ارتباط حقوق مالکیت فکری با حقوق اساسی انسانی، از جمله

1. Dreyfuss & Frankel
2. Kur & Maunsbach
3. Clarke

حقوق به آزادی اظهارنظر، آزادی هنری و حقوق مختلف فردی و احترام به آن‌ها بسیار اهمیت دارد. بلاکچین با ارتقاء امنیت و شفافیت تراکنش‌ها، به حفظ حقوق انسانی مرتبط با مالکیت فکری کمک می‌کند. آزادی اظهارنظر، آزادی هنری و دیگر حقوق اساسی تحت پوشش این سیستم قرار می‌گیرند. پ) اصل مبارزه با تقلب عبارت است از: «تضمین اقدامات حقوقی جهت پیشگیری از نقض حقوق مالکیت فکری و مقابله با تقلب و کپی‌برداری غیرمجاز». ساختار غیرقابل تغییر بلاکچین و امکان تایید هویت اطلاعات، این فناوری را در مقابله با تقلب و تغییرات غیرمجاز در اطلاعات مالکیت فکری بسیار کارآمد می‌سازد. ت) اصل تشویق به نوآوری عبارت است از: «ارتقاء فعالیت‌های نوآورانه و تشویق به ایجاد اختراعات و ابتکارهای جدید». بلاکچین با فراهم کردن بستری برای ثبت و تأیید اختراعات و ابتکارهای جدید، افراد را به نوآوری و ایجاد محصولات جدید تشویق می‌کند. ث) اصل هماهنگی بین‌المللی عبارت است از: «ایجاد تعامل و همکاری بین کشورها در زمینه مالکیت فکری و اجرای اصول مشترک در سطح بین‌المللی». بلاکچین می‌تواند به عنوان یک زیرساخت تکنولوژیکی مشترک، هماهنگی بین‌المللی در زمینه مالکیت فکری را تسهیل و تسریع دهد، با ایجاد فرآیندهای شفاف و مشترک برای ثبت و مدیریت حقوق مالکیت فکری. ج) اصل تعادل منافع عبارت است از: «تلاش برای برقراری تعادل میان حقوق مالکیت فکری و حقوق عمومی جامعه». بلاکچین با فراهم کردن یک سیستم غیرمتمرکز و اطلاعات قابل اعتماد، می‌تواند به تعادل میان حقوق مالکیت فکری و حقوق عمومی جامعه کمک نماید. این سیستم مانع از بهره‌برداری نابرابر از حقوق مالکیت فکری می‌شود. چ) اصل افزایش دسترسی به فناوری عبارت است از: «تضمین اینکه حقوق مالکیت فکری به گونه‌ای باشد که به جامعه به صورت کلی، به ویژه در زمینه‌های بهداشت و فناوری، کمک کند». بلاکچین با تضمین امانت داده‌ها و حقوق مالکیت فکری، می‌تواند به جامعه در دسترسی گسترده‌تر به فناوری کمک کند و این امکان را فراهم آورد که توسعه و پیشرفت را ترویج کند. به این ترتیب، حقوق مالکیت فکری در بلاکچین به یک شیوه منطقی و عادلانه‌تر اجرا می‌شود که همگان بهره‌مند شوند (چوی و کیم، ۲۰۱۹: ۱۰۱).

۲-۲. جایگاه فناوری بلاکچین در کنوانسیون‌های بین‌المللی مالکیت فکری

کنوانسیون‌های بین‌المللی مالکیت فکری، از جمله کنوانسیون برن‌های سال ۱۸۸۳، کنوانسیون برنامه‌های کامپیوتری سال ۱۹۷۳ و کنوانسیون ویژگی‌های صنعتی سال ۱۹۸۹، برای حفاظت از حقوق مالکیت فکری در سطح بین‌المللی تشکیل شده‌اند. این کنوانسیون‌ها معمولاً تمرکز خود را بر روی حقوق ادبیات، هنر، اختراعات، نشان‌ها و طرح‌های صنعتی گذاشته‌اند. اگرچه کنوانسیون‌های بین‌المللی مالکیت فکری از قدیمی‌ترین قوانین بین‌المللی هستند و تاکنون توسعه و



تغییراتی را تجربه کرده‌اند، اما هنوز به طور کامل به مسائل مربوط به فناوری‌های نوین، مانند بلاکچین، ابررایانه‌ها، هوش مصنوعی و اینترنت اشیا پرداخته‌اند. با این حال، برخی از کنوانسیون‌ها و سازمان‌های بین‌المللی مالکیت فکری تلاش کرده‌اند تا بهبوداتی را در قوانین موجود برای پاسخگویی به چالش‌های فناوری‌های نوین ایجاد کنند؛ به عنوان مثال، سازمان جهانی مالکیت فکری به وجود گروه‌های کاری و کمیته‌های متخصص خود اختصاص داده است تا به مسائل مربوط به فناوری‌های نوین بپردازند و نظریات و راهکارهای خود را در این زمینه ارائه کنند. به طور کلی، برای تطبیق کنوانسیون‌ها و قوانین مالکیت فکری با فناوری‌های نوین، نیاز به همکاری بین کشورها و توسعه قوانین جدید و تغییرات در قوانین موجود وجود دارد. هدف اصلی این تلاش‌ها، ایجاد یک چارچوب مناسب برای حفاظت از حقوق مالکیت فکری در دنیای دیجیتال و فناوری‌هاست. (گورکاینک و همکاران^۱، ۲۰۱۸: ۱۰)

۲-۳. دیدگاه سازمان بین‌المللی مالکیت فکری در قبال فناوری بلاکچین

سازمان بین‌المللی مالکیت فکری تاکنون دیدگاهی رسمی درباره بلاکچین و تأثیر آن بر مالکیت فکری ارائه نکرده است. با این حال، این سازمان به طور مکرر درباره اهمیت و نقش تکنولوژی در حفاظت از حقوق مالکیت فکری صحبت کرده است. سازمان بین‌المللی مالکیت فکری در تقریرها و گزارش‌های خود به اهمیت فناوری‌های نوظهور مانند بلاکچین اشاره کرده و می‌گوید که این فناوری‌ها می‌توانند بهبود قابل توجهی در مدیریت و حفاظت از مالکیت فکری به ارمغان بیاورند. همچنین، سازمان بین‌المللی مالکیت فکری به بررسی و مطالعه اثرات بلاکچین در حوزه مالکیت فکری پرداخته است و تحقیقاتی در این زمینه انجام داده است؛ به عنوان مثال، سازمان بین‌المللی مالکیت فکری به تجارت الکترونیکی و انتقال تکنولوژی‌های نوین اشاره کرده است و بر اهمیت استفاده از فناوری‌های امنیتی مانند بلاکچین برای حفاظت از حقوق مالکیت فکری تأکید داشته است. همچنین، سازمان بین‌المللی مالکیت فکری به امکانات بلاکچین برای ایجاد ثبات و اعتماد در سیستم‌های ثبتی و حقوقی اشاره کرده است. با این حال، هنوز دیدگاه دقیق و رسمی سازمان بین‌المللی مالکیت فکری درباره بلاکچین و تأثیر آن بر مالکیت فکری در حال توسعه است و ممکن است در آینده نظریه‌ها و استراتژی‌های خاصی در این زمینه ارائه شود. در حوزه حفاظت از حقوق مالکیت فکری، مدیرکل سازمان جهانی مالکیت فکری، در مصاحبه‌ای در سال ۲۰۱۷ میلادی در خصوص آینده فناوری‌ها، چالش‌ها و فرصت‌ها، صراحتاً از فناوری بلاکچین به عنوان فرصتی برای حفاظت از حقوق مالکیت فکری نام برده است و پیش‌بینی نموده که عملکرد این

فناوری، به شرط توجه همه‌جانبه، می‌تواند راهگشای بسیاری از مشکلات مربوط به حفاظت از حقوق مالکیت فکری شود (القمدمی و القمدی^۱، ۲۰۲۰: ۱۶۴).

۳. تحلیل عملکرد بلاکچین در حقوق مالکیت فکری

حقوق مالکیت فکری با گسترش فناوری‌های جدید، فرازونشیب‌های بسیاری را پشت سر گذاشته است و متناسب با این فناوری‌ها، تغییراتی نیز در خود جای داده است (شاکری و جعفرپور، ۱۴۰۱: ۱۶). امروزه، حقوق مالکیت معنوی، به ویژه در شکل دیجیتال آن، بیش‌ازپیش در معرض تهدید قرار دارد؛ این امر به دلیل توسعه ابزارهای ارتباطی و فقدان نظارت مؤثر نهادهای بین‌المللی بوده و آسیب جدی را به محیط کسب و کارها وارد کرده است (بونت و تیوتبرگ^۲، ۲۰۲۳: ۸). علی‌رغم موانع بزرگی که به نظر می‌رسد برای اجرای فناوری بلاکچین در کاربردهای حقوقی، در مقیاس بزرگ، وجود داشته باشد، با این حال، پتانسیل استفاده از بلاکچین در مبحث حفاظت از حقوق مالکیت فکری، چه در مرحله ثبت و چه در مراحل پیگیری و دادگاه، عملی‌تر به نظر می‌رسد. علاوه بر این، با توجه به ساختار این فناوری، تصور بر این است که فرایندهای حفاظت از حقوق مالکیت فکری با استفاده از بلاکچین، کم‌هزینه‌تر نیز باشد. بلاکچین می‌تواند برای تأیید اعتبار و اصالت در فرایندهای شناسایی یا بازیابی اجناس تقلبی و دزدی و یا هنگامی که واردات موازی در کشور صورت گرفته است نیز مورد استفاده قرار گیرد. گفتنی است که بلاکچین برای رقابت با سیستم‌های متمرکز باید قابلیت مقیاس‌پذیری بالایی داشته باشد. برای جذب کارفرمایان برای استفاده از این پلتفرم، نیاز است که بلاکچین سریع‌تر و آسان‌تر از سایر سیستم‌های سنتی باشد (موریمی و همکاران^۳، ۲۰۲۳: ۱۰). به طور کلی، بلاکچین را می‌توان یک روش غیرمتمرکز برای رمزگذاری و ثبت داده‌ها از جمله تراکنش‌های مالی و یا واگذاری اموال و دارایی‌ها توصیف کرد که به واسطه آن، از ویرایش داده‌ها در خارج از قوانین سیستم جلوگیری می‌شود. این ایده که یک کد کامپیوتری بر بلاکچین غیرمتمرکز بتواند جای نهادهای حقوقی و قانونی را تصرف کند، برای برنامه‌نویسان، سرمایه‌گذاران و حتی پژوهشگران دانشگاهی درخور توجه بوده است. بسیاری از سیستم‌های حکمرانی مانند ثبت دارایی، تدارک اسناد شناسایی و ثبت ازدواج می‌تواند جایگزین خدمات بلاکچین غیرمتمرکز شوند. همچنین، فناوری بلاکچین، پتانسیل ایجاد تحول را در نهادهای قانونی موجود در زمینه حقوق مالکیت دیجیتال دارد، زیرا قانون مالکیت فکری در زمینه‌ی محافظت از حقوق مالکیت دارایی‌های نامشهود ضعیف عمل می‌کند. بسیاری از برنامه‌نویسان، جایگزینی یک قانون مالکیت اطلاعات جدید را پیشنهاد می‌دهند که همزمان، دفتر کل‌های توزیع‌شده را اداره می‌کند. برخی از پژوهشگران به صورت جامع پیاده‌سازی‌های

1. Alghamdi & Alghamdi
2. Bonnet & Teuteberg
3. Murimi et al



موجود و بالقوه فناوری بلاکچین را مرور و کشف کردند که چارچوب‌های حقوقی در آینده با پیشرفت رمزارزها، قراردادهای هوشمند و سازمان‌های خودگردان غیرمتمرکز شدیداً تغییر خواهند یافت (دوآن^۱، ۲۰۲۱: ۵). آن‌ها باور دارند که پیاده‌سازی سیستم‌های پیچیده از قراردادهای هوشمند و سازمان‌های غیرمتمرکز می‌تواند اصول اساسی حقوق مالکیت، حقوق قانون اساسی و حتی اجرای قضایی قوانین را از نو تعریف کند. برخلاف کالاهای فیزیکی، کالاهای دیجیتال به خوبی تکثیر می‌شوند و به صورت همزمان با هزینه‌ی نهایی تقریباً صفر توزیع می‌شوند. این خاصیت موجب تشدید انتقال و توزیع کالاهای دیجیتال رایگان در سطح اینترنت شده و مقیاس‌پذیری این شبکه را به شدت کاهش داده است. در همین حال، نهادهای واسطه‌ی قابل‌اعتماد باید به صورت متناوب از طریق سیستم‌های متمرکز مدیریت حقوق دیجیتال به مستندسازی، ایمن‌سازی و انتقال حقوق مالکیت دیجیتال پردازند. در نتیجه، معاملات با هزینه و تأخیر زیادی مواجه هستند (اووزر^۲، ۲۰۱۴: ۳). از این رو، مبادله‌ی تجاری مالکیت دیجیتال به خاطر هزینه‌های بالای ایجاد نهادهای متمرکز قابل‌اعتماد، محدود است. در واقع، برای جلوگیری از نسخه‌برداری، نهادهای واسطه‌ی راه‌حل‌های متمرکز پرهزینه‌ای ارائه کرده‌اند که یک محدودیت مصنوعی بر مقدار معاملات به وجود آورده است. از منظر حقوقی، مالکیت به قانون فهرست و دفتر کل برمی‌گردد. استفاده از فناوری بلاکچین هزینه‌های تراکنش را با حذف نهادهای واسطه حقوقی و کاهش زمینه‌های فرصت‌طلبی و عدم اطمینان، به شدت کاهش می‌دهد که در نتیجه، طرف‌ها بدون اعتماد در یک بستر نامطمئن مثل اینترنت، به توافق الزام‌آور رسیده و در یک تراکنش دیجیتال شرکت می‌کنند. این امر موجب رشد رقابت و معاملات مبتنی بر بازار آزاد در فضای دیجیتال می‌شود. البته، عدم رعایت قانون‌مندی در استفاده از فناوری بلاکچین در حوزه‌های تجاری می‌تواند زمینه بروز اختلافات حقوقی را میان شرکت‌های داخلی و فراملیتی فراهم آورد (گیورگ و همکاران^۳، ۲۰۱۹: ۱۱).

۴. نقش فناوری بلاکچین در حمایت از حقوق مالکیت فکری

فناوری بلاکچین در حمایت از حقوق مالکیت فکری نقش مهمی را ایفا می‌کند. در ادامه، به بررسی مواردی در این زمینه خواهیم پرداخت.

۴-۱. پیشگیری از سرقت معنوی

پیشگیری از سرقت معنوی یا سرقت ادبی از جلوگیری از استفاده غیرمجاز از ایده‌ها، آثار هنری، اختراعات و سایر اقتاعات معنوی به منظور کسب منافع بدون اجازه یا پرداخت حق کپی‌رایت یا

1. Duan
2. Oozeer
3. George et al

حق اختراع است. در ادامه، برخوردهای قانونی و فنی برای جلوگیری از سرقت معنوی در بلاکچین را توضیح خواهیم داد. بلاکچین به عنوان یک دفتر رکورد دائمی برای حقوق مالکیت فکری عمل می‌کند. (لی و پارک^۱، ۲۰۱۸: ۱۰۵). هرگونه تغییرات غیرمجاز یا اشتباه در اطلاعات ثبت شده به سرعت شناسایی می‌شود و از امکان تغییر تاریخ یا محتوای اصلی برخوردار نیست. استفاده از الگوریتم‌های رمزنگاری در بلاکچین برای محافظت اطلاعات مالکیت فکری از دسترسی غیرمجاز است. این الگوریتم‌ها اطلاعات را به‌طور ایمن و قابل اطمینان می‌سازند. از قراردادهای هوشمند در بلاکچین که شرایط و تعهدات مالکیت فکری را به‌طور خودکار اجرا می‌کنند، استفاده می‌شود. این اقدام می‌تواند از نقض حقوق مالکیت فکری جلوگیری کرده و به سرعت پاسخگویی تخلفات باشد. بلاکچین می‌تواند به عنوان یک زیرساخت برای همکاری بین‌المللی در مبارزه با سرقت معنوی عمل کند. هماهنگی بین کشورها در زمینه حقوق مالکیت فکری می‌تواند باعث افزایش اثربخشی در جلوگیری از سوءاستفاده شود. اطلاعات شفاف و دسترسی به آن‌ها در بلاکچین می‌تواند از اشخاص و شرکت‌ها خواسته و نشود که به صورت غیرمجاز از ایده‌ها و اختراعات دیگران استفاده کنند. برخی بلاکچین‌ها از مکانیسم‌های حل اختلاف همگانی استفاده می‌کنند که به افراد امکان مقابله با سرقت معنوی را می‌دهد و به آن‌ها اجازه می‌دهد که ادعاهای مرتبط با مالکیت فکری را در محیط مجازی پیگیری کنند (سیلوا و همکاران^۲، ۲۰۱۹: ۵۵۰).

۲-۴. قراردادهای هوشمند

امروزه، بلاکچین توانسته تحول عظیمی را در صنایع و سیستم‌های مدیریتی ایجاد کند، طوری که از این فناوری به عنوان انقلابی در حوزه تجارت و مدیریت اطلاعات و داده‌ها نام برده می‌شود (گورکایناک و همکاران^۳، ۲۰۱۸: ۱۰). با افزایش نیروی کار متخصص در حوزه‌های مختلف، متولیان بازار کار بر آن شدند تا با طراحی و تدوین شاخص‌های شغلی در بستر قراردادهای هوشمند، رابطه حقوقی میان کارفرما و کارمندان را استحکام بخشند. در تدوین این قراردادها ابتدا، باید اعتبار افراد صادرکننده دوره مشخص شود (نژاد طاهری، تقوی فرد و طلوعی اشلقی، ۱۴۰۱: ۲۲). قراردادهای هوشمند در واقع، کدهای کامپیوتری هستند که در پلتفرم بلاکچین ذخیره می‌شوند. این قراردادها شامل تمام اطلاعات مربوط به شرایط قرارداد بوده و در سیستم هوشمند، اجرای تمام بندهای قرارداد به صورت خودکار انجام می‌گیرد. از آنجا که بلاکچین به‌عنوان پایگاه‌های مشارکت گذاشته شده داده، یا به عبارتی تفاهم‌نامه‌های توزیع یافته، فعالیت می‌نماید، همانند یک شاهد، امکان حفاظت از حقوق مالکیت فکری را چه در مرحله ثبت و چه در مراحل

1. Lee & Park
2. Silva et al
3. Gurkaynak et al



خرید و فروش و دادگاه فراهم می‌نماید. قرارداد هوشمند می‌تواند برای ایجاد و به‌اجرا گذاری قراردادهای مالکیت فکری، نظیر قراردادهای واگذاری مجوز بهره‌برداری، استفاده شده و باعث شود که طبق قرارداد، انتقال پول به مالک دارایی فکری، در زمان مناسب و تعیین شده، صورت گیرد. اطلاعات هوشمند در مورد حقوق مالکیت فکری می‌تواند به عنوان مثال، در محتوای حفاظت شده یک آهنگ یا تصویر، به شکل دیجیتال رمزگذاری شود. نمونه این قراردادها در برخی شرکت‌های استارت‌آپی که در بخش کاربرد بلاکچین در حفظ آثار هنری نام برده شدند، در حال استفاده است. از آنجایی که فناوری بلاکچین راهی آسان برای اثبات وجود و منحصر بودن یک محصول را ارائه می‌دهد، این امر به قراردادهای حوزه بهره‌برداری این اجازه را می‌دهد تا به راحتی بتوانند محصولات تقلبی را شناسایی کنند (ملک، ۱۴۰۱: ۶). نگرانی از محرمانه‌سازی اطلاعات مالک سیستم هم می‌تواند با طرح انتخابی نمودن این گزینه، رفع شود. تلاش برای حفاظت از سیستم و نگهداری اطلاعات محرمانه کاربران به حدی حائز اهمیت است که در سراسر دنیا، شرکت‌های داخلی و یا چندملیتی برای کسب این امتیاز اغلب با یکدیگر به رقابت می‌پردازند (جیماینر و جیماینر^۱، ۲۰۲۱: ۱۰)

۳-۴. رفع اختلافات

بلاکچین یک فناوری امنیتی است که اطلاعات را به صورت شفاف و بدون تغییر در یک شبکه توزیع شده ذخیره می‌کند (الملکی و الملکی^۲، ۲۰۱۹: ۲۰۱). این فناوری می‌تواند نقش مهمی در برطرف کردن اختلافات ناشی از مالکیت فکری ایفا کند. اولاً، بلاکچین می‌تواند به عنوان یک سیستم ثبت اثر انگشت استفاده شود. با استفاده از بلاکچین می‌توان اثر انگشتی از ایده‌ها، ابتکارات و اختراعات را ثبت کرد. این اطلاعات در بلاکچین ذخیره می‌شوند و نمی‌توان آن‌ها را تغییر داد یا حذف کرد. بنابراین، در صورت بروز اختلافات مالکیت فکری، بلاکچین می‌تواند به عنوان یک منبع اثباتی قوی برای تعیین مالکیت استفاده شود. ثانیاً، بلاکچین می‌تواند به عنوان یک سیستم تراکنش امن برای مبادله مالکیت فکری استفاده شود. با استفاده از بلاکچین، می‌توان تراکنش‌هایی مانند فروش، انتقال یا اجاره مالکیت فکری را ثبت کرد. این تراکنش‌ها در بلاکچین ذخیره می‌شوند و همگان قادر به مشاهده آن‌ها هستند (کشتری^۳، ۲۰۱۹: ۱۸۶). بنابراین، در صورت اختلافات مالکیت فکری، بلاکچین می‌تواند به عنوان یک سند قانونی و اثباتی برای تاریخچه تراکنش‌ها استفاده شود. سوماً، بلاکچین می‌تواند به عنوان یک سیستم توافقی برای حل اختلافات مالکیت فکری استفاده شود. با استفاده از بلاکچین می‌توان قراردادهای هوشمندی ایجاد کرد که قوانین و شرایط مالکیت فکری را تعیین می‌کنند. این قراردادها در بلاکچین اجرا می‌شوند و

1. Gmeiner & Gmeiner
2. Almalki & Almalki
3. Kshetri

همگان قادر به مشاهده و اعتماد به آن‌ها هستند. در صورت بروز اختلافات، بلاکچین می‌تواند به عنوان یک محیط شفاف و بدون طرف‌تقلبی برای حل اختلافات مالکیت فکری استفاده شود. به طور کلی، بلاکچین می‌تواند نقش مهمی در برطرف کردن اختلافات ناشی از مالکیت فکری ایفا کند، از طریق ثبت اثر انگشتی، تراکنش‌های امن و حل اختلافات توافقی. با استفاده از این فناوری، می‌توان از امنیت، شفافیت و قابل اعتماد بودن بلاکچین برای حل اختلافات مالکیت فکری بهره‌برداری کرد (فلوچی و جراردی، ۲۰۲۲: ۹).

۵. بررسی پروژه‌ها و کاربردهای عملی بلاکچین در زمینه حقوق بین‌الملل مالکیت فکری

این بخش به بررسی پروژه‌ها و کاربردهای عملی فناوری بلاکچین در زمینه حقوق بین‌الملل مالکیت فکری می‌پردازد. هدف از این قسمت، ارائه یک دید جامع و کاربردی از چگونگی استفاده از بلاکچین در بهبود نظام حقوق مالکیت فکری می‌باشد.

۵-۱. ثبت ایمن اختراعات

یکی از کاربردهای بلاکچین در حقوق مالکیت فکری، ثبت ایمن اختراعات است. این پروژه‌ها از ویژگی‌های امنیتی بلاکچین به منظور جلوگیری از تقلب و تغییرات غیرمجاز در اختراعات بهره می‌برند. با توجه به اینکه اطلاعات یک اختراع یکبار وارد بلاکچین می‌شود و قابل دسترسی برای همه اعضای شبکه است، امکان تغییرات غیرمجاز کاهش می‌یابد و ایمنی فرایند ثبت اختراعات افزایش می‌یابد (یاکوولیا، ۲۰۱۸: ۲۵۸). در ادامه، به بررسی مواردی خواهیم پرداخت که نشان می‌دهند چگونه بلاکچین می‌تواند نقش مهمی در بهبود امنیت و کارایی فرآیند ثبت اختراعات ایفا نماید. این موارد عبارتند از: الف) جلوگیری از تقلب: یکی از چالش‌های مهم در فرآیند ثبت اختراعات، تقلب و تغییرات غیرمجاز در اطلاعات است. بلاکچین به عنوان یک سیستم غیرمتمرکز اجازه می‌دهد تا اطلاعات یک اختراع یکبار ثبت شده و توسط اعضای شبکه قابلیت دسترسی دارد. این کار باعث کاهش خطر اعمال تغییرات غیرمجاز و افزایش امانت اطلاعات می‌شود. ب) شفافیت در فرآیند: بلاکچین، به واسطه شفافیت و دسترسی عمومی، فرآیند ثبت اختراعات را شفاف‌تر می‌کند. اعضای شبکه می‌توانند به راحتی اطلاعات مربوط به اختراعات را مشاهده کنند که این امر بازویی اضافی در جلب اطمینان و اعتماد ایجاد می‌کند. پ) امنیت داده‌ها: با توجه به حساسیت اطلاعات مربوط به اختراعات، امنیت داده‌ها امری حیاتی است. بلاکچین با استفاده از الگوریتم‌های رمزنگاری قوی و توزیع شده، امنیت داده‌ها را تضمین می‌کند و از دسترسی غیرمجاز جلوگیری می‌کند. ت) اثبات زمان ثبت: بلاکچین، به عنوان یک رکورد زمان‌بندی شده و

1. Fallucchi & Gerardi
2. Yakovleva



ثبت شده، امکان اثبات زمان ثبت اختراع را فراهم می کند. این امر به حل اختلافات در مورد اولویت اختراعات کمک کرده و به ایجاد اطمینان درباره لحظه ثبت اختراع کمک می کند. ث) مزایای هزینه‌ای: با استفاده از بلاکچین می توان هزینه‌های مرتبط با میانجی‌ها و واسطه‌های مختلف در فرآیند ثبت اختراعات را کاهش داد. این سیستم غیرمتمرکز، فرآیند را ساده‌تر و کارآمدتر می کند (لی و ونگ^۱، ۲۰۱۹: ۲۴۲).

۵-۲. مدیریت حقوق نشر دیجیتال

در این بخش، کاربردهای بلاکچین در مدیریت حقوق نشر دیجیتال مورد بررسی قرار می گیرد. پروژه‌هایی که از بلاکچین به عنوان یک سیستم غیرمتمرکز برای ثبت حقوق نشر و مالکیت اثر استفاده می کنند، اطمینان از انتقال امانت و اعتبار اثرات دیجیتال را فراهم می کنند. در ادامه، برای درک بهتر این قسمت، موارد زیر را بررسی خواهیم نمود.

الف) اثبات مالکیت: یکی از چالش‌های مرتبط با حقوق نشر دیجیتال، اثبات مالکیت اثرات هنری و ادبی است. بلاکچین با ایجاد یک رکورد دائمی از مالکیت اثرات، این امکان را فراهم می کند که هنرمندان و نویسندگان بتوانند به راحتی اثبات مالکیت اثرات خود را داشته باشند. ب) مدیریت لایسنس‌ها: با توجه به پیچیدگی مدیریت لایسنس‌های حقوق نشر در دنیای دیجیتال، بلاکچین می تواند به عنوان یک زیرساخت اطمینان‌بخش برای مدیریت لایسنس‌ها عمل کند. این سیستم، تاریخچه لایسنس‌ها، اطلاعات مالی مرتبط و موارد دیگر را به صورت شفاف و دسترسی عمومی نگه می دارد. پ) مقابله با قدرت‌های وسوسه‌آور: در دنیای دیجیتال، انتقال سریع و آسان اطلاعات به جایی که از نظر حقوقی مجاز نیست، یک چالش است. بلاکچین با معماری خود، مقاومت در برابر تغییرات غیرمجاز و تضمین اطمینان از اصالت اطلاعات را فراهم می کند. ت) مشارکت فعال کاربران: با توجه به معماری غیرمتمرکز بلاکچین، کاربران می توانند به طور مستقیم در فرآیند مدیریت حقوق نشر شرکت کنند. این امر باعث مشارکت فعال‌تر و افزایش شفافیت در مدیریت حقوق نشر می شود. ث) جلوگیری از تقلب و کپی‌برداری: با استفاده از تکنولوژی بلاکچین، امکان تقلب و کپی‌برداری غیرمجاز از اثرات دیجیتال کاهش می یابد. هر تغییر در اطلاعات به صورت شفاف و بدون تغییر در تمام شبکه قابل مشاهده است (ریکولفی^۲، ۲۰۱۸: ۳۶۷).

1. Lee & Wang
2. Ricolfi

۵-۳. اجرای هوش مصنوعی در مالکیت فکری

استفاده از هوش مصنوعی در مالکیت فکری و حقوق بین‌المللی آن به یکی دیگر از کاربردهای جدید بلاکچین اشاره دارد. پروژه‌هایی که بلاکچین را با هوش مصنوعی یکپارچه می‌کنند، به منظور بهبود فرایندهای تصمیم‌گیری و اجرای قوانین مالکیت فکری اقدام می‌کنند (سوود^۱، ۲۰۱۹: ۸۶). در ادامه، برای درک بهتر این قسمت، به بررسی موارد زیر خواهیم پرداخت.

الف) تشخیص نقض حقوق مالکیت: استفاده از الگوریتم‌های هوش مصنوعی در تشخیص نقض حقوق مالکیت، به ویژه در اینترنت، امکان پیشگیری از نقض حقوق نشر، اختراع و علائم تجاری را فراهم می‌کند. این الگوریتم‌ها قادرند با سرعت بالا و دقت زیاد، فعالیت‌های غیرمجاز را شناسایی کرده و اقدامات لازم را انجام دهند. ب) مدیریت پرونده‌ها و اسناد: هوش مصنوعی در مدیریت پرونده‌ها و اسناد حقوق مالکیت نقش کلیدی ایفا می‌کند. این تکنولوژی با استفاده از الگوریتم‌های پیشرفته، اسناد را به صورت خودکار دسته‌بندی کرده و مدیریت مؤثرتر و بهینه‌تر اطلاعات را فراهم می‌سازد. ت) پیش‌بینی تغییرات در حقوق مالکیت: هوش مصنوعی، با تحلیل داده‌های مختلف مرتبط با حقوق مالکیت، قادر است تغییرات آینده را پیش‌بینی کرده و مالکان اثرات را به‌روزرسانی نماید. این قابلیت به مالکان کمک می‌کند تا با سرعت به تغییرات در محیط حقوقی پاسخ دهند. ث) بهبود فرآیند اختراعات: استفاده از هوش مصنوعی در فرآیند اختراعات، امکان بهبود سرعت و کیفیت این فرآیند را فراهم می‌کند. الگوریتم‌های هوش مصنوعی می‌توانند ادعاها و اختراعات مشابه را بررسی کرده و به اختراعات جدید کمک کنند. ج) مدیریت لایسنس‌ها و قراردادهای هوش مصنوعی در مدیریت لایسنس‌ها و قراردادهای هوش مصنوعی، این تکنولوژی می‌تواند قراردادهای را تحلیل و شرایط مالی و حقوقی را به صورت خودکار استخراج کند و مدیریت لایسنس‌ها را بهبود بخشد. چ) پیشگیری از نقض حقوق مالکیت: الگوریتم‌های هوش مصنوعی، با مانیتورینگ فعال در فضای دیجیتال، می‌توانند به صورت زمان‌بندی شده فعالیت‌های مشکوک را تشخیص داده و از نقض حقوق مالکیت جلوگیری کنند (ریمر^۲، ۲۰۱۸: ۱۶۶).

۶. چالش‌های استفاده از بلاکچین در نظام حقوق بین‌الملل مالکیت فکری

در حال حاضر، جایگاه بلاکچین در کنوانسیون‌های بین‌المللی مالکیت فکری هنوز به طور کامل مشخص نشده است. این به دلیل وجود چالش‌هایی است که استفاده از بلاکچین در نظام حقوق بین‌الملل فکری با خود به همراه دارد. چالش‌های اصلی عبارتند از: الف) قانونی بودن بلاکچین: بلاکچین به طور عمده بر اساس فناوری نوین و جدیدی که از نظر قانونی در بسیاری از کشورها

1. Sood
2. Rimmer



تاکنون تنظیم نشده است، عمل می‌کند. بنابراین، این چالش می‌تواند برای تطبیق بلاکچین با قوانین مالکیت فکری وجود داشته باشد. ب) حفظ حقوق مالکیت فکری: یکی از نقاط قوت بلاکچین، قابلیت اطمینان و شفافیت است. با این حال، در بلاکچین‌ها عموماً حفظ حقوق مالکیت فکری به صورت غیرقابل تغییر و عمومی است. این امر می‌تواند چالشی برای حقوق مالکیت فکری شخصی باشد که ممکن است به حفظ حقوق خود در مورد اثرهای خلاقانه خویش نیاز داشته باشد. پ) پیچیدگی قوانین مالکیت فکری: قوانین مالکیت فکری به طور کلی پیچیده هستند و در هر کشوری متفاوت هستند. تطبیق بلاکچین با این قوانین پیچیده می‌تواند مشکلاتی را ایجاد کند، به خصوص وقتی که بلاکچین‌ها به طور انتقالی و بین‌المللی عمل می‌کنند. ت) حفظ حریم خصوصی: بلاکچین‌ها عموماً به صورت عمومی و شفاف عمل می‌کنند و اطلاعات مربوط به تراکنش‌ها برای همه قابل دسترسی است. این امر می‌تواند چالشی برای حفظ حریم خصوصی اطلاعات مالکیت فکری باشد. ث) انطباق با سیستم‌های قانونی موجود: برای استفاده از بلاکچین در نظام حقوق بین‌الملل فکری، لازم است که این فناوری با سیستم‌های قانونی موجود در هر کشوری انطباق داشته باشد. این موضوع شامل تغییرات قوانین و مقررات مالکیت فکری می‌شود که ممکن است در برخی کشورها نیاز به تغییرات کلی داشته باشد. با توجه به این چالش‌ها، هنوز باید کار بیشتری برای تطبیق بلاکچین با نظام حقوق بین‌الملل فکری انجام شود. با این حال، با پیشرفت فناوری و تغییرات قوانین ممکن است در آینده‌ای نزدیک، راه‌حل‌های مناسبی برای این تطبیق ارائه شود (سوود^۱، ۲۰۱۹: ۹۰).

بحث و نتیجه‌گیری

امروزه، با توسعه فناوری، استفاده از ابزارهای الکترونیکی سرعت گرفته است. یکی از این فناوری‌های جدید در ابتدای قرن ۲۱، فناوری بلاکچین بود که اولین بار به عنوان ابزار اصلی بیت کوین در نظر گرفته شد. فناوری بلاکچین جدیدترین نوع بسترهای عمومی است که از فناوری رمزنگاری داده‌ای بهره‌مند است. بررسی بلاکچین به عنوان یک نهاد مالکیت کمک می‌کند که جدید و منحصر به فرد بودن این فناوری را در موضوعات بسیاری همچون حوزه کسب و کار دریابیم. روشن است که برخی از کاربردهای بلاکچین می‌توانند جایگزین هنجارها و نهادهای حقوقی و حقوق مالکیت شوند؛ برای مثال، یک نهاد مالکیت ترکیبی که یک دفتر کل توزیع شده است که می‌تواند به جای پایگاه داده متمرکز دولت، اطلاعات حقوق مالکیت فکری را نگهداری کند. به این ترتیب، نمی‌توان رد کرد که بلاکچین می‌تواند یک تهدید جدی برای برخی از نهادهای حقوقی مالکیت باشد، اما به این معنا نیست که بلاکچین منجر به انحلال حقوق مالکیت در جامعه می‌شود. در یک نگاه وسیع‌تر، فناوری بلاکچین در کنار ویژگی‌های دیگرش می‌تواند

1. Sood

یک نوع جدید از نهاد مالکیت باشد. در کنار قابلیت محروم‌سازی و تفکیک‌پذیری، شناخت جهانی بلاکچین به عنوان مالکیت و دارایی، احتمالاً مهم‌ترین بُعد مالکیت در بلاکچین است. این موضوع نه تنها شباهت بیت کوین با دارایی‌های دیگر را نشان می‌دهد، بلکه بر منحصر به فرد بودن این مالکیت دلالت دارد. بلاکچین به اختیارات نهادهای واسطه‌ای برای برقراری حقوق مالکیت نیازی ندارد و همچنین، یک سیستم دسترسی جهانی به اطلاعات و دانش درباره‌ی حقوق مالکیت دارندگان کیف پول را فراهم می‌کند. با وجود کاربردهای زیادی که فناوری بلاکچین در حوزه حفاظت از حقوق مالکیت فکری می‌تواند داشته باشد، اما همچنان در مورد زیرساخت‌های لازم برای اجرایی نمودن این کاربردها، ابهاماتی وجود دارد. در حال حاضر، جایگاه بلاکچین در کنوانسیون‌های بین‌المللی مالکیت فکری هنوز به طور کامل مشخص نشده است. این امر به دلیل وجود چالش‌هایی است که استفاده از بلاکچین در نظام حقوق بین‌الملل فکری با خود به همراه دارد. با مطالعه، بررسی و ایجاد شفافیت بیشتر در این حوزه که باید به دور از هیاهوهای معمول و تصمیمات شتاب‌زده باشد، می‌توان در رفع ابهامات مربوط به اجرایی شدن این فناوری اهتمام داشت. بر اساس مطالعات انجام‌شده، فناوری بلاکچین به عنوان یک فناوری نوین می‌تواند به بهبود نظام حقوق بین‌الملل مالکیت فکری کمک کرده و با ارتقاء امور امنیت و شفافیت، به بهبود عملکرد و اعتماد در این حوزه اساسی کمک نماید.



منابع

- شاکری، زهرا و جعفرپور، یاسمن. (۱۴۰۱). امکان‌سنجی اعمال حقوق معنوی مؤلف تحت فناوری‌های نوین اطلاعات و ارتباطات. فصلنامه حقوق فناوری‌های نوین. ۳(۶)، ۱۵-۲۹.
- ملک، هادی. (۱۴۰۱). بررسی حقوقی نقش بلاکچین در قراردادهای هوشمند حوزه مالکیت فکری. فصلنامه پژوهش‌های حقوقی میان‌رشته‌ای. ۳(۹)، ۴۹-۶۵.
- نژادطاهری، مصطفی؛ تقوی فرد، محمدتقی و طلوعی اشلقی، عباس. (۱۴۰۱). مدلی برای طراحی دوره‌های آموزشی مهارتی با استفاده از قراردادهای هوشمند بر بستر بلاکچین. فصلنامه مطالعات مدیریت کسب و کار هوشمند. ۱۱(۴۲)، ۱۹۷-۲۳۶.
- نیلفروشان، هادی و ایازی، سیدعلی. (۱۳۹۹). ارزیابی قلمرو فعالیت شرکت‌های حوزه نفت و گاز بر شاخص‌های کلان آمادگی پذیرش فناوری بلاکچین. فصلنامه مطالعات مدیریت کسب و کار هوشمند. ۹(۳۳)، ۲۴۷-۲۸۶.

- Alghamdi, S.A. & Alghamdi, M.M. (2020). Blockchain technology and intellectual property rights: a review. *International Journal of Advanced Computer Science and Applications*. 11(1). 164-169.
- Almalki, A. & Almalki, H. (2019). The role of blockchain technology in protecting intellectual property rights. *International Journal of Advanced Computer Science and Applications*. 10(3). 199-204.
- Bhutta, M.N., Khwaja, A.A., Nadeem, A., Ahmad, H.F., Khan, M.K., Hanif, M., Song, H.H., Alshamari, M.A., & Cao, Y. (2021). A Survey on Blockchain Technology: Evolution. *Architecture and Security*. 9. 61048-61073.
- Bonnet, S., Teuteberg, F. (2023). Impact of Blockchain and distributed ledger technology for the management of the intellectual property life cycle: A multiple case study analysis. *Computers in Industry*. 144(2).
- Choi, J.G. & Kim, S.H. (2019). Blockchain technology and intellectual property rights: a review of the patent landscape. *World Patent Information*. 57(1). 101982.
- Clarke, A. (2020). *Principles of Property Law (Law in Context)*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Dreyfuss, R.C., & Frankel, S. (2014). From Incentive to Commodity to Asset: How International Law is Reconceptualizing Intellectual Property. *Michigan Journal of International Law*. 36(2).
- Duan, L. (2021). *Blockchain And Legal Protection of Copyright Technical Protection Measures for Publications in the Internet Era*. 2021 Fifth International Conference on I-SMAC (IoT in Social, Mobile, Analytics and Cloud) (I-SMAC). 1542-1545.
- Duncan, S. (2017). Hegel on Private Property: A Contextual Reading. *The Southern Journal of Philosophy*. 55(3). 263-284.
- Fallucchi, F., & Gerardi, M. (2022). Blockchain; State-of-the-Art and Future Trends, Scholar's Yearly Symposium of Technology. *Engineering and Mathematics*. 27-29.
- George, R.P., Peterson, B.L., Yaros, O., Beam, D.L., Dibbell, J.M. and Moore, R.C. (2019). Blockchain for business. *Journal of Investment Compliance*. 20(1). 17-21.
- Gmeiner, R., & Gmeiner, M. (2021). Encouraging domestic innovation by protecting foreign intellectual property. *International Review of Law and Economics*. 67(2).

- Gürkaynak, G., Yılmaz, İ., Yeşilaltay, B., & Bengi, B. (2018). Intellectual property law and practice in the blockchain realm. *Computer Law & Security Review*. 34(4). 847-862.
- Gurkaynak, G., Yılmaz, İ., Yeşilaltay, B., & Bengi, B. (2018). Intellectual Property Law and Practice in the Blockchain Realm. *Computer Law & Security Review*, 34(4), 847- 862.
- Kshetri, S. (2019). Blockchain technology for intellectual property management: challenges and opportunities. *Journal of the Association for Information Science and Technology*. 70(11). 1184-1196.
- Kur, A., & Maunsbach, U. (2019). Choice of law and Intellectual Property Rights. *Oslo Law Review*. 6(1). 43-61.
- Lee, J.A., & Wang, C.H. (2019). Blockchain and intellectual property: a review of the literature. *International Journal of Law and Information Technology*. 27(3). 239-267.
- Lee, J.M. & Park, J.Y. (2018). Blockchain technology and intellectual property: a new era of innovation protection, *International Journal of Intellectual Property Management*. 11(2). 101-115.
- Murimi, R., Bell, G., Rasheed, A. A., & Beldona, S. (2023). Blockchains: A review and research agenda for international business. *Research in International Business and Finance*. 66(2).
- Nofer, M., Gomber, P., Hinz, O., & Schiereck, D. (2020). Blockchain. *Business & Information Systems Engineering*. 59. 183-187.
- Oozer, A. (2014). Information technology and intellectual property law. *Commonwealth Law Bulletin*. 40(4). 719-722.
- Ricolfi, M. (2018). Blockchain technology and intellectual property: challenges and opportunities. *Journal of Intellectual Property Law & Practice*. 13(5). 365-372.
- Rimmer, M. (2018). Blockchain technology: implications for intellectual property law and policy. *Journal of World Intellectual Property*. 21(5-6). 161-176.
- Senftleben, M., & Vu, A. (2020). International intellectual property law. Traditional Knowledge, Genetic Resources. *Customary Law and Intellectual Property*. 51- 63.
- Silva, A.P. & da Silva, E.C. & de Souza, R.M. & Maldonado, J.C. (2019). Blockchain technology for intellectual property protection: a systematic literature review. *Journal of Intellectual Property Law & Practice*. 14(7). 546-559.
- Sood, K. (2019). Blockchain and intellectual property: a new era of innovation protection?. *Journal of Intellectual Property Rights*. 4(2). 84-91.
- Yakovleva, S. (2018). Blockchain technology and intellectual property law: a revolutionary outlook. *Computer law & Security Review*. 34(2). 256-275.
- <https://coiniran.com/blockchain-based-property-rights/> (visited: 2023-7-23).

Beneficiary in environmental crimes in EU and Iranian law

Hossein Norouzi¹, Mohammad Reza Parvin²✉, Mansour Pournouri³

Abstract

Field and Aims: Damage to the environment has been criminalized today and this shows the importance of environmental protection. On this basis, the national laws of the countries have been transformed and effective steps have been taken in this direction, which include international cooperation. In this regard, having a position and being a stakeholder is important. In this research, we examine the laws of the European Union and Iran regarding this matter.

Method: This article is written in a descriptive-analytical way.

Finding and Conclusion: Environmental crimes have three key characteristics compared to other crimes: extent in terms of the perpetrator, diversity in terms of behavior, dynamics and causality in terms of results. Today, in addition to governments, citizens and non-governmental organizations can also play an important role in protecting the environment. However, the category of having a position and being a beneficiary limits the access of non-governmental natural and legal persons to the judicial authority in a way. Position means having the authority to file a lawsuit. The main challenge mentioned in this article is related to environmental crimes and creating criminal responsibility for those who pollute or destroy the environment. Today, most countries have come to the conclusion that the determination of the position in the field of environmental crimes is very different from other fields. Therefore, in many countries of the European Union, it is possible to file lawsuits by citizens based on public interests. On this basis, the traditional approach to the role of officials in environmental crimes is an important obstacle to the prosecution of such crimes and makes the implementation of criminal responsibility a failure.

Keywords: Beneficiary, Environmental crimes, European Union, Iranian law, criminal responsibility.

*Citation (APA): Norouzi, H.; Parvin, M.; Pournouri, M. (2024). Beneficiary in environmental crimes in EU and Iranian law. *International Legal Research*, 17(63), 65-84.

1. PhD candidate in environmental management- environmental law, Faculty of Natural Resources and Environment, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: nouroozi@ymail.com

2. Assistant Professor, Agricultural Biotechnology Research Institute of Iran (ABRII), Agricultural Research, Education and Extension Organization (AREEO), Karaj, Iran. (Author). Email: mopr_upar2@yahoo.fr

3. Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: pournouri@yahoo.com



سمت در جرائم محیط‌زیستی در حقوق اتحادیه اروپا و ایران

حسین نوروزی^۱، محمدرضا پروین^۲، منصور پورنوری^۳

چکیده

زمینه و هدف: آسیب به محیط‌زیست امروزه جرم‌انگاری شده و این امر حاکی از اهمیت حفاظت از محیط‌زیست را نشان می‌دهد. بر این مبنا، قوانین ملی کشورها دستخوش تحول شده و در این مسیر گام‌های مؤثری برداشته شده است که شامل همکاری‌های بین‌المللی نیز می‌باشد. در این راستا، داشتن سمت و ذینفع بودن دارای اهمیت می‌باشد که در این پژوهش قوانین اتحادیه اروپا و ایران را پیرامون این امر مورد بررسی قرار می‌دهیم.

روش: این مقاله به شیوه توصیفی - تحلیلی نگارش یافته است.

یافته‌ها و نتایج: جرائم محیط‌زیستی سه ویژگی شاخص در مقایسه با دیگر جرائم دارند: گستردگی از جهت مرتکب، تنوع از جهت رفتار، پویایی و رابطه سببیت از جهت نتیجه. امروزه، علاوه بر دولت‌ها، شهروندان و نهادهای غیردولتی نیز می‌توانند نقش مهمی در حفاظت از محیط‌زیست داشته باشند. با این حال، مقوله داشتن سمت و ذینفع بودن، دسترسی اشخاص حقیقی و حقوقی غیردولتی به مرجع قضایی را به نوعی محدود می‌کند. سمت به معنای داشتن صلاحیت جهت اقامه دعواست. چالش اصلی ملحوظ در نوشتار حاضر مربوط به سمت در جرائم محیط‌زیستی و ایجاد مسئولیت کیفری برای آلوده‌کنندگان یا تخریب‌گران محیط‌زیست است. امروزه، اغلب کشورها به این نتیجه رسیده‌اند که احراز سمت در حوزه جرائم محیط‌زیستی بسیار متفاوت از دیگر حوزه‌ها می‌باشد. لذا، در بسیاری از کشورهای اتحادیه اروپا، امکان اقامه دعوا توسط شهروندان بر اساس منافع عمومی میسر شده است. بر این مبنا، رویکرد سنتی به نقش سمت در جرائم محیط‌زیستی مانعی مهم برای پیگرد این قبیل جرائم بوده و عملی کردن مسئولیت کیفری را با شکست مواجه می‌سازد.

کلیدواژه‌ها: سمت، جرائم محیط‌زیستی، اتحادیه اروپا، حقوق ایران، مسئولیت کیفری.

* استناددهی (APA): نوروزی، حسین؛ پروین، محمدرضا؛ پورنوری، منصور. (۱۴۰۳). سمت در جرائم محیط‌زیستی در حقوق اتحادیه اروپا و ایران. *تحقیقات حقوقی بین‌المللی*، ۱۷(۶۳)، ۶۵-۸۴.

۱. دانشجوی دکتری مدیریت محیط‌زیست - حقوق محیط‌زیست، دانشکده منابع طبیعی و محیط‌زیست، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران. رایانامه: nouroozi@gmail.com
۲. استادیار حقوق، بخش بیوتکنولوژی میکروبی، پژوهشگاه بیوتکنولوژی کشاورزی ایران، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، کرج، ایران. (نویسنده مسئول). رایانامه: mopr_upar2@yahoo.fr
۳. استادیار، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، تهران، ایران. رایانامه: pournouri@yahoo.com



مقدمه

این پرسش بسیار کلیدی که «حقوق کیفری تا چه اندازه و چگونه باید از محیط‌زیست حمایت کند» باید از سه جهت مبنای معیار و مصداق مورد بررسی قرار گیرد. از جهت مبنای حقوق کیفری و فراتر از آن، حقوق پس از جنگ جهانی دوم، هیچ‌گاه به صورت فراگیر از محیط‌زیست حمایت نکرده است. تعیین سه‌گانه و جوه تنظیم‌کنندگی حقوق برای تنظیم روابط فرد با فرد، فرد با دولت و دولتها با همدیگر، مجاللی نگذاشته که تنظیم روابط میان اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی با محیط‌زیست به‌سان بخشی از ذات حقوق مطرح گردد. شاید دلیل این امر، بی‌زبانی و ناتوانی محیط‌زیست باشد و شاید هم محیط‌زیست نمی‌تواند مخاطب تکلیف باشد که بتواند در مباحث ذاتی حقوق جای بگیرد؛ زیرا در تنظیم‌کنندگی روابط همواره حق و تکلیف با هم مطرح می‌شود و مخاطب این روابط واقعاً یا اعتباراً یک موجود زنده است.

محیط‌زیست با ظهور عصر صنعتی شدن و دوران روشنگری به تبع حقوق طبیعی نادیده گرفته شد. پیام‌های دوره صنعتی شدن تا آغاز سده بیستم، چیزی جز بی‌رحمی نسبت به محیط‌زیست و برگرفتن حداکثری سود و بهره‌وری از آن نبود. در نیمه نخست سده بیستم، انسان ملی که به‌جای انسان نوعی نشسته بود و ملی‌گرایی در این دوره موج می‌زد، جنگ‌های جهانی را آفرید که اصلی‌ترین قربانی آن، محیط‌زیست بود؛ ولی به چشم نیامد. در نیمه دوم سده بیستم، با ظهور گرایش‌های حقوق بشری در میان بیشتر کشورها، باز این کرامت ذاتی انسان بود که به چشم آمد و حقوق طبیعی در حقوق بشر خلاصه شد و بر همین اساس بود که حق بر محیط‌زیست سالم به‌عنوان یکی از حقوق بشر نسل چهارم پدیدار گردید. به سخن دیگر، اهمیت دادن به محیط‌زیست به دلیل ارتباط آن با زندگی انسان‌ها و آسیب به آن‌ها پیوند خورده است. در نظریه مشورتی دیوان آمریکایی حقوق بشر در مورد محیط‌زیست و حقوق بشر در سال ۲۰۱۷، دیوان با تأیید ارتباط بین تحقق حقوق بشر و وجود محیط‌زیست سالم، اعلام داشت که کشورها باید اقداماتی را انجام دهند تا اطمینان حاصل شود که آسیب محیط‌زیستی قابل توجهی به اشخاص در داخل یا خارج از قلمرو آنها وارد نمی‌شود (رودال^۱، ۲۰۲۰: ۲۵). این در حالی است که طبیعت و محیط‌زیست به‌عنوان بخشی از حقوق طبیعی اساساً به چشم نیامد.

در آغاز سده بیست و یکم، خشم محیط‌زیست به تدریج در چشم انسان‌ها و دولتها ظاهر شد؛ به گونه‌ای که بشر متوجه شد محیط‌زیست را به‌عنوان یک موجود زنده و قاهر نادیده گرفته است. روشن است که تا برهه زمانی ما، حقوق کیفری مبنیاً نمی‌توانسته از محیط‌زیست به‌عنوان یک ارزش مستقل و بدون وابستگی به انسان حمایت کند؛ زیرا محیط‌زیست به‌عنوان مخاطب حق و تکلیف شناسایی نمی‌شد تا حقوق کیفری بتواند از آن حمایت کند. به سخن دیگر، محیط‌زیست و

1. Rudall



متعلقات آن مانند حیوانات و گیاهان در واقع به‌عنوان دارایی انسان یا دولت تلقی شده و از این منظر مورد حمایت بودند؛ نه به‌عنوان یک پدیده یا موجود مستقل. همین امر سبب شد تا هر اقدام ضد محیط‌زیستی که برای شخص معین اعم از حقیقی و یا حقوقی زیانبار بود، به‌عنوان جرم مطرح شود و تحت پیگرد قرار بگیرد و هر اقدام زیانبار که نسبت به محیط‌زیست همگانی یا محیط‌زیست وحشی یا محیط‌زیست جهانی محقق می‌شد، اساساً مورد پیگرد قرار نگیرد. پرونده اریکا در فرانسه نخستین بار بود که ایراد آسیب صرفاً محیط‌زیستی با مجازات کیفری همراه شد. دادگاه عالی فرانسه تصمیم خود را در ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۲ صادر کرد و هر چهار متهم شرکت نفت توتال^۱ به‌عنوان اجاره‌دهنده، شرکت رینا^۲، مدیر کشتیرانی تور^۳ به‌عنوان مالک و مدیر پن شیب^۴ به‌عنوان مدیر فنی را از نظر کیفری مسئول آلودگی ناشی از نشت نفت دانست (لایندگرن^۵، ۲۰۱۶: ۱۳۷).

حقوق کیفری در چگونگی حمایت کیفری از محیط‌زیست سردرگم است. یکی از اصول اساسی در زمینه سیاست کیفری، پیش‌بینی مجموعه قوانین منسجم و منظم به منظور تأمین اهداف آن است (کوشکی، ۱۳۸۹: ۸۸). در حقوق کیفری کشورها و از جمله ایران، جرم‌انگاری و کیفرگذاری به صورت پراکنده صورت گرفته است، ولی اثر چشمگیری در حمایت کیفری ندارد. دلیل این امر، ضعف نظام مسئولیت کیفری و فقدان اقدامات تأمینی در راستای مسئولیت اجتماعی شهروندان در این زمینه است. توسعه مسئولیت کیفری و ترسیم مسئولیت اجتماعی برای شهروندان و نهادهای غیردولتی دو راهبرد بنیادین در حمایت از محیط‌زیست در حقوق کیفری است که در این نوشتار با استفاده از روش تحلیلی - تطبیقی تنها به چگونگی و چالش‌های مسئولیت شهروندان و نهادهای غیردولتی پرداخته می‌شود.

۱- مفاهیم و کلیات

۱-۱- مفهوم جرائم محیط‌زیستی

جرائم محیط‌زیستی به مجموعه رفتارهای غیرقانونی علیه وضعیت مستقر پدیده‌ها و مظاهر طبیعت گفته می‌شود (کوشکی، ۱۳۸۹: ۹۰). این تعریف به همان اندازه که می‌تواند گویا باشد، می‌تواند نارسا نیز باشد. گویایی تعریف در دو عنصر نهفته است: نخست اینکه عامل رفتارهای غیرقانونی، انسان یا شخص حقوقی وابسته به آن است و شامل دیگر جانداران نمی‌شود؛ حتی اگر جانداران دیگر از باب تناسل بی‌رویه یا از بین بردن مراتع یا افزایش گازهای مغل برای جو زمین، به واقع زیان آور باشند، بازهم در چرخه طبیعت قرار دارند. بدیهی است که جانداران غیر از انسان نمی‌توانند مسئولیت کیفری داشته باشند، ولی آنچه که در اینجا سنج‌های برای ارزیابی تعریف

1. Total Oil Company
2. Registro Italiano Navale (Rina)
3. Tevere Shipping
4. Panship Company
5. Lindgren

جرائم محیط‌زیستی است، در واقع رفتار عقلانی انسان در برابر رفتار طبیعی جانداران است. به سخن دیگر، رفتارهای غیرقانونی محصول رفتار عقلانی انسان است، اعم از اینکه این عقلانیت در شخص حقیقی مدنظر قرار بگیرد یا شخص حقوقی.

دوم اینکه رفتار شخص مسئول (حقیقی یا حقوقی) نظم طبیعی و مستقر مظاهر طبیعت را برهم می‌زند و وضعیت بد و غیرطبیعی برای طبیعت ایجاد می‌کند. آنچه در اینجا مهم است، رویارویی وضعیت طبیعی و غیرطبیعی است. وضعیت طبیعی برآمده از فرآیند عوامل و نمادهای طبیعت است، هرچند که به تخریب محیط‌زیست بینجامد یا در حال فرسایش طبیعت باشد؛ ولی وضعیت غیرطبیعی برآمده از عملکرد انسان است، هرچند که ممکن است در ظاهر برای کمک رساندن به طبیعت یا کمک به انسان‌ها یا حیوانات باشد.

این نکته را باید در نظر داشت که وضعیت برآمده از دگرگونی‌های نامنظم طبیعی و رخدادهای ناگهانی (حوادث غیرمترقبه) گرچه ممکن است محیط‌زیست انسان و جانداران یا ابنیه را ویران کند، ولی می‌تواند برای اشخاص به ویژه اشخاص حقوقی مسؤلیت آور باشد و آن زمانی است که اشخاص مسئول در رفع آثار این رخدادهای ناگهانی اقدام بایسته نکنند و در پی ترک فعل آنها، تخریب محیط‌زیست تشدید شود یا به صورت‌های دیگر تبدیل شود. طبق تبصره ۲ ماده ۵۱۴ قانون مجازات اسلامی، افراد یا دستگاههایی که مسؤلیت اصلاح یا رفع آثار این‌گونه حوادث (علل قهری مانند سیل و زلزله) را برعهده دارند، در صورت تقصیر یا قصور قابل استناد در انجام وظیفه، ضامن هستند.

اما نارسایی‌ها و ابهامات این تعریف و هر تعریف دیگر می‌تواند در امکان‌سنجی عنصر زیان‌رسانی به طبیعت باشد. آیا برای تعریف جرائم محیط‌زیستی، زیان به طبیعت یک عنصر بنیادین است؟ زیان به طبیعت چه گستره و معیاری دارد؟ از سوی دیگر، در نظم حقوق کیفری کنونی، سمت نیز چهره مبهمی دارد. این ابهام از منظر گزینش جایگاه قضایی یا قانونی برای آن است. سمت شاکی در جرائم محیط‌زیستی به طور کلی یک مقوله پرونده‌محور و قضایی است و قانونگذار نمی‌تواند معیارهای احراز آن را از پیش تعیین کند.

۱-۲- پذیرش مسؤلیت کیفری برای جرائم محیط‌زیستی

اساساً، مسؤلیت بین‌المللی دو گونه است: مسؤلیت بین‌المللی مدنی و مسؤلیت بین‌المللی کیفری. مسؤلیت مدنی در واقع، جبران خساراتی است که در اثر نقض تعهدات و تخلف از مقررات بین‌المللی به کشور متعهد وارد می‌شود و در رده اهمیت معمولی قرار دارد؛ در حالی که مسؤلیت کیفری پاسخی است به نقض تعهداتی که دارای اعتبار و اهمیت بالاتری بوده و تخلف از آنها غیرقابل اغماض بوده و دارای جنبه کیفری است.



تا پیش از میانه سده بیستم، میان انواع نقض تعهد از لحاظ نوع و شدت، تفاوتی قائل نمی‌شدند. در واقع، به هر نوع نقض تعهد یکسان نگریسته می‌شد. از سده بیستم به بعد، جامعه بین‌المللی بین انواع نقض تعهدات تمایز قائل گردید و برخی از این نقض‌ها را موجب ایجاد مسئولیت کیفری برای ناقضان تعهدات دانست. یکی از مهمترین این عرصه‌ها، موضوع توسل به زور و زیر پا نهادن مقررات صلح و امنیت بین‌المللی است. به مرور زمان، بر وسعت مسئولیت کیفری بین‌المللی افزوده شد. یکی از موارد مهم این توسعه، جرائم و نقض‌های مربوط به محیط‌زیست است. در برخی از اسناد بین‌المللی، از مسئولیت بین‌المللی کیفری سخن به میان آمده و عدم رعایت قوانین محیط‌زیستی موجب ایجاد مسئولیت کیفری برای ناقضان آن شناخته شده است. با این حال، اساساً، کنوانسیون‌های محیط‌زیستی حاوی قوانین جزایی معدود و محدودی هستند. از میان کنوانسیون‌های مختلف که دربرگیرنده مقررات کیفری هستند، می‌توان به کنوانسیون بازل اشاره کرد (سویلن و پرابو^۱، ۱۹۹۸: ۱۲).

در سال ۱۹۸۳ نیز شورای امنیت طی قطعنامه شماره ۵۴۰ خود،^۲ آلوده شدن آب‌های خلیج فارس بر اثر حمله به نفتکش‌ها و کشتی‌ها در آب‌های این منطقه را عامل تهدیدکننده صلح و امنیت بین‌المللی دانسته و آن را هم‌ردیف جرم تهدید و نقض صلح و امنیت بین‌المللی که موجب مسئولیت بین‌المللی کیفری است، تلقی نمود. در دعوی آزمایشات هسته‌ای نیز که توسط استرالیا علیه فرانسه مطرح گردید، استرالیا برای توجیه مسئله به حقوق بین‌الملل مربوط به تجاوز که جنبه کیفری دارد، استناد کرد. استرالیا ریزش مواد رادیواکتیو به سرزمین خود را نقض حاکمیت ارضی استرالیا تلقی نمود (مشکات، رمضانی و صلاحی، ۱۳۹۸: ۱۸۵).

۳-۱- مشارکت عمومی در حفاظت از محیط‌زیست

یکی از اصول حقوق بین‌الملل که به شدت مورد توجه قرار گرفته، اصل مشارکت عمومی است. این اصل از جمله عناصر محوری در تحقق حکمرانی مطلوب و توسعه پایدار بوده و منجر به اتخاذ تصمیمات و سیاست‌های آگاهانه‌تر، مناسب‌تر، مؤثرتر و واجد مشروعیت بیشتر می‌گردد (اسکوزن و همکاران^۳، ۲۰۰۵: ۳۷). مشارکت عمومی در حوزه امور محیط‌زیست علاوه بر تضمین‌کنندگی تحقق مردم‌سالاری، فواید قابل ملاحظه‌ای در تضمین اجرای تصمیمات محیط‌زیستی دارد؛ چرا که موجب می‌گردد آحاد جامعه نسبت به محیط‌زیست علاقه بیشتری از خود نشان داده و نسبت به تصمیمات و سیاست‌های اخذشده حساسیت بیشتری به خرج دهند.

1. Soyilan & Prabhu

۲. قطعنامه ۵۴۰ شورای امنیت سازمان ملل متحد که در تاریخ ۳۱ اکتبر ۱۹۸۳ تصویب شد، سندی بین‌المللی درباره ایران-عراق است. این قطعنامه طی نشست ۲۴۹۳ با ۱۲ موافق، ۰ مخالف و ۳ ممتنع تصویب شد.

3. Skousen et al

حق افراد در برخورداری از محیط‌زیست سالم نیز از حقوق بنیادین بشر بوده است و این مهم در اسناد بین‌المللی متعددی مورد توجه قرار گرفته است. لذا، هر گونه فعالیتی که به محیط‌زیست صدمه‌ای وارد کند، موجب نقض این حقوق می‌شود. به سخن دیگر، حفاظت از محیط‌زیست جنبه مهمی از این حقوق به شمار می‌رود و حق بر حفاظت از محیط‌زیست، ایجاد حق و تکلیف می‌نماید. این حق و تکلیف مستلزم دسترسی به محاکم می‌باشد که در اسناد بین‌المللی متعددی نیز به آن اشاره شده است^۱ و مانند دیگر حقوق می‌بایست از ضمانت اجرا و دادرسی عادلانه برخوردار باشد. یکی از روشهای تحقق ضمانت اجرا، ایجاد راههای قانونی جهت دسترسی شهروندان و سازمانها و نهادهای غیردولتی و یا مردمی به محاکم است (جلالیان و نجفی اسفاد، ۱۳۹۱: ۲۱۱).

۲- مفهوم سِمَت در دعاوی

سِمَت عنوانی حقوقی است که به شخص این توانایی و اجازه را می‌دهد که از مرجع قضایی رسیدگی به دعوی را درخواست نماید و یا هر عمل حقوقی و اقدام قانونی را انجام دهد که مربوط به شخص او نمی‌باشد. لذا، در مواردی که رسیدگی به ادعا را خود مدعی تقاضا نموده و شخص حقیقی باشد (شخص حقیقی اصیل)، مفهوم سمت در نفع مستغرق می‌شود؛ به طوری که با احراز ذینفع بودن، نوبت به بررسی سمت نمی‌رسد و تصور شخص ذینفع و در عین حال، بی‌سمت غیرممکن می‌گردد. البته، برداشت مزبور در حقوق فرانسه نیز وجود دارد، ولی مورد اختلاف است (شمس و شاه حیدری پور، ۱۳۹۰: ۳۱۴). اگرچه عقیده مخالف قابل دفاع به نظر نمی‌رسد، دادگاه زمانی در بررسی وجود یا عدم سمت به عنوان شرط اقامه دعوا با تکلیف قانونی مواجه می‌شود که درخواست رسیدگی را شخص حقیقی اصیل به عمل آورده باشد. بنابراین، تنها در مواردی که رسیدگی را شخص حقوقی و یا شخص حقیقی غیراصیل تقاضا کرده باشد، دادگاه در مقام تشخیص قابلیت قبول یا رد دعوا باید سمت درخواست کننده را در کنار سایر شرایط اقامه دعوا مورد بررسی قرار داده و در صورت عدم احراز سمت شخصی که اقامه دعوا نموده، نسبت به صدور قرار ردّ دعوا مبادرت ورزد.

موضوع سمت در اعلام جرائم محیط‌زیستی یکی از موضوعات محل تأمل و اختلاف است. در سیستم حقوقی ایران، تخلف از مقررات حقوق محیط‌زیست عموماً برای شهروندان، به خودی خود، دلیلی برای اعلام شکایت در مراجع قضایی تلقی نمی‌شود؛ بلکه باید جرمی وقوع یافته باشد. در غیر این صورت، اعلام شکایت از سوی دیگر اشخاص و شهروندان یا سازمان‌های غیردولتی با سختی مواجه خواهد بود. در نظام قضایی فرانسه، داشتن منفعت عمومی از خصوصیات حفاظت از محیط‌زیست تلقی می‌شود. رویکرد اتحادیه اروپا و کشورهای عضو در تشخیص مجنی علیه جرائم

۶ اعلامیه استکهلم اصل ۱۰ اعلامیه ریو ماده ۱۴ و ۱۸ طرح پیش‌نویس میثاق حقوق همبستگی اصل ۲۴ منشور طبیعت.



محیط‌زیست دشوار است، زیرا مجنی علیه اصلی شخصیت حقیقی و حقوقی ندارد؛ ضمن آنکه ارزش محیط‌زیست ذاتی است (رمضانی قوام‌آبادی، ۱۳۹۰: ۲۱۸).

۱-۲- نقش سازمانهای مردم‌نهاد (سمن)ها در جرائم محیط‌زیستی

دولت‌ها همواره به دنبال سازوکارهای مناسبی برای جلوگیری از تخریب و تجاوز به محیط پیرامون انسانها هستند. در میان این سازوکارها، آن دسته از اقدامات که باعث «پیشگیری» از وقوع جرائم محیط‌زیستی می‌شوند، از اهمیت بسیار بیشتری برخوردارند. اصولاً، روشهای مبارزه با جرم به دو مرحله قبل از وقوع (پیشگیری) و بعد از ارتکاب جرم (تعقیب و مجازات مجرم) تقسیم‌بندی می‌شوند. با توجه به ویژگیهای خاص محیط‌زیست و جرائم محیط‌زیستی (از جمله اهمیت کم‌تر نسبت به سایر جرائم در نزد دولتها، مشخص نبودن زیان‌دیده در این گونه جرائم و در بسیاری از موارد، جبران‌ناپذیر بودن آثار منفی تخریب محیط‌زیست و...)، سمن‌ها می‌توانند نقش بی‌مانندی را در مبارزه با جرائم محیط‌زیستی، چه در مرحله پیشگیری و چه در مرحله تعقیب و مجازات خاطیان، ایفا نمایند.

در مرحله پیشگیری (گرچه موضوع پیشگیری از جرائم معمولاً در بستری کاملاً رسمی و دولتی شکل می‌گیرد و سازمانهای مردم‌نهاد در آن جایگاه مناسبی ندارند)، سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن‌ها) در هر کشوری می‌توانند از طرقی همچون آموزش (ایجاد کارگاه‌ها و جلسات آشنایی با محیط‌زیست و نحوه حفاظت از آن و...)، حساس‌سازی افکار عمومی و حتی تجهیز، ظرفیت‌سازی و تقویت جوامع بومی در مقابل اتفاقات راجع به محیط‌زیست و حل معضلات ذی‌ربط، اطلاع‌رسانی به موقع در جهت جلوگیری از ارتکاب جرائم محیط‌زیستی و...، در این زمینه نقش مؤثری ایفا نمایند (ابیدین و همکاران^۱، ۲۰۲۲: ۴).

۳- نحوه احراز سمت در جرائم محیط‌زیستی در حقوق ایران و اتحادیه اروپا

۱-۳- حقوق ایران

در حقوق ایران از جهت معیار، حقوق کیفری به درستی نمی‌داند از چه چیزی حمایت کیفری کند. محیط‌زیست را پدیده‌ها، مواد و عناصر متعددی مانند جنگل‌ها، آب، جانداران، گیاهان و مانند اینها شکل می‌دهند. پس در واقع، نمی‌توان کلتی به نام محیط‌زیست را برای حقوق کیفری تعریف کرد، بلکه باید مشخصاً روشن شود که موضوع حمایت کیفری چیست. در واقع، حقوق کیفری عادت به تعیین موضوع با ارزش خاصی دارد که بتوان رفتار مجرمانه ضد آن را تعیین کرده و به دادخواهی از آن پرداخت. همچنان که به زبان ساده نمی‌توان جرم ضد شهر یا جرم ضد استان یا جرم ضد محله‌ای از شهر را تصور کرد، جرم ضد محیط‌زیست نیز قابلیت حمایت کیفری ندارد.

1. Abiddin et al

با این حال، این رویکرد در حقوق کیفری، سنتی است و حقوق کیفری در معرض سازوکارهای حمایت کیفری از ارزش‌های کلان مانند محیط‌زیست یا شهر یا استان یا کشور قرار نگرفته است. گاه نیز مفهوم آن زیر سایه تعابیر سیاسی و اعتباری مانند امنیت ملی، قلمرو سرزمینی یا منافع ملی قرار گرفته و نتوانسته چهره خود را نشان دهد؛ برای نمونه، با تحقق هر آزمایش یا آزمایش تسلیحاتی، ویرانگری‌های گسترده‌ای در محیط‌زیست پیش می‌آید، ولی مفهوم امنیت ملی یا تقویت امنیت نظامی در چنین مواقعی اساساً اجازه مداخله شخص حقیقی یا حقوقی در حمایت از محیط‌زیست را نمی‌دهد (داگلاس وایت، ۱۳۹۴: ۱۸۲).

از جهت مصداق، حقوق کیفری ایران در چگونگی حمایت کیفری از محیط‌زیست سردرگم است. جرم‌انگاری، مسوول‌انگاری، کیفرگذاری و وضع اقدامات تأمینی معمول‌ترین مصداق‌های حمایت کیفری از محیط‌زیست‌اند. لذا، یکی از اصول اساسی در زمینه سیاست کیفری، پیش‌بینی مجموعه قوانین منسجم و منظم به منظور تأمین اهداف آن است (کوشکی، ۱۳۸۹: ۶۵)؛ لیکن، در حقوق کیفری ایران، جرم‌انگاری، نحوه احراز سمت و کیفرگذاری به صورت پراکنده صورت گرفته و اثر چشمگیری در حمایت کیفری از محیط‌زیست ندارد. دلیل این امر، ضعف نظام مسئولیت کیفری و فقدان اقدامات تأمینی در راستای مسئولیت اجتماعی شهروندان در این زمینه است.

در حقوق ایران، در خصوص نحوه احراز سمت در پرونده‌های جرائم محیط‌زیستی نیز باید قائل به تمایز شد. میان خسارت‌های عام و خسارت‌های خالص محیط‌زیستی^۱ (یعنی، خسارت به محیط‌زیست طبیعی شامل آب، خاک، هوا، و سایر منابع طبیعی) تفاوت وجود دارد؛ به این صورت که در خسارت‌های عام، اشخاصی که متحمل خسارت شده باشند، می‌توانند ادعای خسارت نمایند و این امر از بدیهیات حقوق مسئولیت مدنی است که در مواد متعدد قانون مسئولیت مدنی به وضوح مورد اشاره قرار گرفته است. در این باره، ماده ۲۹ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مقرر می‌دارد «صاحبان و مسئولان این گونه کارخانجات و کارگاه‌های آلوده‌کننده... مکلف به پرداخت ضرر و زیان وارده به محیط‌زیست و اشخاص حقیقی و حقوقی هستند». بنابراین، اشخاصی که در اثر اقدامات علیه محیط‌زیست دچار ضرر و زیان شده باشند، چه ضرر و زیان مالی باشد و یا غیرمالی و جسمانی، می‌توانند دعوای حقوقی مطرح کنند؛ چون ذینفع هستند و ماده ۲ قانون آئین دادرسی مدنی نیز مقرر می‌دارد «هیچ دادگاهی نمی‌تواند به دعوایی رسیدگی کند، مگر اینکه شخص یا اشخاصی ذینفع... رسیدگی به دعوا را برابر قانون درخواست نموده باشند». راجع به مطالبه ضرر و زیان‌های خالص محیط‌زیستی نیز باید گفت که در قوانین مربوط به حفاظت از محیط‌زیست، ماده ۱۴ قانون حفاظت و بهسازی محیط‌زیست مقرر می‌دارد: «در مورد جرائم مقرر

1. Net Environmental Damage



در این قانون، سازمان (حفاظت محیط زیست) حسب مورد، شاکي و يا مدعي خصوصي شناخته مي شود. لذا، مطالبه ضرر و زيان هاي خالص محيط زيستي از وظائف مسئولين زيست محيطي بوده و فقط آنان جهت اقامه و پيگيري دعوي سمت خواهند داشت؛ به عنوان نمونه، سازمان جنگل ها و مراتع مي تواند خسارت هاي وارده بر جنگل ها و مراتع را مطالبه کند و يا سازمان محيط زيست خسارت هايي همچون آلودگي هوا، آلودگي صوتي يا آلودگي آب را مطالبه کند (حبيسي، ۱۳۸۲: ۱۶۲). در مورد سازمان هاي مردم نهاد^۱ نيز ماده ۲۹ قانون نحوه جلوگيري از آلودگي هوا قابل اعمال مي باشد.

بنابراين، اشخاص حقيقي مي توانند ضرر و زيان هاي وارده به خود را مطابق اين مقررده هاي قانوني مطالبه نمايند. در واقع، سازمان هاي مردم نهاد نيز مي توانند بر اساس قانون، خسارتي را که به وظائف و اهداف آنها وارد مي شود، از عاملين زيان مطالبه نمايند. به عبارت ديگر، در خصوص خسارت هايي که به اشخاص حقوق عمومي وارد شده باشد، چون آنها نيز شخصيت حقيقي دارند، مي توانند دعوي مطالبه خسارت اقامه نمايند؛ بطوريکه اگر يک شخص حقيقي که وظائف و اختيارات حمايت از محيط زيست داشته باشد و اين هدف در اساسنامه آن انجمن يا گروه و سازمان غير دولتي پيش بيني شده باشد، مي تواند خسارت هايي که به اهداف آنها وارد شده باشد را مطالبه نمايد. در واقع، سازمان هاي غير دولتي که هدفشان حمايت، حفاظت و پاکسازي محيط زيست است، هر نوع ضرر به هدفشان، خسارت به سرمايه معنوي است که اين سازمانها اندوخته اند و از دارايي آنها محسوب مي شود و در اقامه دعوي مسئوليت مدني، ذينفع محسوب مي شوند.

۲-۳- قانون آيين دادرسي كيفري ۱۳۹۲ و نقش سازمان هاي مردم نهاد در جرائم محيط زيستي

سازمان هاي مردم نهاد «سمن» ها مي توانند در پاسخ به جرائم محيط زيستي به دو طريق به نظام قضايي ياري رسانند: اول اينکه آنها در راستاي تحقق اهداف خود، وقوع بزه محيط زيستي را به مراجع قضايي اعلام و گزارش کنند و دوم، در فرآيند كيفري به زيان ديدگان از اين جرائم کمک نمايند. ضمن اينکه با اطلاع رساني، فرهنگ سازي و ايجاد حساسيت در جامعه، در حمايت از محيط زيست به ايفاي نقش پردازند. دولت ها در کنار برنامه هاي خود در حفاظت از محيط زيست و مبارزه با جرائم محيط زيستي، به وجود سمن ها نياز مندند. اين تشکل ها با توجه به ارزش هاي فرهنگي و اجتماعي جامعه مي توانند زمينه مشارکت مؤثر مردم را برانگيزند (حسيني، ۱۳۸۲: ۱۰۶).

با تأمل در مقررات نظام دادرسي كيفري قبلي مي توان پي برد که هيچ گونه نقش حمايتي براي مشارکت سازمان هاي غير دولتي در فرآيند دادرسي كيفري در نظر گرفته نشده بود. تنها نقش پيش بيني شده براي آنها اين بود که مانند ساير شهروندان مي توانند اعلام جرم کنند و مقامات

1. NGO

قضایی در راستای اعلام جرم آنها، چنانچه سایر اوضاع و احوال نیز دلالت بر اتکاب جرم می‌کرد، می‌توانستند اقدامات لازم به منظور کشف و تعقیب جرم را به عمل آورند. خوشبختانه، قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در راستای تقویت نقش سازمانهای مردم‌نهاد در فرایند دادرسی کیفری و در جهت حمایت از بزه‌دیدگان جرائم خالص، بر حضور مؤثر و مفید آنان در فرایند دادرسی کیفری صحنه گذاشته است. حضور و مشارکت سازمانهای غیردولتی آنگاه ضرورت خود را بیشتر آشکار می‌کند که در حقوق کیفری جرائم بدون بزه‌دیده نیز وجود دارد. به عبارت دیگر، در این جرائم، شاکی و بزه‌دیده ملموس و عینی همانند جرائمی مانند قتل، ضرب و جرح و سرقت و غیره وجود ندارد تا موضوع را تعقیب کند؛ بلکه مدعی‌العموم باید به نمایندگی از عموم مردم حسب مورد، مجرم را تعقیب کند. در همین راستا، به موجب ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری، سازمانهای غیردولتی‌ای که اساسنامه آنها در زمینه حمایت از اطفال و زنان، اشخاص بیمار و دارای ناراحتی جسمی یا ذهنی، محیط‌زیست، منابع طبیعی، بهداشت عمومی و حقوق شهروندی است، می‌توانند نسبت به جرائم ارتكابی در زمینه فوق‌الذکر جرم کنند و در تمام مراحل دادرسی جهت اقامه دلیل شرکت کنند و همچنین، می‌توانند نسبت به آراء دادگاهها اعتراض کنند و در تبصره همین ماده مقرر شده است که ضابطان دادگستری و مقامات قضایی مکلفند بزه‌دیدگان موضوع این ماده را از کمک سازمانهای غیردولتی مربوطه آگاه کنند. البته، همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، در این ماده قانونی از به رسمیت شناختن سازمانهای غیردولتی به‌عنوان شاکی خودداری شده است؛ ولی در فرآیند کیفری، حق حضور در تمام مراحل رسیدگی و اعتراض به آراء را نیز برای آنها قائل شده است (طلوعی مقدم و داودی گرمارودی، ۱۴۰۰: ۳۶).

با این وصف، ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری که یکی از بارزترین نوآوری‌های این قانون می‌باشد، به نوعی، هویتی دوباره به کالبد سازمانهای مردم‌نهاد بخشیده و توانی را که سال‌های متوالی نبود آن در قوانین مربوط به این سازمانها مشاهده می‌شد، به آنها داده است تا به خصوص در حوزه جرائم محیط‌زیستی که سازمانهای مردم‌نهاد زبان‌گویای آن به حساب می‌آیند، بتوانند بدین وسیله به کمک محیط‌زیست و بزه‌دیدگان این جرائم پردازند.

لازم به ذکر است، علاوه بر نقش سمن‌ها، با توجه به این که جرائم محیط‌زیستی اکثراً از مصادیق جرم علیه منافع عمومی است، مدعی‌العموم (دادستان) نیز حق و تکلیف طرح دعوی کیفری را برای مجازات مجرم دارد.

۳-۳- حقوق اتحادیه اروپا

از نظر تاریخی، اروپا مهد شکل‌گیری جریان طرفداران محیط‌زیست و جنبش‌های دوستدار طبیعت است. این مسأله به خاستگاه‌های مکاتب فکری طبیعت‌محور برمی‌گردد که عمدتاً، در غرب اروپا



به ویژه کشورهای آلمانی زبان نظیر آلمان، سوئیس و اتریش تکامل یافته‌اند. در این کشورها، از بدو شکل‌گیری انقلاب صنعتی و استیلای تدریجی بشر بر کره زمین و توسعه روزافزون و به نوعی، لجام گسیخته صنعت و فناوری، نوعی نگرانی از پیامدهای سلطه بشر بر طبیعت شکل گرفته که منجر به نگاه محافظه کارانه در برابر توسعه بی‌رویه در همه ابعاد آن شده است؛ به‌عنوان مثال، مرور این جریان‌ها نشان می‌دهد با ورود نهاده‌های شیمیایی از قبیل کودها و آفت‌کش‌های شیمیایی به چرخه تولید انبوه محصولات کشاورزی در دهه‌های آغازین قرن بیستم، جریان‌های فکری محیط‌زیستی شکل گرفت و نسبت به کاربرد بی‌رویه آنها و اثرات زیانبار آن بر انسان، موجودات زنده و طبیعت، موضع‌گیری جریان‌های اروپایی آغاز شد. بر همین اساس، این جریان‌ها از چنان قدرتی برخوردار شدند که حزب‌های موسوم به طرفداران محیط‌زیست در ابعاد سیاسی نیز قدرتمند شده و با اقبال بسیار مردم اروپا نیز مواجه گردیدند؛ به‌عنوان مثال، در آلمان، احزاب طرفدار محیط‌زیست در سالهای اخیر هم وزیر در کابینه آلمان داشته‌اند (یوشکا فیشر وزیر امور خارجه) و هم در سال ۲۰۱۱ میلادی و پس از فاجعه اتمی ژاپن توانستند افکار عمومی را چنان برانگیخته کنند که آلمان متقاعد شد نیروگاههای هسته‌ای خود را تا زمان تجدیدنظر جدی در استانداردهای ایمنی و جنبه‌های محیط‌زیستی بهره‌برداری از آنها، در چند ایالت تعطیل کند.

در زمینه ملاک‌های احراز سمت نیز اصولاً نظام‌های حقوقی مبتنی بر منافع معمولاً نیاز به احراز منافع مستقیم و واقعی و خاص را ضروری می‌دانند و شاکی، علاوه بر نگرانی مستقیم (رابطه سببی مستقیم میان اقدام و صدمه وارد شده به خواهان)، نیازمند اثبات نگرانی شخصی (متأثر شدن خواهان از اتفاقات روی داده‌شده به دلیل ویژگی خاص آن اتفاقات) نیز هست (رمضانی قوام‌آبادی و جوادمنش، ۱۳۹۵: ۹۸۳). دیوان دادگستری اتحادیه اروپا از دگرگونی و تغییر رویکردش در مورد سمت در مواقع گوناگون، با وجود اعتراض‌های فراگیر، خودداری می‌ورزید. با این وصف، مطابق با رویه این دیوان، سه حالت برای امکان طرح شکایت از سوی انجمن‌ها و گروه‌های فعال در حوزه منفعت عمومی قابل تصور است: الف) هنگامی که مقررات قانونی حق مداخله در دادرسی را به این انجمن اهدا می‌کند، ب) هنگامی که یکی از اعضای انجمن به طور مستقیم و به صورت شخصی نگران و مسئول است و ج) زمانی که منافع انجمن و بویژه، موقعیت انجمن تحت تأثیر قرار گیرد (همان منبع: ۹۹۲). همانطور که گفته شد، ماهیت دعاوی محیط‌زیست به گونه‌ای است که امکان اثبات متأثر شدن به طور متمایز از سایرین و عبور از ملاک نگرانی شخصی را ناممکن می‌کند؛ زیرا هدف از طرح این دعاوی، حفاظت از کالا یا منفعی است که به طور کلی، متعلق به جامعه است. از این رو، شکات می‌بایست در اعلام شکایت خود نقض حق عمومی ماهوی خود را اثبات کنند تا دارای سمت به شمار روند و محاکم این ملاک را به دقت بررسی می‌کنند. در غیر این صورت، مشارکت گروه‌های غیردولتی در این عرصه محدود به همان اطلاع‌رسانی مراجع

قضایی ذیصلاح و گزارش دادن جهت تکمیل فرایند سایر شکایات مطروحه محیط‌زیستی تحت عنوان «مدافعان محیط‌زیست» می‌باشد (کمیسیون اروپا^۱، ۲۰۲۱: ۵۴).

با این اوصاف، به نظر نمی‌رسد اصل حمایت قضایی مؤثر، تأثیری قابل توجه در عملکرد دادگاه‌های کشورهای عضو اتحادیه اروپا در حوزه محیط‌زیست گذاشته باشد. نظام حقوقی آلمان در حوزه محیط‌زیست با الزامات کنوانسیون آرهوس منطبق نیست. در مقابل، کشورهای نظیر انگلستان و ولز و لهستان تردید دارند که استفاده از معیارهای سمت با مفهوم و دایره شمول گسترده‌تر در قوانین داخلی شان منطبق بر الزامات کنوانسیون باشد. همچنان، وضعیت حقوقی نسبت به قبل از الحاق به کنوانسیون آرهوس تغییر چندانی نکرده است (رمضانی قوام آبادی و جوادمنش، ۱۳۹۵: ۹۹۳).

مطابق قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، مقررات مفصلی راجع به حمایت از انجمن‌های کمک به بزه‌دیدگان ناشی از خسارات محیط‌زیستی وضع شده است. در صورت وجود برخی شرایط، این انجمن‌ها می‌توانند نقش شاکی پیدا کنند و حتی می‌توانند اقامه دعوا کنند. بدین منظور، در مقررات دادرسی کیفری کشور فرانسه، این انجمن‌ها به بزه‌دیده و دادستان کمک شایانی در جهت وصول به اهداف نظام عدالت کیفری می‌کنند. اصول احتیاطی، پیشگیری و... بطور کلی و در حد تعاریف، در قوانین محیط‌زیست فرانسه مورد اشاره قرار گرفته‌اند. در حقوق فرانسه، کنسول عالی و کمیته‌های تحت نظارت وی نقش مهمی در زمینه بررسی و پیشگیری از خطرات داشته و می‌تواند به‌عنوان شاکی اقامه دعوا نمایند؛ اما به دلیل اینکه کنسول عالی مقام رسمی دولتی به حساب نمی‌آید و معمولاً، فاقد بودجه اختصاصی هستند، اعضای کمیته‌ها که از متخصصان علوم مختلف هستند، طبق قانون، هر ۵ سال یکبار می‌بایست گزارشی از عملکرد خود و پیشنهاد روشهای جدید ارائه دهند؛ اما بدلیل اینکه در عمل، ارائه این گزارش جنبه اجرایی نیافته و فاقد ضمانت اجرا می‌باشد، باعث شده تا اعضاء کمیته علاقه‌ای به فعالیت و شناخت تکنولوژیهای جدید محیط‌زیستی که منجر به ارائه پیشنهادات و اختراعات جدید می‌شود، از خود بروز ندهند (بیانکو و همکاران^۲، ۲۰۱۵: ۴۳).

در سطح اتحادیه اروپا، برخی تلاش‌ها به منظور بهبود دسترسی به عدالت با استفاده از قوانین طراحی شده است؛ از جمله تدوین دستورالعمل اتحادیه اروپا درباره دسترسی به عدالت در زمینه پروژه‌هایی که به احتمال زیاد تأثیر زیانباری بر محیط‌زیست دارند؛ همانطور که در دستورالعمل کمیسیون اروپایی در مورد سیاست‌های محیط‌زیست در طی سالهای ۲۰۲۴-۲۰۱۹ نیز به نقش شهروندان (به جهت ترس آنها از آینده) تأکید بسیار شده است (حاجی چامبیس^۳، ۲۰۲۲: ۳).

1. European Commission
2. Bianco et al
3. Hadjichambis



در سیستم‌های حقوقی خاص، همچون آلمان و ایتالیا و سوئد، انجمن‌ها و نهادهای غیردولتی در صورتی دارای سمت می‌باشند که دارای شخصیت حقوقی ثبت شده و حداقل معیارهای قانونی برای این منظور باشند؛ البته، رعایت این شرایط در برخی کشورها همچون انگلستان و فرانسه مورد نیاز نمی‌باشد (رمضانی قوام آبادی و جوادمنش، ۱۳۹۵: ۹۹۳).

با توجه به توضیحات ارائه شده، چنین استیفا می‌شود که معیارهای احراز سمت در اتحادیه اروپا اغلب بر مبنای آسیب‌های محیط‌زیستی تدوین نشده‌اند، بلکه با حمایت از حقوق افراد مرتبطند. از سوی دیگر، قانون کشورهای عضو اتحادیه شرایطی برای اقامه دعوا از سوی انجمن‌ها تعیین می‌کند که اغلب محقق نمی‌شوند. به این منظور، دیوان دادگستری اتحادیه اروپا می‌بایست به منظور تطابق با کنوانسیون آرهوس، سازمان‌های محیط‌زیستی غیردولتی را نیز مستند به ماده ۱۱ مقررات آرهوس، برای اقامه دعوا در برابر اقدامات زیانبار برای محیط‌زیست اتحادیه اروپا دارای سمت در نظر بگیرد. بدین منظور، ضرورتی ندارد که تفسیر فعلی خود را از مفهوم نگرانی شخصی تغییر دهد، بلکه می‌تواند سازمانهای غیردولتی را در جهت اجرای الزامات مقرر در ماده ۱۱ مقررات آرهوس نیازمند اثبات نگرانی‌های شخصی ندانسته و در نتیجه، سازمان‌های غیردولتی در مقام حافظان محیط‌زیست نیز می‌توانند به نیابت از طبیعت که قادر به اقامه دعوا برای حمایت از خودش نیست، این مهم را برعهده گیرند.

البته، همانگونه که در قسمت قبل بدان اشاره شد، کشور آلمان عملکرد دیگری در رابطه با احراز سمت و حق مراجعه به محاکم در حوزه محیط‌زیست دارد. در این کشور، سازمان‌های غیردولتی، بدون اینکه موظف به اثبات وارد آمدن لطمه به حق شخصی خود ناشی از اقدام مورد اعتراض باشند، دارای سمت شناخته می‌شوند. بعد از مطالعات و آزمون و خطاها در این کشور بالاخره در سال ۲۰۰۳، این دکتترین حاکم شد که امکان دسترسی به محاکم و عدالت برای اشخاص حقیقی و حقوقی خصوصی برای حمایت از محیط‌زیست می‌تواند به اعطای حق به طبیعت، جهت اقامه دعوی جبران، تعبیر شود؛ زیرا اشخاص و سازمان‌های فعال در این حوزه می‌توانند نقش سرپرست را برای طبیعت (محیط‌زیست) ایفا کنند، مانند اشخاص ناتوان که رأساً قادر به استیفا و اجرای حقوق خود نیستند.

۴- چالش‌های اشخاص حقیقی و حقوقی غیردولتی در جرایم محیط‌زیستی

در بیشتر جرائم مقید و در صدر همه آنها، هنگامی که نتیجه به‌عنوان معلول رفتار محقق می‌شود، جرم ارتکاب می‌یابد. به سخن دیگر، عنصر نتیجه، همانند عنصر رفتار و موضوع، باید به طور قطعی محقق شود تا جرم تام نمود یابد. اگر در چنین جرایمی، عنصر نتیجه محقق نشود، برحسب مورد در قالب شروع به جرم یا بزه عقیم، در زمره جرائم ناقص بوده و اشخاص حقیقی و حقوقی در طرح دعوا با مشکلاتی مواجه خواهند شد؛ مشکلاتی نظیر اینکه هنوز جرمی محقق نشده و در

نتیجه، مسئولیتی برای آلوده‌کننده وجود ندارد. به عبارتی دیگر، این چالش مطرح است که آیا سمت شاکی قطعی است یا محتمل؟

تعریف قانونی از جرم محیط‌زیستی به طور آشکار گرایش به افزودن عنصر نتیجه دارد. شاخص‌ترین مصداق جرم محیط‌زیستی که همان آلودگی محیط‌زیست است، در تبصره ۲ ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات بدین‌گونه تعریف شده است: «منظور از آلودگی محیط‌زیست عبارت است از پخش یا آمیختن مواد خارجی به آب یا هوا یا خاک یا زمین به میزانی که کیفیت فیزیکی، شیمیایی یا بیولوژیک آن را بطوری که به حال انسان یا سایر موجودات زنده یا گیاهان یا آثار یا ابنیه مضر باشد، تغییر دهد.» «مضر بودن» در این مقرر و «زیان آور بودن» در ماده ۹ قانون حفاظت و بهسازی محیط‌زیست مصوب ۱۳۵۳ با اصلاحات بعدی که عبارت‌های این ماده با کمی دگرگونی در تبصره ۲ پیش‌گفته بیان شده است، نشان‌دهنده اولویت عنصر نتیجه بر عنصر رفتار است (حاجی‌وند و همکاران، ۱۳۹۷: ۶۸). به سخن دیگر، انسان بخشی از طبیعت است و همه فعالیت‌های وی می‌تواند بر طبیعت اثر منفی بگذارد، ولی آنچه ملاک جرم‌بودن برای رفتارهای انسان است، زیان‌آور بودن برای جانداران از جمله خود انسان و آینده طبیعت است. با توجه به شرط نتیجه، در واقع باید ارزیابی شود که آیا مصداق‌های آلودگی محیط‌زیست که در قانون مجازات اسلامی به ویژه ماده ۶۸۸ آمده است، زیان‌آورند یا خیر. همین امر باعث ایجاد ابهامات و پیچیدگی در احراز سمت می‌شود. شاکی چگونه می‌تواند اثبات نماید محیط‌زیست دچار آسیب جدی خواهد شد؛ به ویژه آن که بیشتر جرائم محیط‌زیستی سالیان زیادی طول می‌کشد تا اثر عینی و خارجی‌اش که همان زیان‌آور بودن است را نمایان سازند؛ به‌عنوان نمونه، در مورد نشت نفت اکسون‌والدز، نشت اولیه نفت در سال ۱۹۸۹ رخ داد و تا چند دهه بعد از آن حادثه نیز جمعیت بومی زیان‌هایی را تجربه نموده‌اند. بر همین اساس است تلاش‌هایی جدی نیز در جهت ضمانت اجرای قوی قوانین و هماهنگی و سیاست‌گذاری‌های ملی برخی کشورها جهت جلوگیری از تکرار این قبیل صدمات زیانبار گسترده و طولانی‌مدت محیط‌زیستی ناشی از حوادث نفتی در دست اقدام می‌باشد (ناگیا و میلر^۱، ۲۰۲۳: ۳۴).

جدای از موضوع یادشده، لازم به ذکر است جرائم محیط‌زیستی عمدتاً رفتارمحور بوده و در زمره جرائم مطلق طبقه‌بندی می‌شوند. برخی از مقررهای کیفری شاخص مانند مواد ۱۰ الی ۱۳ قانون حفاظت و بهسازی محیط‌زیست مصوب ۱۳۵۳ و اصلاحات بعدی که به شکار جانداران حمایت‌شده یا تخریب گیاهان یا خرید و فروش اشاره می‌کند، مشروط به هیچ نتیجه‌ای نیستند. حتی ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی - بخش تعزیرات، متکی به نتیجه قطعی نیست و عنصر اصلی جرم، همان رفتار است. رفتارهایی مانند آلوده کردن آب آشامیدنی یا توزیع آب آشامیدنی آلوده، دفع

1. Nagega & Miller



غیربهداشتی فضولات انسانی و دامی و مواد زاید، ریختن مواد مسموم کننده در رودخانه‌ها، زباله در خیابانها و کشتار غیرمجاز دام، استفاده غیرمجاز فاضلاب خام فارغ از هر پیامدی و همچنین، فارغ از اینکه چه کسی اعلام جرم کرده، ذینفع بوده یا خیر، سرزنش پذیرند. در این خصوص، مبرهن است که ترویج اخلاق و فرهنگ محیط‌زیستی در جامعه و لحاظ این مهم در سیاست‌گذاری‌های کیفری در عرصه محیط‌زیست به منظور پیشگیری از این قبیل جرائم محیط‌زیستی، خود موجبات کاهش ارتکاب به رفتارهای مجرمانه از سوی اشخاص حقیقی یا حقوقی را از یک سو و افزایش مؤثر ضمانت اجرایی در حمایت کیفری از خود محیط‌زیست را از سوی دیگر فراهم می‌سازد (جوان جعفری و حاجی‌وند، ۱۴۰۰: ۲۰۳). با این وصف، در جرائم محیط‌زیستی رفتارمحور، احراز سمت به ویژه از منظر حق بر محیط‌زیست سالم و ضرورت برخورداری از این حق برای نسل‌های کنونی و نسل‌های آتی می‌تواند امری قضایی، پرونده‌ای و در عین حال، گسترده باشد.

۵- مسئولیت کیفری عاریتی رهیافتی در جهت سمت

در مسئولیت کیفری نیابتی، فرض یا اعتبار می‌شود که شخص مرتکب جرم شده و در نتیجه، مسئولیت کیفری دارد؛ بی‌آنکه به واقع فعلی از وی سرزده باشد. به دیگر سخن، این مسئولیت کیفری مبتنی بر فعل و رفتار غیر است که بر اساس نظریات متفاوت مطروحه یا مبتنی بر فرض وجود یک رابطه علیت میان رفتار اولیه و نتیجه مجرمانه (مفهوم موسع) یا وجود رابطه کاری میان مرتکب جرم و متهم و دستور صادره از سوی اصیل (مفهوم مضیق) و یا قابلیت انتساب قانونی اعمال غیر به فرد اولیه (مفهوم میانه) است (سورانی، ۱۳۹۸: ۶۸).

در نظام کیفری اتحادیه اروپا، پذیرش مسئولیت نیابتی در سه دوره، نوزادی از سال ۱۸۴۸ تا ۱۹۰۰، کودکی از ۱۹۰۰ تا ۱۹۴۰ و جوانی از سال ۱۹۴۰ تا ۱۹۹۰، تماماً مبتنی بر تحولات و رویه‌های قضایی بدون لحاظ قانونگذاری مطرح بود و از دوره جوانی نیز مسئولیت کیفری در این حوزه مد نظر قرار گرفته است. مسئولیت نیابتی همزمان با مسئولیت اشخاص حقوقی و نیز مسئولیت محض تکامل یافته است. لازم به ذکر است، گرایش به پذیرش مسئولیت محض در اروپا از نیمه دوم سده هجدهم میلادی بوده که بعداً، در نظام کیفری ایالات متحده آمریکا نیز مطرح شد. این پیشینه گواه بر این است که مسئولیت کیفری محض نیابتی برای اشخاص حقوقی که در قرن بیستم در آمریکا رواج بسیار داشت، مبتنی بر رویه‌ای است که از انگلستان آغاز شده است (گرینبرگ و بروتمن^۱، ۲۰۱۴: ۸۷).

مطابق تخمین برنامه محیط‌زیست اتحادیه اروپا و اینترپل، جرائم محیط‌زیستی چهارمین فعالیت مجرمانه جهان است که هر ساله بین ۵ تا ۷ درصد افزایش می‌یابد. جرائم محیط‌زیستی به‌عنوان یکی از سودآورترین اشکال فعالیت جنایی فراملی شاخته شده است. ارزش پولی آن‌ها در سال

1. Greenberg & Brotman

۲۰۱۶ بین ۹۱ تا ۲۵۹ میلیارد دلار در سال تخمین زده شد که نسبت به سال ۲۰۱۴، ۲۴ درصد افزایش داشته است. به تفکیک، ۷۰ درصد از جرائم محیط‌زیستی مربوط به آب، ۱۶.۷ درصد مرتبط به حیات وحش، ۸.۳ درصد مربوط به مواد خطرناک و ۵ درصد مربوط به هوا می‌باشد. لازم به ذکر است که میزان جرائم محیط‌زیستی اتحادیه اروپا در سال ۲۰۲۱ نیز ۶۲ مورد بوده است که نسبت به سالهای گذشته افزایش داشته است.^۱

فراگیر بودن، تنوع و پیامدهای گران‌جرائم محیط‌زیستی، اقتضای نگرش‌های نو در حقوق کیفری ایران دارد. با این اوصاف، صرف‌نظر از نوع و دامنه رویکردهای متفاوت متخذه در زمینه مسئولیت کیفری نیابتی، به نظر می‌رسد وجود سه ضلع یک مثلث، یعنی قضایی بودن، علمی بودن و اعتباری بودن در عرصه مسئولیت کیفری می‌تواند رهیافتی مؤثر برای پاسخگو کردن همه اشخاص اعم از حقوقی و حقیقی و یا دولتی و خصوصی در قبال جرائم محیط‌زیستی باشد. بر همین اساس، گسترش مفهوم سمت و قطعی دانستن آن می‌تواند بستر ساز تحقق مسئولیت کیفری عاریتی نیز باشد؛ چرا که افزایش گستره مفهوم سمت زمانی می‌تواند چنین گستره‌ای را بستر سازی کند که صبغه قضایی داشته باشد. در واقع، در چنین صورتی است که مرجع قضایی مکلف نیست که ذینفع بودن یا نبودن را احراز کند، بلکه فراتر رفته و تنها به پیوند میان انجام‌دهنده رفتار و فعل و خود فعل و احراز نتیجه‌ای که در آینده ممکن است محقق شود، می‌پردازد.

بحث و نتیجه‌گیری

انسان در یک نظام زیستی که شامل موجودات زنده، هوا، آب و خاک است، زندگی می‌کند و خود او نیز جزئی از این نظام محسوب می‌شود. برای بقای نظام، تعادلی که میان اجزاء آن وجود دارد، نباید برهم‌بخورد؛ زیرا در این صورت، زندگی موجودات و از جمله انسان به خطر خواهد افتاد. اگر انسان در نظام زیستی دخالت شدید روان‌ندارد، این تعادل باز هم برقرار خواهد شد، همچنان که قرن‌ها چنین بوده است؛ اما از زمانی که انسان بر طبیعت اطراف خود مستولی شد و توانست تا حد زیادی در آن دخل و تصرف کند، تعادل نظام زیستی برهم‌خورد و هرچه این دخل و تصرف بیشتر می‌شود، عدم تعادل نیز نمایان‌تر می‌گردد تا بدان حد که امروزه، وضعیت به قدری بحرانی شده و حیات بشر چنان در معرض خطر و تنگنا قرار گرفته است که خود او به فکر افتاده تا چاره‌ای برای رهایی از دامی که خود گسترانده است، بیابد. بنابراین، برای پیشگیری از چنان وضعیتی نیاز به حمایت کیفری از محیط‌زیست داریم؛ یعنی، مجموعه قواعد و مقرراتی که ناظر بر حفاظت کیفری از طبیعت و محیط‌زیست باشد. قانون‌گذاران نباید فقط به گردآوری و ساده کردن متون اجرایی و خاص بپردازند، بلکه باید با وسعت نظر به محیط‌زیست بنگرند و قوانین خود را بر مبنای آن وضع کنند. این رشته از حقوق دارای ویژگیهای خاصی است، زیرا همراه با جنبه‌های

1. Report on Eurojust's Casework, 2021, p: 7



تکنیکی و سیاسی، جنبه روانی هم دارد. از ویژگیهای این حقوق، حق دخالت مؤسسات عام‌المنفعه در دادگاهها و نیز مقررات ناظر بر حق اقامه دعوا توسط شهروندان بر اساس ذینفع‌بودن در حقوق عام‌المنفعه، مسئولیت مشترک و مسئولیت در برابر نسل آینده است.

در قوانین کیفری محیط‌زیستی، معیارهایی مانند ذینفع‌بودن می‌بایست مفهومی موسع یابند؛ چرا که مضیق‌بودن این تفسیر باعث رد گسترده دعاوی و شکایات محیط‌زیستی خواهد شد. از طرفی دیگر، توسعه پایدار که از بیشترین و بزرگترین دغدغه‌های امروز بشر هست نیز دربرگیرنده مسئولیت شهروندان امروز در برابر نسل آینده است.

در واقع، آنچه هنگام وضع قوانین راجع به محیط‌زیست باید مورد توجه قانون‌گذاران قرار گیرد، اهمیت دادن به تشویش و نگرانی فکری موجود درباره محیط‌زیست در کل سیستم حقوقی است؛ زیرا در غیر این صورت، حقوق محیط‌زیست از بین خواهد رفت. به این منظور، اگر قانونگذار سرمایه‌های محیط‌زیست را میراث مشترک بشریت در نظر گرفته و ارزشی درخور به آن بدهد، می‌تواند صلاحیتی تام و مؤثر در این زمینه جهت شکایت و اعلام جرم و پیشگیری از آلودگی و تخریب محیط‌زیست به سازمانها و دیگر نهادهای مردمی اعطا کند.

سیاسگزاری

این مقاله حاصل راهنمایی و همکاریهای علمی مشترک میان گروه حقوق محیط‌زیست دانشکده منابع طبیعی و محیط‌زیست دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران و بخش بیوتکنولوژی میکروبی پژوهشگاه بیوتکنولوژی کشاورزی ایران است که به لحاظ فراهم آوردن زمینه این همکاری ارزنده علمی، تشکر و قدردانی می‌شود.

منابع

- جلالیان، عسکر و نجفی اسفاد، مرتضی (۱۳۹۱). ضرورت تأسیس دادگاه بین‌الملل محیط‌زیست جهت حمایت کیفری و حقوقی از محیط‌زیست در مقابل خسارات وارده در جنگ ۲۲ روزه غزه. فصلنامه علمی راهبرد، ۲۱ (۲)، ۳۸-۱. قابل‌بازیابی از:

https://rahbord.csr.ir/article_124443_85f9e168f0f999e4112cb8ba2051c32.pdf

- جوان جعفری، عبدالرضا و حاجی‌وند، امین (۱۴۰۰). تحلیلی بر نقش رسانه در ترویج رفتارهای ناقض حق بر محیط‌زیست سالم از منظر جرم‌شناسی ادغام‌گرای انتقادی (مطالعه مدل جوامع نئولیبرالیستی). دو فصلنامه بین‌المللی حقوق بشر، ۱۶(۱): ۲۱۶-۱۹۵. قابل‌بازیابی از:

https://humanrights.mofidu.ac.ir/article_243940_1ea05892fdd968a34b88842a4ee061e6.pdf

- حاجی‌وند، امین؛ میرکمالی، علیرضا؛ صفری، فرشید و سروی سرمدانی، امید (۱۳۹۷). مسئولیت کیفری دولت در قبال جرائم زیست‌محیطی در ایران: ضرورت‌ها چالش‌ها. فصلنامه علوم محیطی، ۱۶(۲): ۸۲-۶۵ قابل‌بازیابی از:

https://envs.sbu.ac.ir/article_97947_19828eb4daf31de9ff48b6e848f7ff75.pdf

- حبیبی، محمد حسن. (۱۳۸۲). حق برخورداری از محیط‌زیست سالم به‌عنوان حق بشریت. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۶۰(۰): ۱۳۱-۱۷۰. قابل‌بازیابی از:

https://jflps.ut.ac.ir/article_11170_beccecd95f8387fbac0342dc687c4c155.pdf

- حسینی، سید محسن. (۱۳۸۲). امکان‌سنجی ایجاد سازمانهای غیردولتی حفاظت از محیط‌زیست و منابع طبیعی، فصلنامه محیط‌شناسی، ۲۹(۳۱): ۱۱۴-۱۰۵. قابل‌بازیابی از:

https://jes.ut.ac.ir/article_11035_1cd9b3eedec6d14508002f985cf8078.pdf

- داگلاس وایت، رابرت (۱۳۹۴). جرائم زیست‌محیطی فراملی: به سوی جرم‌شناسی جهان بوم. ترجمه حمیدرضا دانش ناری. چاپ اول. تهران: انتشارات روناس. ۳۲۰ صفحه.

- رضانی قوام‌آبادی، محمدحسین. (۱۳۹۰). پیشگیری و سرکوب جرائم زیست‌محیطی در پرتو اقدامات سازمان‌های غیردولتی در نظام حقوقی ایران. مجله حقوقی دادگستری، ۷۵(۷۵)، ۱۹۹-۲۲۶. قابل‌بازیابی از:

https://www.lj.ir/article_11081_28ee74b6af81015a1b420225582a144a.pdf

- رضانی قوام‌آبادی، محمدحسین و جوادمنش، جواد. (۱۳۹۵). مطالعه تطبیقی گستره مفهوم ذینفع در اقامه دعوی زیست‌محیطی در حقوق ایران و اتحادیه اروپا. مطالعات حقوق عمومی، ۴۶(۴): ۹۷۷-۱۰۰۱. قابل‌بازیابی از:

https://jpls.ut.ac.ir/article_60526_0117be6e9ba99977e6e79f70bc9c6f80.pdf

- سورانی، محمدجواد. (۱۳۹۸). مطالعه تطبیقی مسئولیت کیفری مستقیم و نیابتی اشخاص حقوقی در نظام حقوقی ایران و انگلستان. فصلنامه علمی آراء، ۲(۱۵): ۸۵-۶۵. قابل‌بازیابی از:

https://ara.dadgostari-es.eadl.ir/article_226862_d1ab2f316c518ebf428511a4aa32f5d0.pdf

- شمس، عبدالله و شاه‌حیدری پور، محمدعلی. (۱۳۹۰). اصل لزوم ارتباط دعوا و دادگاه از جهت صلاحیت محلی در حقوق ایران و انگلستان و اصول دادرسی مدنی فراملی. فصلنامه تحقیقات حقوقی، ۱۴(۶): ۳۴۴-۳۱۱. قابل‌بازیابی از:

https://lawresearchmagazine.sbu.ac.ir/article_56759.html

- طلوعی مقدم، احمد و داودی گرمارودی، هما (۱۴۰۰). نگاهی تطبیقی به کارکرد سمن‌ها در پیشگیری از جرائم علیه محیط‌زیست. تحقیقات حقوقی آزاد، ۱۴(۵۲): ۴۱-۲۱. قابل‌بازیابی از:



https://alr.ctb.iau.ir/article_685402_cc3079a6b1951ca5f7300c226d65ab30.pdf

- کوشکی، غلامحسین (۱۳۸۸). چالش‌های نظام کیفری ایران در حوزه جرائم زیست‌محیطی. فصلنامه اطلاع‌رسانی حقوقی. ۱۷(۶): ۱۰۴-۸۷. قابل‌بازیابی از:

<http://ensani.ir/file/download/article/20120614195129-9026-97.pdf>

- مشکات، سید مصطفی؛ رمضانی، احمد و صلاحی، سهراب (۱۳۹۸). نظام حقوقی حاکم بر ممنوعیت آزمایش‌های هسته‌ای در حقوق بین‌الملل. مطالعات حقوق انرژری. ۱۵(۱): ۱۹۳-۱۷۵. قابل‌بازیابی از:

https://jrels.ut.ac.ir/article_74444_2c3097087ddb812321be5df9d89946e8.pdf.

-Abiddin, Norhasni Zainal, Irmohizam Ibrahim, and Shahrul Azuwar Abdul Aziz (2022). Non-Governmental Organizations (NGOs) and Their Part towards Sustainable Community Development, *Sustainability* 14(8):1-13. Retrieved from <https://doi.org/10.3390/su14084386>.

- Bianco, F., Lucifora, A., Vagliasindi, G.M. (2015). *Fighting Environmental Crime in France: A Country Report*. Study in the framework of the EFFACE research project. Catania: University of Catania. Retrieved from:

<http://efface.eu/fighting-environmental-crime-france-country-report/>.

- European Commission. Directorate-General for Environment. (2021). *Combating environmental crimes and related infringements – Environmental compliance assurance: guidance document*, Publications Office of the European Union. Retrieved from:

<https://data.europa.eu/doi/10.2779/035969>

- Greenberg, J. D. and Brotman, E. C. (2014). Strict vicarious criminal liability for corporations and corporate executives: Stretching the boundaries of criminalization. *Am. Crim. L. Rev.* 51. 79-98.

- Hadjichambis, Andreas Ch. (2022). European Green Deal and Environmental Citizenship: Two Interrelated Concepts. *Environmental Sciences Proceedings* 14(1): 1-4. Retrieved from:

<https://doi.org/10.3390/environsciproc2022014003>.

- Lindgren, J. F., Brynolf, S., Wilewska-Bien, M., and Andersson, K. (Eds.). (2016). *Shipping and the Environment: Improving Environmental Performance in Marine Transportation*. 1st Edition. Springer Berlin Heidelberg.

- Naggea, J., Miller, R. (2023). A comparative case study of multistakeholder responses following oil spills in Pointe d'Esny, Mauritius, and Huntington Beach, California. *Ecology and Society*, 28(1): 24-61. Retrieved from:

<https://ecologyandsociety.org/vol28/iss1/art24/>.

- Report on *Eurojust's Casework on Environmental Crime* (2021). European Union Agency for Criminal Justice Cooperation. 1-28. Retrieved from: https://www.eurojust.europa.eu/sites/default/files/assets/report_environmental_crime.pdf.

- Rudall, J. (2020). *Compensation for Environmental Damage under International Law*, Routledge.

- Skousen, K. F., Glover, S. M., and Prawitt, D. F. (2005). *An introduction to corporate governance and the SEC*. Thomson/South-Western.

Counter online sexual exploitation of children with a look at Europol and Interpol actions

Saman Abdollahi¹

Abstract

Field and Aims: producing, distributing and carrying out online sexual exploitation of children in cyberspace is one of the most important challenges that has become a major concern in the minds of criminal policy makers. In fact, as technology advances and access to additional platforms for the production and distribution of unethical content, this problem is likely to get worse. Therefore, criminal policy makers in most human societies are trying to deal with online sexual exploitation of children.

Method: This article is written in a descriptive-analytical way.

Finding and Conclusion: Although sexual exploitation of children is not a new phenomenon, it has become easier to commit with the advent of the Internet. Also, during the Corona epidemic, due to the presence of more children and adults on the Internet, crimes related to online sexual exploitation of children increased. Dealing with the crime of online sexual exploitation of children can be seen in Europol and Interpol actions. Europol has identified the key threats of child sexual exploitation through peer-to-peer networks and anonymous access, such as the dark web (e.g., Tor). Also, the Europol Cybercrime Center has taken effective measures to deal with this crime. In addition, Europol's joint operations against online sexual exploitation of children have been the most important measures in identifying and arresting criminals. Interpol's actions include the creation of an international information base on sexual exploitation of children, the signing of an agreement between Interpol and UNICEF, Operation Narsil, and the joint operation of Interpol and the Colombian police against child sex offenders. Iran is one of the countries where the protection of children's rights has always been one of the priorities of legislators, and all kinds of sexual abuse of children, especially online, has been criminalized in Article 10, Clause 9 of the Law on the Protection of Children and Adolescents.

Keywords: Europol, Interpol, sexual crimes, sexual exploitation of children, online sexual crimes.

*Citation (APA): Abdollahi, S. (2024). counter online sexual exploitation of children with a look at Europol and Interpol actions. *International Legal Research*, 17(63), 85-107.

1. Assistant Professor, Department of Law, Naragh Branch, Islamic Azad University, Naragh, Iran.
Email: samanabdollahi@iau.ac.ir



مقابله با استثمار جنسی آنلاین از کودکان با نگاهی به اقدامات یوروپل و اینترپل

سامان عبدالمی^۱

چکیده

زمینه و هدف: تولید، توزیع و انجام استثمار جنسی آنلاین از کودکان در فضای مجازی یکی از مهمترین چالش‌هایی است که به عنوان یک دغدغه کلان در ذهن واضعان سیاست جنایی مبدل شده است. در واقع، با پیشرفت فناوری و دسترسی به پلتفرم‌های اضافی برای تولید و انتشار محتوای غیراخلاقی، این مشکل احتمالاً با پیشروی بدتری هم مواجه می‌شود. از همین رو، سیاست‌گذاران جنایی در اکثر جوامع بشری در تلاشند تا به مقابله با استثمار جنسی آنلاین از کودکان بپردازند.

روش: این مقاله به شیوه توصیفی - تحلیلی نگارش یافته است.

یافته‌ها و نتایج: اگرچه استثمار جنسی از کودکان پدیده جدیدی نیست، اما با ظهور اینترنت، ارتکاب آن آسان‌تر شده است. همچنین، در همه‌گیری کرونا به دلیل حضور بیشتر کودکان و بزرگسالان در اینترنت، جرائم مرتبط با استثمار جنسی آنلاین از کودکان افزایش یافت. مقابله با جرم استثمار جنسی آنلاین از کودکان در اقدامات یوروپل و اینترپل قابل مشاهده است. یوروپل تهدیدات کلیدی در زمینه استثمار جنسی از کودکان را از طریق شبکه‌های همتا به همتا و دسترسی ناشناس مانند شبکه‌های دارک وب (مثل تور) شناسایی کرده است. همچنین، مرکز جرائم سایبری یوروپل اقدامات مؤثری در مقابله با این جرم داشته است. به علاوه، عملیات‌های مشترک یوروپل در مقابله با استثمار جنسی آنلاین از کودکان مهمترین اقدامات در شناسایی و دستگیری مجرمان بوده است. اقدامات اینترپل شامل ایجاد پایگاه بین‌المللی اطلاعات استثمار جنسی از کودکان، امضاء توافقنامه بین اینترپل و یونیسف، عملیات نارسیل و عملیات مشترک اینترپل و پلیس کلمبیا علیه مجرمان جنسی کودکان می‌باشد. ایران از جمله کشورهایی است که موضوع صیانت از حقوق کودکان در آن همواره از اولویت‌های قانونگذاران بوده و اقسام سوءاستفاده‌های جنسی از اطفال، به‌ویژه به‌صورت آنلاین در بند ۹ ماده ۱۰ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان جرم‌انگاری شده است.

کلیدواژه‌ها: یوروپل، اینترپل، جرائم جنسی، سوءاستفاده جنسی از کودکان، جرائم جنسی آنلاین.

* استناددهی (APA): عبدالمی، سامان. (۱۴۰۳). مقابله با استثمار جنسی آنلاین از کودکان با نگاهی به اقدامات یوروپل و اینترپل. تحقیقات حقوقی بین‌المللی، ۱۷(۶۳)، ۸۵-۱۰۷.

مقدمه

یکی از مسائل حوزه کودک آزاری آنلاین، هرزه‌نگاری و اغفال سایبری کودکان به معنای ایجاد اعتماد برای کودک و بزرگسالان اطراف کودک، برای دسترسی به او و خلوت کردن با اوست. مجرم با استفاده از فضاهای آنلاینی که کودکان در آن حضور دارند، شروع به برقراری رابطه با کودک و جلب اعتماد او و حتی اطرافیانش می‌کند و با سوءاستفاده از این اعتماد، سبب ورود آسیب جسمی و روحی به کودک می‌شود (غنی زاده بافقی و حسین زاده سرشکی، ۱۴۰۲: ۱۹۷). بی‌گمان، شناسایی و برخورد با عوامل ریشه‌ای این پدیده، از جمله اینترنت که به آسیب‌پذیری کودکان دامن می‌زند، در اولویت هستند (نجفی ابرندآبادی، خالقی و زینالی، ۱۳۸۸: ۱۱۳).

استثمار جنسی از کودکان پدیده جدیدی نیست و در واقع، نه تنها در طول تاریخ رواج داشته، بلکه در گذشته بسیار قابل قبول‌تر تلقی می‌شد. جنسیت بخشیدن به کودکان در هنر باستان نیز وجود داشته و معمولاً، در نوشته‌های یونانی و رومی و همچنین، نقاشی‌های دوران رنسانس این امر به تصویر کشیده شده است (بورک و کرون^۱، ۲۰۱۴: ۵۸۸). دهه ۱۹۷۰ شاهد انتشار چندین فیلم «کلاسیک» کودک آزاری و بیش از ۲۵۰ مجله استثمار جنسی کودکان با عناوین مختلف در سراسر ایالات متحده بود. پیش از ورود اینترنت بر زندگی انسان، امکان بهره‌کشی کودکان در قالب تصویر بسیار دشوار بود. علاوه بر هزینه بالای دستیابی به رسانه‌های سوءاستفاده جنسی از کودکان، احتمال دستگیر شدن نیز بالا بود. حتی اگر شخصی در انتقال رسانه از طریق پست موفق بود، سرعت مبادله پایین بود و مهم‌تر از آن، تماس افراد با یکدیگر دشوار بود. در نتیجه، قبل از اینترنت، بهره‌کشی جنسی از کودکان می‌توانست بیشتر به عنوان یک جنایت انفرادی با شبکه‌های بسیار پراکنده تلقی شود (کرون^۲، ۲۰۰۴: ۳). با این حال، ظهور اینترنت جرم استثمار و سوءاستفاده جنسی از کودکان را تغییر داد. در این جنایت، با این که مجرم قادر به ارتباط با افراد همفکر در سراسر جهان بودند، مجرم می‌توانستند ۲۴ ساعته، اغلب ناشناس و رایگان، دسترسی فوری، با محتوای با کیفیت بهتر و با خطر دستگیر شدن کمتر داشته باشند. همانطور که اینترنت در طول دهه ۱۹۹۰ و اوایل دهه ۲۰۰۰ تکامل یافت، فناوری‌هایی مانند موتورهای جستجو، اشتراک فایل‌های هم‌تا به هم‌تا، پیام‌رسان‌های فوری و پلتفرم‌های مربوط به شبکه‌های اجتماعی اینترنت را به عنوان مکانی مناسب برای استثمار جنسی کودکان تقویت کردند.

آمارها نشان می‌دهد که از زمان ایجاد سایر تیپ لاین^۳ (سیستمی است که در سال ۱۹۹۸ توسط مرکز مبارزه با آزار و اذیت کودکان^۴ راه‌اندازی شده است)، این مرکز نزدیک به ۴۳ میلیون گزارش (تا ۲۰ نوامبر ۲۰۱۸) دریافت کرده است و برنامه شناسایی کودکان قربانی بیش از ۲۶۱

1. Bourke & Craun
2. Krone
3. Cyber Tip line
4. ICMEC



میلیون تصویر را در این خصوص بررسی کرده و بیش از ۱۵۸۰۰ کودک را که مورد استثمار قرار گرفته‌اند، شناسایی نموده است (گزارش کودکان گمشده^۱، ۲۰۱۸). پیشرفت فناوری و توسعه نسل‌های جدید اینترنت سوءاستفاده جنسی از کودکان، از جمله تولید و به‌اشتراک‌گذاری مطالب سوءاستفاده جنسی از کودکان به صورت آنلاین را تسهیل نموده و این امر مقابله با آن را دشوار نموده است. به علاوه، عدم اطلاع دقیق برخی والدین از این مکانیزم که می‌تواند کودک را از اتاق وی در درون خانه امنش مورد سوءاستفاده قرار دهد، به این چالش می‌افزاید. در این راستا، اقدامات تقنینی و پلیسی به منظور پیشگیری و مقابله دارای اهمیت می‌باشد.

با این اوصاف، این پژوهش به بررسی اقدامات و استراتژی‌های یورپل و اینترپل در مقابله با استثمار جنسی آنلاین کودکان می‌پردازد و در پی پاسخ‌گویی به این پرسش اصلی است که یورپل و اینترپل چه اقداماتی در مقابله با استثمار جنسی آنلاین از کودکان انجام داده‌اند؟

۱. استثمار جنسی آنلاین از کودکان از تشدید تا شناسایی

با توجه به اینکه استثمار جنسی به لحاظ واژگان دارای معانی متفاوت می‌باشد، لذا بدو به مفهوم‌شناسی آن می‌پردازیم. همچنین، ضمن بررسی علت تشدید این جرم، به نقش هوش مصنوعی در شناسایی مجرمان و نیز مسئولیت ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی در مقابله با این جرم را نیز مورد مطالعه قرار خواهیم داد.

۱-۱. ماهیت استثمار جنسی از کودکان

بزه‌دیدگان جنسی تنها زن‌ها نیستند و ممکن است افراد مذکر خصوصاً اطفال نیز در معرض چنین جرائمی قرار گیرند. از همین رو، جرائم جنسی تنها مختص یک جنسیت خاص نیست؛ اگرچه ممکن است بیشتر در خصوص جنس مؤنث اتفاق بیافتد (عبداللهی، ۱۴۰۱: ۱۲۵). لذا، در پرتو اسناد بین‌المللی، به ویژه کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک ۱۹۸۹، اکثر نظام‌های حقوقی رویکردی حمایت‌گرانه در سیاست جنایی^۲ خود در برابر اطفال بزه‌دیده جرائم جنسی اتخاذ می‌کنند (سید اصفهانی، ۱۴۰۲: ۲۲۳). از همین رو، سوءاستفاده جنسی نسبت به اطفال و نوجوانان از بدترین اشکال کودک‌آزاری است که رشد‌نگران‌کننده کمی و کیفی و نیز پیامدهای جبران‌ناپذیر آن بر جسم و روان کودک موجب جرم‌انگاری این رفتارها و برخورد سختگیرانه و غیرارفاقی با آن در

1. Missing Kids. (2018). Child sexual abuse material

۲. امروزه، استحاله حاکمیت مطلق دولت‌ها در مفهوم امنیت جهانی شده است. شاخص‌های مشترک ناشی از زیست جهانی بر ساحت‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشورها سایه افکنده و دولتمردان را به سمت همسویی با اراده و خرد منطقه‌ای و جهانی رهنمون سازد. بر این ابتنا، پارادایم بین‌المللی جامعه جهانی امن، کانون توجهات قرار گرفته و موجبات اجماع حداکثری متولیان سیاست جنایی را در قبال پدیده بزهکاری با خصایص بین‌المللی و جهانی فراهم ساخته است (دارابی، ۱۴۰۱: ۹۶).

بیشتر نظام‌های حقوقی شده است. در ایران نیز اقسام سوءاستفاده‌های جنسی از اطفال، به‌ویژه قالب نوپیدای «کودک کامی مجازی» به معنای برقراری ارتباط در فضای مجازی با هدف آزار جنسی یا ارتباط جنسی با خردسالان، در ماده ۱۰ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان^۱ جرم‌انگاری شده است (حیدری، ۱۴۰۲: ۱).

جنبشی برای تغییر مفهوم استثمار جنسی از کودکان که معمولاً به عنوان پورنوگرافی کودکان نامیده می‌شود، در ۱۰ تا ۱۵ سال گذشته رخ داده و از آن به عنوان سوءاستفاده جنسی از کودکان یا بهره‌کشی جنسی از کودکان یاد می‌شود. این امر به دلیل آن است که محتوا عکس‌ها، فیلم‌ها، تصاویر تولیدشده (مثلاً، رایانه‌ای یا طراحی شده با دست)، صوتی یا نوشتاری به طور معمول تجاوز جنسی را به تصویر می‌کشد. علاوه بر این، اصطلاح پورنوگرافی کودکان می‌تواند به این معنا باشد که قربانی در جاتی از اختیار در تولید محتوا دارد. در نتیجه، مجریان قانون، سازمان‌های مدافع و کارشناسان اغلب از اصطلاحات بهره‌کشی جنسی از کودکان و آزار جنسی کودکان هنگام اشاره به پورنوگرافی کودکان استفاده می‌کنند، زیرا به‌درستی مفهوم عاملیت را حذف می‌کند و بر بی‌گناهی قربانی در تولید آن تأکید می‌کند.

عده‌ای از پژوهشگران با ظهور فضای مجازی، از جمله اینترنت، در واقع از یک سو فرصت‌ها و وسایل جدیدی برای ارتکاب اعمال مجرمانه متعارف و کلاسیک دنیای حقیقی و از سوی دیگر، گونه‌های پژوهشگرانه نوین مرتبط با ویژگی‌ها و ماهیت محیط مجازی پیدا کرده‌اند (نجفی ابرندآبادی، ۱۴۰۰: ۱۱). در اینترنت، امکان تبادل تصاویر پورنوگرافیک کودکان در میزان نامحدود، ارزان و امن وجود دارد. پایگاه‌های داده متراکم از هرزه‌نگاری کودک در فضای مجازی باعث ایجاد یک بازار جهانی وسیع برای پورنوگرافی است که نتیجه آن، بزه‌دیدگی شدن کودکان است (کرامتی معز، ۱۳۹۹: ۴۷).

از منظر حقوقی، واژه پورنوگرافی کودکان هنوز به شدت مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ با این حال، معنای آن ممکن است از کشوری به کشور دیگر متفاوت باشد. از سال ۲۰۱۶، مرکز بین‌المللی کودکان گمشده و استثمارشده^۲ گزارش می‌دهد که ۸۲ کشور از ۱۹۶ کشور دارای قوانین کافی برای مبارزه با استثمار جنسی از کودکان هستند و ۳۵ کشور هیچ قانونی ندارند. همچنین، از ۷۹ کشور باقیمانده، ۶۰ کشور «پورنوگرافی کودکان» را تعریف نمی‌کنند. همچنین، در بسیاری از کشورهایی که تعریفی از آن وجود دارد، تصویرهای شنیداری و نوشتاری را مستثنای می‌کنند (وست لیک^۳، ۲۰۱۸: ۲۵۷).

۱. بند ۹ ماده ۱۰ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان: برقراری ارتباط با طفل و نوجوان در فضای مجازی به منظور هرگونه آزار جنسی یا ارتباط جنسی نامشروع به یکی از مجازات‌های درجه شش قانون مجازات اسلامی.

2. International Center for Missing and Exploited Children (ICMEC)
3. Westlake



اگرچه در حال حاضر هیچ قانون بین‌المللی مستقلی در مورد بهره‌کشی جنسی از کودکان وجود ندارد، مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۰ پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک را تصویب کرد. این پروتکل مستلزم آن بود که دولت‌ها فروش کودکان، روسپیگری کودکان و پورنوگرافی کودکان را ممنوع کنند. بر اساس پروتکل (سازمان ملل متحد ۲۰۰۲)، پورنوگرافی کودکان به‌عنوان «هرگونه بازنمایی، به هر وسیله‌ای، از کودکی که درگیر فعالیت‌های جنسی واقعی یا شبیه‌سازی شده یا هر گونه نمایش بخش‌های جنسی کودک برای اهداف صرفاً جنسی است»، تعریف می‌شود.^۱ در ایالات متحده، پورنوگرافی کودکان طبق قانون فدرال^۲ به‌عنوان هر محتوای بصری، از جمله هر عکس، فیلم، ویدئو یا تصویر تولیدشده توسط رایانه، اعم از اینکه به صورت الکترونیکی ساخته یا تولید شده باشد یا توسط سایر ابزارهای رفتار صریح جنسی، توصیف می‌شود. تحت قانون فوق، استعمار جنسی کودکان^۳ عبارت است از رابطه صریح جنسی واقعی یا شبیه‌سازی شده که به تنهایی یا با شخص دیگری یا غیر انسان صورت بگیرد.

در این میان، واژه دیگری نیز وجود دارد که نیازمند توصیف است و آن «پورنوگرافی شبیه‌سازی شده کودکان» است. پورنوگرافی شبیه‌سازی شده کودکان، یعنی هرزه‌نگاری کودکان که شامل یک کودک واقعی نمی‌شود. به عبارت دیگر، استفاده از تصاویر تخیلی که هیچ انسانی را در بر نمی‌گیرد، خواه آن فرد بالای سن قانونی باشد و یا زیر سن قانونی و یا حتی یک شخص خیالی باشد (داناها^۴، ۲۰۱۸: ۳). این امر بیانگر آن است که قوانین موجود اعم داخلی و بین‌المللی پورنوگرافی کودکان به صورت واقعی را پوشش می‌دهد که همان استعمار جنسی کودکان است؛ با این حال، کنگره آمریکا قانون پیشگیری از هرزه‌نگاری کودکان^۵ را در سال ۱۹۹۶ تصویب کرد که قوانین موجود را برای مبارزه با استفاده از فناوری رایانه برای تولید هرزه‌نگاری حاوی تصاویری که به نظر می‌رسد کودکان هستند، گسترش می‌دهد؛ همچنین، این تغییر را در طرح نظارتی جنایی نشان داد و تمرکز مجریان قانون را به سمت غیرقانونی بودن هر «تصویر بصری» که یک خردسال درگیر رفتار صریح جنسی است، یا به نظر می‌رسد، تغییر داد.

در کانادا، پورنوگرافی کودکان به شرح زیر جرم‌انگاری گردیده است: «تصویر، فیلم، ویدئو یا سایر نمایش‌های بصری، اعم از اینکه توسط وسایل الکترونیکی ساخته شده یا نشده باشد و فردی را نشان دهد که زیر هجده سال سن دارد یا نشان داده می‌شود که صراحتاً، درگیر فعالیت جنسی است.»^۶ البته، در یک پرونده جنجالی این امر به چالش کشیده شد و آن پرونده‌ای^۷ که بر اساس

1. United Nations. (2002). Optional protocol to the convention on the rights of the child on the sale of children, child prostitution and child pornography

2. Under federal law 18 U.S.C. §2256 (8)

3. Sexually explicit

4. Danaher

5. Child Pornography Prevention Act (CPPA)

6. Under Section 163.1 of the Canadian Criminal Code (R.S.C. 1985, c. C-46)

7. R. v Sharpe, 2001 S.C.C. 2

آن ادعا شد که عدم به تصویر کشیدن پورنوگرافی کودکان ممانعت از حق افراد در انجام فعالیت‌های هنری است و این امر ناقض بند ۲ (ب) منشور حقوق و آزادی‌های کانادا است. این ادعا در حقیقت مرز میان شایستگی هنری و آسیب احتمالی به کودکان را به چالش کشید^۱ (وست لیک^۲، ۲۰۱۹: ۵). شناخت مفهوم استعمار جنسی کودکان کمک می‌نماید تا برای وضع قانون بتوان ضمن ارائه تعریف درست از این جرم، مصادیق آن را نیز توصیف نمود. با این حال، با توجه به اینکه استعمار جنسی آنلاین از کودکان همواره تحت تأثیر پیشرفت فناوری قرار دارد، لذا لازم است تا در جرم‌انگاری این جرم آخرین دستاوردهای فناوری را در نظر بگیرند؛ زیرا مجرمان تحت تکنولوژی‌های نوین همواره تلاش در پنهان نمودن هویت خود دارند.

۱-۲. تشدید استعمار جنسی آنلاین کودکان در همه‌گیری کوید ۱۹

در ۱۱ مارس ۲۰۲۰، سازمان بهداشت جهانی بیماری تنفسی بسیار عفونی را که اکنون با نام کووید-۱۹ شناخته می‌شود، به عنوان یک بیماری همه‌گیر اعلام کرد و دولت‌های سراسر جهان را وادار کرد تا دستورالعمل‌هایی برای کاهش سرعت گسترش این بیماری صادر کنند. الگوهای مطالعه، کار، اجتماعی شدن و اوقات فراغت برای غلبه بر اختلالات ناشی از بیماری همه‌گیر به صورت آنلاین تغییر کردند.^۴ در واقع، افزایش حضور آنلاین کودکان برای مطالعه و اجتماعی شدن و همچنین، جمعیت زیادی از بزرگسالان که از خانه کار می‌کردند، منجر به پیش‌بینی‌هایی شد که احتمال زیادی وجود دارد که تعداد موارد سوءاستفاده جنسی از کودکان آنلاین افزایش یابد (سال تر و وانگ^۵، ۲۰۲۱: ۵). در حقیقت، همه‌گیری کوید ۱۹ چالشی بی‌سابقه برای اقدامات ملی و بین‌المللی در حمایت از کودکان بود. با بسته شدن مدارس و محل‌های کار در سراسر جهان، این بیماری همه‌گیر باعث شد تعداد زیادی از کودکان و بزرگسالان آنلاین شوند و انجام این کار باعث افزایش فوق‌العاده در گزارش‌های استعمار جنسی آنلاین از کودکان شد. با بسته شدن مدارس و سایر خدمات، ارتباط کودکان با خبرنگاران اجباری (مانند معلمان) و حمایت‌های ضروری در خارج از خانه کاهش یافت که این امر به تشدید خطر افزود.

۱. موارد مشابه در کانادا و استرالیا نیز مشاهده شده است. در آگوست ۲۰۰۷، مردی به دلیل تلاش برای ساخت ۸ دی‌وی‌دی انیمیشن ژاپنی که کودکان زیر ۱۴ سال را در حال خشونت جنسی نشان می‌داد، جریمه شد. (بنگرید:

Australian Customs Service: Man fined \$9,000 for smuggling child pornography: <https://www.homeaffairs.gov.au/>
در دسامبر ۲۰۰۸، آلن جان مک ایوان به دلیل نمایش پورنوگرافی از سیمپسون‌ها بارت و لیزا جریمه شد (McEwen v. Simmons & Anor, 2008).

2. Westlake

۳. بحران کوید ۱۹ منجر به ایجاد موج بزرگی از توزیع مواد لازم برای سوءاستفاده جنسی از کودکان (توزیع مواد سوءاستفاده سوءاستفاده جنسی کودکان) شده که پیش از همه‌گیری نیز در سطح بالایی بود. آسیب‌های ناشی از قربانی شدن در این جنایت بسیار شدید است و هر زمان که تصویر یا فیلمی به اشتراک گذاشته می‌شود، فرآیند قربانی کردن و قربانی شدن تکرار می‌شود (شهبازی، ۱۴۰۰: ۱۵۱).

4. We Protect (2020) Impact of covid-19 on online child sexual exploitation. We Protect Global Alliance <https://www.weprotect.org/library/impact-of-covid-19-on-child-sexual-exploitation-online>

5. Salter & Wong



در حالی که سازمان‌های حمایت از کودکان اغلب قادر به انجام بازدیدها و ارزیابی‌های معمول خود از خانه نبودند، تحقیقات پلیس و تعقیب قضایی مرتبط با استثمار جنسی آنلاین از کودکان نیز تحت تأثیر قرار گرفت؛ زیرا اقدامات کنترل عفونت، پلیس را از اجرای احکام و جمع‌آوری شواهد ممنوع یا محدود کرد و برخی از دادگاه‌ها برای چندین ماه تعطیل شدند (استاین، اومتا، شتی، کاتز، پوپیتو، براترتون^۱، ۲۰۲۱: ۵).

یکی از ملزومات سیاست فاصله‌گذاری اجتماعی، لزوم حضور ۱/۳ کارکنان در ادارات، سازمان و نهادهای مختلف از جمله اداره پلیس است. کاهش نیروی پلیس در اداره به دلیل اجرای سیاست حضور ۱/۳ نیرو در محیط کار می‌تواند باعث کاهش عملکرد پلیس‌های حاضر در محل اداره جهت ثبت گزارش جرائم باشد که نتیجه این امر، ثبت کاهش جرائم مختلف از جمله کودک‌آزاری در آمار و داده‌های رسمی کشور است (صفاری، صابری و تبریزی، ۱۴۰۱: ۵۶).

سیترون و ویستس^۲ (۲۰۱۷)، در مطالعاتی مرتبط، بر نقش ایدئولوژی‌های بازار آزاد در سیاست‌گذاری و تصمیمات قضایی تأکید کردند که به خدمات آنلاین بسیار ناامن اجازه داده است علی‌رغم خطرات جدی پیرامون محتوای مربوط به استثمار جنسی آنلاین از کودکان، به عملکرد خود ادامه دهند (کین، کرامر و فرانس^۳، ۲۰۲۰: ۱۱۷۷). همچنین، آنها عکس‌العمل دولت‌ها به محتوای آنلاین مضر مانند استثمار جنسی آنلاین از کودکان را در چارچوب سیاست نظارتی نتولیرالیسم قرار دادند که در آن، بخش خصوصی این اختیار را دارد که خودگردانی را برای به حداکثر رساندن سود اعمال کند؛ در حالی که مسائل مربوط به ایمنی آنلاین به تک‌تک شهروندان واگذار می‌شود.

در حالی که کاربری آزاد سایبری در لفاظی قانون‌گذاران و نمایندگان بخش فناوری به طور برجسته‌ای نمایان می‌شود، مجرمان استثمارگر جنسی آنلاین از کودکان نیز به طور معمول از آن استفاده می‌کنند؛ زیرا آنها اقدامات خود را بر این مبناء منطقی نشان می‌دهند (سال‌تر و ریچاردسون^۴، ۲۰۲۱: ۳۸۸). لذا، ضرورت دارد تا نگاه آزادی سایبری تعدیل گردد و فعالیت سایبری تحت مقررات اجرایی گردد. اگرچه برای بخش خصوصی آزادی و اختیار انتخاب به کاربر است که منفعت به همراه دارد، اما چنین ترتیباتی به وضوح با حمایت از کودکان از استثمار جنسی آنلاین مخالف است و آزادی‌خواهی سایبری باید به عنوان تهدیدی برای ایمنی کودکان شناخته شود.

1. Stein., Ometa, Shetty, Katz, Popitui & Brotherton
2. Citron & Wittes
3. Keen, Kramer & France
4. Salter & Richardson

۱-۳. شناسایی مجرمان استثمار جنسی آنلاین کودکان از طریق هوش مصنوعی

در انجام تحقیقات درباره استثمار جنسی از کودکان، سه هدف اصلی وجود دارد: اولین هدف، نجات کودکان مورد آزار و اذیت است. دوم، دستگیری آن دسته از افراد آزاردهنده است. سوم این است که دیگران را از درگیر شدن در این قسم فعالیت‌ها بازدارند.

به طور کلی، دو راه برای بررسی استثمار جنسی آنلاین از کودکان وجود دارد. اولی از طریق تحقیقات مورد تأیید دولتها یا سازمان‌های مردم‌نهاد است و دوم، از طریق عملیات‌های هوشیاری خودخواسته انجام‌شده توسط شهروندانی است که معتقدند به مجریان قانون کمک می‌کنند و مجرمانی را معرفی می‌کنند که در استثمار جنسی کودکان شرکت می‌کنند. در حالی که تلاش‌های هوشیارانه و تحریم‌شده توسط ملت غالب است، از ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی خواسته شده است تا در بررسی این موارد کمک کنند (لانگستون^۱، ۲۰۱۸: ۲).

از آن جایی که طرح قضاوت با هوش مصنوعی در کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس در حال بررسی است و تهیه‌کنندگان آن انتظار دارند که با تصویب آن، تحولی در آینده قضایی ایجاد و از اطلاع دادرسی کاسته شود، با توجه به کارنامه هوش مصنوعی و جنبه‌های مثبت و منفی آن برای نظام عدالت کیفری، ضروری است که به کارکردهای دیگر آن در قلمرو علوم جنایی اندیشید (ابراهیمی، ۱۴۰۱: ۵۲-۵۱).

در سال ۲۰۱۵، با استفاده از هوش مصنوعی، شخصیتی معرفی شد که از آواتار کودکان برای درگیر شدن همزمان با چندین مجرم استفاده می‌کند. این آواتارها پس از ورود به اتاق گفتگو و تماس با آنها، تلاش‌هایی را برای وادار کردن شکارچیان به (الف) اعتراف کردن آنها به مکالمه با کودک، (ب) درخواست برای دیدن کودک بدون لباس و (ج) پیشنهاد پرداخت پول به کودک برای ارتباط جنسی با آنها انجام می‌دهند. هنگامی که این سه معیار برآورده شد، ربات شروع به جمع‌آوری داده‌ها می‌کند تا شکارچی اطلاعات شخصی خود مانند آدرس‌های ایمیل و حساب‌های رسانه‌های اجتماعی را به اشتراک بگذارد (پرادین^۲، ۲۰۱۷: ۴). در این حال، پیامی برای فرد ارسال می‌شود حاوی اینکه اطلاعات هویتی او و مکان او فاش شده و این اطلاعات وجود دارد که او در حال مشارکت در فعالیت مجرمانه است. این یک عمل پیشگیرانه بدون دخالت پلیس برای مقابله با مجرمان احتمالی است. با توجه به حجم قابل توجهی از استثمار جنسی آنلاین کودکان در اینترنت، قابل درک است که چرا عدالت هوشیارانه به یک تاکتیک محبوب تبدیل شده است. با این حال، سؤالاتی در مورد اینکه این گروه‌ها واقعاً چقدر کمک می‌کنند، مطرح شده است؛ زیرا اقدام این افراد می‌تواند معکوس باشد، زیرا ممکن است با راندن متخلفان به زیرزمین یا به مکان‌های جدید، عملیات پلیس را به خطر بیندازند. علاوه بر این، یادگیری نحوه

1. Langston
2. Perraudin



شناسایی آنها ممکن است به سوءاستفاده کنندگان کمک کند تا تکنیک‌های مؤثرتری برای پنهان کردن هویت خود ایجاد کنند و عملیات پلیس را دشوارتر کنند. با این حال، اعلام هوش مصنوعی توسط گوگل، آغاز موج جدیدی در نحوه شناسایی مجرمان استعمار جنسی آنلاین از کودکان است که شامل استفاده از تشخیص صدا و چهره (بیومتریک) در جستجوهای خودکار می‌باشد. تشخیص بیومتریک شامل تجزیه و تحلیل منحصر به فرد ویژگی‌های بیولوژیکی برای شناسایی افراد خاص است. البته، صدا و تشخیص چهره بدون چالش نیست و برای سیستم بیومتریک مبتنی بر صدا، تشخیص بلندگو از داده‌های صوتی تخریب شده می‌تواند یک مانع بزرگ محسوب شود. هنگامی که این موارد به شیوه‌ای جدید ترکیب شوند، می‌توانند عملکرد تشخیص گوینده را در سناریوهای چالش برانگیز افزایش دهند. همچنین، برای سیستم بیومتریک مبتنی بر چهره، داده‌های با کیفیت پایین نیز می‌تواند یک مشکل باشد.

در سپتامبر سال ۲۰۲۱، تلاش‌های نوینی در مقابله با استعمار و سوءاستفاده جنسی آنلاین از کودکان انجام پذیرفت. یکی از سازمان‌هایی که در این امر اقدام نمود، دانشگاه فناوری دUBLIN است که پروژه آن - لایت را اجرا می‌کند و این برنامه‌ای نوآورانه برای کشف الگوهای استعمار جنسی آنلاین از کودکان از طریق تجزیه و تحلیل خط تلفنی پرونده‌ها از نوامبر ۲۰۲۱ تا مه ۲۰۲۳ است. از طریق این پروژه، دانشگاه فناوری دUBLIN ابزاری قابل استقرار ایجاد خواهد کرد که الگوهای بزرگسالان مرتکب سوءاستفاده جنسی از کودکان آنلاین و کودکانی که تحت تأثیر چنین خشونت‌هایی قرار می‌گیرند را نشان می‌دهد. با استفاده از یادگیری ماشینی هوش مصنوعی پیشرفته برای متن، این مطالعه درک جهانی از روند رفتار مرتکب (رفتار، تماس، محتوا) از جمله آراستگی و از بین بردن استراتژی‌ها و تاکتیک‌های مورد استفاده برای فریب دادن و وادار کردن کودکان به اعمال استعمار جنسی را ارتقا می‌دهد.^۱

۱-۴. نقش ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی^۲ در مقابله با استعمار جنسی آنلاین از کودکان

در حالی که دولت‌ها و سازمان‌های نظارتی تحقیقاتی را در مورد سوءاستفاده کنندگان جنسی از کودکان انجام می‌دهند، ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی بیشتر در حاشیه نشسته‌اند. ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی با ارائه یک سرویس (تقریباً) ضروری و همچنین، به عنوان نهادی غیردولتی، نقش منحصر به فردی را در جامعه به منظور مقابله و پیشگیری در برابر استعمار جنسی از کودکان برعهده

1. <https://www.end-violence.org/articles/combating-online-child-sexual-violence-help-ai>
2. Internet Service Providers (ISPs)

دارند. واقعیت آن است که ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی به عنوان میزبان و نگهبان محیط اینترنت، از قدرت قابل توجهی در نظم‌بخشی و سالم نگه داشتن فضای اینترنت برخوردارند.^۱

بررسی قوانین جهانی در سال ۲۰۱۶ توسط مرکز مبارزه با آزارواذیت کودکان نشان داد که تنها ۱۸ کشور از ۱۹۶ کشور دارای قوانینی هستند که به طور خاص، از ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی می‌خواهد: (الف) موارد استعمار آنلاین از کودکان را به مجریان قانون گزارش دهند. (ب) از تولید یا توزیع فیلم‌هایی با محتوای استعمار آنلاین از کودکان خودداری کنند و (ج) وبسایت‌هایی که برای فریب خردسالان برای مشاهده مطالب غیراخلاقی طراحی شده‌اند را مسدود نمایند (ونگ، ۲۰۱۷: ۲۷۲)؛ بدین ترتیب که در گزارش حادثه، آن‌ها باید آدرس ایمیل و یا آدرس پروتکل اینترنت کاربر، تاریخچه مکاتبه‌ها و منطقه جغرافیایی متهمان را اعلام نمایند. با این حال، همچنان اثربخشی و مسئولیت ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی در مبارزه با تولید و انتشار مطالب با محتوای استعمار جنسی از کودکان نامشخص است. نکته قابل توجه این است که مدت‌هاست که درخواست‌هایی از ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی برای کمک به جلوگیری از فعالیت‌های مجرمانه، خصوصاً در ارتباط با کودکان، وجود دارد. با این حال، استدلال‌هایی مبنی بر غیرممکن بودن این امر ارائه شده است، زیرا با توجه به مقدار داده‌ای که آنها پردازش می‌کنند، نیاز به نظارت گسترده توسط ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی وجود دارد که این امر نه تنها از نظر مالی بسیار هزینه‌بر است، بلکه نقض حریم خصوصی افراد نیز محسوب می‌شود و این امر نقض مقررات مربوطه به حساب می‌آید که امری غیرقانونی در فعالیت ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی است و می‌تواند موجبات طرح دعوی علیه آنها را فراهم آورد. علاوه بر این، برخی سرویس‌های میزبانی که مایل به نادیده گرفتن فعالیت‌های مجرمانه هستند، مانند خدمات ثبت وبسایت که هویت مالکیت وبسایت را پنهان می‌کنند یا سرویس‌های شبکه خصوصی مجازی که اطلاعات استفاده‌کنندگان از خدمات آنها را ثبت نمی‌کنند، در ردیف ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی وارد بازاری شده‌اند که از نظارت بر فعالیت کاربر خودداری می‌کنند. بنابراین، در خصوص ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی استدلال می‌شود که هرگونه تلاشی از جانب آنها در مبارزه با تولید و توزیع محتوای مجرمانه با موضوع استعمار جنسی از کودکان حداقل تأثیر را دارا می‌باشد.

در زمینه مقابله با استعمار جنسی آنلاین از کودکان، ما نیازمند توسعه ابزارهایی برای تشخیص فعالیت‌های مجرمانه در این زمینه هستیم و به علاوه، در این مسیر چالش‌های بسیاری نیز وجود

۱. علت پرداختن به نقش ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی این است که هر فردی برای پخش آنلاین تصاویر و فیلم‌های مربوط به استعمار جنسی کودکان نیاز به فضایی برای نمایش دارد. لذا، ممکن است فیلمی به طور مثال، در خاورمیانه تهیه شده یا قصد نمایش آن باشد و از طریق یک وبسایت در اروپا نمایش داده شود. با توجه به نقش پررنگ اینترنت یا یورپل در این زمینه، ضرورت دارد تا نقش ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی در مقابله و پیشگیری از این جرم بررسی گردد.

2. Wang



دارد. بررسی استثمار جنسی آنلاین از کودکان به دلیل عدم همکاری بین نهادهای دولتی، منابع و نیروی انسانی دشوار است. همچنین، محققان در این زمینه در معرض خطر افزایش فرسودگی شغلی و آسیب روانی هستند. محققین همچنین از میزان بالاتری از اختلال استرس تروماتیک ثانویه، خستگی عاطفی، افکار مزاحم و مشکلات روحی ناشی از تعقیب موارد استثمار کودکان رنج می‌برند (کراون، بورک و کولسون^۱، ۲۰۱۵: ۳۹۶). برای رسیدگی به برخی از چالش‌هایی که محققین با آن روبرو هستند، لازم است تا آژانس‌های غیردولتی، مانند سازمان‌های غیرانتفاعی، شرکت‌های فناوری، و دانشگاهیان به همراه مجریان قانون برای توسعه ابزارها و تکنیک‌هایی برای شناسایی موارد استثمار جنسی آنلاین از کودکان همکاری نمایند. هدف این مشارکت‌ها، کاهش میزان تماس محققین با موارد گرافیکی و برعکس، افزایش کارایی تشخیص خودکار موارد جرم می‌باشد.^۲

۲. اقدامات یورپل در مقابله با استثمار جنسی آنلاین از کودکان

استثمار جنسی آنلاین از کودکان پدیده‌ای است که دائماً در حال تحول است و با پیشرفت‌های فناوری شکل تازه‌ای می‌گیرد. اتصال تلفن همراه، پوشش اینترنتی روبه‌رشد در کشورهای در حال توسعه و توسعه راه‌حل‌هایی که درجه بالایی از ناشناس ماندن را برای بیننده فراهم می‌کند، روند پخش مستقیم تجاری سوءاستفاده جنسی از کودکان را افزایش می‌دهد. با توجه به اینکه این امر مرز جغرافیایی خاصی ندارد، در اروپا مقابله با آن مورد توجه قرار گرفته است. از آنجایی که یورپل در اروپا به اولویت‌ها و تهدیدات مرتبط با اتحادیه اروپا می‌پردازد، لذا دستورالعمل‌های این اتحادیه زمینه‌ساز فعالیت‌های یورپل می‌باشد که بدو، به بررسی دستورالعمل در این زمینه می‌پردازیم.

۲-۱. دستورالعمل‌های اتحادیه اروپا در این زمینه

همانگونه که اشاره شد، استثمار جنسی از کودکان به سوءاستفاده جنسی از یک فرد زیر ۱۸ سال و همچنین، تولید تصاویری از این سوءاستفاده و به اشتراک‌گذاری آن تصاویر به صورت آنلاین اشاره دارد. پیرامون این مهم در سال ۲۰۱۱، اتحادیه اروپا دستورالعملی را برای مبارزه با سوءاستفاده جنسی و استثمار جنسی از کودکان و پورنوگرافی کودکان تصویب کرد.^۳ این

1. Craun, Bourke & Coulson

۲. در سال ۲۰۱۸، گوگل در اروپا از معرفی هوش مصنوعی (شبکه عصبی عمیق) به نرم‌افزار پردازش تصویر خود برای کمک به بازبینی کنندگانی که محتوایی را به احتمال زیاد با محتوای استثمار جنسی آنلاین از کودکان اولویت می‌دهند، معرفی کرد. با توجه به توزیع بسیار زیاد استثمار جنسی آنلاین از کودکان به صورت آنلاین، مهم است که ابزارهایی به توسعه ادامه دهند که اتوماسیون تشخیص و توانایی یافتن محتوای جدید را افزایش دهند. بنگرید:

Global Threat Assessment, 2023, www.weprotect.org

3. European Union adopted the Directive 2011/93/EU

دستورالعمل در حقیقت، به‌روزرسانی تصمیم شورای اروپا بود که در مبارزه با استثمار جنسی از کودکان به دلیل الزام صریح اثبات رفتار جنسی و نیاز به ارائه کل تصمیم در قوانین یک کشور برای استفاده از آن ناموفق بود.^۱

طبق دستورالعمل جدید، در بند ج ماده ۲، در خصوص هرزه‌نگاری کودکان آمده است: «هر موضوعی که به صورت بصری کودکی را درگیر رفتار واقعی یا شبیه‌سازی شده جنسی صریح نماید، استثمار جنسی کودکان صورت گرفته است.» این امر در واقع شامل رابطه جنسی واقعی یا شبیه‌سازی شده می‌باشد.

این دستورالعمل همچنین، به «اجراهای پورنوگرافیک» اشاره می‌کند که شامل اجرای زنده، مبتنی بر تماشاگر و پخش آنلاین (از طریق دوربین) می‌شود. دستورالعمل دیگر^۲ علیرغم ارائه تعاریف واضح‌تر و حمایت‌های قوی‌تر برای قربانیان نسبت به سلف خود، ورود تصادفی به یک وبسایت، بدون اطلاع از اینکه وبسایت مطالب استثمار جنسی از کودکان را نمایش می‌دهد، ممنوع می‌کند. با این حال، دستورالعمل به وبسایت‌های مربوط به استثمار جنسی کودکان (در ماده ۲۵) اشاره می‌کند و به اعضا توصیه می‌کند که این موارد را فوراً حذف کنند.

یوروپل تهدیدات کلیدی در زمینه استثمار جنسی از کودکان را از طریق شبکه‌های هم‌تا به هم‌تا^۳ و دسترسی ناشناس مانند شبکه‌های دارک‌وب^۴ (مثل تور^۵) شناسایی کرده است. این محیط‌های رایانه‌ای، پلتفرم اصلی برای دسترسی به موارد کودک‌آزاری و ابزار اصلی برای توزیع غیرتجاری هستند. این فضاها همیشه برای مجرمان جذاب هستند و استفاده از آنها به مراتب با شرایط ساده‌تری همراه است. سطح بیشتر ناشناس‌بودن و امکانات شبکه‌ای قوی ارائه شده توسط اینترنت پنهانی که تحت اصطلاح «وب سطحی»^۶ وجود دارد، به نظر می‌رسد مجرمان را در توهین و بحث در مورد علایق جنسی خود راحت‌تر می‌کند.

پخش زنده آزار جنسی کودکان با تسهیل فناوری جدید، یک گرایش مربوط به سوءاستفاده از کودکان خارج از صلاحیت قضایی یک کشور است. تا حدی کمتر، شواهدی نیز وجود دارد که نشان می‌دهد اشکال بهره‌کشی جنسی تجاری از کودکان مانند پخش مستقیم آزارواذیت بر اساس تقاضا نیز به افزایش میزان استثمار جنسی آنلاین از کودکان کمک می‌کند. کودک‌آزاری از راه دور آشکارترین ارتباط را با توزیع تجاری استثمار جنسی آنلاین از کودکان دارد. از آنجایی که استثمار جنسی آنلاین از کودکان جدید و یا دیده‌نشده، موضوع ارزشمندی در جامعه متخلف است، سوءاستفاده از راه دور نه تنها راهی برای به دست آوردن لذت بیشتر است، بلکه برای تولید

1. Council Framework Decision 2004/86/JHA
2. 2011/93/EU
3. Peer-to-peer (P2P) networks
4. Darknet networks
5. Tor
6. Surface Web



همزمان مطالب با «ارزش» بالاتر نیز کمک می‌کند. تعداد فزاینده کودکان و نوجوانانی که صاحب گوشی‌های هوشمند هستند، با تولید مواد ناشایست خودتولید شده همراه شده است. چنین مطالبی که در ابتدا بدون سوءنیت به اشتراک گذاشته می‌شود، اغلب به سوءاستفاده از قربانی، به‌ویژه از طریق اخاذی، ختم می‌شود.^۱

۲-۲. مرکز جرائم سایبری یوروپل^۲

مرکز جرائم سایبری یوروپل از زمان تأسیس خود در سال ۲۰۱۳، سهم قابل توجهی در مبارزه با جرائم سایبری داشته است و در بسیاری از عملیات‌های برجسته و صدها استقرار پشتیبانی عملیاتی شرکت داشته است. در سطح عملیات، مرکز جرائم سایبری یوروپل بر انواع جرائم سایبری زیر تمرکز دارد: (الف) جرائم وابسته به سایبری، (ب) بهره‌کشی جنسی از کودکان و (ج) جرائم مرتبط با کلاهبرداری و پشتیبانی ارائه‌شده به مقابله با جرم و جنایت در دارکوب و پلتفرم‌های جایگزین نیز گسترش می‌یابد.^۳

مرکز جرائم سایبری یوروپل از مقامات ذیصلاح در کشورهای عضو در پیشگیری و کشف همه اشکال جرم و جنایت مرتبط با بهره‌کشی جنسی از کودکان حمایت می‌کند. در مبارزه با توزیع موارد کودک‌آزاری از طریق انواع محیط‌های آنلاین، کمک و تخصص ارائه می‌کند و با انواع رفتارهای آنلاین مجرمانه علیه کودکان، مانند مطالب ناشایست خودساخته، اخاذی جنسی و پخش زنده در وب مقابله می‌کند. مبارزه با توزیع موارد کودک‌آزاری شامل جلوگیری و رهگیری آن و جلوگیری از اشتراک‌گذاری آن از طریق شبکه‌های همتا به همتا و همچنین، از طریق پلتفرم‌های تجاری است.

در این راستا، مرکز جرائم سایبری یوروپل در ائتلاف مالی اروپایی علیه بهره‌کشی جنسی تجاری از کودکان آنلاین، در شبکه‌ای که توسط کمیسیون اروپا متشکل از مجریان قانون، سازمان‌های غیردولتی و ذینفعان بخش دولتی و خصوصی تأمین مالی می‌شود، مشارکت دارد.

مرکز جرائم سایبری یوروپل همچنین در گروه وظیفه جهانی مجازی^۴ مشارکت دارد که شامل همکاری سازمان‌های مجریان قانون در سراسر دنیا است که برای مبارزه با سوءاستفاده جنسی از کودکان آنلاین در سراسر جهان دور هم جمع شده‌اند. برای این منظور، دکمه‌ای روی وب طراحی شده است بنام دکمه گزارش سوءاستفاده که دکمه گزارش سوءاستفاده در وب‌سایت وی‌جی‌تی روشی مؤثر برای گزارش رفتار مشکوک آنلاین علیه کودکان می‌باشد.

1. <https://www.europol.europa.eu/crime-areas/child-sexual-exploitation>

2. Europol's European Cybercrime Centre (EC^۲)

3. <https://www.europol.europa.eu/about-europol/european-cybercrime-centre-ec۲>

4. Virtual Global Taskforce (VGT)

همچنین، با توجه به اینکه همکاری در سطح بین‌المللی در شناسایی قربانیان سوءاستفاده و بهره‌کشی جنسی از کودکان بسیار مؤثر است، لذا در سال ۲۰۱۵، یورپل میزبان یک گروه ویژه شناسایی قربانی بود که منجر به آپلود ۲۴۰ مجموعه جدید از مطالب در پایگاه داده تصاویر سوءاستفاده جنسی از کودکان اینترپل و گسترش ۱۰۰ مجموعه موجود شد.^۱

۲-۳. عملیات مشترک یورپل در مقابله با استعمار جنسی آنلاین از کودکان

عملیات‌های مشترک یورپل در مقابله با استعمار جنسی آنلاین از کودکان مهمترین اقدامات در شناسایی و دستگیری مجرمان بوده است؛ به‌طور مثال، یک عملیات مشترک بزرگ علیه بهره‌کشی جنسی از کودکان در منطقه بالکان منجر به شناسایی ۳۹ کودک آزاری مظنون و محافظت از ۲ نفر از قربانیان آنها در ۸ کشور شده است. این عملیات^۲ در سال ۲۰۲۳ توسط پلیس ملی اسلوانی رهبری و توسط یورپل در چارچوب پلتفرم چندرشته‌ای اروپا علیه تهدیدات جنایی (ایمپکت)^۳ هماهنگ شد. هدف از این عملیات، شناسایی و دستگیری افرادی بود که از فروم‌های آنلاین و برنامه‌های پیام‌رسانی برای اشتراک‌گذاری و توزیع مطالب مرتبط با سوءاستفاده جنسی از کودکان استفاده می‌کردند. در این عملیات، پس از انجام تحقیقات در مورد اشتراک‌گذاری تصاویر و ویدئوهایی که آزار جنسی کودکان را به تصویر می‌کشد، پلیس ۴۱ حمله را در سراسر کشورهای شرکت‌کننده^۴ انجام داد و در نتیجه، مظنونین دستگیر شدند. در جریان این اقدامات، بیش از ۲۰۰ کالای حاوی تصاویر یا فیلم‌های آزار جنسی کودکان از جمله رایانه، تلفن همراه، سرور رایانه و کارت حافظه کشف و ضبط شد. در این راستا، یورپل تبادل اطلاعات بین همه کشورهای درگیر را تسهیل کرد و با بررسی مقاطع داده‌های ضبط‌شده و ارائه بسته‌های اطلاعاتی برای ادامه کار تحقیقاتی در این منطقه و فراتر از آن، باعث بهبود بیشتر تصویر عملیاتی در منطقه شد.

در چارچوب ایمپکت، اسلوانی، کرواسی، مجارستان و مرکز جرائم سایبری یورپل برای ایجاد یک شبکه متخصص در بالکان غربی با هدف تقویت همکاری فرامرزی در مبارزه با سوءاستفاده جنسی از کودکان، با هم متحد شده‌اند. در این خصوص، کمپین پیشگیری «بگو نه!» یورپل در دسترس همه کشورهای منطقه بالکان غربی به زبان ملی خود قرار گرفته است. این کمپین شامل یک ویدیوی طولانی ۱۰ دقیقه‌ای است که دو نوجوان، یک پسر و یک دختر را به تصویر می‌کشد که به ترتیب، توسط یک سازمان جنایتکار برای منافع مالی و توسط یک مجرم

1. <https://www.europol.europa.eu/media-press/newsroom/news/europol-victim-identification-taskforce-leads-to-rescue-of-three-sexually-abused-children>

2. Operation MOZAIK 2023

3. European Multidisciplinary Platform Against Criminal Threats (EMPACT)

۴. کشورهای بالکان غربی - بوسنی و هرزگوین، مقدونیه شمالی، مونته‌نگرو و صربستان - اسلوانی، کرواسی و مجارستان یک

سری اقدامات اجرایی را بین ۶ تا ۱۷ نوامبر انجام دادند. بنگرید:

<https://www.europol.europa.eu/media-press/newsroom/news/39-suspects-identified-in-major-online-child-sexual-abuse-swoop-in-western-balkan-region>



جنسی آنلاین، مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرند. این ویدئو شامل توصیه‌هایی در مورد نحوه گزارش چنین جنایاتی به مجریان قانون و نحوه جلوگیری از قربانی شدن در وهله اول است.^۱

۳. اقدامات اینترپل در مقابله با استثمار جنسی آنلاین از کودکان

گسترده‌گی تولید و توزیع آنلاین استثمار کودکان منجر به تلاش‌های جدی توسط سازمان‌های مجری قانون ملی و بین‌المللی، مانند اینترپل، شده است. سازمان‌های فناوری غیردولتی، مانند گوگل و مایکروسافت و سازمان‌های غیرانتفاعی، مانند مرکز بین‌المللی و ملی کودکان مفقودشده و مورد استثمار، نقش مهمی در این خصوص ایفاء می‌کنند. استثمار جنسی آنلاین از کودکان شامل طیف گسترده‌ای از رفتارها و موقعیت‌ها می‌شود. معمولاً، این موارد شامل پخش زنده، مصرف مواد، سوءاستفاده جنسی از کودکان و اجبار و باج‌گیری کودکان برای مقاصد جنسی است. در این زمینه، اقدامات اینترپل در پیشگیری و مقابله دارای اهمیت می‌باشد. اینترپل برای کمک به ردیابی کودکان مفقودشده، با صدور اعلان زرد برای نجات آنها، اقدامات بین‌المللی انجام می‌دهد و مکانیزم‌هایی برای استفاده از ظرفیت‌های خود برای مقابله با استثمار آنها دارد که ذیلاً بررسی می‌گردد.

۳-۱. پایگاه بین‌المللی اطلاعات استثمار جنسی از کودکان^۲

این پایگاه داده به متخصصان برای شناسایی قربانیان در سراسر جهان کمک می‌کند تا تصاویر سوءاستفاده جنسی از کودکان را تحلیل و مقایسه کنند. پایگاه داده تصویری و ویدئویی بهره‌بردار جنسی از کودکان (آی-سی-اس-ای)^۳ یک ابزار اطلاعاتی و تحقیقاتی است که به کارشناسان تخصصی اجازه می‌دهد تا داده‌ها را در خصوص موارد سوءاستفاده جنسی از کودکان به اشتراک بگذارند. با استفاده از نرم‌افزار مقایسه تصویر و ویدئو، کارشناسان می‌توانند فوراً بین قربانیان، سوءاستفاده‌کنندگان و مکان‌های جرم ارتباط برقرار کنند. پایگاه داده از تلاش‌های تکراری جلوگیری می‌کند و در زمان گرانبها صرفه‌جویی می‌کند و به کارشناسان اجازه می‌دهد بدانند آیا مجموعه‌ای از تصاویر قبلاً در کشور دیگری کشف یا شناسایی شده‌اند یا اینکه آیا دارای ویژگی‌های مشابه با تصاویر دیگر هستند؟ همچنین، به کارشناسان تخصصی بیش از ۶۸ کشور اجازه می‌دهد تا اطلاعات را مبادله کنند و داده‌ها را با همکاران خود در سراسر جهان به اشتراک بگذارند. با تجزیه و تحلیل محتوای دیجیتال، محتوای تصاویری و صوتی، عکس‌ها و غیره، کارشناسان شناسایی قربانی می‌توانند سرنخ‌هایی را بازیابی کنند و هرگونه همپوشانی در

1. <https://europol.europa.eu/media-press/newsroom/news/39-suspects-identified-in-major-online-child-sexual-abuse-swoop-in-western-balkan-region>

2. International Child Sexual Exploitation database

3. International Child Sexual Exploitation (ICSE)

پرونده‌ها را شناسایی و تلاش‌های خود را برای یافتن قربانیان سوءاستفاده جنسی از کودکان در پایگاه داده‌ها به اشتراک بگذارند.^۱

۲-۳. امضاء توافقنامه بین اینترپل و یونیسف برای مقابله با استثمار جنسی آنلاین از کودکان

این دو سازمان برای هماهنگ کردن اقدامات دولت‌ها در حمایت از کودکان در برابر استثمار و سوءاستفاده جنسی، از جمله در محیط‌های دیجیتال منعقد گردید. بر اساس توافقنامه، این دو سازمان در حمایت از نهادهای مجری قانون ملی در سطح جهانی برای بهبود واکنش آنها به جنایات استثمار جنسی و سوءاستفاده جنسی علیه کودکان، از جمله، حمایت از ایجاد واحدها یا تیم‌های تخصصی برای بررسی استثمار و سوءاستفاده جنسی آنلاین از کودکان و تقویت اثربخشی چنین تیم‌هایی، طرح‌های مشترکی را به اجرا می‌گذارند. یکی از مهمترین رویکردهای این توافقنامه، ارتقای آموزش و توسعه سیستماتیک حرفه‌ای در این خصوص است، به طوری که کارکنان مجری قانون دانش و مهارت‌های به‌روز در شناسایی قربانی و مجرم، پزشکی قانونی دیجیتال برای استثمار و سوءاستفاده جنسی آنلاین از کودکان، مصاحبه با کودک قربانی و بازماندگان و دسترسی برای استفاده از پایگاه داده بین‌المللی بهره‌کشی جنسی از کودکان اینترپل را داشته باشند؛ همچنین، ترویج و تسهیل ارتباط بهتر بین مجریان قانون و خدمات اجتماعی برای اطمینان از برخورداری قربانیان و بازماندگان از حمایت هماهنگ و چندرشته‌ای در سراسر فرآیند عدالت کیفری و فراتر از آن، حمایت از بهبودی همه‌جانبه آنها است. بر اساس آخرین داده‌های موجود از یونیسف، بیش از ۲۰ درصد از کودکان استفاده‌کننده از اینترنت در ۱۲ کشور با درآمد کم و متوسط گفته‌اند که حداقل یکبار تجربه استثمار جنسی آنلاین را داشته‌اند. در حالی که برخی از کشورها دارای واحدهای اجرای قانون هستند که به حمایت از کودکان و قربانیان اختصاص داده شده است، بسیاری از آنها فاقد کارکنان متخصص، مهارت‌ها و منابع مورد نیاز برای بررسی مؤثر چنین پرونده‌هایی هستند. هدف این مشارکت، پر کردن این شکاف‌های ظرفیت حیاتی و ترویج سرمایه‌گذاری بیشتر و اقدام هماهنگ است در راستای اطمینان از اینکه قربانیان و بازماندگان از حمایت مورد نیاز خود برخوردار می‌شوند و مجرمان با عدالت روبرو می‌شوند.^۲

1. <https://www.interpol.int/Crimes/Crimes-against-children/International-Child-Sexual-Exploitation-database>

2. <https://www.interpol.int/News-and-Events/News/2023/INTERPOL-and-UNICEF-sign-cooperation-agreement-to-address-child-sexual-exploitation-and-abuse>



۳-۳. عملیات نارسیل^۱

عملیات نارسیل شبکه وبسایت‌های سوءاستفاده از کودکان را که برای کسب سود از این طریق طراحی شده‌اند، مختل می‌کند. این عملیات با هدف ردیابی پول بدست آمده توسط مجرمان و جلوگیری از قربانی شدن مجدد کودکان طراحی و اجرا گردیده است.

از دسامبر ۲۰۲۱ تا ژوئیه ۲۰۲۳، عملیات نارسیل همچنین مکانیسم‌های مالی مورد استفاده مدیران وبسایت‌ها برای انجام کمپین‌های تبلیغاتی آنلاین خود را هدف قرار داده است. بیش از دو سال، کشورهای عضو اینترپل با استفاده از فهرست معروف به بدترین‌های اینترپل^۲، اطلاعات هدفمند را به اشتراک گذاشتند، مظنونان را شناسایی کردند و در دستگیری افرادی که وبسایت‌ها را مدیریت می‌کردند، همکاری کردند. فهرست بدترین‌های اینترپل که در سال ۲۰۱۰ ایجاد شد، فهرستی از وبسایت‌های حاوی مطالب حاوی استثمار کودکان را دارا می‌باشد. در این راستا، اینترپل با نیروی پلیس در همه مناطق دنیا همکاری می‌کند تا ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی ملی این وبسایت‌ها را تعطیل کنند. وضعیت به این ترتیب است که هر بار که فردی روی این تصاویر کلیک می‌کند، به طور مؤثر وارد صحنه جرم می‌شود. این اقدام موجب شناسایی و حذف این وبسایت‌ها گردیده و مهم‌تر از همه، قربانی شدن مجدد کودکان آزاردیده را کاهش می‌دهد. در یک مورد، یک برادر و خواهر آرژانتینی (هر دو در اوایل سی سالگی) در نتیجه سرخ‌های دیجیتالی از فهرست بدترین‌های اینترپل و اطلاعات ارائه شده توسط جامعه پلیس جهانی^۳ دستگیر شدند. تحقیقات دفتر شناسایی قربانیان آرژانتین^۴ در بخش مبارزه با جرائم سایبری علیه خردسالان و واحد تعقیب جرائم سایبری تخصصی^۵ که با دادگاه‌های فدرال در استان مندوزا همکاری می‌کند، منجر به شناسایی و دستگیری دو مظنون شد. در این عملیات از آنها ۱۴ دستگاه الکترونیکی و همچنین، پول نقد و کارت اعتباری کشف و ضبط شد. شواهد نشان می‌داد که این خواهر و برادر به مدت بیش از یک دهه وبسایت‌هایی که حاوی مطالب سوءاستفاده جنسی از کودکان و کمپین‌های تبلیغاتی مرتبط هستند را ایجاد و نگهداری کرده‌اند و از آنها بهره‌مند شده‌اند.^۶

۳-۴. عملیات مشترک اینترپل و پلیس کلمبیا علیه مجرمان جنسی کودکان

مقامات استرالیایی برای اولین بار در دسامبر ۲۰۲۲ پس از یافتن ویدئویی که آزار جنسی کودکان را در دارکنت به تصویر می‌کشید، این پرونده را به اینترپل ارائه کردند. این ویدئو در پایگاه

1. Operation Narsil

2. INTERPOL's Worst of List (IWOL)

3. Global police community

4. Argentina's Victim Identification Office

5. Specialized Cybercrime Prosecution Unit (UFECI)

6. <https://www.interpol.int/News-and-Events/News/2023/Operation-Narsil-disrupts-network-of-child-abuse-websites-designed-to-generate-profits-from-advertising>

بین‌المللی اطلاعات بهره‌کشی جنسی از کودکان^۱ اینترپل آلود شد، جایی که افسران متخصص از سراسر جهان می‌توانستند آن را برای شناسایی سرخ‌ها مظنونین تجزیه و تحلیل کنند. یک ماه بعد، دفتر تحقیقات فدرال ایالات متحده به واحد جنایات علیه کودکان اینترپل^۲ در مورد هویت احتمالی یکی از مجرمان هشدار داد و محل احتمالی آنها را کلمبیا اعلام کرد. واحد مذکور اطلاعات ارائه‌شده را بررسی و تأیید نمود و تعدادی سرخ جدید را نیز کشف کرد و یک گزارش جامع شناسایی قربانی برای مقامات کلمبیایی ارائه نمود. پلیس ملی کلمبیا پس از دریافت و انجام تحقیقات، محل و هویت کودکان و دو مجرم را تأیید کرد. آنها دریافتند که مادر و عمه از پلتفرم‌های خاصی برای تولید و فروش مطالب ویدئویی آزار جنسی زنده برای «مشتریان» در خارج از کشور استفاده کرده‌اند. در ۲۲ فوریه، مقامات کلمبیایی یک عملیات هماهنگ نجات و دستگیری را انجام دادند و با خدمات حفاظت از کودکان برای محافظت از کودکان و اطمینان از دریافت مراقبت‌های پزشکی و روانی از آنها همکاری کردند.^۳ این مورد وحشتناک نشان می‌دهد که استثمار جنسی از کودکان پخش زنده به هیچ منطقه‌ای محدود نمی‌شود؛ به عبارت دیگر، جهانی است و معمولاً شامل کودکان بسیار خردسال می‌شود. امروزه، پایگاه بین‌المللی اطلاعات بهره‌کشی جنسی از کودکان ۶۸ کشور را به هم پیوند می‌دهد و ارتباط کشورهای دیگر نیز ادامه دارد. از زمان راه‌اندازی پایگاه اطلاعات، بیش از ۳۳۰۰۰ قربانی و ۱۴۹۰۰ مجرم در سراسر جهان شناسایی و تحت حمایت یا دستگیر شده‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری

استثمار جنسی از کودکان پدیده جدیدی نیست و در واقع، نه تنها در طول تاریخ رواج داشته، بلکه در گذشته بسیار قابل قبول‌تر تلقی می‌شده است. پیش از ورود اینترنت در زندگی انسان، امکان بهره‌کشی کودکان در قالب تصویر بسیار دشوار بود، اما ظهور اینترنت جرم استثمار و سوءاستفاده جنسی از کودکان را تغییر داد و آن را آسان‌تر نمود.

استثمار جنسی آنلاین از کودکان یک معضل جهانی است که نیازمند پاسخ‌های جامع و هماهنگ از سوی جامعه بین‌المللی است. در این زمینه، سازمان‌های پلیسی بین‌المللی مانند یورپل و اینترپل نقش حیاتی ایفا می‌کنند. اقدامات این سازمان‌ها نشان‌دهنده تعهد جدی به مقابله با این جرائم و حمایت از بزه‌دیدگان است.

استثمار جنسی از کودکان معمولاً به عنوان پورنوگرافی کودکان نامیده می‌شود. اصطلاح پورنوگرافی کودکان می‌تواند به این معنا باشد که قربانی در جاتی از اختیار در تولید محتوا دارد.

1. INTERPOL's International Child Sexual Exploitation (ICSE)

2. INTERPOL's Crimes against Children (CAC)

3. <https://www.interpol.int/News-and-Events/News/2023/Colombia-Two-arrested-for-live-streaming-child-sexual-abuse>



در نتیجه، مجریان قانون، سازمان‌های مدافع و کارشناسان اغلب از اصطلاحات بهره‌کشی جنسی از کودکان و آزار جنسی کودکان هنگام اشاره به پورنوگرافی کودکان استفاده می‌کنند، زیرا به درستی مفهوم عاملیت را حذف می‌کند و بر بی‌گناهی قربانی در تولید آن تأکید می‌کند. قوانین موجود اعم داخلی و بین‌المللی پورنوگرافی کودکان به صورت واقعی را پوشش می‌دهد و شامل پورنوگرافی شبیه‌سازی شده کودکان نمی‌باشد. در همه‌گیری کرونا، به دلیل حضور بیشتر کودکان و بزرگسالان در اینترنت، جرائم مرتبط با استثمار جنسی آنلاین از کودکان افزایش یافت. طی انجام تحقیقات درباره استثمار جنسی از کودکان، سه هدف اصلی وجود دارد: اولین هدف، نجات کودکان مورد آزار و اذیت است. دوم، دستگیری آن دسته از افراد آزاردهنده است. سوم این است که دیگران را از درگیر شدن در این قسم فعالیت‌ها بازدارند. با توجه به اینکه اشخاص خصوصی نیز می‌توانند به مقابله با این جرم بپردازند، لذا روش‌هایی مانند تحقیقات هوشمند می‌تواند در این زمینه مؤثر باشد. با این حال، استفاده از هوش مصنوعی می‌تواند این فرآیند را با چالش بیشتر مواجه نماید. از آنجایی که فناوری مورد استفاده در حوزه‌های دیگر، مانند بیومتریک، به کمک مبارزه با استثمار جنسی آنلاین از کودکان وارد می‌شود، می‌توان به اثربخشی این امر خوش‌بین بود. اگر این نوآوری‌ها با تکنیک‌های تحلیلی مانند تحلیل شبکه‌های اجتماعی ترکیب شوند، این امکان وجود دارد که کسانی که با سوءاستفاده جنسی از کودکان مبارزه می‌کنند، بتوانند روش‌های خود را بهبود بخشند و با پیش‌بینی دقیق الگوهای آینده، از توزیع انبوه پیشی بگیرند. با این حال، در کنار فعالیت‌های پلیسی و تلاش‌های دولتها در مقررات‌گذاری شیوه فعالیت ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی، جامعه نیز باید هوشیار بماند و برای رسیدگی به این موضوع همکاری کند. علاوه بر این، باید بر دولتها و ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی فشار وارد شود تا در اجرای قانون پیشگیرانه عمل کنند و ابزارهای قضایی و داده‌های لازم برای مبارزه با توزیع محتوای مبتنی بر استثمار جنسی آنلاین از کودکان را فراهم کنند. مقابله با جرم استثمار جنسی آنلاین از کودکان در اقدامات یوروپل و اینترپل قابل مشاهده است. یوروپل تهدیدات کلیدی در زمینه استثمار جنسی از کودکان را از طریق شبکه‌های هم‌تا به هم‌تا و دسترسی ناشناس مانند شبکه‌های دارک‌وب (مثل تور) شناسایی کرده است. همچنین، مرکز جرائم سایبری یوروپل اقدامات مؤثری در مقابله با این جرم داشته است. به علاوه، عملیات‌های مشترک یوروپل در مقابله با استثمار جنسی آنلاین از کودکان مهمترین اقدامات در شناسایی و دستگیری مجرمان بوده است. اقدامات اینترپل شامل ایجاد پایگاه بین‌المللی اطلاعات استثمار جنسی از کودکان، امضاء توافقنامه بین اینترپل و یونیسف، عملیات نارسیل و عملیات مشترک اینترپل و پلیس کلمبیا علیه مجرمان جنسی کودکان می‌باشد. ایران از جمله کشورهایی است که موضوع صیانت از حقوق کودکان در آن همواره از اولویت‌های قانونگذاران بوده و در طول زمان همواره این قوانین تحولات مختلفی را

تجربه کرده است. یکی از دلایل این تحولات البته، تغییر در ماهیت و شیوه استثمار جنسی از کودکان بوده است. در قانون ایران، اقسام سوءاستفاده‌های جنسی از اطفال، به‌ویژه قالب نوپیدای «کودک کامی مجازی» به معنای برقراری ارتباط در فضای مجازی با هدف آزار جنسی یا ارتباط جنسی با خردسالان، در ماده ۱۰ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان جرم‌انگاری شده است. به طور کلی، اقدامات یورپل و اینترپل نشان می‌دهد که مبارزه با استثمار جنسی آنلاین کودکان نیازمند رویکردی چندجانبه است که شامل همکاری بین‌المللی، استفاده از فناوری‌های نوین، آموزش و آگاهی‌بخشی به جامعه و حمایت از بزهدیدگان می‌شود. تقویت این همکاری‌ها و بهره‌گیری از تجارب موفق این دو سازمان می‌تواند به کاهش این نوع جرائم و حمایت بهتر از کودکان در سراسر جهان کمک کند.

پیشنهادها

- تقویت نیروهای پلیس در شناسایی و استفاده از آخرین فناوری‌هایی که زمینه استثمار جنسی آنلاین از کودکان را فراهم می‌کند.
- بکارگیری روان‌شناسان کودک در مدارس برای شناسایی موارد استثمار که توسط کودکان مخفی می‌ماند.
- ایجاد سازمان‌های مردم‌نهاد متشکل از متخصصان آی‌تی که می‌توانند موارد جستجوی گوگل در مورد استثمار آنلاین کودکان را پیگیری و ضمن تذکر برای عدم پیگیری در صورت تکرار، به پلیس معرفی کنند.
- تقویت کمپین‌های مقابله با استثمار آنلاین کودکان برای آشنایی جامعه با این امر و معرفی راهکارهای کارآمد به والدین.
- استفاده از فناوری‌های پیشرفته مانند هوش مصنوعی و یادگیری ماشینی برای شناسایی و مقابله با محتواهای غیرقانونی در فضای مجازی.



منابع

- ابراهیمی، شهرام. (۱۴۰۱). پیشگیری از تکرار جرم از طریق هوش مصنوعی؛ مقتضیات و محدودیت‌ها، *آموزه‌های حقوق کیفری*، ۱۹ (۲۳)، ۵۴-۳۳.

https://cld.razavi.ac.ir/article_1692.html

- دارابی، شهرداد. (۱۴۰۱). پاسخ‌گذاری ترکیبی در سیاست جنایی بین‌المللی. *آموزه‌های حقوق کیفری*، ۱۹ (۲۴)، ۹۵-۱۲۴.

https://cld.razavi.ac.ir/article_1727.html

- حیدری، علی مراد. (۱۴۰۲). نقد سیاست کیفری تقنینی در برابر کودک‌کامی مجازی، *حقوقی دادگستری*. در لیست آماده انتشار.

https://www.jlj.ir/article_709012.html

- سید اصفهانی، سید حسام‌الدین. (۱۴۰۲). مطالعه تطبیقی عوامل تشدیدکننده مجازات در جرائم جنسی علیه کودکان و نوجوانان در حقوق کیفری ایران، فرانسه و کانادا. *آموزه‌های حقوق کیفری*، ۲۰ (۲۵)، ۲۶۴-۲۲۳.

https://cld.razavi.ac.ir/article_1803.html

- صفاری، علی؛ صابری، راضیه و تبریزی، الهام. (۱۴۰۱). مطالعه موردی نرخ جرم تحت تأثیر پروتکل‌های بهداشتی کووید-۱۹. *پژوهش‌های جرم‌شناختی پلیس*، ۳ (۶)، ۶۸-۲۷.

http://cr.jrl.police.ir/article_98186.html

- شهبازی، مهدی. (۱۴۰۰). *جرائم در دنیای پسا کرونا، مجموعه گزارش‌های اینترنتی و یوروپل*. چاپ اول. پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی ناجا.

- عبدالمهدی، سامان. (۱۴۰۱). از علت‌شناسی قربانیان جرائم جنسی تا کارآمدی پلیس تخصصی. *کارآگاه*، ۱۶ (۵۹)، ۱۴۷-۱۲۳.

http://det.jrl.police.ir/article_98630.html

- غنی زاده بافقی، مریم و حسین زاده سرشکی، اسماء. (۱۴۰۲). جستاری بر پدیده‌های هرزه‌نگاری و اغفال سایبری کودکان در پرتو آموزه‌های فقه و حقوق ایران، *فقه و حقوق خانواده*، ۲۸ (۷۸)، ۲۲۸-۱۹۷.

https://flj.isu.ac.ir/article_76431.html

- کرامتی معز، هادی. (۱۳۹۹). *بزه‌دیدگی‌شناسی کودکان در شبکه‌های مجازی*، چاپ اول، تهران: انتشارات دادگستر.

- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۴۰۰). *از جرم‌شناسی حقیقی تا جرم‌شناسی مجازی*، در دیباچه پیکار، ژرژ؛ جرم‌شناسی، برگردان علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ ششم، تهران: بنیاد حقوقی میزان

- نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ خالقی، علی و زینالی، امیرحمزه. (۱۳۸۸). حمایت کیفری از کودکان در برابر تورسم جنسی، از منبع جهانی تا واکنش نظام‌های کیفری داخلی. *تحقیقات حقوقی*، ۱۲ (۵۰)، ۱۲۱-۸۲

https://lawresearchmagazine.sbu.ac.ir/article_56275.html

- Bourke, M. L., & Craun, S. W. (2013). *Secondary traumatic stress among internet crimes against children task force personnel*. *Sexual Abuse: A Journal of Research and Treatment*, 26(6), 586-609.

https://www.researchgate.net/publication/258825033_Secondary_Traumatic_Stress_Among_Internet_Crimes_Against_Children_Task_Force_Personnel

- Craun, S. W., Bourke, M. L., & Coulson, F. N. (2015). The impact of internet crimes against children works on relationships with families and friends: An exploratory study. *Journal of Family Violence*, (30), 402-393.
<https://link.springer.com/article/10.1007/s10896-015-9680-3>
- Danaher, J. (2018). *The law and ethics of virtual sexual assault*. In W. Barfield & M. Blitz (Eds.). Research handbook on the law of virtual and augmented reality. Cheltenham: Edward Elgar Publishers.
- Keen C., Kramer R., A. France. (2021). The pornographic state: the changing nature of state regulation in addressing illegal and harmful online content Media. *Culture & Society*, 42 (7-8).
<https://journals.sagepub.com/doi/abs/10.1177/0163443720904631>
- Krone, T. (2004). A typology of online child pornography offending. *Trends and Issues in Crime and Criminal Justice*, 279.
<https://www.aic.gov.au/publications/tandi/tandi279>
- Langston, J. (2018). *How Photo DNA for video is being used to fight online child exploitation*.
<https://news.microsoft.com/on-the-issues/2018/09/12/how-photodna-for-video-is-being-used-to-fight-online-child-exploitation>
- Perraudin, F. (2017). *Pedophile hunters jeopardizing police work, says senior officer*.
<https://www.theguardian.com/society/2017/apr/24/paedophile-hunters-jeopardising-police-work-child-protection>
- Salter, M., Richardson L. (2021). *The Trichan takedown: Lessons in the governance and regulation of child sexual abuse material*. *Policy & Internet*, 13(3), 385-399.
<https://onlinelibrary.wiley.com/doi/epdf/10.1002/poi3.256>
- Salter, M., & Wong, T. (2021). *The impact of covid-19 on the risk of online child sexual exploitation and the implications for child protection and policing*. University of New South Wales.
- Stein, R.A, O., Omata, S.P. Shetty, A. Katz, M.I. Popitiu, R. Brotherton. (2021). Conspiracy theories in the era of COVID-19: A tale of two pandemics International. *Journal of Clinical Practice*, 75(2).
<https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/33480171/>
- United Nations. (2002). *Optional protocol to the convention on the rights of the child on the sale of children, child prostitution and child pornography*.
- Wang, S. (2017). The cloud, online piracy and global copyright governance. *International Journal of Cultural Studies*, 20(3), 1-17.
https://www.researchgate.net/publication/292944305_The_cloud_online_piracy_and_global_copyright_governance
- Westlake, B. G. (2018). Delineating victims from perpetrators: Prosecuting self-produced child pornography in youth criminal justice systems. *International Journal of Cyber Criminology*, 12(1), 255-288.
https://scholarworks.sjsu.edu/justice_pub/18/
- Westlake, B.G. (2019). *The past, present, and future of online child sexual exploitation: Summarizing the evolution of production, distribution, and detection*. San Jose State University, San Jose, CA, USA.

Reconstruction of economic enterprises in the legal system of Japan and America with a look at the rules of the UNCITRAL Bankruptcy Law Guide

Mohsen Nazemi Zadeh¹, Mohammad Reza Paseban²✉, Ali Radan Jebeli³

Abstract

Field and Aims: In many advanced countries such as Japan and America, due to the high risk of economic activities and the possibility of bankruptcy of commercial companies, the institution of reconstruction has been considered in order to encourage economic enterprises to continue their activities. In Iran, despite the very high financial risks, no specific legal regulations have been formulated in the field of reconstruction. Therefore, in the near future, the formulation of the institution of reconstruction in the laws of our country is inevitable, so the comparative study of the reconstruction of economic enterprises in the legal system of other countries can be a solid basis for the formulation or amendment of existing laws in Iran. It should be noted that the current research is practical in terms of purpose.

Method: This research was written in a descriptive-analytical way.

Finding and Conclusion: In general, the process of reconstruction includes: jurisdiction of the hearing court, possibility of reconstruction, submission of a petition, method of proceedings, formulation and approval of the plan, content of the plan and termination of the reconstruction process, which is in the legal system of the two countries of Japan and America and the legal guide. UNCITRAL 's bankruptcy is examined in detail.

Keywords: bankruptcy, economic enterprise, liquidation, suspension, reconstruction.

*Citation (APA): Nazemi Zadeh, M.; Paseban, M.; Radan Jebeli, A. (2024). Reconstruction of economic enterprises in the legal system of Japan and America with a look at the rules of the UNCITRAL Bankruptcy Law Guide. *International Legal Research*, 17(63), 109-126.

1. PhD in Private Law, School of Law, Theology and Political Science, Science and Research Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: mohsen.nazemizadeh68@gmail.com

2. Associate Professor, Faculty of Law and Political Sciences, Allameh Tabatabaei University, Tehran, Iran. (Author). Email: mpasban@hotmail.com

3. Assistant Professor, Faculty of Law and Humanities, Khorasgan Branch (Isfahan), Islamic Azad University, Isfahan, Iran. Email: dr.aliradan@gmail.com

بازسازی بنگاه‌های اقتصادی در نظام حقوقی ژاپن و آمریکا، با نگاهی بر قواعد راهنمای حقوق ورشکستگی آنسیترال

محسن ناظمی زاده^۱، محمدرضا پاسبان^۲✉، علی رادان جبلی^۳

چکیده

زمینه و هدف: در بسیاری از کشورهای پیشرفته، نظیر ژاپن و آمریکا، با توجه به ریسک بالای فعالیت‌های اقتصادی و احتمال ورشکستگی شرکت‌های تجاری، نهاد بازسازی به منظور ترغیب بنگاه‌های اقتصادی به ادامه فعالیت در نظر گرفته شده است. در کشور ایران علی‌رغم ریسک‌های مالی بسیار بالا، تاکنون مقررات قانونی مشخصی در زمینه بازسازی تدوین نشده است. بنابراین، در آینده‌ای نزدیک، تدوین نهاد بازسازی در قوانین کشورمان اجتناب‌ناپذیر بوده؛ فلذا، مطالعه تطبیقی بازسازی بنگاه‌های اقتصادی در نظام حقوقی دیگر کشورها می‌تواند مبنای استواری برای تدوین یا اصلاح قوانین موجود در حقوق ایران باشد. لازم به ذکر است جستار فعلی از نظر هدف، کاربردی می‌باشد.

روش: این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی نگارش یافته است.

یافته‌ها و نتایج: در حالت کلی، فرآیند بازسازی شامل صلاحیت دادگاه رسیدگی‌کننده، قابلیت بازسازی، ارائه دادخواست، نحوه دادرسی، تدوین و تصویب طرح، محتویات طرح و خاتمه روند بازسازی بوده که در نظام تقنینی دو کشور ژاپن و آمریکا و راهنمای حقوق ورشکستگی آنسیترال به تفصیل بررسی می‌شود.

کلیدواژه‌ها: ورشکستگی، بنگاه اقتصادی، تصفیه، توقف، بازسازی.

* استناددهی (APA): ناظمی زاده، محسن؛ پاسبان، محمدرضا؛ رادان جبلی، علی. (۱۴۰۳). بازسازی بنگاه‌های اقتصادی در نظام حقوقی ژاپن و آمریکا، با نگاهی بر قواعد راهنمای حقوق ورشکستگی آنسیترال. *تحقیقات حقوقی بین‌المللی*، ۱۷(۶۳)، ۱۰۹-۱۲۶.

۱. دکتری حقوق خصوصی دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: mohsen.nazemizadeh68@gmail.com
۲. دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). رایانامه: mpasban@hotmail.com
۳. استادیار دانشکده حقوق و علوم انسانی، واحد خوراسگان (اصفهان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران. رایانامه: dr.aliradan@gmail.com

مقدمه

امروزه، بنگاه‌های اقتصادی اهمیت فراوانی در رونق و ثبات نظام اقتصادی کشورها دارند؛ به همین جهت، در نظام حقوقی بیشتر کشورها سازوکارهای متعددی برای حمایت و تداوم فعالیت‌های آنها پیش‌بینی شده است. با این وجود، از آنجایی که فضای تجارت آمیخته با مخاطرات و ریسک می‌باشد، ورشکستگی بنگاه‌های اقتصادی امری محتمل بوده و دور از انتظار نمی‌باشد. ورشکستگی بنگاه‌های اقتصادی موجب بدنامی تاجر، از بین رفتن اعتبار و شهرت تجاری وی، بیکاری کارگران و بعضاً اعتصاب آنان شده و در نهایت، انحلال بنگاه را در پی دارد. به منظور پیشگیری از ورشکستگی، اکثر کشورها در نظام حقوقی خود، سازوکارهای معینی را مشخص نموده‌اند. بسیاری از دولت‌ها به منظور جلوگیری از ورشکستگی بنگاه‌های اقتصادی، نهاد بازسازی را در قوانین خود در نظر گرفته‌اند.

در فرهنگ لغت فارسی، کلمه «بازسازی» به معنای «دوباره ساختن» و «از نوساختن» چیزی که از بین رفته یا خراب شده است یا مطلوب و مناسب نیست، آمده است (معین، ۱۳۸۶: ۳۶). از طرفی، در اصطلاح حقوقی، بازسازی به معنای کلیه اقداماتی است که توسط بدهکار با جلب رضایت طلبکاران، جهت ادامه فعالیت شغلی و پرداخت مطالبات طلبکاران در آینده از طریق طرح تصدیق‌شده‌ای به نام «طرح بازسازی» انجام می‌شود (قنواتی و کهنمویی، ۱۳۹۸: ۱۱۹). در همین راستا، راهنما آنسیترال نیز بر این عقیده است که بازسازی، فرآیند احیای وضعیت مالی و تجاری ورشکسته به منظور بازیابی جهت ادامه‌ی فعالیت تجاری وی از طریق بخشش بدهی، بازبینی مجدد در مقدار بدهی، تبدیل بدهی به سهام و رعایت قاعده انصاف در مورد بدهی‌ها و اجازه ادامه کسب و کار تجاری به ورشکسته به وسیله‌ی امضای طرح بازسازی، با توافق کمیته‌ی بستانکاران خواهد بود (آنسیترال^۱، ۲۰۰۵: ۷). این موضوع به قدری حائز اهمیت می‌باشد که برخی کشورها نظیر ژاپن، قانونی مستقل تحت عنوان قانون بازسازی شرکت^۲ را تدوین و تصویب نموده‌اند و برخی دیگر همانند ایالات متحده آمریکا، فصلی از قانون ورشکستگی خود را به نهاد بازسازی اختصاص داده‌اند. با این وجود، قانونگذار ما سازوکار قانونی مشخص و کارآمدی به منظور پیشگیری از ورشکستگی بنگاه‌های اقتصادی و بازسازی آن‌ها در نظر نگرفته است. در نظام حقوقی ایران، مهم‌ترین منبع قانونی حاکم بر فعالیت بنگاه‌های اقتصادی، قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ می‌باشد که قانون مذکور در زمینه پیشگیری از ورشکستگی (قبل از صدور حکم ورشکستگی) مقررات قابل توجهی وضع نموده و صرفاً به بیان قرارداد ارفاقی اکتفاء نموده است و قرارداد ارفاقی نیز ناظر به پس از صدور حکم ورشکستگی می‌باشد.

1. UNCITRAL
2. Corporate Reorganization Act



در نظام حقوقی ژاپن، نهاد «بازسازی» در قانون بازسازی شرکت‌ها (مصوب سال ۱۹۵۲) مورد اشاره قرار گرفته است. تا آن زمان در نظام حقوقی ژاپن، برای بازسازی بنگاه‌های اقتصادی دچار بحران مالی، نقایص جدی وجود داشت. در نظام حقوقی ژاپن، قانون ورشکستگی از نظر هدف و مفهوم همانند فصل هفتم قانون ایالات متحده آمریکا (عملیات تصفیه) می‌باشد و قانون بازسازی ژاپن نیز شبیه فصل یازدهم قانون ایالات متحده آمریکا است. با این حال، تفاوت‌های اساسی بین دو نظام حقوقی به لحاظ ویژگی سیستم حقوقی، شرایط اقتصادی و اجتماعی دو کشور در خصوص نهاد بازسازی وجود دارد؛ به طوری که قانون ژاپن شامل ۲۹۵ ماده و قانون آمریکا شامل ۱۲۲ ماده در زمینه بازسازی می‌باشد (ناکانو^۱، ۱۹۶۰: ۲۳).

با بیان مقدمه‌ای بر قانون بازسازی در نظام حقوقی آمریکا و ژاپن، در ادامه به بررسی تفصیلی تر فرآیندهای بازسازی و نقاط اشتراک و افتراق نهاد بازسازی در دو نظام مذکور پرداخته می‌شود تا بتوان الگوی مناسبی برای قانون بازسازی در حقوق ایران ارایه نمود. در حالت کلی، فرآیندهای بازسازی شامل صلاحیت دادگاه، قابلیت بازسازی، ارائه دادخواست، نحوه دادرسی، تدوین و تصویب طرح، محتویات طرح و خاتمه روند بازسازی می‌باشد (مالون^۲، ۲۰۱۱: ۲۱۷).

۱. صلاحیت دادگاه رسیدگی کننده

در اولین گام فرآیند بازسازی، بایستی صلاحیت دادگاه رسیدگی کننده به آن تعیین گردد. به منظور شناخت دقیق تر صلاحیت دادگاه بازسازی، بیان مفهوم صلاحیت از دیدگاه حقوقی ضروری است. صلاحیت از حیث مفهوم، عبارت از تکلیف و حقی است که مراجع قضاوتی (قضایی یا اداری) در رسیدگی به دعاوی، شکایات و امور بخصوص، به حکم قانون دارا می‌باشند (شمس، ۱۳۸۷: ۳۵۹). در حقیقت، دادگاه دارای صلاحیت بررسی دادخواست بازسازی یکی از چالش‌های مهم مطروحه می‌باشد و در نظام حقوقی کشورهای مختلف مورد بررسی و ارزیابی دقیق قرار گرفته است.

در نظام حقوقی ژاپن، منظور از دادگاه صلاحیت‌دار برای رسیدگی به بازسازی، دادگاه محلی است که دفتر اصلی شرکت در آنجا قرار دارد. چنانچه دفتر اصلی شرکت در کشور خارجی باشد، دادگاه صلاحیت‌دار محل اصلی فعالیت شرکت در ژاپن در نظر گرفته می‌شود. از طرفی، دادگاه به منظور اجتناب از آسیب یا تاخیر قابل توجه، ممکن است پرونده را به دادگاه دیگر که محل اموال شرکت یا محل دیگری از فعالیت شرکت باشد نیز ارسال نماید (تانیگوچی^۳، ۱۹۸۷: ۴۵۸).

1. Nakano
2. Mallon
3. Taniguchi

از طرفی، در نظام حقوقی آمریکا مکانی که محل شرکت، محل اصلی کسب و کار یا محل اصلی دارایی‌های شرکت است، به عنوان محل مناسب برای رسیدگی به ورشکستگی و بازسازی در نظر گرفته می‌شود (فریبورگ^۱، ۱۹۴۹: ۹۹).

لازم به ذکر است، به لحاظ عدم وجود نهاد بازسازی در حقوق ایران، دادگاه صالح رسیدگی به نهاد بازسازی نیز مشخص نگردیده است. با این حال، با بررسی نظام حقوقی ژاپن و آمریکا در مورد صلاحیت دادگاه بازسازی، دادگاه صالح رسیدگی به بازسازی دادگاه محل مرکز اصلی شرکت می‌باشد؛^۲ زیرا دعوی بازسازی و ورشکستگی در یک راستا بوده و در صورت عدم پذیرش دعوی بازسازی در دادگاه صالحه، بایستی دعوی ورشکستگی در همان دادگاه محل مرکز اصلی شرکت مطرح گردد.

به عنوان نتیجه‌گیری و الگوی مناسب برای حقوق ایران، بایستی بیان کرد نظر به اینکه بازسازی در قانون تجارت فعلی ما لحاظ نگردیده است، در خصوص دادگاه صالح با سکوت قانونگذار مواجه هستیم. لذا، با توجه به قوانین کشور ژاپن و آمریکا و نیز قانون آیین دادرسی مدنی در خصوص دادگاه صالح رسیدگی به ورشکستگی شرکت‌ها، می‌توان چنین استنباط نمود که دادگاه صالح برای رسیدگی به بازسازی بنگاه‌های اقتصادی در ایران، مرکز اصلی شرکت می‌باشد.

۲. قابلیت بازسازی

یکی از موضوعات مهم دیگر در فرآیند بازسازی، قابلیت بازسازی است؛ زیرا اگر بنگاه اقتصادی قابلیت بازسازی نداشته باشد، مقررات بازسازی نیز نسبت به آن قابل اعمال نمی‌باشد. لذا، قابلیت بازسازی در تدوین قوانین بازسازی کشورهای مختلف مورد توجه قرار گرفته است. در نظام حقوقی ژاپن، هر شرکت سهامی که دچار بحران مالی شده باشد و امید به بازسازی آن باشد، قابلیت بازسازی دارد.^۳ درحالی‌که در ایالات متحده، هر شرکت تجاری که در تعریف شرکت مندرج در ماده ۱ قانون ورشکستگی آن کشور آمده است، قابلیت بازسازی را دارد (لپوکی^۴، ۱۹۹۴: ۲۸۱). به عبارت دقیق‌تر، با توجه به اینکه در ژاپن غالب شرکت‌های بزرگ، شرکت سهامی می‌باشند، بازسازی در قانون ژاپن صرفاً محدود به شرکت‌های سهامی می‌باشد. البته، این ماده قانونی می‌تواند یکی از نواقص قانون بازسازی شرکت ژاپن باشد، زیرا سایر شرکت‌های غیرسهامی را از مزایای استفاده از نهاد بازسازی محروم می‌سازد.

1. Fribourg

۲. دعاوی راجع به ورشکستگی شرکت‌های بازرگانی که مرکز اصلی آنها در ایران است، همچنین دعاوی مربوط به اصل شرکت و دعاوی بین شرکت و شرکاء و اختلافات حاصله بین شرکاء و دعاوی اشخاص دیگر علیه شرکت تا زمانی که شرکت باقی است و نیز در صورت انحلال تا وقتی که تصفیه امور شرکت در جریان است، در مرکز اصلی شرکت اقامه می‌شود.

۳. ماده ۱ قانون بازسازی شرکت ژاپن

4. Lopucki



از طرفی، در نظام حقوقی آمریکا، دادگاه مجموع شرایط بنگاه اقتصادی را مورد بررسی قرار می‌دهد و سپس، قابلیت بازسازی بنگاه را تعیین می‌کند. در صورتیکه دادگاه قابلیت بازسازی را تشخیص دهد، طرح بازسازی را تصدیق یا تصویب می‌نماید. میزان سرمایه بنگاه اقتصادی، محتویات طرح بازسازی و مساله زمان از عوامل مهمی هستند که دادگاه در تشخیص قابلیت بازسازی به آن‌ها توجه می‌نماید (پپر^۱، ۲۰۱۹: ۵).

با مرور قوانین مرتبط با قابلیت بازسازی کشورهای دیگر، به نظر می‌رسد که بایستی در ابتدا شرایط اقتصادی بنگاه با دقت فراوانی بررسی شود تا مشخص گردد که چنانچه هزینه بازسازی بسیار فراتر از ارزش شرکت باشد، از بازسازی بنگاه اقتصادی امتناع و مشمول مقررات ورشکستگی و تصفیه شود.

۳. دادخواست دادرسی نهاد بازسازی

چنانچه بنگاه اقتصادی قابلیت بازسازی داشته باشد، دادخواست دادرسی نهاد بازسازی در دادگاه مطرح می‌شود. در قانون بازسازی شرکت ژاپن، دادخواست بازسازی توسط هر طلبکاری که میزان مطالباتش در برابر شرکت سهامی کمتر از یک دهم کل سرمایه نباشد یا هر سهامداری که میزان سهامش کمتر از یک دهم سهام منتشر شده نباشد، می‌تواند به دادگاه ارائه شود.^۲ دادخواست بازسازی در مواردی که یک شرکت سهامی قادر به پرداخت دیون خود در زمان سررسید نباشد و یا دلایلی ظن آور مبنی بر در شرف ورشکستگی شرکت وجود داشته باشد، مطرح می‌گردد.^۳ در همین راستا، در راهنما آنسیترال نیز ناتوانی ایجادشده یا قریب‌الوقوع بدهکار از پرداخت بدهی خود از جمله شروطی است که برای انعقاد قرارداد بازسازی لازم می‌باشد (آنسیترال^۴، ۲۰۰۵: ۲۲). در نظام حقوقی ژاپن، زمانی که دادخواست بازسازی مورد تایید دادگاه قرار بگیرد، حکم به بازسازی به همراه انتصاب امین صادر شده و دادگاه مدت اقامه دعاوی، تاریخ اولین جلسه اشخاص ذینفع و تاریخ رسیدگی به دعاوی را نیز تعیین می‌نماید. با ثبت دادخواست، ممکن است دادگاه یک یا چند **نماینده** جهت بازرسی تعیین کند و وظیفه تحقیق و رسیدگی به علل ایجاد نهاد بازسازی را به آنان محول نماید (خواه بازسازی محقق گردد یا ننگردد). وظایف این ماموران بازرسی محدود به تحقیق و ارائه اظهاراتشان می‌باشد و جایگاه خود را پس از شروع دادرسی از دست می‌دهند.

از طرفی، در نظام حقوقی آمریکا، اشخاص متعددی می‌توانند متقاضی بازسازی شوند که این اشخاص احصاء شده‌اند. تبصره ت ماده ۱۱۲۱ قانون ورشکستگی آمریکا مقرر می‌دارد: «هر

1. Piper

۲. ماده ۳۰ قانون بازسازی شرکت ژاپن

۳. ماده ۱۲۶ و ۱۲۷ قانون ورشکستگی ژاپن

4. UNCITRAL

شخص ذینفع شامل بدهکار، مدیر تصفیه، هیات طلبکاران، دارندگان حق وثیقه، طلبکاران دارنده حق وثیقه و مدیر تصفیه استخدام شده، حق تقاضای بازسازی را دارند» (روزن و رودریگز^۱، ۱۹۸۲: ۳۵۹). راهنما آنسیترال در این خصوص مقرر می‌دارد: ممکن است طرفین درگیر اعم از ورشکسته و بستانکاران و همچنین، گروه وام‌دهندگان در موضوع ورشکستگی به اختیار خود به انعقاد قرارداد روی آورند (آنسیترال^۲، ۲۰۰۵: ۲۲).

اگرچه در نظام حقوقی آمریکا، علاوه بر بدهکار، اشخاص دیگری نیز می‌توانند تقاضای بازسازی نمایند، اما تقاضای بازسازی از سوی اشخاص دیگری غیر از بدهکار، دارای شرایط و محدودیت‌هایی است؛ به‌عنوان مثال، در مورد طلبکاران، تنها آن دسته از طلبکاران می‌توانند متقاضی امر بازسازی شوند که مطالباتشان دچار نقصان شده باشد. با عنایت به اینکه طلبکاران یا دارای حق وثیقه‌اند یا دارای حق تقدم و یا طلبکاران عادی هستند و با توجه به اینکه اصولاً طلبکاران عادی مطالباتشان دچار نقصان در پرداخت می‌شود، عموماً طلبکاران عادی متقاضی بازسازی هستند (انوری پور، ۱۳۹۵: ۶۶).

محدودیت دیگر در این زمینه، محدودیت زمانی است؛ چرا که قانون ورشکستگی آمریکا^۳ یک مهلت ۱۲۰ روزه انحصاری را برای بدهکار در نظر گرفته که در این مدت، تقدیم درخواست بازسازی صرفاً در اختیار بدهکار است (البته، اگر به جای او، مدیر تصفیه تعیین نشده باشد). تا زمانی که این مهلت قانونی سپری نشود، امکان تقدیم درخواست بازسازی از جانب سایر اشخاص وجود ندارد (بروور^۴، ۲۰۰۶: ۱۳؛ مافیری^۵، ۲۰۱۸: ۱۲۷).

البته، می‌توان استدلال کرد که این محدودیت زمانی، از آن جهت که ممکن است موجب تضییع حقوق طلبکاران شود، دارای اشکال است؛ زیرا تاخیر در تقاضا و شروع دیر هنگام بازسازی، ممکن است بر ضررهای شرکت بیفزاید و ارزش دارایی‌های آن کمتر شود.

۴. دادرسی نهاد بازسازی

در نظام حقوقی ژاپن، دادرسی بازسازی از زمانی که حکم نهاد بازسازی صادر می‌شود، به اجرا در می‌آید. از آن زمان، اختیار اداره امور شرکت و تصرف در اموال آن منحصراً با امین است. دادگاه امین را به طور همزمان با حکم رسیدگی به نهاد بازسازی منصوب کرده و امین بایستی از میان اشخاصی انتخاب شود که توانایی انجام وظایف محوله را داشته باشد. در نهاد بازسازی ژاپن،

1. Rosen & Rodriguez
2. UNCITRAL

۳. ماده ۱۱۲۱ قانون ورشکستگی آمریکا

4. Brouwer
5. Maphiri



انتخاب امین از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و شرایط متعددی برای آن در نظر گرفته شده است: (هوریکوشی^۱، ۲۰۰۴: ۸۶۱)

- از آن جایی که امین بایستی نه تنها در اداره اموال شرکت، بلکه در ادامه کسب و کار و تدوین و اجرای طرح بازسازی شرکت نیز مشارکت داشته باشد، لذا باید استعداد مدیریت شرکت و دانش حقوقی لازم را داشته باشد.
- لزومی ندارد که امین ذینفع نباشد، بنابراین حتی مدیر شرکت می‌تواند به عنوان امین تعیین گردد.

- هر بانک یا شرکت دیگری ممکن است به عنوان امین منصوب شود. امین ممکن است در صورت لزوم، با اجازه دادگاه، وکیل مشاور تعیین نماید.
- در صورتی که قبل از صدور حکم بازسازی، اقدام مضرری نسبت به طلبکاران انجام شده باشد، ممکن است امین از طریق اقامه دعوا، دادخواست یا دفاع انکاری اقدام نماید و اموال شرکت که بطور ناروا واگذار شده است را مسترد نماید.
- زمانی که امین اموال متعلق به شرکت را مدیریت می‌کند، شخص مستحق می‌تواند استرداد آن را از او مطالبه کند.

همچنین، در حقوق بازسازی ژاپن، از زمان شروع تا پایان دادرسی، هیچ‌گونه کاهش سرمایه، انتشار سهام جدید یا اوراق قرضه، ادغام، انحلال، تغییر یا تداوم تشکیلات شرکت و تقسیم سود بجز بر اساس روند بازسازی اعمال نمی‌گردد. همچنین، هرگونه دادرسی ورشکستگی، اجرای قهری، توقیف موقتی، مزایده رسمی بایستی قطع گردد که این اقدام مشابه توقف خودکار در قانون ورشکستگی ایالات متحده آمریکا می‌باشد.

از طرفی، در نظام حقوقی آمریکا، قانون اجازه مدیریت بنگاه اقتصادی را به بدهکار متصرف داده است؛ چرا که بدهکار متصرف در خصوص تجارت اصلی شرکت اطلاعات دقیقی دارد (گراهام کاندو^۲، ۲۰۰۷: ۲۷)، درحالی‌که بدهکار متصرف در قانون بازسازی ژاپن در نظر گرفته نشده است. در این نظام حقوقی در راستای اعمال نظارت موثر، مدیران بنگاه اقتصادی مکلف به تقدیم «گزارش کاری یا عملیاتی» هستند که باید به صورت ماهیانه تقدیم دادگاه شود. با شروع آیین بازسازی در نظام حقوقی آمریکا، وضعیت حقوقی خاصی تحت عنوان «توقف یا تعلیق غیرارادی دعاوی و اقدامات اجرایی» نسبت به بدهکار اعمال می‌شود؛ به طوری که بدهکار در یک نوع مصونیت اجرایی یا منع تعقیبات شخصی^۳ نسبت به خود قرار می‌گیرد و تمامی اقدامات

1. Horikoshi
2. Graham-Canedo

۳. منظور از منع تعقیبات شخصی این می‌باشد که طلبکاران نمی‌توانند مستقلاً علیه بدهکار اقامه دعوی نمایند.

طلبکاران برای وصول مطالبات متوقف می‌شود (اولوک^۱، ۲۰۱۸: ۱۰۲). از جمله اقدامات منع شده علیه بدهکاری که تقاضای اجرای آیین بازسازی را به دادگاه تقدیم کرده، عبارتند از (سگال^۲، ۲۰۰۶: ۹۲۸): ۱. اقامه هر نوع دعوی حقوقی یا تداوم آن علیه بدهکار؛ ۲. تلاش برای اجرای مفاد احکام قضایی صادر شده موجود علیه بدهکار یا دارایی وی؛ ۳. هر نوع اقدام برای تصرف و کنترل بر اموال بدهکار؛ ۴. هرگونه اقدام برای ایجاد حق حبس یا حق تقدم علیه دارایی‌های بدهکار؛ ۵. هر اقدامی برای وصول مطالبات ناشی از قبل از تقاضای ورشکستگی؛ ۶. تهاثر هرگونه بدهی حال شده بدهکار قبل از ورشکستگی در مقابل مطالبات خود بدهکار.

مطابق با مطالعه تطبیقی دادرسی نهاد بازسازی در امریکا و ژاپن، به نظر می‌رسد در ایران انتخاب امین توسط دادگاه بر واگذاری شرکت به بدهکار متصرف تقدم دارد. علت این امر را می‌توان به بخشی از فرهنگ جامعه ایران مبتنی بر عدم اطمینان به بدهکار در آستانه ورشکستگی دانست که ممکن است ادامه فرآیند بازسازی و کار بنگاه اقتصادی را با اختلالات واقعی مواجه کند. البته، دادگاه می‌تواند شخص بدهکار را به عنوان امین انتخاب نماید، اما به نظر می‌رسد انتخاب آن در جلسه مشورتی با حضور تمامی ذینفعان، کمک بسیاری در فرایند بازسازی شرکت خواهد کرد. همچنین، با توجه به قوانین کشورهای مرفقی بویژه آمریکا، به نظر می‌رسد قانونگذار ما با تدوین مقررات مربوط به بازسازی و واگذاری بنگاه اقتصادی به خود بنگاه همراه با انتصاب امین که نظارت بر فعالیت بنگاه داشته باشند، گام استواری در تحقق اهداف بازسازی خواهد برداشت و یکی از لوازم ادامه فعالیت بنگاه، توقف کلیه دعاوی مالی علیه بنگاه می‌باشد.

۵. ذینفعان نهاد بازسازی

با صدور حکم نهاد بازسازی توسط دادگاه صالح، بایستی ذینفعان در دادرسی بازسازی شناسایی شوند. در نظام حقوقی ژاپن، نه تنها طلبکاران عادی، بلکه طلبکاران با وثیقه و سهامداران شرکت نیز می‌توانند به عنوان اشخاص ذینفع در دادرسی بازسازی شرکت کنند. هر شخصی که در بازسازی دارای حق وثیقه هست نیز ممکن است با حق خود در دادرسی بازسازی شرکت نماید. البته، طلبکار با وثیقه نمی‌تواند همانند رسیدگی ورشکستگی دعوی خود را به طور جداگانه از سایرین (به منظور فروش یا مزایده مورد وثیقه) مطرح نماید. همچنین، ممکن است سهامداران در دادرسی بازسازی شرکت نمایند، اما در مواردی که دلیلی برای ورشکستگی شرکت وجود داشته باشد، سهامداران حق رای ندارند (شی و میاکی^۳، ۱۹۹۵: ۲۵۳).

1. Uluc
2. Segal
3. Shea & Miyake



لذا، با عنایت به بررسی قوانین بازسازی در کشورهای امریکا و ژاپن، می‌توان طلبکاران، خواه با وثیقه یا بدون وثیقه و سهامداران را به عنوان الگویی برای تعیین ذینفعان نهاد بازسازی در حقوق ایران در نظر گرفت.

۶. تشکیل پرونده بررسی و تایید حقوق

یکی دیگر از الزامات فرایند بازسازی تشکیل پرونده، بررسی و تایید حقوق^۱ است. مقررات راجع به این موضوع در قوانین حقوقی کشورهای مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. قانون بازسازی شرکت ژاپن از ماده ۱۲۵ تا ۱۵۸ به روند تشکیل پرونده، بررسی و تایید حقوقی آن پرداخته است، در حالیکه در قانون ورشکستگی ایالات متحده صرفاً یک ماده (ماده ۱۹۶) به این موضوع اختصاص یافته است. طلبکاران عادی، با وثیقه و سهامدارانی که قصد شرکت در دادرسی بازسازی دارند، باید حق خود را در مدت تعیین شده به دادگاه ارائه نمایند. کسانی که موفق به انجام این کار نمی‌شوند، نمی‌توانند در روند بازسازی شرکت کنند و علاوه بر این، حقوق آنها در طرح بازسازی بیان نمی‌گردد و شرکت همزمان با تصویب طرح بازسازی از آنها بری‌الذمه می‌شود. یک استثناء در این مورد وجود دارد و آن زمانی است که مفاد حقوق طرح بازسازی به طور کلی مورد تایید سهامداران قرار گرفته باشد که در این صورت، مورد تایید سهامدارانی که در ارائه حقوق خود قصور نموده‌اند نیز می‌باشد (ناکانو، ۱۹۶۰: ۳۰).

لازم به ذکر است که پس از تایید حقوق ذینفعان، دادگاه به بررسی هر یک از دعاوی و حقوق باوثیقه در بازسازی می‌پردازد و در صورتی که هیچ کدام از اشخاصی که حقوق خود را ارائه نموده‌اند (امین، طلبکاران عادی، طلبکاران با وثیقه و سهامداران)، اعتراض نکنند، حقوق تحت بررسی تایید می‌شوند. در صورتی که هرگونه اعتراضی مطرح گردد، حقوق بایستی از طریق اقامه دعوی تایید گردند. هر حقی که در طرح بازسازی به عنوان طلبکار عادی یا با وثیقه تصویب شده باشد، تنها مورد تایید کسانی است که حقوقشان تایید شده است. همچنین، در خصوص حقوق سهامداران و دعاوی مالیاتی، فرآیند بررسی و تایید ضروری نیست.

۷. تدوین، پذیرش و تصویب طرح بازسازی

در نظام حقوقی ژاپن، امین علاوه بر وظایف پیشین، بایستی تدوین پیش‌نویس طرح بازسازی (در زمان تعیین شده توسط دادگاه) را انجام دهد (ایکیداً، ۱۹۹۹: ۱۷). طلبکاران عادی، طلبکاران با وثیقه و سهامدارانی که حقوقشان را ثبت و مطرح نموده‌اند نیز ممکن است پیش‌نویس طرح

۱. منظور از تشکیل پرونده، بررسی و تایید حقوق این می‌باشد که در این مرحله نسبت به تشکیل پرونده، تشخیص و تصدیق مطالبات بررسی صورت می‌گیرد.

2. Ikeda

بازسازی را تدوین و آن را به دادگاه ارائه نمایند. هنگامی که پیش‌نویس طرح بازسازی تدوین گردید، دادگاه بایستی جلسه دوم اشخاص ذینفع را برگزار نموده و با شنیدن نظرات آنها، پیش‌نویس طرح را بررسی کند. ماده ۱۵۹ قانون بازسازی شرکت ژاپن استاندارد طبقه‌بندی را مقرر نموده است، بطوریکه تصمیم‌گیری در مورد طرح بازسازی بایستی به طور جداگانه در گروه‌هایی که در آن طلبکاران عادی، با وثیقه و سهامداران که مطابق مقررات قانونی طبقه‌بندی می‌شوند، مطرح گردد. با این حال، دادگاه ممکن است طبقه‌بندی دیگری را با در نظر گرفتن ویژگی حقوق اشخاص ذینفع و روابط منافع میان آنها ارائه نماید؛ با این تفاوت که طلبکاران عادی، طلبکاران با وثیقه و سهامداران همیشه جدای از سایر گروه‌ها طبقه‌بندی می‌شوند. به منظور پذیرش پیش‌نویس بازسازی در جلسه اشخاص ذینفع، شرایط ذیل لازم است (ژو، ۲۰۰۳: ۷):

- در گروه طلبکاران عادی، رضایت آراء مطرح شده بایستی کمتر از دو سوم مجموع آراء طلبکاران عادی که توانایی اعمال رایشان را دارند، باشد.
 - در گروه طلبکاران با وثیقه، رضایت آراء مطرح شده بایستی کمتر از سه چهارم مجموع آراء طلبکاران با وثیقه که توانایی اعمال رایشان را دارند، باشد.
 - در خصوص پیش‌نویس طرح بازسازی تعیین کاهش یا معافیت حق وثیقه، تصفیه یا هر اقدام دیگری که بر این حقوق تاثیر می‌گذارد، به غیر از طولانی شدن زمان دین، رضایت تمامی بستانکاران با وثیقه که قادر به استفاده از آراء خود هستند، لازم است.
 - در گروه سهامداران، موافقت آراء اکثریت از مجموع آراء سهامدارانی که توانایی اعمال رای خود را دارند، لازم است.
 - به طور کلی، حق رای در خصوص طلبکاران عادی و طلبکاران با وثیقه مطابق با میزان دعاوی بازسازی و حقوق با وثیقه تعیین می‌شود و در خصوص سهامداران نیز حق رای با تعداد سهامی که سهامداران دارند، تعیین می‌شود؛ مگر زمانی که حکم ورشکستگی شرکت صادر شده باشد که در این مورد، سهامداران حق رای ندارند.
- هنگامی که پیش‌نویس در جلسه پذیرفته شد، دادگاه بایستی تصویب آن را تعیین کند. لذا، دادگاه مجدداً الزامات و شرایط قانونی پیش‌نویس را بررسی کرده و صرفاً در صورت رعایت الزامات، حکم به تصویب صادر می‌کند و طرح بازسازی از زمان حکم به تصویب آن دارای اثر می‌باشد.

از طرفی، در نظام حقوقی آمریکا، موافقت طلبکاران به عنوان یکی از شرایط بازسازی به شمار می‌آید. در نهاد بازسازی آمریکا، طلبکاران بنگاه اقتصادی به سه طبقه تقسیم می‌شوند: دسته نخست، طلبکاران با وثیقه هستند؛ دسته دوم، طلبکاران دارای حقوق ممتاز هستند و دسته سوم،



طلبکاران عادی محسوب می‌شوند. در نظام حقوقی آمریکا، هیات یا کمیته طلبکاران توسط امین دولتی از بین طلبکاران بدون وثیقه (معمولاً، هفت طلبکار بزرگ بدون وثیقه) شرکت تعیین می‌شود و با تایید دادگاه می‌تواند وکیل، حسابدار یا افراد حرفه‌ای دیگر را به استخدام درآورده و از خدمات ایشان استفاده کند. در نهایت، با تصدیق طرح بازسازی توسط دادگاه، طرح در قالب یک قرارداد جدید لازم‌الاجرا می‌شود و نظارت بر اجرای این قرارداد جدید بر عهده دادگاه است. این نظارت تا مدت زمانی که مفاد طرح بازسازی به طور کامل اجرا شود و حکم نهایی توسط دادگاه صادر گردد، ادامه خواهد داشت (کورچ^۱، ۲۰۱۸: ۴۲۹؛ هارنر و مارینسیک^۲، ۲۰۱۱: ۷۷۸). شایان ذکر است راهنمای آنسیترال نیز در خصوص عدم لزوم شرکت بستانکاران با وثیقه در کمیته بستانکاران نظر مشابه و همسو با نظام حقوقی آمریکا دارد.

در خصوص ضرورت تایید مراجع صلاحیتدار، راهنما آنسیترال دو دیدگاه مختلف را بیان می‌دارد: دیدگاه نخست، نظام‌های حقوقی که توافق اکثریت لازم از کمیته بستانکاران را برای تایید طرح بازسازی کافی می‌دانند، ولی دادگاه در سیستم این کشورها نقش ناظر را ایفا می‌کند؛ اما دیدگاه دوم که به عنوان دیدگاه غالب نظام‌های حقوقی می‌باشد، تصدیق طرح بازسازی توسط دادگاه را به عنوان مرجع صلاحیتدار، لازمه تحکیم و نفوذ قرارداد بازسازی می‌دانند (آنسیترال^۳، ۲۰۰۵: ۲۲۷).

لازم به ذکر است که با مطالعه و بررسی قوانین کشور آمریکا و ژاپن می‌توان بیان کرد که موافقت طلبکاران با بازسازی و تصویب دادگاه به عنوان الگویی به منظور پذیرش و تصویب طرح بازسازی در نظام حقوقی ما پیشنهاد می‌گردد.

۸. محتویات طرح بازسازی

در نظام حقوقی ژاپن، محدودیتی در محتوای طرح بازسازی وجود ندارد؛ مشروط بر اینکه منجر به بازسازی شرکت شود. لذا، به منظور بازسازی شرکت، تغییر حقوق طلبکاران یا سهامداران، انتقال یا مشارکت بنگاه و اموال شرکت، سپردن مدیریت بنگاه، تغییر اساسنامه شرکت، تغییر مدیرعامل یا بازرسان، کاهش سرمایه، صدور سهام جدید یا اوراق قرضه، ادغام، انحلال، تشکیل شرکت جدید و... جایز می‌باشد. با این وجود، طرح بازسازی بایستی شروطی مقرر نماید که به تمام یا بخشی از حقوق طلبکاران عادی، با وثیقه یا سهامداران تاثیر منفی بگذارد. به عبارت دیگر، در همه موارد فوق، حقوق ذینفعان ذیل بایستی در نظر گرفته شود و یک تقسیم‌بندی عادلانه و منصفانه میان آن‌ها در خصوص شروط طرح بایستی انجام شود (شی و میاکی، ۱۹۹۵: ۲۵۴).

1. Korch
2. Harner & Marincic
3. UNCITRAL



- (۱) حقوق باوثیقه در بازسازی
- (۲) حقوق ممتاز عمومی و سایر دعاوی ممتاز عمومی
- (۳) سایر دعاوی بازسازی به جزء حقوق مقرر شده در گذشته
- (۴) دعاوی موجب
- (۵) حقوق سهامدارانی که سهام ممتاز دارند
- (۶) حقوق سایر سهامداران.

در نظام حقوقی آمریکا نیز برخی موارد به لحاظ اهمیتشان اجباراً باید در طرح بازسازی قید شوند؛ این موارد که به مندرجات اجباری موسوم هستند، در ماده ۱۱۲۳ قانون ورشکستگی آمریکا بیان شده و عبارتند از (مکافی^۱، ۱۹۷۹: ۳۹۹): ۱. اقسام حقوق و منافع؛ ۲. مطالبات دچار خسارت شده و مطالباتی که دچار خسارت نشده‌اند؛ ۳. نحوه رفتار و طرز عمل با طلبکاران و نیز با دارندگان حقوق و منافی که حسب طرح بازسازی خسارت دیده‌اند؛ ۴. نحوه ادامه فعالیت شرکت و مدیریت آن؛ ۵. نحوه وصول مطالبات شرکت؛ ۶. دوره بازسازی؛ ۷. تعیین تکلیف در مورد کارکنان.

همچنین، فراتر از مندرجات اجباری طرح بازسازی، معمولاً مندرجات اختیاری نیز قرار دارد که نباید با مندرجات اجباری طرح بازسازی، مغایرت داشته باشند. مواردی چون قبول یا رد قراردادهای جاری یا قراردادهای منقضی نشده، فروش تمام یا قسمت عمده دارایی شرکت تجاری و حل و فصل هر نوع ادعا یا اختلاف مربوط به دارایی از جمله مندرجات اختیاری یک طرح بازسازی هستند (مالون، ۲۰۱۱: ۲۲۴).

لذا، به عنوان نتیجه‌گیری و با توجه به قوانین کشور آمریکا و ژاپن، بایستی بیان کرد محتویات طرح بازسازی در حقوق ما نباید به حقوق طلبکاران خلی وارد آورد و به گونه‌ای باشد که منتهی به بازسازی موفقیت‌آمیز گردد.

۹. خاتمه روند بازسازی

در کشور ژاپن، در صورتی که طرح بازسازی انجام شده باشد یا دادگاه پیش‌بینی نماید طرح بازسازی به طور موفقیت‌آمیزی اجرا می‌گردد، دادگاه حکم به خاتمه دادرسی می‌دهد. از طرفی، در موارد زیر نیز دادگاه بایستی دادرسی بازسازی را خاتمه دهد (باتفورد^۲، ۲۰۰۶: ۵۴):

- پیش‌نویس طرح بازسازی در مدت زمان تعیین شده توسط دادگاه پیشنهاد نشود.
- پیش‌نویس پذیرفته یا تصویب نشود.

1. McAfee
2. Bufford



- مشخص شود که شرکت قادر به قانع نمودن تمام طلبکارانی است که حقوقشان را ارائه نموده‌اند.
- مشخص شود که امیدی به اجرای طرح وجود ندارد.
- در صورتی که پیش‌نویس یک طرح مورد قبول واقع شود، اما بدلیل عدم تحقق الزامات قانونی آن مورد تصویب قرار نگیرد.

در نظام حقوقی آمریکا، بعد از اینکه دارایی بنگاه به‌طور کامل هدایت و اداره شد (یعنی تمامی پرداخت‌های مقرر در طرح بازسازی تادیه گردید)، بدهکار متصرف باید با اعلام پایان یافتن مراتب اجرای طرح بازسازی، ختم پرونده را از دادگاه درخواست کند. بدهکار متصرف در این تقاضا باید خلاصه‌ای از اقدامات انجام شده حسب طرح بازسازی و اینکه آیا مطالبات تشخیص و تصدیق شده به‌طور کامل پرداخته شده و چه نوع مطالباتی تصدیق نشده و چه نوع مطالباتی با مبلغ کمتر پذیرفته شده و میزان مطالبات پرداختی به طلبکاران را به دادگاه اعلام نماید. در این صورت، همان دادگاه تصدیق‌کننده بازسازی به موجب حکمی که به آن «حکم نهایی»^۱ اطلاق می‌شود، پرونده موضوع بازسازی را خاتمه می‌دهد (کلچ^۲، ۱۹۹۱: ۱۳۲۶).

در نظام حقوقی آمریکا، در صورت عدم اجرای تعهدات مندرج در طرح بازسازی، امکان تقاضای فسخ طرح بازسازی از دادگاه وجود دارد. به نظر می‌رسد ملاک فسخ، ترتب ورود ضرر یا عدم ورود آن نسبت به طلبکاران است. از این رو، صرفاً آن دسته از تعهداتی که به ضرر طلبکاران خواهند بود، از دلایل و موجبات فسخ بازسازی تلقی می‌شوند؛ چه این تعهدات از جمله تعهدات مالی باشند یا غیرمالی (ماده ۱۱۲۳-۲ قانون آمریکا). چنانچه پس از تصدیق طرح بازسازی کشف شود که همه مقررات مربوط به ورشکستگی رعایت نشده‌اند، عدم رعایت آن‌ها می‌تواند از موجبات ابطال طرح بازسازی تلقی شود. همچنین، چنانچه آشکار شود مراتب تصدیق طرح بازسازی از دادگاه به طریق تقلب آمیز حاصل شده است، حسب تقاضای اشخاص ذینفع، ظرف ۱۸۰ روز از تاریخ تصدیق از سوی دادگاه، قابل ابطال خواهد بود (ترست^۳، ۱۹۷۸: ۱۳۴۵). به همین جهت، راهنما آنسیترال قابلیت پذیرش اعتراض نسبت به طرح را در دادگاه‌ها بعد از کشف تقلب پیشنهاد می‌کند؛ زیرا کتمان در وضعیت واقعی دارایی یا علل بحران مالی شرکت می‌تواند شروع رسیدگی به انحلال را به تاخیر انداخته و منجر به کاهش بیشتر ارزش دارایی‌های بدهکار قبل از شروع فرایند بازسازی گردد (آنسیترال^۴، ۲۰۰۵: ۲۳۰).

1. Final decree
2. Kelch
3. Trost
4. UNCITRAL

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش، به مطالعه تطبیقی بازسازی بنگاه‌های اقتصادی در نظام حقوقی ژاپن و آمریکا و راهنمای حقوق ورشکستگی آنستیرال به منظور ارایه الگوی مناسب برای حقوق ایران پرداخته شد. در نظام حقوقی ژاپن، نهاد «بازسازی» به صورت قانون مستقل تحت عنوان قانون بازسازی شرکت (مصوب سال ۱۹۵۲) شامل ۲۹۵ ماده قانونی مطرح شده است که مشابه فصل یازدهم قانون ایالات متحده آمریکا بوده، ولیکن دارای تفصیل بیشتری می‌باشد. به طور کلی، در این مطالعه تطبیقی، فرآیندهای بازسازی شامل صلاحیت دادگاه، قابلیت بازسازی، ارائه دادخواست، نحوه دادرسی، تدوین و تصویب طرح، محتویات طرح و خاتمه روند بازسازی شناخته شد که به تفصیل در این مقاله مورد توجه قرار گرفت. با مطالعه تطبیقی فرآیند قانون بازسازی ژاپن و آمریکا، نتایج به شرح زیر قابل بیان است:

- در نظام حقوقی ژاپن بازسازی صرفاً محدود به شرکت‌های سهامی است و این مهم می‌تواند یکی از نواقص قانون بازسازی شرکت ژاپن باشد؛ زیرا سایر شرکت‌های غیرسهامی را از مزایای استفاده از نهاد بازسازی محروم می‌سازد. از طرفی، در قانون آمریکا، هر شرکت تجاری امکان بازسازی را دارد. با مرور قوانین ژاپن و آمریکا، به نظر می‌رسد که قابلیت بازسازی بایستی با دقت فراوانی بررسی گردد، بطوریکه شرایط اقتصادی بنگاه به گونه‌ای باشد که هزینه بازسازی فراتر از ارزش ذاتی شرکت نباشد.

- در قانون بازسازی آمریکا و به ویژه ژاپن، دادگاه بازسازی دارای اختیارات گسترده‌ای بوده که می‌تواند منجر به تاخیر در رسیدگی شود. از طرفی، لازم است قاضی دادگاه دانش حقوقی خود را با دانش گسترده‌تر اقتصاد، مدیریت بنگاه و حسابداری ترکیب نماید. بنابراین، بایستی در قانون بازسازی ایران، سازوکاری فراهم شود تا بررسی دادخواست بازسازی توسط شورای مشورتی تجاری تخصصی انجام شده و فرایند بازسازی تسریع گردد.

- در بازسازی شرکت‌های ژاپنی، انتصاب امین ضروری است؛ در حالی که در قانون ورشکستگی آمریکا، قاضی می‌تواند بدهکار متصرف را به عنوان مدیریت بنگاه تعیین نماید. اگرچه در نظام حقوقی ژاپن، انتخاب امین به عنوان شخصی عادل و بی‌طرف در فرایند بازسازی موثر است، اما محروم کردن بدهکار متصرف (با توجه به اشراف آن بر شرایط کنونی شرکت) می‌تواند فرایند بازسازی را، چه از نظر زمانی و چه از نظر اجرایی، دچار اختلال جدی کرده و لذا، یک نقص قانونی محسوب می‌شود.

- در نظام حقوقی آمریکا، تا یک مهلت زمانی مشخص، تقدیم دادخواست بازسازی صرفاً در اختیار شخص بدهکار می‌باشد که تعیین این مهلت زمانی چون موجب تضییع حقوق طلبکاران می‌شود، یکی از نواقص جدی قانون ورشکستگی ایالات متحده محسوب می‌گردد.



- در نهاد بازسازی ژاپن، برای امین شرایط و وظایف متعددی در نظر گرفته شده است و اداره شرکت را منحصرأ به امین واگذار نموده است که محول کردن مجموعه زیادی از وظایف و انتظارات بر عهده یک شخص، شرایط دشواری را برای وی و بنگاه ایجاد می کند؛ بطوریکه تصمیم گیری های او را همراه با تردید و وقفه های زمانی خواهد کرد.
- در قانون بازسازی شرکت ژاپن، رضایت افراد در مورد پیش نویس طرح بازسازی، با داشتن حق رای حداقل از سه چهارم کل آرای بستانکاران باوثیقه (که قادر به اعمال رای خود هستند) کافی است؛ درحالیکه در رابطه با پیش نویس طرح بازسازی به منظور تعیین کاهش معافیت از حقوق تامین، تصفیه یا هر اقدام دیگری (که حقوق اشخاص مذکور را تحت تاثیر قرار دهد)، مستلزم رضایت تمام بستانکاران باوثیقه می باشد. لذا، این مورد یکی از مهمترین نقص های قانون بازسازی شرکت ژاپن محسوب می گردد و بایستی پیش نویس بازسازی با موافقت تمامی بستانکاران باوثیقه انجام پذیرد که کسب رضایت تمامی بستانکاران باوثیقه امری بعید و دشوار می باشد.
- در نظام حقوقی ژاپن، به فرایند تشکیل پرونده و تایید حقوق با تفصیل بیشتری پرداخته شده و بیان می دارد که طلبکاران عادی، باوثیقه و سهامدارانی که قصد شرکت در دادرسی بازسازی دارند، باید حق خود را در مدت تعیین شده به دادگاه ارائه نمایند؛ وگرنه در دادرسی بازسازی شرکت داده نمی شوند. درحالیکه به نظر می رسد بایستی حق ذینفعانی که به هر دلیلی در درخواست اولیه تشکیل پرونده شرکت ننموده اند، با تدوین سازوکار مناسبی لحاظ شود.
- فرایند تدوین، پذیرش و تصویب طرح بازسازی در قانون ژاپن به تفصیل ارایه شده است که می تواند با اصلاحاتی، الگوی مناسبی برای تدوین قانون بازسازی ایران شود. البته، در این نظام حقوقی، امین به عنوان رکن اصلی فرایند بازسازی تعریف شده است؛ بطوریکه تدوین پیش نویس طرح بازسازی نیز از وظایف او محسوب می شود که منجر به تعدد وظایف وی و وقفه در دادرسی بازسازی می گردد.
- در قانون بازسازی ژاپن، محدودیتی در محتوای طرح بازسازی وجود ندارد؛ مشروط بر اینکه تمام یا بخشی از حقوق ذینفعان را تضييع ننموده و منجر به بازسازی شرکت شود. درحالیکه در نظام حقوقی امریکا، مواردی از محتوا نظیر اقسام حقوق، نحوه ادامه فعالیت و تعیین تکلیف کارکنان به عنوان مندرجات اجباری مرسوم است. لذا، به نظر می رسد در روند تدوین بازسازی ایران نیز الزام به نگارش مندرجات اجباری مفید و حایز اهمیت است.
- در خاتمه فرایند بازسازی، مطابق با نظام حقوقی ژاپن و امریکا، به نظر می رسد که در صورت وجود شرایط لازم قانونی و تحقق خاتمه بازسازی، صدور حکم دادگاه در این باره ضروری تلقی و به عنوان یکی از ارکان خاتمه بازسازی محسوب می گردد.

منابع

- انوری پور محسن. (۱۳۹۵). ورشکستگی در حقوق ایران. [رساله دکتری دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران].
- شمس، عبدالله. (۱۳۸۷). آیین دادرسی مدنی دوره ی پیشرفته. انتشارات دراک.
- قنواتی، جلیل؛ کهنمویی، اسماعیل. (۱۳۸۹). بررسی نهاد بازسازی در قانون ایالات متحده و مقایسه آن با قرارداد ارفاقی. فصلنامه پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ۱۴(۴)، ۱۱۵-۱۴۲.
- <https://clr.modares.ac.ir/article-20-8491-fa.html>
- معین، محمد. (۱۳۸۶). فرهنگ معین (یک جلدی فارسی). انتشارات زرین. چاپ سوم. تهران.
- Brouwer, M. (2006). Reorganization in US and European bankruptcy law. *European Journal of Law and Economics*, 22, 5-20.
<https://link.springer.com/article/10.1007/s10657-006-8978-2>
- Bufford, S. L., & Yanagida, K. (2006). Japan's revised laws on business reorganization: An analysis. *Cornell Int'l LJ*, 39, 1.
<https://heinonline.org/HOL/LandingPage?handle=hein.journals/cintl39&div=7&id=&page=>
- Fribourg, A. H. (1949). Summary Jurisdiction of the Chapter X Court in Corporate Reorganization. *Fordham L. Rev.*, 18, 99.
<https://heinonline.org/HOL/LandingPage?handle=hein.journals/flr18&div=11&id=&page>
- Graham-Canedo, J. (2007). Comparative analysis of bankruptcy legal provisions from Mexico and the United States: which legal system is more attractive. *DePaul Bus. & Comm. LJ*, 6, 19.
<https://heinonline.org/HOL/LandingPage?handle=hein.journals/depbcl6&div=7&id=&page=>
- Harner, M. M., & Marincic, J. (2011). Committee Capture-An Empirical Analysis of the Role of Creditors' Committees in Business Reorganizations. *Vand. L. Rev.*, 64, 747.
<https://heinonline.org/HOL/LandingPage?handle=hein.journals/vanlr64&div=22&id=&page>
- Horikoshi, H. (2004). Japan's New Corporate Reorganization Law. *Int'l Law.*, 38, 855.
<https://heinonline.org/HOL/LandingPage?handle=hein.journals/intlyr38&div=56&id=&page>
- Ikeda, T. (1999). Bankruptcy Law in Japan and Its Recent Development. *Osaka University Law Review*, 46, 9-34.
<https://ir.library.osaka-u.ac.jp/repo/ouka/all/3656/oulr046-009.pdf>
- Kelch, T. G. (1991). The Phantom Fiduciary: The Debtor in Possession in Chapter 11. *Wayne L. Rev.*, 38, 1323.
<https://heinonline.org/HOL/LandingPage?handle=hein.journals/waynlr38&div=53&id=&page=>
- Korch, S. (2018). Corporate Governance and the Role of Examiners, 34 *Emory Bankr. Dev. J.*, 411.
<https://scholarlycommons.law.emory.edu/ebdj/vol34/iss2/6/>
- Lopucki, L., & Triantis, G. (1994). A System Approach to Comparing US and Canadian Reorganization of Financially Distressed Companies. *Harv. Int'l LJ*, 35, 267.
<https://www.jstor.org/stable/2989874>
- Mallon, C., Waisman, S. Y., & Waisman, S. (2011). *The Law and Practice of Restructuring in the UK and US*. Oxford University Press.
<https://academic.oup.com/book/41073>
- McAfee, R. J. (1979). Business Rehabilitations-Chapter 11. *U. Cin. L. Rev.*, 48, 392.
<https://heinonline.org/HOL/LandingPage?handle=hein.journals/ucinlr48&div=33&id=&page=>
- Maphiri, M. (2018). The Suitability of South America's Business Rescue Procedure in the Reorganization of Small-to-Medium-Sized Enterprises: Lessons



from Chapter 11 of the United States Bankruptcy Code. *Mich. Bus. & Entrepreneurial L. Rev.*, 8, 101.

<https://heinonline.org/HOL/LandingPage?handle=hein.journals/mijoeqv8&div=7&id=&page>

-Nakano, T. (1960). Japanese Corporate Reorganization. *Osaka University Law Review*, 8, 18-40.

<https://ir.library.osaka-u.ac.jp/repo/ouka/all/6168/oulr008-018.pdf>

-Piper, D. (2019). *Corporate Reorganisations in USA*, Lexology Getting the Deal Through

<https://www.lexology.com/library/detail.aspx?g=54d1ee55-ec07-4d3c-9150-db8cf67cc0c9>

-Rosen, K. A., & Rodriguez, A. R. (1982). Section 1121 and Non-Debtor Plans of Reorganization. *Am. Bankr. LJ*, 56, 349.

<https://heinonline.org/HOL/LandingPage?handle=hein.journals/ambank56&div=29&id=&page=>

-Segal, N. (2006). The effect of reorganization proceedings on security interests: the position under English and US Law. *Brook. J. Int'l L.*, 32, 927.

<https://heinonline.org/HOL/LandingPage?handle=hein.journals/bjil32&div=32&id=&page=>

-Shea, P., & Miyake, K. (1995). Insolvency-related reorganization procedures in Japan: the four cornerstones. *UCLA Pac. Basin LJ*, 14, 243.

<https://heinonline.org/HOL/LandingPage?handle=hein.journals/bjil32&div=32&id=&page=>

-Taniguchi, Y. (1987). International Bankruptcy and Japanese Law. *Stan. J. Int'l L.*, 23, 449.

<https://heinonline.org/HOL/LandingPage?handle=hein.journals/stanit23&div=25&id=&page=>

-Trost, J. R. (1978). Business Reorganizations Under Chapter 11 of the New Bankruptcy Code. *Bus. Law.*, 34, 1309

<https://heinonline.org/HOL/LandingPage?handle=hein.journals/busl34&div=80&id=&page=>

-Uluc, I., Sutton, K. R., & Yavasi, M. (2018). Bankruptcy in Turkey: A Comparative Study of Turkey's Adjourment of Bankruptcy and the United States' Chapter 11 Reorganization. *U. Bologna L. Rev.*, 3, 64.

<https://heinonline.org/HOL/LandingPage?handle=hein.journals/depbcl6&div=7&id=&page=>

-Xu, P. (2003, January). Bankruptcy resolution in Japan: corporate reorganization vs. civil rehabilitation. In *RIETI conference on Corporate Governance from an International Perspective: Diversity or Convergence, Tokyo* (pp. 8-9).

https://www.rieti.go.jp/en/events/03010801/pdf/Xu_p.pdf

-Uncitral (2005). *Legislative Guide on Insolvency Law*, United Nation, New York.

https://uncitral.un.org/en/texts/insolvency/legislativeguides/insolvency_law.

The legal system of the use of nuclear energy in military activities is not prohibited, emphasizing the AUKUS case

Hashem Zaferani¹, Saleh Rezaee Pishrobat²✉

Abstract

Field and Aims: International law, while prohibiting non-nuclear weapon states from acquiring nuclear weapons, has allowed them to use nuclear materials in non-prohibited military activities under certain conditions, and the International Atomic Energy Agency's safeguards against Exclude it. Following the conclusion of the AUKUS agreement between the US, England and Australia in September 2021, regarding the transfer of 12 military nuclear submarines by the first two governments to Australia (known as the AUKUS agreement), the issue of the possibility of excluding the Agency's protection from these activities has become an international concern. It was transformed and placed on the agenda of the Board of Governors of the Agency. Legally, what is the meaning of prohibited military activities and what are the legal bases and status as well as the conditions of benefiting from it in international law is a question that this article has investigated.

Method: This article is written in a descriptive-analytical way.

Finding and Conclusion: The findings of this research indicate that the existing international law allows non-nuclear weapon states to enjoy non-prohibited military applications of nuclear energy and exclude related activities from the protection of the Agency, but granting such A permission to these countries has caused a legal gap in the nuclear non-proliferation system and has caused international concerns.

Keywords: International Atomic Energy Agency, safeguards, AUKUS Treaty, non-prohibited nuclear energy military activity.

*Citation (APA): Zaferani, H.; Rezaee Pishrobat, S. (2024). The legal system of the use of nuclear energy in military activities is not prohibited, emphasizing the AUKUS case. *International Legal Research*, 17(63), 127-145.

1. PhD candidate in international law Tehran University, Tehran, Iran. Email: hzafarani2002@yahoo.com
2. Associate Professor, Research Institute of Nuclear Sciences and Technologies, Tehran, Iran. (Author). Email: salrez@1349.gmail.com



نظام حقوقی استفاده از انرژی هسته‌ای در فعالیت‌های نظامی ممنوع نشده، با تأکید بر قضیه آکوس

هاشم زعفرانی^۱، صالح رضایی پیش رباط^۲ ✉

چکیده

زمینه و هدف: حقوق بین الملل، در عین حال که کشورهای غیر دارنده سلاح هسته‌ای را از دستیابی به سلاح هسته‌ای منع نموده، با رعایت شرایطی به آن‌ها اجازه داده است مواد هسته‌ای را در فعالیت‌های نظامی ممنوع نشده استفاده نموده و اعمال پادمان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نسبت به آن را مستثنا نمایند. متعاقب انعقاد پیمان آکوس فی مابین آمریکا، انگلستان و استرالیا در سپتامبر ۲۰۲۱ مبنی بر انتقال ۱۲ فروند زیردریایی هسته‌ای نظامی از سوی دو دولت نخست به استرالیا (معروف به پیمان آکوس)، موضوع امکان مستثنا نمودن پادمان آژانس نسبت به این فعالیت‌ها به یک نگرانی بین‌المللی تبدیل گردیده و در دستور کار شورای حکام آژانس قرار گرفت. اینکه به لحاظ حقوقی فعالیت‌های نظامی ممنوع نشده متضمن چه مفهومی بوده و مبانی و جایگاه حقوقی و همچنین، شرایط بهره‌مندی از آن در حقوق بین‌الملل به چه صورت می‌باشد، پرسشی است که مقاله حاضر به بررسی آن پرداخته است.

روش: این مقاله به روش توصیفی - تحلیلی نگارش یافته است.

یافته‌ها و نتایج: یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که حقوق بین‌الملل موجود با رعایت شرایطی، برخوردار از کشورهای غیر دارنده سلاح هسته‌ای از کاربردهای نظامی ممنوع نشده انرژی هسته‌ای و مستثنا نمودن فعالیت‌های مربوط به آن از شمول پادمان آژانس را اجازه داده؛ لیکن اعطای چنین اجازه‌ای به این کشورها خلاف حقوقی نظام منع گسترش هسته‌ای تلقی و نگرانی‌های بین‌المللی را موجب شده است.

کلیدواژه‌ها: آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، پادمان، پیمان آکوس، فعالیت نظامی ممنوع نشده انرژی هسته‌ای.

* استناددهی (APA): زعفرانی، هاشم؛ رضایی پیش رباط، صالح. (۱۴۰۳). نظام حقوقی استفاده از انرژی هسته‌ای در فعالیت‌های نظامی ممنوع نشده، با تأکید بر قضیه آکوس. *تحقیقات حقوقی بین‌المللی*، ۱۷(۶۳)، ۱۴۵-۱۲۷.

۱. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: hzafarani2002@yahoo.com
 ۲. دانشیار پژوهشگاه علوم و فنون هسته‌ای، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). رایانامه: salrez@1349.gmail.com



مقدمه

انرژی هسته‌ای از جمله خارق‌العاده‌ترین کشفیات بشر در قرن بیستم به شمار می‌آید و امروزه، این انرژی در زمینه‌های مختلف دارای کاربرد می‌باشد (کلوین^۱، ۲۰۲۲: ۱). به لحاظ ماهیت، کاربردهای این انرژی به سه دسته کلی: کاربردهای صلح‌آمیز^۲، کاربردهای نظامی تسلیحاتی و کاربردهای نظامی ممنوع‌نشده^۳ قابل تقسیم می‌باشد و هر کدام از آن‌ها نظام حقوقی خاص خود را دارد. دسته اول، کاربردهای صلح‌آمیز انرژی هسته‌ای است که تولید برق از نیروگاه‌های هسته‌ای، تشخیص و درمان بیماری‌ها از جمله مصادیق آن‌هاست. حقوق بین‌الملل استفاده‌های صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای را جزء حقوق لاینفک^۴ و غیرقابل تبعیض تمام دولت‌ها دانسته و بر لزوم همکاری بین‌المللی دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی ذی‌ربط در ترویج کاربردهای صلح‌آمیز انرژی هسته‌ای تأکید نموده است (جویئر^۵، ۲۰۱۳: ۲۸۸).

دسته دوم، کاربردهای تسلیحاتی انرژی هسته‌ای است که حقوق بین‌الملل آن را به نحو تبعیض‌آمیزی ممنوع نموده است. معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای^۶ (۱۹۶۸) که پایه‌گذار این نظام حقوقی تبعیض‌آمیز محسوب می‌شود (بیگگ زاده، ۱۳۷۵: ۲۶۹)، دولت‌های عضو را به دو دسته دارنده سلاح هسته‌ای (ایالات متحده آمریکا، اتحاد شوروی سابق، انگلستان، فرانسه و چین) و غیر دارنده سلاح هسته‌ای (سایر دولت‌ها) تقسیم نموده و تعهدات نابرابری برای آن‌ها مقرر کرده است. این معاهده دولت‌های غیر دارنده سلاح هسته‌ای را از دستیابی به این سلاح‌ها منع و آن‌ها را ملزم نموده موافقت‌نامه پادمان جامع دو جانبه‌ای را با آژانس بین‌المللی انرژی منعقد کرده و بر آن اساس، فعالیت‌های هسته‌ای صلح‌آمیز خود را تحت نظارت و بازرسی آن قرار دهند (فلسفی، ۱۳۷۴: ۱۴). معاهده، چنین الزامی را برای دولت‌های دارنده سلاح هسته‌ای پیش‌بینی ننموده و صرفاً آن‌ها را متعهد نموده «با حسن‌نیت، مذاکرات میان خود به منظور متوقف ساختن هر چه زودتر مسابقه تسلیحات هسته‌ای و خلع سلاح هسته‌ای و انعقاد پیمان خلع سلاح عمومی و کامل، تحت کنترل شدید و مؤثر بین‌المللی را دنبال کنند» (کارلسون^۷، ۲۰۱۹: ۹). با وجود گذشت ۵۵ سال از زمان انعقاد معاهده و علیرغم تأکید و تصریح دیوان بین‌المللی دادگستری بر تعهد به نتیجه بودن این تعهد^۸ (رایت^۹، ۲۰۰۹: ۲۲۸)، دولت‌های دارنده سلاح هسته‌ای هنوز به این تعهد خود عمل ننموده و خلع سلاح هسته‌ای در جهان محقق نگردیده است.

1. Kelvin
2. Peaceful
3. Non proscribed military uses
4. Inalienable
5. Joyner
6. Treaty on the Non Proliferation of Nuclear Weapons
7. Carlson
8. Obligation of Result
9. Wright



سومین نوع کاربردهای انرژی هسته‌ای، کاربرد انرژی هسته‌ای در زمینه‌های نظامی ممنوع نشده^۱ ممنوع نشده^۱ است. این مفهوم نخستین بار در سال ۱۹۷۲ به وسیله سند الگوی ساختار و محتوای موافقت‌نامه‌های بین آژانس (بین‌المللی انرژی اتمی) و دولت‌های ملزم، در ارتباط با معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای^۲ (معروف به سند پادمان جامع یا پادمان ۱۵۳) به‌عنوان مفهوم جدید وارد ادبیات حقوق بین‌الملل هسته‌ای شد و نظام حقوقی خاصی راجع به آن شکل گرفت. این سند توسط آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و با هدف متحدالشکل نمودن موافقت‌نامه‌های پادمان دوجانبه دولت‌های غیر دارنده سلاح هسته‌ای طرف معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تهیه و تدوین شد (IAEA, 1998:14). تاکنون (۱۴۰۲) ۱۷۷ دولت غیر دارنده سلاح هسته‌ای عضو معاهده موافقت‌نامه پادمان جامع خود با آژانس را بر اساس مفاد این سند منعقد و به اجرا درآورده‌اند (IAEA, 2022:6).

پژوهش حاضر در نظر دارد نظام حقوقی کاربردهای نظامی ممنوع نشده انرژی هسته‌ای با تأکید بر پیمان آکوس^۳ را مورد بررسی قرار دهد. سالی که پژوهش حاضر در صدد بررسی و ارزیابی آن است که منظور از مفهوم «فعالیت نظامی ممنوع نشده» انرژی هسته‌ای چیست و جایگاه حقوقی آن در مقررات معاهدات جهانی عدم اشاعه هسته‌ای (اساسنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای) چگونه می‌باشد؟ پادمان بین‌المللی مواد هسته‌ای مورد استفاده در فعالیت‌های نظامی ممنوع نشده تابع چه نظام حقوقی بوده و متضمن چه اشکالات و خلأهای حقوقی می‌باشد؟ و نهایتاً، پیمان آکوس تا چه میزان با قواعد نظام حقوقی فعالیت‌های نظامی ممنوع نشده انرژی هسته‌ای سازگار بوده و چه تأثیراتی می‌تواند بر چشم‌انداز آتی آن داشته باشد؟

۱. مفهوم فعالیت نظامی ممنوع نشده

اشاره شد که مفهوم کاربردهای انرژی هسته‌ای در فعالیت‌های نظامی ممنوع نشده نخستین بار در سال ۱۹۷۲ و به وسیله سند الگوی ساختار و محتوای موافقت‌نامه‌های بین آژانس (بین‌المللی انرژی اتمی) و دولت‌های ملزم در ارتباط با معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای مورد تصریح قرار گرفته و وارد ادبیات حقوق بین‌الملل انرژی هسته‌ای شد (فischer^۴، ۱۹۸۱: ۴۵). بند ۱۴ این سند با عنوان عدم اعمال پادمان نسبت به مواد هسته‌ای مورد استفاده در فعالیت‌های هسته‌ای غیر صلح‌آمیز^۵ اشعار داشته است: چنانچه دولتی حسب تشخیص و صلاح‌دید خود قصد نماید که از

1. Non Military proscribed

2. The Structure and Content of Agreements Between the Agency and States Required in Connection with the Treaty on the Non-Proliferation of Nuclear Weapons

3. Aukus

4. Fischer

5. Non-application of Safeguards to Nuclear Material to be used in Non-Peaceful activities

از مواد هسته‌ای مشمول پادمان تحت این موافقت‌نامه در یک فعالیت هسته‌ای استفاده نماید که طبق این موافقت، پادمان در مورد آن اعمال نمی‌شود، ترتیبات زیر اعمال خواهد شد: الف) آن دولت آژانس [بین‌المللی انرژی اتمی] را از فعالیت مطلع کرده و به صراحت اعلام نماید که: (۱) استفاده از مواد هسته‌ای در «فعالیت نظامی ممنوع‌نشده» با تعهدی که... مغایر نخواهد بود. بند مذکور با پیشنهاد و اصرار برخی از کشورهای صنعتی اروپا (ایتالیا و سوئیس) که در آن زمان، ساخت پیش‌ران هسته‌ای نظامی را در دستور کار داشتند، در مقررات سند الگوی ساختار و محتوای موافقت‌نامه‌های بین آژانس (بین‌المللی انرژی اتمی) و دولت‌های ملزم در ارتباط با معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای گنجانده شد (دسجاردینز و رئوف، ۱۹۸۸: ۱۴). بند ۱۴ مفهوم فعالیت نظامی ممنوع‌نشده یا فعالیت‌های هسته‌ای غیرصلح‌آمیز را تعریف نکرده و مصادیق آن را مشخص نموده است که این را باید از کاستی‌های جدی این سند دانست که می‌تواند موجب اختلاف برداشت دولت‌ها از این مفهوم و بروز مشکلات در عمل شود. عدم ارائه تعریف حقوقی از مفاهیم کلیدی در معاهدات و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی مربوط به منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای به مورد فعالیت نظامی ممنوع‌نشده محدود نمی‌شود و مفاهیم کلیدی دیگری مانند «اهداف نظامی» (مقرر در اساسنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی) و «استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای» (اشاره و تأکید شده در اساسنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای و دیگر معاهدات و اسناد بین‌المللی) نیز وجود دارد که در اسناد مربوطه تعریفی از آن‌ها ارائه نشده است. اینکه چرا این مفاهیم کلیدی در معاهدات بین‌المللی مربوطه تعریف نشده‌اند، دلایل مختلفی می‌تواند داشته باشد. روشن بودن و پویا و تحول‌پذیر بودن مفاهیم و عامدانه تعریف‌نمودن مفاهیم با هدف بهره‌برداری‌های غیرحقوقی از آن‌ها می‌تواند از جمله این دلایل باشد.

برخی از حقوقدانان و مفسران در مقام تشریح و تفسیر مقررات بند ۱۴ سند مذکور، بعضی از مصادیق کاربردهای نظامی ممنوع‌نشده انرژی هسته‌ای را بیان نموده‌اند که به کارگیری مواد هسته‌ای در مراکز تحقیقاتی و پزشکی نظامی، استفاده از اورانیوم ضعیف‌شده برای تولید گلوله‌ها و مهمات ضد زره توپ‌ها و تفنگ‌های جنگی و زره‌های دفاعی مثل زره تانک‌ها، ساخت نیروگاه هسته‌ای برای تأمین برق مراکز نظامی و تولید پیش‌ران‌های نظامی هسته‌ای از جمله آن‌هاست (رئوف، ۲۰۲۲: ۳). اسناد و مکاتبات بین دولت‌ها و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در خصوص زیردریایی‌های هسته‌ای و قضیه آکوس نیز زیردریایی‌های هسته‌ای نظامی را از جمله مصادیق کاربردهای نظامی ممنوع‌نشده انرژی هسته‌ای مورد اشاره در بند ۱۴ سند پادمان ۱۵۳ دانسته‌اند

1. Desjardins & Rauf
2. Rauf



(راکوود^۱، ۲۰۱۷: ۵). برخی از صاحب نظران نیز با ابتنا به قواعد کلی حقوق و مفهوم مخالف مقررات بند ۱۴ سند مذکور اظهار داشته‌اند که منظور از فعالیت نظامی ممنوع نشده، هر نوع فعالیت نظامی است که حقوق بین الملل صریحاً آن‌ها را ممنوع اعلام نکرده است. دیدگاه اخیر با اصل لوتوس یا اباحه در حقوق بین الملل (رجوع شود به مطالب شماره ۲.۲) که بر اساس آن، هر عملی را که حقوق بین الملل آن را صریحاً ممنوع ننموده است، مجاز است، سازگار می‌باشد و می‌تواند در روشن شدن مصادیق فعالیت‌های نظامی ممنوع نشده مفید واقع شود. علی‌ایحال، پیشگیری از بروز اشکالات در عمل و جلوگیری از تبدیل آن به تنش بین المللی ایجاب می‌کند که مفهوم یا مصادیق دقیق آن به روش حقوقی مقتضی تعریف و روشن شود.

۲. جایگاه مفهوم فعالیت‌های نظامی هسته‌ای ممنوع شده در معاهدات جهانی عدم اشاعه هسته‌ای

در این قسمت، جایگاه این مفهوم را از منظر مقررات اساسنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای که مهم‌ترین معاهدات جهانی مربوط به منع اشاعه تسلیحات هسته‌ای محسوب می‌شوند، مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌دهیم.

۱-۲. اساسنامه آژانس و فعالیت‌های هسته‌ای نظامی ممنوع نشده

اساسنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در ۲۳ اکتبر ۱۹۵۶ منعقد و در ۲۹ جولای ۱۹۵۷ لازم‌الاجرا گردید. تاکنون (۱۴۰۲)، ۱۷۵ دولت به عضویت این سازمان بین‌المللی دولتی تخصصی درآمده است. اساسنامه دو هدف اصلی برای آژانس: توسعه کاربردهای صلح‌آمیز انرژی و فناوری هسته‌ای در سراسر جهان و پیشگیری از انحراف مواد و تجهیزات هسته‌ای برای پیشبرد اهداف نظامی پیش‌بینی کرده (فدایی، عسگرخانی، مرادی، ۱۳۹۹: ۵) و برای حصول به این هدف، مسئولیت‌هایی را برعهده آژانس گذاشته است که انتقال دانش و فناوری هسته‌ای صلح‌آمیز در قالب پروژه‌های همکاری و جلوگیری از انحراف این دانش و فناوری به اهداف نظامی از طریق اعمال نظارت و بازرسی از جمله مهم‌ترین آن‌هاست. اساسنامه، دولت‌های اطراف را ملزم نموده است که مواد و تجهیزات و کمک‌های هسته‌ای را که آژانس در قالب پروژه همکاری فنی در اختیار آن‌ها قرار می‌دهد، به اهداف نظامی منحرف نمایند (روهریج^۲، ۲۰۲۲: ۳).

اساسنامه آژانس به طور مشخص، مفهوم استفاده یا فعالیت هسته‌ای نظامی ممنوع نشده را مورد توجه قرار نداده و مقرراتی راجع به آن پیش‌بینی ننموده است. اساسنامه، استفاده‌های صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای را اجازه داده و انحراف این استفاده‌ها به مقاصد نظامی را منع کرده است. در

1. Rockwood
2. Roehrich

خصوص جواز یا ممنوعیت کاربرد انرژی هسته‌ای در فعالیت‌های نظامی ممنوع نشده از منظر مقررات اساسنامه آژانس، یک دیدگاه این است که از آنجائی که اساسنامه به صورت مطلق استفاده‌ای نظامی انرژی هسته‌ای یا استفاده از انرژی هسته‌ای برای اهداف نظامی را ممنوع نموده و در این زمینه گزینه‌ای مبنی بر جواز انجام فعالیت‌های نظامی ممنوع نشده وجود ندارد، لذا بر اساس اصل اطلاق باید قائل به این شد که اساسنامه آژانس کاربرد انرژی هسته‌ای در فعالیت‌های نظامی ممنوع نشده را منع نموده است. استدلال طرفداران این دیدگاه در این خصوص این است که در زمان تدوین مقررات اساسنامه آژانس، تدوین‌کنندگان اساسنامه به موضوع کاربردهای نظامی مختلف انرژی هسته‌ای (اعم از مجاز یا غیرمجاز) واقف بودند و اگر قصد آن‌ها ممنوعیت مطلق کاربردهای نظامی انرژی هسته‌ای نمی‌بود، می‌توانستند همانند برخی دیگر از معاهدات، آن را در مقررات اساسنامه مد نظر قرار داده و پیش‌بینی نمایند. معاهده قاره جنوبگان از جمله این معاهدات است که ضمن ممنوع اعلام کردن هر نوع اقدام با ماهیت نظامی در قطب جنوب، استفاده از اشخاص و تجهیزات نظامی برای انجام تحقیقات علمی را جزء اقدام با ماهیت نظامی ندانسته و از شمول ممنوعیت مقرر مستثنا نموده است (پیمان جنوبگان، ۱۹۸۵: ماده ۱۲). همین‌طور، کنوانسیون ایجاد کنترل امنیتی در زمینه انرژی هسته‌ای^۱ پس از ممنوع اعلام نمودن بکارگیری مواد و تجهیزات هسته‌ای برای اهداف نظامی، اهداف نظامی را تعریف نموده و آن را به سلاح هسته‌ای محدود می‌کند و سایر استفاده‌های نظامی از انرژی هسته‌ای را از شمول اهداف نظامی خارج می‌نماید (ماده ۱ و ۱۷). بر اساس این دیدگاه، باید قائل به این شد که از منظر اساسنامه آژانس، کاربرد انرژی هسته‌ای برای اهداف نظامی به صورت مطلق ممنوع بوده و استفاده از انرژی هسته‌ای برای مقاصد نظامی ممنوع نشده سازگار با مقررات آن نمی‌باشد (گورو^۲، ۱۹۶۹: ۴۹۸).

در مقابل، دیدگاه دیگری وجود دارد که معتقد است اساسنامه آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای تمامی استفاده‌های نظامی انرژی هسته‌ای را ممنوع نکرده و مذاکرات تدوین اساسنامه (که بر اساس حقوق بین‌الملل معاهدات باید در تفسیر مقررات اساسنامه لحاظ شوند) نیز حاکی از آن است که قصد دولت‌های تدوین و تصویب‌کننده اساسنامه، ممنوع کردن استفاده‌های نظامی خاص انرژی هسته‌ای بوده است و در تأیید ادعای خود، به پیشنهاد برخی از کشورها در جریان تدوین اساسنامه اشاره می‌کنند. در جریان مذاکرات تدوین اساسنامه، نماینده فرانسه پیشنهاد کرد که از نظر دولت متبوع او، منظور از استفاده از انرژی هسته‌ای برای اهداف نظامی «انفجارات اتمی برای اهداف نظامی و سموم محصولات پرتوزا» می‌باشد (بکهوفر و استاین^۳، ۱۹۵۷: ۷۵۶). همین‌طور، نماینده هند در قالب پیشنهاد اظهار داشت که استفاده از انرژی هسته‌ای در صورتی هدف نظامی خواهد

1. Convention on the Establishment of a Security Control in the Field of Nuclear Energy, 1959

2. Gorge

3. Bechhoefer & Stein

داشت که به تولید، آزمایش و کاربرد سلاح‌های هسته‌ای و یا رادیولوژیک منتج گردد (سکر^۱، ۱۹۹۳: ۳۵۲). مطابق این دیدگاه، کاربرد انرژی هسته‌ای در فعالیت‌های نظامی ممنوع نشده مغایر با مقررات اساسنامه تلقی نمی‌شود. در خصوص دیدگاه اخیر باید گفت که هرچند که بر اساس مقررات حقوق بین‌الملل معاهدات در تفسیر و روشن نمودن الفاظ و عبارات یک معاهده، رجوع به مذاکرات تدوین آن معاهده به‌عنوان یک ابزار معتبر پذیرفته شده است، اما در موضوع حاضر به نظر نمی‌آید اظهارات فوق‌الذکر نمایندگان فرانسه و هند بتواند دلیلی بر ممنوع نبودن تمامی کاربردهای نظامی انرژی هسته‌ای بر اساس اساسنامه تلقی شود؛ زیرا کنفرانس تدوین اساسنامه در نهایت، پیشنهادهای مطرحه توسط دو کشور مذکور را تصویب ننمود. رد این پیشنهادات می‌تواند دلالت بر این امر نماید که قصد تدوین کنندگان اساسنامه نیز ممنوع نمودن تمامی کاربردهای نظامی انرژی هسته‌ای بوده است. شایان ذکر است که ممنوعیت کاربرد انرژی هسته‌ای برای اهداف نظامی مقرر در اساسنامه محدود به کاربردهایی است که به واسطه پروژه‌های آژانس فراهم آمده و موارد غیر آن را شامل نمی‌شود. دولت‌های عضو آژانس متعهدند مواد و تجهیزاتی را که در قالب پروژه‌های آژانس برای آن‌ها فراهم آمده است، به اهداف نظامی منحرف نمایند و در غیر این مورد، چنین تعهدی برای این دولت وجود ندارد.

۲-۲. معاهده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای و فعالیت‌های نظامی هسته‌ای ممنوع نشده

معاهده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای در ۱ جولای سال ۱۹۶۸ منعقد، ۵ مارس ۱۹۷۰ لازم‌الاجرا و در سال ۱۹۹۵ تمدید نامحدود شد. تاکنون (۱۴۰۲)، ۱۹۰ دولت به عضویت این معاهده درآمده‌اند. این معاهده که سنگ بنای اصلی نظام عدم اشاعه هسته‌ای در جهان محسوب می‌شود، دولت‌ها را به دو دسته دارنده و غیردارنده سلاح هسته‌ای تقسیم نموده است. بر اساس معاهده، دولت‌های دارنده سلاح هسته‌ای متعهد شده‌اند از انتقال مستقیم یا غیرمستقیم سلاح یا دیگر ادوات انفجاری هسته‌ای به هر دریافت‌کننده‌ای (اعم از دولت‌ها یا سایر اشخاص) امتناع نموده و کنترل این سلاح‌ها و ادوات را در اختیار دیگران قرار ندهند. همچنین، این دولت‌ها ملزم شده‌اند که دولت‌های غیردارنده سلاح هسته‌ای را در تولید یا تحصیل سلاح یا دیگر ادوات هسته‌ای یا در کنترل بر چنین سلاح‌ها یا ادواتی کمک، تشویق یا ترغیب نمایند. دولت‌های فاقد سلاح هسته‌ای نیز پذیرفته‌اند که این سلاح‌ها و ادوات را از هر انتقال‌دهنده‌ای (اعم از دولت یا اشخاص دیگر) دریافت ننموده یا کنترل آنها را متقبل نشوند. همین‌طور، به صورت مستقیم یا غیرمستقیم سلاح یا دیگر ادوات هسته‌ای انفجاری را نساخته یا به نحو دیگری تحصیل نمایند و کمک برای ساخت این سلاح‌ها و ادوات دریافت ننموده یا درصدد دریافت آن برنمایند (بابایی، ۱۳۹۴: ۳۸). معاهده

1. Szacz

برای تضمین اجرای تعهدات دولت‌های غیر دارنده سلاح هسته‌ای سازوکاری نظارتی پیش‌بینی و برای این منظور، آن‌ها را ملزم نموده موافقت‌نامه‌ای با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی امضا نموده و بر اساس آن مواد چشمه و شکافت‌پذیر ویژه تولید، فراوری یا استفاده‌شده خود در داخل یا خارج تأسیسات واقع در قلمرو، یا تحت صلاحیت یا کنترل خود را تحت پادمان قرار دهند (سلیمان^۱، ۲۰۰۸: ۲۱۶-۲۱۴). معاهده سازوکار مشابهی برای نظارت بر اعمال تعهدات دولت‌های دارنده سلاح هسته‌ای مقرر نموده است.

برخلاف اساسنامه آژانس که انحراف مواد هسته‌ای (در قالب پروژه) به اهداف نظامی را ممنوع نموده، معاهده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای انحراف مواد و تجهیزات هسته‌ای به ساخت و تولید تسلیحات و ادوات انفجاری هسته‌ای را منع کرده است. در خصوص ممنوعیت یا جواز استفاده‌های نظامی ممنوع از انرژی هسته‌ای نیز این معاهده سکوت اختیار کرده و مقررات خاصی پیش‌بینی نموده است. در چنین وضعیتی، بر اساس اصل لوتوس^۲ یا اباحه در حقوق بین‌الملل (هرتوژن^۳، ۲۰۱۶: ۹۰۲)، باید قائل به این شد که از آنجایی که معاهده حکم صریحی مبنی بر ممنوعیت کاربرد انرژی هسته‌ای غیر از ساخت سلاح و ادوات انفجاری هسته‌ای ندارد، سایر کاربردهای نظامی انرژی هسته‌ای ممنوع نبوده و سازگار با مقررات معاهده می‌باشد. بیانیه مارس ۱۹۶۸ ایالات متحده آمریکا، که اتحاد شوروی سابق و تقریباً سایر کشورها نیز آن را به‌طور ضمنی تأیید نموده‌اند نیز حاکی از آن است که معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای صرفاً کاربرد تسلیحاتی انرژی هسته‌ای را منع کرده و سایر کاربردهای نظامی انرژی هسته‌ای را ممنوع نمی‌کند. آمریکا در بیانیه مذکور اعلام کرد که استفاده از انرژی هسته‌ای برای پیش‌ران هسته‌ای کشتی‌ها و زیردریایی‌های نظامی، تولید سلاح یا ادوات انفجاری هسته‌ای محسوب نشده و مغایر با مقررات و معاهده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای تلقی نمی‌شود (ویلریچ^۴، ۱۹۶۹: ۶۸-۹).

ظاهراً، مقررات معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای با مقررات اساسنامه در خصوص جواز یا ممنوعیت استفاده‌های نظامی ممنوع‌نشده از انرژی هسته‌ای یکسان نمی‌باشد و در این مورد، بین آن دو تعارض وجود دارد؛ در حالیکه اساسنامه بکارگیری انرژی هسته‌ای برای تمام مقاصد نظامی را ممنوع نموده، معاهده استفاده از انرژی هسته‌ای را فقط برای تولید سلاح و ادوات انفجاری هسته‌ای منع کرده و به‌کارگیری آن در سایر زمینه‌های نظامی را اجازه داده است. بر اساس قواعد حقوق معاهدات در چنین مواردی، باید قائل به این شد که در خصوص این موضوع در روابط میان دولت‌هایی که طرف هر دو معاهده (اساسنامه آژانس و معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای) هستند، مقررات اساسنامه تا آنجایی اعتبار خواهد داشت که با مقررات معاهده مغایر نباشد (ماده

1. Suleman
2. Principle of Lotus
3. Hertogen
4. Willrich



۳۰ کنوانسیون). در شرایط فعلی، به غیر دو کشور هند و پاکستان و رژیم اسرائیل، تمامی کشورهای عضو اساسنامه آژانس طرف معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای نیز می‌باشند.

۳. پادمان مواد هسته‌ای مورد استفاده در فعالیت‌های نظامی ممنوع نشده

همانطور که پیش از این نیز اشاره شد، بند ۱۴ سند ۱۵۳ این اجازه و امکان را به کشورهای فاقد سلاح هسته‌ای داده است که مواد هسته‌ای مورد استفاده در فعالیت‌های غیر صلح‌آمیز هسته‌ای یا فعالیت‌های نظامی ممنوع نشده را با رعایت شرایطی از شمول پادمان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی استثناء نمایند. فلسفه امکان مستثنانمودن مواد هسته‌ای مورد استفاده در فعالیت‌های نظامی ممنوع نشده، حمایت از اسرار و اطلاعات طبقه‌بندی شده نظامی و دفاعی کشورها بوده است (کارلسون^۱، ۲۰۲۱: ۲). برخی از صاحب‌نظران بر این نظرند که حتی اگر موافقت‌نامه‌های پادمان جامع این استثناء را پیش‌بینی هم نمی‌کرد، آژانس بر اساس اساسنامه خود نمی‌توانست نسبت به مواد هسته‌ای مورد استفاده در فعالیت‌های نظامی اعمال پادمان نماید؛ زیرا اساسنامه به آژانس مسئولیت و اجازه داده است که انحراف مواد و تجهیزات هسته‌ای مورد استفاده در فعالیت‌های هسته‌ای صلح‌آمیز را به اهداف نظامی مانع شود و صلاحیت تسری پادمان خود به مواد هسته‌ای مورد استفاده در فعالیت‌های نظامی مجاز را ندارد و اگر این تسری را انجام دهد، آژانس به توسعه فعالیت‌های نظامی هسته‌ای کمک نموده و اهداف و مقررات اساسنامه را نقض کرده است (رئوف^۲، ۲۰۲۲: ۱۶). این برداشت و استدلال، صحیح به نظر نمی‌رسد و اعطای اجازه به دولت‌های فاقد سلاح هسته‌ای به مستثنانمودن مواد هسته‌ای مورد استفاده در فعالیت‌های نظامی ممنوع نشده از شمول پادمان آژانس مانع از آن نیست که دولت‌ها به صلاح‌دید خود، پادمان آژانس را نسبت به مواد هسته‌ای مورد استفاده در فعالیت‌های نظامی ممنوع نشده بپذیرند. ماده ۱۳ موافقت‌نامه چهارجانبه ۱۳ دسامبر ۱۹۹۱ بین جمهوری آرژانتین، جمهوری فدراتیو برزیل، آژانس آرژانتینی - برزیلی برای حسابرسی و کنترل مواد هسته‌ای و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای اعمال پادمان^۳ امکان استثناسازدن مواد هسته‌ای مورد استفاده در فعالیت‌های نظامی ممنوع نشده را کنار گذاشته و بجای آن، اعمال «ترتیبات خاص» را پیش‌بینی نموده است (راکوود^۴، ۲۰۱۷: ۴).

در وضعیت فعلی، همان‌طور که برخی از صاحب‌نظران عنوان کرده‌اند، اعطای اجازه به دولت‌های غیر دارنده سلاح هسته‌ای برای مستثنانمودن مواد هسته‌ای مورد استفاده در فعالیت‌های نظامی ممنوع نشده از شمول پادمان آژانس نقص، خلأ و گریزگاه^۵ جدی نظام عدم اشاعه

1. Carlson

2. Rauf

3. Agreement of 13 December 1991 Between the Republic of Argentina, the Federative Republic of Brazil, the Brazilian-Argentine Agency for Accounting and Control of Nuclear Materials and the International Atomic Energy Agency for the Application of Safeguards

4. Rockwood

5. Loop hole

سلاح‌های هسته‌ای محسوب شده و همسو با هدف معاهده منع گسترش - که جلوگیری از تولید و اشاعه سلاح‌های هسته‌ای است - نمی‌باشد و می‌تواند موجبات اشاعه سلاح‌های هسته‌ای و نقض اهداف معاهده را فراهم آورد (راکوود^۱، ۲۰۲۲: ۳ و شیا^۲، ۲۰۱۷: ۴).

بند ۱۴ سند پادمان ۱۵۳ شرایط مستثنانمودن مواد هسته‌ای مورد استفاده در فعالیت‌های نظامی ممنوع‌نشده از شمول پادمان آژانس را این‌گونه بیان نموده است:

«چنانچه دولتی [غیر دارنده سلاح هسته‌ای] بنا به صلاحدید خود قصد داشته باشد از مواد هسته‌ای که طبق موافقت‌نامه مشمول پادمان می‌گردند، در یک فعالیت هسته‌ای، خارج از شمول اعمال پادمان طبق این موافقت‌نامه استفاده نماید، مقررات زیر اعمال خواهد شد:

الف) دولت باید آن فعالیت را به آژانس اطلاع داده و موارد زیر را روشن نماید:

۱. استفاده از مواد هسته‌ای در یک فعالیت نظامی غیرممنوع، با تعهدی که دولت ممکن است تقبل کرده باشد تا بر اساس آن، پادمان آژانس اعمال گردد تا چنین موادی فقط در فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای استفاده شوند، منافات نخواهد داشت؛

۲. طی مدت عدم اجرای پادمان، مواد هسته‌ای برای تولید سلاح‌های هسته‌ای یا سایر ادوات انفجاری هسته‌ای به کار گرفته نخواهد شد؛

ب) دولت و آژانس باید ترتیبی را اتخاذ نمایند که پادمان تعیین شده در این موافقت‌نامه فقط در مدتی که مواد هسته‌ای در چنین فعالیتی به کار می‌رود، اعمال نشود؛ در این هماهنگی باید تا حد ممکن، مدت یا شرایطی که در خلال آن پادمان اجرا نخواهد شد، تعیین گردد. در هر صورت، به محض ورود مجدد مواد هسته‌ای در کاربردهای صلح‌جویانه، دوباره پادمان مقرر در این موافقت‌نامه اعمال خواهد شد. ترکیبات و مقدار کل این گونه مواد خارج از شمول پادمان در دولت و هرگونه صدور آن باید به آژانس اطلاع داده شود؛ و

ج) هرگونه ترتیب اتخاذ شده باید با توافق آژانس صورت پذیرد. چنین توافقی باید در سریع‌ترین زمان ممکن به عمل آید و فقط به موضوعاتی از قبیل مقررات موقت و اجرایی و روش ارائه گزارش مرتبط بوده، ولی شامل هیچ‌گونه تأیید فعالیت‌های نظامی و یا دستیابی به اطلاعات طبقه‌بندی شده و یا استفاده از مواد هسته‌ای در این گونه فعالیت‌ها نمی‌باشد.»

بر اساس مقررات بند مذکور، تعهد به اعلام یا اطلاع فعالیت به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از جمله این شرایط است. دولت مربوطه به هنگام اطلاع فعالیت به آژانس اولاً، باید روشن و تصریح نماید که چنانچه متعهد شده که از ماده هسته‌ای مشمول پادمان آژانس صرفاً استفاده صلح‌آمیز نماید، باید به این تعهد خود پایبند باقی مانده و آن ماده را از شمول پادمان مستثنا نموده

1. Carlson
2. Shea



و در فعالیت نظامی ممنوع نشده بکار نگیرد؛ به عنوان مثال، اگر دولتی در قالب پروژه همکاری فنی، مواد و تجهیزات هسته‌ای از آژانس دریافت نموده و متعهد شده این مواد را تحت پادمان آژانس قرار دهد و از آن استفاده صرفاً صلح‌آمیز نماید، این دولت باید به این تعهد خود پایبند باقی بماند و مواد این پروژه را در فعالیت نظامی ممنوع نشده بکار نگیرد و بر اساس ماده ۱۴، آن را از شمول پادمان آژانس مستثنا ننماید.

شرط دوم این است که دولت مربوطه و آژانس طی توافقنامه‌ای، چگونگی و مدت‌زمانی که پادمان در مورد مواد مورد نظر اعمال نمی‌شود را مشخص نمایند. موضوع این توافق، عدم اعمال پادمان است؛ لیکن، در مقررات آن باید اطلاع‌ترکیبات و مقدار کل مواد خارج از شمول پادمان و هرگونه صدور آن به آژانس را پیش‌بینی نماید. این توافق باید در سریع‌ترین زمان ممکن به عمل آید و فقط به موضوعاتی از قبیل ترتیبات شکلی، زمان عدم اعمال پادمان و روش ارائه گزارش در این زمینه بپردازد و نمی‌تواند تائید اطلاعات طبقه‌بندی شده فعالیت نظامی ممنوع نشده یا مواد مورد استفاده در این فعالیت را شامل شود و دولت مربوطه را ملزم به ارائه اطلاعات طبقه‌بندی شده مربوط به فعالیت نظامی نماید (رئوف^۱، ۱۹۸۸: ۱۶). همچنین، این توافق نمی‌تواند اصل بکارگیری مواد هسته‌ای در فعالیت نظامی ممنوع نشده را به موافقت آژانس منوط کند. سند پادمان ۱۵۳ مشخص نموده است که کدام رکن آژانس صلاحیت انعقاد این توافق با دولت را دارد. رویه آژانس حاکی از آن است که توافق دولت مربوط با مدیرکل کافی نبوده و در این زمینه تصویب نهایی شورای حکام نیز لازم است (کارلسون^۲، ۲۰۲۱: ۲). در این خصوص، در سال ۱۹۷۸، دولت استرالیا طی نامه‌ای از مدیرکل وقت آژانس سؤال کرد که آیا توافق فی‌مابین کشور و آژانس در خصوص عدم اعمال پادمان نسبت به فعالیت‌های نظامی ممنوع نشده هسته‌ای مستلزم تصویب شورای حکام نیز می‌باشد یا نه که مدیرکل پاسخ داد هرگونه ترتیبات مورد توافق در این خصوص باید به اطلاع شورای حکام رسیده و به تصویب آن نیز برسد. مقررات قسمت ب بند ۱۴ سند ۱۵۳ تصریح نموده است که چنانچه دولت مربوطه بخواهد مواد مورد استفاده در فعالیت نظامی ممنوع نشده را به خارج صادر کند، آن را باید به آژانس گزارش نماید. آن مقررات همچنین تصریح نموده است که به محض اینکه مواد هسته‌ای مورد استفاده در فعالیت‌های نظامی ممنوع شده به مصارف صلح‌جویانه برگردند، پادمان در مورد آن اعمال خواهد شد (راکوود^۳، ۲۰۱۷: ۱۰). تاکنون، هیچ کشوری توافقی با آژانس بر اساس ماده ۱۴ موافقت‌نامه‌های پادمان جامع منعقد ننموده است.

1. Rauf
2. Carlson
3. Rockwood

در ۳۰ مارس ۱۹۷۸، دولت استرالیا طی نامه‌ای این سؤال را از مدیرکل وقت آژانس پرسید که اگر دولتی بدون رعایت تشریفات مقرر در ماده ۱۴ موافقت‌نامه پادمان جامع اقدام به استفاده ماده هسته‌ای در فعالیت نظامی ممنوع نشده نماید، آیا شورای حکام آژانس می‌تواند این عمل این دولت را نقض تعهدات پادمانی آن دولت تلقی کرده و موضوع را به شورای امنیت سازمان ملل گزارش نماید؟ مدیرکل در ۱۷ آوریل ۱۹۷۸ به این سؤال پاسخ مثبت داد (رئوف^۱، ۲۰۲۲: ۴)؛ اما این پاسخ او به نظر صحیح نمی‌رسد و سازگار با مقررات بند ۱۹ سند ۱۵۳ نمی‌باشد. بر اساس این بند، شورای حکام در صورتی می‌تواند عمل دولتی را به شورای امنیت گزارش نماید که نتواند عدم انحراف^۲ مواد هسته‌ای تحت پادمان آن دولت به سلاح یا ادوات انفجاری هسته‌ای را راستی‌آزمایی نماید.^۳ هرچند که دولتی که بدون رعایت تشریفات ماده ۱۴ ماده هسته‌ای را در فعالیت‌های ممنوع نشده نظامی مورد استفاده قرار داده، مرتکب نقض تعهدات خود بر اساس موافقت‌نامه می‌شود، اما این نقض از مصادیق همان نقض تعهدی نمی‌باشد که ماده ۱۹ موافقت‌نامه مقرر کرده است. موضوع ماده ۱۹، عدم انحراف مواد هسته‌ای مشمول پادمان مورد استفاده در فعالیت‌های هسته‌ای صلح‌آمیز به سلاح و ادوات انفجاری هسته‌ای است؛ در حالیکه مواد هسته‌ای موضوع ماده ۱۴، مواد معاف از پادمان و مورد استفاده در فعالیت‌های نظامی ممنوع نشده است. در این مورد، صرفاً می‌توان مسئولیت بین‌المللی دولت متخلف را مطرح کرده و در این ارتباط اقدام حقوقی علیه آن انجام داد.

۴. قضیه آکوس

آکوس پیمان سه‌جانبه‌ای است که در سپتامبر ۲۰۲۱ فی مابین استرالیا، ایالات متحده آمریکا و انگلستان منعقد گردید. به موجب این پیمان، آمریکا و انگلیس توافق کردند که تجهیز و دستیابی استرالیا به ۱۲ فروند زیردریایی نظامی هسته‌ای را فراهم آورند. سوخت این زیردریایی‌ها اورانیوم با غنای بالا (بیشتر از ۹۰ درصد) خواهد بود (رکسها^۴، ۲۰۲۲: ۳-۶۲). همان‌طور که در قسمت بالا اشاره شد، زیردریایی‌های هسته‌ای نظامی از جمله مصادیق به کارگیری مواد هسته‌ای در فعالیت‌های نظامی ممنوع نشده محسوب می‌شود. از این رو، پرداختن به این موضوع می‌تواند بیشتر و بهتر به روشن شدن منزلت فعلی نظام حقوقی کاربردهای انرژی هسته‌ای در فعالیت‌های نظامی ممنوع نشده کمک نماید.

1. Rauf

2. Non Diversion

3. Para19.If the Board, upon examination of relevant information reported to it by the Director General, finds that the Agency is not able to verify that there has been no diversion of nuclear material required to be safeguarded under this Agreement, to nuclear weapons or other nuclear explosive devices, it may make the reports provided for in paragraph C of Article XII of the Statute of the Agency...

4. Rexha

دستیابی استرالیا به زیردریایی‌های هسته‌ای نظامی بر اساس پیمان آکوس با واکنش برخی کشورها مواجه شد. فلیپین، ژاپن، سنگاپور و تایوان از انعقاد این پیمان استقبال کرده و تأثیر آن را در تقویت منطقه شرق و جنوب شرق آسیا مثبت ارزیابی نمودند؛ اما مالزی، اندونزی، کره شمالی، روسیه و چین آکوس را تهدیدکننده نظام عدم اشاعه هسته‌ای و امنیت منطقه جنوب شرق آسیا و اقیانوس آرام دانستند (لی^۱، ۲۰۲۲: ۲۸۰-۲۷۱).

چین سرسخت‌ترین مخالف انتقال زیردریایی هسته‌ای نظامی به استرالیا می‌باشد. این کشور توافق امریکا و انگلستان برای انتقال زیردریایی هسته‌ای به استرالیا را نقض اساسنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و معاهده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای می‌داند. در این خصوص، استدلال چین این است که اساسنامه آژانس به صورت مطلق تمامی استفاده‌های نظامی انرژی هسته‌ای، از جمله استفاده آن برای زیردریایی‌های هسته‌ای نظامی را ممنوع اعلام کرده است. از نظر چین، آکوس نقض مفاد و اهداف معاهده منع گسترش نیز محسوب می‌شود. هدف این معاهده، جلوگیری از دستیابی دولت‌های غیر دارنده سلاح هسته‌ای به سلاح هسته‌ای است. امریکا و انگلیس از طریق انتقال زیردریایی هسته‌ای به استرالیا، که سوخت هسته‌ای آن را اورانیوم با غنای بالا تشکیل خواهد داد و این سوخت قابلیت بکارگیری برای ساخت سلاح هسته‌ای را دارد، تعهدات خود بر اساس معاهده مبنی بر عدم کمک به کشورهای فاقد سلاح هسته‌ای برای دستیابی به سلاح هسته‌ای را نقض نموده و به اشاعه سلاح‌های هسته‌ای کمک خواهند کرد. استرالیا نیز با دریافت چنین موادی موجبات نقض تعهدات خود بر اساس معاهده مبنی بر امتناع از ساخت یا دستیابی به سلاح هسته‌ای فراهم می‌آورد.^۲ کشورهای عضو پیمان آکوس این ادعاهای حقوقی چین را رد کرده و انتقال زیردریایی‌های هسته‌ای نظامی به استرالیا را سازگار با مقررات معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای و موافقت‌نامه پادمان جامع استرالیا - آژانس می‌دانند (رئوف^۳، ۲۰۲۲: ۴).

موضوع آکوس در دهمین کنفرانس بازنگری معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای که در اوت ۲۰۲۲ برگزار شد، مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در این اجلاس، نماینده امریکا اعلام کرد که زیردریایی‌های هسته‌ای، سلاح هسته‌ای نبوده و انتقال آن خلاف معاهده نمی‌باشد.^۴ همین‌طور، طرف‌های پیمان آکوس اعلام کردند: «انتقال زیردریایی‌های هسته‌ای نظامی به استرالیا موافق با مقررات معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای و موافقت‌نامه پادمان جامع استرالیا و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است. این موافقت‌نامه فعالیت‌های مربوط به زیردریایی‌های هسته‌ای را ممنوع نمی‌کند. نماینده چین نیز در این کنفرانس اعلام کرد: «آکوس صلح و ثبات منطقه‌ای را

1. Li

2. IAEA /INFCIRC, 1034,2022:2-3

3. RAUF

4. United States Secretary Sates statement,2022:4

تضعیف می‌کند و موضوع آن در تضاد با هدف معاهده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای است. چین نگرانی عمیق و مخالفت شدید خود را با این همکاری ابراز می‌کند. همکاری سه‌جانبه در مورد زیردریایی‌های هسته‌ای اولین واقعه‌ای است که در آن، راکتورهای پیش‌ران هسته‌ای دریایی با اورانیوم بسیار غنی شده و با درجه تسلیحاتی از کشورهای دارای سلاح هسته‌ای به کشور غیر دارنده سلاح هسته‌ای منتقل می‌شود. سوخت این راکتورها نمی‌تواند تحت سیستم پادمان فعلی آژانس قرار گیرند و هیچ تضمینی وجود ندارد که این سوخت توسط استرالیا به سمت تولید سلاح‌های هسته‌ای منحرف نشود.

موضوع پادمان راکتورهای هسته‌ای دریایی و مواد هسته‌ای مرتبط با آن‌ها در یک کشور فاقد سلاح هسته‌ای، ارتباط مستقیمی با یکپارچگی و اثربخشی معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای دارد و بنابراین، با منافع همه کشورهای عضو آژانس ارتباط نزدیک دارد. منطقی است که همه کشورهای عضو آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در بحث مربوط به این موضوع شرکت کنند تا راه‌حلی قابل قبول را پیدا نمایند.^۱

اختلافات جدی میان روسیه و کشورهای غربی مانع از به نتیجه رسیدن دهمین کنفرانس بازنگاری معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای و صدور اعلامیه پایانی توسط آن شد. با این وجود، مقررات بند ۳۶ پیش‌نویس تصویب‌نشده بیانیه ۲۵ اوت کنفرانس موضوع انتقال زیردریایی‌های هسته‌ای نظامی را مورد توجه قرار داده و بر اتخاذ ترتیباتی مبنی بر اطمینان از عدم استفاده از چنین مواد هسته‌ای برای تولید سلاح‌های هسته‌ای یا سایر وسایل انفجاری هسته‌ای شده تأکید نمود.^۲

متعاقب مخالفت چین، موضوع در نوامبر ۲۰۲۱ جهت بحث و بررسی در دستور کار شورای آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار گرفت^۳ و مدیرکل آژانس ملزم به پیگیری موضوع و گزارش تحولات آن شد. مدیرکل اولین گزارش راجع به آکوس را در سپتامبر ۲۰۲۲ و دومین گزارش را در ژوئن ۲۰۲۳ به شورای حکام ارائه نمود.^۴ این موضوع در حال حاضر در دستور کار منظم شورای حکام قرار دارد و بحث راجع به آن ادامه دارد. در سپتامبر ۲۰۲۲، چین با حمایت برخی کشورها از جمله روسیه سعی نمود موضوع آکوس را در دستور کار کنفرانس عمومی آژانس نیز قرار دهد و در این زمینه پیش‌نویس قطعنامه‌ای^۵ را مبنی بر نامشروع بودن انتقال زیردریایی هسته‌ای

1. China Working paper, 2022:1-2

2. Draft Final Document, 2022, para: 36

3. AEA INFCIRC/965, 2021:2021

4. GOV/INF/2023/10, 31 May 2023

5. Transfer of the nuclear materials in the context of AUKUS and its safeguards in all aspects under the NPT (GC(66)/1/Add.3)



به استرالیا به تصویب برساند که به جهت مخالفت برخی کشورها از جمله هند و برزیل با آن، این پیش‌نویس از دستور کار کنفرانس عمومی خارج شد.^۱

رویه کلی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در مورد پیش‌ران‌های هسته‌ای به صورت کلی حاکی از آن است که بهره‌مندی کشورهای فاقد سلاح هسته‌ای از این پیش‌ران‌ها مجاز بوده و مغایر معاهدات بین‌المللی مربوط تلقی نمی‌شود. پیش‌ازین، آژانس با دستیابی و بهره‌برداری آلمان و ژاپن به ترتیب، از کشتی‌های هسته‌ای اتوهان و میتسو مخالفت نکرده و آن را مغایر با قواعد حقوقی بین‌المللی تشخیص نداد. البته، این کشتی‌ها از نوع نظامی نبوده و سوخت آن‌ها تحت پادمان آژانس قرار داشت (رئوف^۲، ۲۰۲۲: ۴). همین‌طور، آژانس با اعلام تصمیم برزیل، آرژانتین، کره جنوبی، کانادا و ایران مبنی بر داشتن برنامه پیش‌ران‌های هسته‌ای نظامی و غیرنظامی مخالفت نکرده و آن را خلاف معاهدات بین‌المللی مربوطه قلمداد ننموده است (بلوم^۳، ۲۰۲۳: ۴۴). در قضیه آکوس نیز تاکنون ارکان آژانس اظهارنظری که دلالت بر مغایر بودن این پیمان با معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای یا موافقت‌نامه پادمان جامع آن نماید، نداشته‌اند. مدیرکل آژانس در دو گزارشی که تاکنون در مورد آکوس به شورای حکام ارائه داده، بر استحقاق استرالیا به داشتن زیردریایی هسته‌ای نظامی بر اساس ماده ۱۴ موافقت‌نامه پادمان صحه گذاشته است.^۴ در خصوص آکوس، دغدغه آژانس اساس مباحث پادمانی آن است. مدیرکل آژانس معتقد است که نظام حقوقی فعلی پادمان سوخت زیردریایی‌های هسته‌ای نظامی با خلأ حقوقی مواجه است و قضیه آکوس به خوبی وجود چنین خلایی را نشان داد.^۵

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که حقوق بین‌الملل موجود این اجازه را به کشورهای فاقد سلاح هسته‌ای داده است که انرژی هسته‌ای را در زمینه‌های نظامی ممنوع‌نشده مورد استفاده قرار داده و با رعایت شرایطی، فعالیت‌های مربوط به آن را از شمول پادمان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مستثنا نمایند. امکان مستثنا شدن مواد هسته‌ای مورد استفاده در فعالیت‌های نظامی ممنوع‌نشده از شمول پادمان آژانس از خلأهای جدی نظام عدم اشاعه هسته‌ای ارزیابی شده و نگرانی‌های بین‌المللی را موجب شده است. برخی از صاحب‌نظران و خود آژانس سعی می‌کنند این خلأ را با تفسیر ماده ۱۴ موافقت‌نامه‌های پادمان جامع رفع نمایند، اما به نظر نمی‌رسد این تفاسیر در نهایت، کارساز شده و خلأ آشکار در ماده مذکور را به نحو مقتضی و مطلوب برطرف کند. مقررات ماده ۱۴ موافقت‌نامه‌های پادمان جامع صراحتاً این اجازه را به دولت‌های فاقد سلاح

1. GC(66)/OR.10,2022:3

2. Rauf

3. Blum

4. IAEA DG Report on Aukus, 2023: 2

5. The Guardian, November 2021

هسته‌ای داده است که از طریق ترتیبات مورد توافق، مواد مورد استفاده در فعالیت‌های نظامی ممنوع نشده را از شمول پادمان مستثنا نمایند. موضوع این ترتیبات مورد توافق، عدم اعمال پادمان بر مواد هسته‌ای مورد استفاده در فعالیت‌های نظامی ممنوع نشده می‌باشد و مقررات ماده ۱۴ نمی‌تواند به گونه‌ای تفسیر گردد که از آن، اعمال تدابیر پادمانی خاص بر این مواد استنباط شود. مقررات فعلی ماده ۱۴، کشور دارنده فعالیت نظامی ممنوع نشده هسته‌ای را ملزم به پذیرش پادمان خاص آژانس بر مواد هسته‌ای مورد استفاده در این فعالیت‌ها نمی‌کند. لیکن، این کشور می‌تواند به صورت اختیاری چنین پادمان خاصی را با آژانس توافق نماید.

در حال حاضر، مخالفت‌های چین با انتقال زیردریایی هسته‌ای نظامی به استرالیا به آن اندازه نرسیده است که بتواند مبانی حقوقی اجازه کشورهای غیر دارنده سلاح هسته‌ای در استفاده از زیردریایی‌های نظامی هسته‌ای را زیر سؤال ببرد، اما قطعاً قضیه آکوس در تحول نظام حقوقی پادمان مواد هسته‌ای مورد استفاده در فعالیت‌های نظامی ممنوع نشده مؤثر واقع خواهد شد.

ایران از جمله کشورهای غیر دارنده سلاح هسته‌ای عضو معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای است که دارای موافقت‌نامه پادمان جامع با آژانس می‌باشد و این اجازه را دارد که در چارچوب مقررات ماده ۱۴ موافقت‌نامه پادمان جامع خود، ماده هسته‌ای را در فعالیت‌های نظامی ممنوع نشده بکار گیرد و تحت شرایطی آن را از شمول پادمان مستثنا نماید. در این خصوص، جمهوری اسلامی ایران ضمن اینکه باید تحولات آکوس را به دقت دنبال نماید و نظرات خود را در این زمینه با لحاظ مصالح و منافع ملی خود اعلام نماید، در عین حال نباید به گونه‌ای موضع‌گیری نماید که مبانی حقوقی اجازه خود به برخورداری از فعالیت‌های نظامی هسته‌ای ممنوع نشده در چارچوب مقررات ماده ۱۴ موافقت‌نامه پادمان جامع را تضعیف نماید.

منابع

- بابایی، مجتبی. (۱۳۹۴). استفاده صلح آمیز از انرژی هسته‌ای از منظر حقوق بین الملل با تأکید بر حق غنی سازی ایران، *مجله حقوقی دادگستری*، شماره ۹۲، ۵۲-۳۳.
- بیگ زاده، ابراهیم. (۱۳۷۴). بدیع بودن معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای در قلمرو حقوق بین الملل، *مجله تحقیقات حقوقی*، شماره ۱۶ و ۱۷، ۲۹۱-۲۴۹.
- فدایی، فریبا؛ عسگرخانی، ابو محمد و مرادی، مریم. (۱۳۹۹). چارچوب آژانس بین المللی انرژی اتمی در حفظ صلح و امنیت بین المللی، *فصلنامه علوم سیاسی*، شماره ۵۳، ۱۱۴-۹۵.
- فلسفی، هدایت الله. (۱۳۷۴). نابرابری دولتها در قبول و اجرای معاهده عدم گسترش سلاحهای هسته‌ای، *تحقیقات حقوقی*، شماره ۱۸ و ۱۹، ۴۰-۵.
- Bechhoefer, B. G. & Stein, E. (1957). Atoms for for Peace: The New International Atomic Energy Agency", *Michigan Law Review*, 55, (6), 756
- Blum, R. (2023). AUKUS: Treading Lightly Within The Nuclear NonProliferation Regime: An examination of the Non-Proliferation Treaty in the context of AUKUS and nuclear-powered submarines, *Texas Law Review*, Vol. 101:1 pp.1-48.
- Carlson, J. (2019). Is the NPT Still Relevant? How to Progress the NPT's Disarmament Provisions, *Journal For Peace and Nuclear Disarmament*, Vol. 2, No, pp. 1, 97-113.
- Carlson, J. (2021). IAEA Safeguards, the Naval "Loophole" and the. *AUKUS Proposal*, <https://vcdnp.org/wp-content/uploads/2021/10/Safeguards-and-naval-fuel-JC-211008.pdf>.
- Desjardins, M.F, Rauf, T. (1988). *Opening Pandora's box?: nuclear-powered submarines and the spread of nuclear weapons*, Canadian Centre for Arms Control and Disarmament, Ottawa.
- Fisher, D. (1981). *Safeguards- a model for general arms control*, IAEA BULLETIN, VOL. 24, No. 2, pp. 45-49.
- Gorove, S. (1969). Distinguishing peaceful from Military Uses of Atomic Energy: Some facts and Consideration, *Ohio State Law Journal*, Vol.30, No.3, 495-501.
- Hertogen, A.(2016). Letting Lotus Bloom, *European Journal of International Law*, Vol.26.No.4 pp. 901-926.
- IAEA, Evolution of IAEA Safeguards, IAEA, Vienna 1998.
- Joyner, D. H. (2013). Iran's Nuclear Program and International Law am and International Law m Pann state *Journal of Law & International Affairs*, Vol.2,No.2,pp. 282-292
- Kelvin, A. (2022). Applications of nuclear energy and its limitations, *Journal of Science and Geosciences*, Vol. 10 (3), pp. 38-39
- Lecaj, M. &, Donat,R.(2022). The AUKUS international legal agreement and its impact on international institutions and security, *Corporate Governance and Organizational Behavior Review / Volume 6, Issue 2, 2022*,pp.62-70
- Li, M. (2022). ASEAN's responses to AUKUS: implications for strategic realignments in the Indo-Pacific, *China International Strategy Review* (2022) 4:268-287



- Rauf, T. (2022). *Crashing Nuclear Submarines Through IAEA Safeguards*, policy Brief, No122, Toda Peace Institute Tokyo.
- Rockwood, Laura (2017). *Naval Nuclear Propulsion and IAEA Safeguards*, Issue Brief, Federation of Americal scientists(FAS), <https://uploads.fas.org/media/Naval-Nuclear-Propulsion-and-IAEA-Safeguards.pdf>
- Roehrllich, Elisabeth, *Inspectors for Peace: A History of the International Atomic Energy Agency*, ohns Hopkins University Press Baltimore, Maryland 2022.
- Shea, T.E. (2017). *The Nonproliferation and Disarmament-Challenges-of-Naval-Nuclear-propulsion*, Federation of American Scientists, Washington, DC,2017.
- Suleman, A. M. (2008). Bargaining in the Shadow of Violence: The NPT, IAEA, and Nuclear NonProliferation Negotiations, *Berkeliy J. of Int. Law*, **26(1)**,pp 206-253.
- Szasz, Paul C. (1993). *The Law and Practices of the International Atomic Energy Agency 1970-1980*, LEGAL SERIES No. 7-S1, IAEA. INTERNATIONAL ATOMIC ENERGY AGENCY, VIENNA.
- Willrich, Mason, (1969). *Non-Proliferation Treaty: framework for nuclear arms control*, Michie Publishing Company.
- Wright, Tim (2009). Negotiations for a Nuclear Weapons Convention: Distant Dream or Present Possibility, *Melbourne Journal of International Law* Vol. 10, No.pp. 1217-1245.

Documents

- IAEA (2022) Safeguards Statement for 2022. In: https://www.iaea.org/sites/default/files/23/23/06/20230612_sir_2022_part_ab.pdf.
- IAEA General Conference, Sixty-sixth regular session, Plenary Record of the Tenth Meeting, GC(66)/OR.10 I, Issued: December 2022, in: <https://www.iaea.org/sites/default/files/gc/gc66-or10-prl.pdf>.
- Working paper submitted by China to 2022 Review Conference of the Parties to the Treaty on the Non-Proliferation of Nuclear Weapon, New York, 4–28 January 2022 in: <https://documents.un.org/doc/undoc/gen/n21/359/43/pdf/n2135943.pdf?token=iPvyckLNqVLh1W2sn&fe=true>.
- Cooperation under the AUKUS partnership, Working paper submitted by Australia, the United Kingdom of Great Britain and Northern Ireland and the United States of America, NPT/CONF.2020/WP.66, 22 July 2022 in: <https://reachingcriticalwill.org/images/documents/Disarmament-fora/npt/revcon2022/documents/WP66.pdf>
- The United States Secretary Antony J. Blinken's Remarks to the Nuclear Non-Proliferation Treaty Review Conference, New York, New York, August 1, 2022 in Secretary Antony J. Blinken's Remarks to the Nuclear Non-Proliferation Treaty Review Conference.
- Nuclear submarine cooperation among Australia, the United Kingdom of Great Britain and Northern Ireland and the United States of America, Working paper submitted by China, 27 December 2021 English. In: <https://reachingcriticalwill.org/images/documents/Disarmament-fora/npt/revcon2022/documents/WP50.pdf>
- Draft Final Document of 2022 Review Conference of the Parties to the Treaty on the Non-Proliferation of Nuclear Weapons, 22 August 2022, in: <https://reachingcriticalwill.org/images/documents/Disarmament-fora/npt/revcon2022/documents/CRP1.pdf>.
- Communication dated 15 September 2021 received from the Permanent Mission of the United States of America to Agency, IAEA INFCIRC/963 21 September 2021. In: <https://www.iaea.org/sites/default/files/publications/documents/infcircs/2021/infcirc963.pdf>.
- IAEA General Conference, Sixty Sixth Regular Session, Record of the Tenth Meeting, GC(66)/OR.10, December 2022 in: <https://www.iaea.org/sites/default/files/gc/gc66-or10-prl.pdf>.
- IAEA Communication dated 29 October 2021 from the Permanent Mission of the People's Republic of China to the Agency, IAEA Doc. INFCIRC/965 (Nov. 1, 2021) Statute of International Atomic Energy Agency, 1956.
- Convention on the Establishment of a Security Control in the Field of Nuclear Energy, 1959.
- Treaty on Non Proliferation of Nuclear weapons, 1968.

The role of the Human Rights Council in promoting the right to development

Zohreh Bagheri Khoramdashti¹, Hooein Sharifi Tarazkahi²✉, Fatemeh Fathpour³

Abstract

Field and Aims: considering that the right to development is one of the most important examples of human rights and the human being is recognized as the beneficiary of this right, Therefore, in order to advance and promote it, human rights institutions, whose leader is the Human Rights Council, are used; The purpose of this research is to examine the role and impact of the Human Rights Council on promoting the right to development as a human right.

Method: This article is written in a descriptive-analytical way.

Finding and Conclusion: The Human Rights Council has entered in two ways to promote the right to development, first as a general agenda and through its main pillars to promote human rights, which consequently includes the right to development. Second, the Human Rights Council has promoted the said right in the form of special frameworks, including committees and mechanisms focused on the right to development. The present study aims to answer the question of what role the Human Rights Council has played in the process of promoting the right to development and to confirm/reject the hypothesis that the Human Rights Council, by emphasizing the origin of the human rights right to development, has taken steps to expand and deepen it. has investigated the influence of the two issues of "right to development" and "human rights council" on each other.

Keywords: Human Rights Council, Right to Development, Human Rights, Advisory Committee.

*Citation (APA): Bagheri Khoramdashti, Z.; Sharifi Tarazkahi, H.; Fathpour, F. (2024). The role of the Human Rights Council in promoting the right to development. *International Legal Research*, 17(63), 147-169.

1. Master of Public International Law, Ershad Damavand Institute of Higher Education, Tehran, Iran. Email: zohreh.bagheriiii@gmail.com

2. Professor of International Law, Imam Hossein University, Tehran. Tehran, Iran. (Author). Email: hsharifit@yahoo.com

3. Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Law and Political Sciences, Islamic Azad University, South Tehran Branch. Email: ffathpour@yahoo.com

نقش شورای حقوق بشر در ارتقای حق بر توسعه

زهره باقری خرم‌دشتی^۱، حسین شریفی طراز‌کوهی^۲، فاطمه فتح پور^۳

چکیده

زمینه و هدف: نظر به اینکه حق بر توسعه یکی از مهمترین مصادیق حقوق بشر است و انسان ذینفع این حق شناخته می‌شود، لذا برای پیشبرد و ارتقای آن از نهادهای حقوق بشری که سرآمد آن‌ها شورای حقوق بشر است، بهره‌جویی می‌شود؛ هدف از این پژوهش، بررسی نقش و تاثیر شورای حقوق بشر بر ارتقای حق بر توسعه به مثابه یک حق بشری است.

روش: این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی نگارش یافته است.

یافته‌ها و نتایج: شورای حقوق بشر در جهت ارتقای حق بر توسعه به دو شیوه ورود پیدا کرده است: ابتدا، به صورت یک دستور کار کلی و از طریق ارکان اصلی خود به ارتقاء حقوق بشر که به تبع آن، شامل حق بر توسعه نیز می‌شود، پرداخته است؛ دوم اینکه شورای حقوق بشر در قالب چارچوب‌های خاص از جمله کمیته‌ها و سازوکارهای معطوف بر حق بر توسعه به ارتقاء حق مزبور پرداخته است. پژوهش حاضر برای رسیدن به پاسخ این سوال که شورای حقوق بشر در فرایند ارتقای حق بر توسعه چه نقشی داشته و در جهت تایید/رد این فرضیه که شورای حقوق بشر با تاکید بر خاستگاه حقوق بشری حق بر توسعه، به گسترش و تعمیق آن مبادرت ورزیده است، تاثیرگذاری دو موضوع «حق بر توسعه» و «شورای حقوق بشر» بر یکدیگر را مورد تفحص قرار داده است.

کلیدواژه‌ها: شورای حقوق بشر، حق بر توسعه، حقوق بشر، کمیته مشورتی.

* استناددهی (APA): باقری خرم‌دشتی، زهره؛ شریفی طراز‌کوهی، حسین؛ فتح پور، فاطمه. (۱۴۰۳). نقش شورای حقوق بشر در ارتقای حق بر توسعه. تحقیقات حقوقی بین‌المللی، ۱۷(۶۳)، ۱۶۹-۱۴۷.

۱. کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل، موسسه ارشاد دماوند، تهران، ایران.

رایانامه: zohreh.bagheriiii@gmail.com

۲. استاد حقوق بین‌الملل دانشگاه امام حسین تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). رایانامه: hsharifit@yahoo.com

۳. استادیار گروه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، تهران، ایران.

رایانامه: ffthapour@yahoo.com



مقدمه

هدف نهایی از وضع تمامی قواعد و مقررات، چه در عرصه داخلی و چه بین‌المللی، بهبود سطح کیفیت زندگی انسان است و رسیدن به صلح و رفاه در جوامع بشری کمال مطلوب است. بعد از وقوع مشکلاتی مثل جنگ و فقر و تبعیض در سراسر جهان که طی سال‌های بسیار به همه جوامع تحمیل شد، افراد و دولت‌ها به مفهومی به نام توسعه رسیدند که می‌توانست آن‌ها را به اهداف برتر خود در زمینه صلح و رفاه نزدیک کند. حق بر توسعه از ارکان جدایی‌ناپذیر حقوق بشر است؛ حق بر تعیین سرنوشت و حق بر توسعه از مهمترین مصادیق نسل سوم حقوق بشر به شمار می‌روند (اقبالی، ۱۴۰۱: ۲۱۴۹).

حقوق بشر نیز حقوق ذاتی همه انسان‌هاست، پس حق بر توسعه از قواعد غیرقابل سلب همه بشر در سراسر کره خاکی است. برای رسیدن به جامعه‌ای که عاری از فقر و بی‌سوادی و عدم آزادی و سایر مشکلات اقتصادی و اجتماعی باشد و از صلح و امنیت و شاخصه‌های حقوق بشر نیز برخوردار باشد، حق بر توسعه نقش تعیین‌کننده‌ای دارد؛ پس، برای نیل به حق بر توسعه باید سازوکارهای اجرا و اعمال این حق به درستی شناسایی و بررسی شود. نهادهای مختلفی حول محور حق بر توسعه فعالیت می‌کنند، از جمله این نهادها، شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد است. بررسی عملکرد این شورا در راستای تحقق اهداف حق بر توسعه حائز اهمیت است. توسعه فرآیند پیچیده‌ای است که به عناصر اقتصادی محدود نمی‌شود، بلکه تمامی جنبه‌های جامعه شناختی، روانی و سیاسی جامعه را در بر می‌گیرد. به عبارت دیگر، مفهوم توسعه تنها توسعه اقتصادی را در بر نمی‌گیرد و باید به شکل گسترده‌تری مورد توجه قرار گیرد. سه بُعد اصلی توسعه اقتصادی، انسانی و زیست‌محیطی (پایدار) است. بیش از سی سال پیش، اعلامیه حق بر توسعه باب جدیدی را در تلاش جهانی برای کرامت انسانی بیشتر، آزادی، برابری و عدالت گشود و خواستار آن شد که همه اعضای جامعه برای مشارکت کامل و آزادانه در تصمیم‌گیری‌های حیاتی توانمند شوند و همچنین، خواستار فرصت‌های برابر و توزیع عادلانه منابع اقتصادی بود، به ویژه برای افرادی که به طور معمول ضعیف و از توسعه محروم هستند.^۱ در این راستا، شورای حقوق بشر اقدامات شایان‌ذکری انجام داده است و در ادامه مطالب، به روند تاثیرگذاری آن در فرایند ارتقای حق بر توسعه پرداخته خواهد شد.

شورای حقوق بشر یک نهاد بین‌دولتی در درون سیستم سازمان ملل متحد است که مسئول تقویت ترویج و حمایت از حقوق بشر در سراسر جهان و رسیدگی به موقعیت‌های نقض حقوق بشر و ارائه توصیه‌هایی در مورد آن‌ها است.

1. Available at: <https://www.ohchr.org/en/Development>. Last visited: 2023/06/27



شورای مذکور به عنوان یکی از مهمترین ارکان بین المللی در زمینه دفاع از حقوق بشر محسوب می شود که هدف آن ارتقاء و حمایت از حقوق بشر در تمام کشورها می باشد (تقی زاده انصاری، ۱۳۸۷: ۱۱۷).

شورا این توانایی را دارد که در مورد تمام موضوعات و موقعیت های حقوق بشر که در طول سال نیاز به توجه دارد، بحث کند. از ابتدای شروع فعالیت شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد تا کنون (بعد از گذشت هجده سال)، این نهاد در خصوص حق بر توسعه از طریق حمایت از گفتگوهای سیاسی، گروه های کاری و سازوکارهای کارشناسی، تحقیق و تحلیل، مشارکت جامعه مدنی و همچنین، کاربردهای عملی، نقش کلیدی ایفا کرده است. این شورا به طور فعال درک و استفاده از حق بر توسعه را در سیستم سازمان ملل ترویج می کند و از حق مزبور از طریق تحقیق، روش های مناسب، نشست های تخصصی و تولید داده های اطلاعات عمومی حمایت می کند و آن را پرورش می دهد تا همه ذینفعان، از جمله بازیگران جامعه مدنی را برای بسیج حول محور حق بر توسعه توانمند سازد. شورای حقوق بشر در «بسته نهادسازی» خود (قطعنامه ۵/۱)^۱ به جزئیات رویه ها، سازوکارها و ساختارهایی که اساس کار آن را تشکیل می دهد، پرداخت. در میان این سازوکارها، نهادهایی فرعی از جمله کمیته مشورتی و بررسی دوره ای جهانی مستقیماً به شورای حقوق بشر گزارش می دهند؛ در ادامه، این پژوهش برای رسیدن به پاسخ این سوال که شورای حقوق بشر در فرایند ارتقای حق بر توسعه چه نقشی داشته است و برای اثبات این فرضیه که شورای حقوق بشر با تاکید بر خاستگاه حقوق بشری حق بر توسعه، به گسترش و تعمیق آن مبادرت ورزیده است، به عملکرد این دو نهاد عطف به حق بر توسعه پرداخته و همچنین، سازوکارهای تخصصی شورای حقوق بشر در مورد حق بر توسعه را نیز مورد کاوش قرار داده است.

۱. عملکرد کمیته مشورتی شورای حقوق بشر در مورد حق بر توسعه

کمیته مشورتی شورای حقوق بشر، متشکل از ۱۸ کارشناس، ایجاد شده است تا به عنوان اتاق فکر شورا عمل کند. کمیته مشورتی جایگزین کمیسیون فرعی سابق ارتقا و حمایت از حقوق بشر شد. کمیته مشورتی به شیوه و شکلی که شورا درخواست می کند، تخصص در اختیار شورا قرار می دهد و عمدتاً، بر مطالعات و مشاوره مبتنی بر تحقیق تمرکز دارد. کمیته همچنین می تواند در محدوده کاری که توسط شورا تعیین می شود، برای بررسی و تصویب شورا، پیشنهادهایی برای تحقیقات بیشتر ارائه دهد.

کمیته مشورتی شورای حقوق بشر در صورت درخواست شورا، مطالعات اجرامحور، موضوعی و مشاوره مبتنی بر تحقیق در مورد موضوعات مربوط به وظایف شورا، یعنی ارتقاء و حمایت از

1. Institution-building of the United Nations Human Rights Council (A/HRC/RES/5/1)

کلیه حقوق بشر را در اختیار شورا قرار می‌دهد. کمیته مشورتی ممکن است پیشنهادهایی را برای افزایش بیشتر کارایی عملکرد خود و همچنین، پیشنهادهای تحقیقاتی بیشتر در محدوده کاری که توسط شورا تعیین شده است، ارائه دهد.^۱ گزارش‌ها و مطالعاتی که این کمیته درباره حق بر توسعه به شورای حقوق بشر ارائه کرده، بدین شرح است:

۱-۱. کمک به توسعه در برخورداری از همه حقوق بشر

شورای حقوق بشر در قطعنامه ۳۵/۲۱ خود از کمیته مشورتی درخواست کرد تا مطالعه‌ای را در مورد راه‌هایی که توسعه به بهره‌مندی همه افراد از تمام حقوق بشر کمک می‌کند، درباره بهترین تجربیات و رویه‌ها، انجام دهد و گزارش را به شورای حقوق بشر قبل از چهل و یکمین جلسه آن ارائه دهد. در این قطعنامه، شورا از تصویب دستور کار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار استقبال کرد و مجدداً تأکید کرد که تحقق توسعه پایدار در هر سه بُعد آن به ارتقا و حمایت از حقوق بشر برای همه کمک می‌کند. کمیته مشورتی در نوزدهمین جلسه خود که در آگوست ۲۰۱۷ برگزار شد، ارائه‌های کارشناسان را شنید و یک گروه برای تهیه این گزارش تشکیل داد. در این گزارش، موضوعاتی در خصوص حق بر توسعه و حقوق بشر بیان شده است؛ موضوعاتی که در اجرای حق بر توسعه به آن پرداخته می‌شود، در تمام جنبه‌های اقتصاد جهانی و سیاست داخلی، بر بهبود رفاه کل جمعیت و همه افراد تاثیر می‌گذارد. طبق اعلام این گزارش، حقوق بشر در آغاز روند توسعه است و در پایان آن نیست. فرآیند و اهداف مربوط به توسعه باید مبتنی بر حقوق بشر باشد. رویه‌های امیدوارکننده نشان داده‌اند که رویکرد مبتنی بر حقوق بشر، در سطح داخلی و بین‌المللی، منجر به بهبود تلاش‌های توسعه پایدار و بازده بیشتر سرمایه‌گذاری شده است. اصول و استانداردهای حقوق بشری و راهنمایی‌هایی را در مورد آنچه که باید برای دستیابی به آزادی و کرامت برای همه، با ایجاد ظرفیت‌ها انجام شود، ارائه داده است. توسعه به شکوفایی یک کشور کمک می‌کند و همچنین، توسعه به طور فعال به بهره‌مندی همه افراد از حقوق بشر کمک می‌کند. سازوکارهای سازمان ملل متحد، کمیساری عالی حقوق بشر و همه ذینفعان باید در این زمینه نقش فزاینده‌ای در ارتقای توسعه مشترک همه کشورها داشته باشند.^۳

1. Available at:

<https://www.ohchr.org/en/hr-bodies/hrc/advisory-committee/mandates>. Last visited: 2023/06/25

2. The contribution of development to the enjoyment of all human rights: resolution / adopted by the Human Rights Council on 22 June 2017 (A/HRC/RES/35/21)

3. Contribution of development to the enjoyment of human rights: study of the Human Rights Council Advisory Committee (A/HRC/41/50)



۱-۲. گزارش مبتنی بر تحقیق درباره اهمیت سند الزام آور قانونی در مورد حق بر توسعه

شورای حقوق بشر در قطعنامه ۳۹/۹^۱ خود تصمیم گرفت که گروه کاری حق بر توسعه بحث را برای تدوین پیش نویس سند الزام آور حقوقی در مورد حق بر توسعه از طریق فرآیند مشارکتی، به ویژه درباره محتوا و دامنه قواعد آینده، آغاز کند. در همان قطعنامه، شورا از کمیته مشورتی درخواست کرد، ضمن در نظر گرفتن نظرات کشورهای عضو، گزارشی مبتنی بر تحقیق در مورد اهمیت سند الزام آور قانونی در مورد حق بر توسعه تهیه و گزارش را به شورا در جلسه چهل و پنجم خود ارائه کند. دستور تهیه این گزارش به اهمیت یک سند الزام آور قانونی در مورد حق بر توسعه محدود شده بود. موضوعاتی مانند محتوا و دامنه، نوع و ساختار، ترتیبات سازمانی و رویه‌های انطباق چنین سند الزام آور قانونی، در فرآیند موازی گروه کاری حق بر توسعه در دست بررسی قرار گرفت؛ بر این اساس، در این گزارش به آن‌ها پرداخته نشد. این گزارش در خصوص سند الزام آور درباره حق بر توسعه اینگونه ابراز می‌کند که وجود یک سند الزام آور قانونی در مورد حق بر توسعه، محیطی مناسب برای توسعه و شرایط مساعدتری برای همه حقوق بشر ایجاد می‌کند. این امر رویکردی جامع برای پرداختن به علل سیستمی و ساختاری فقر را تسهیل می‌کند و ضمن توجه نمودن به حقوق افراد فقیر، آسیب‌پذیر و به‌حاشیه‌رانده شده، پایه و اساس پیشرفت همگانی را تقویت می‌کند؛ به کاهش تبعیض کمک می‌کند؛ برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان را ترویج می‌دهد و بر اصول حق تعیین سرنوشت و حاکمیت کامل بر ثروت و منابع طبیعی مجدداً تأکید می‌کند.^۲

۲. بررسی دوره‌ای جهانی و حق بر توسعه

بررسی دوره‌ای جهانی^۳ فرآیندی منحصربه‌فرد است که شامل بررسی سوابق حقوق بشر در تمام کشورهای عضو سازمان ملل می‌شود و هدف اصلی آن، بهبود وضعیت حقوق بشر در کشورها است. گزارش دوره‌ای جهانی یک فرآیند دولت‌محور و تحت نظارت شورای حقوق بشر است و این فرصت را برای هر کشوری فراهم می‌کند تا اعلام کند که چه اقداماتی برای انجام تعهدات حقوق بشری و بهبود وضعیت حقوق بشر در کشور خود انجام داده است. گزارش دوره‌ای جهانی به منظور تشویق، حمایت و گسترش ترویج حقوق بشر در سراسر جهان طراحی شده است. شورای حقوق بشر بر اساس اطلاعات عینی و موثق در مورد اجرای تعهدات و الزامات ناشی از حقوق بشر توسط هر دولت به صورت ادواری در سطح جهان به بررسی می‌پردازد تا فراگیری و

1. The right to development: resolution / adopted by the Human Rights Council on 27 September 2018 (A/HRC/RES/39/9)

2. Importance of a legally binding instrument on the right to development : report of the Human Rights Council Advisory Committee(A/HRC/45/40)

3. The Universal Periodic Review (UPR)

جهانی بودن سیستم نظارت خود و رفتار یکسان با تمام کشورها را تضمین نماید (زمانی، ۱۳۸۵: ۳۱۰).

برای دستیابی به این هدف، به ارزیابی سوابق حقوق بشری کشورها و رسیدگی به موارد نقض حقوق بشر، که اگر در هر جایی رخ بدهد، می‌پردازد. همچنین، ارائه کمک‌های فنی به کشورها و افزایش ظرفیت آن‌ها برای مقابله موثر با چالش‌های حقوق بشر و به اشتراک گذاشتن بهترین شیوه‌ها در زمینه اعمال حقوق بشر در میان دولت‌ها و سایر ذینفعان نیز از دیگر اهداف گزارش دوره‌ای جهانی است. بر اساس گزارش دوره‌ای جهانی، وضعیت حقوق بشر همه کشورهای عضو سازمان ملل هر ۵،۴ سال یکبار بررسی می‌شود. هر دوره ۵،۴ ساله یک چرخه گزارش دوره‌ای جهانی نامیده می‌شود. این بدان معناست که بررسی همه کشورهای عضو سازمان ملل ۵،۴ سال طول می‌کشد که البته، فقط در ایام پاندمی کرونا استثنائاً ۵ سال بود. تقویم‌ها همچنین شامل مهلت‌های آزمایشی یا نهایی برای ارسال گزارش‌های ملی نیز هستند.^۱ در طول اولین چرخه، همه کشورهای عضو سازمان ملل مورد بررسی قرار گرفتند. این چرخه از سال ۲۰۰۸ شروع شد و در سال ۲۰۱۱ پایان یافت و طی هر سال به ۴۸ کشور رسیدگی شد. در چرخه دوم که به طور رسمی در می ۲۰۱۲ با سیزدهمین جلسه گروه کاری گزارش دوره‌ای جهانی آغاز شد، هر سال ۴۲ کشور مورد بررسی قرار گرفت و در سال ۲۰۱۶ به اتمام رسید. چرخه سوم نیز از سال ۲۰۱۷ شروع و در سال ۲۰۲۲ به پایان رسید.^۲

۲-۱. توصیه‌های شورا درباره حق بر توسعه

در طی سه چرخه از گزارش دوره‌ای جهانی، تعداد ۲۰۱۴ توصیه درباره حق بر توسعه به کشورها ارائه شده است. در ادامه، به بررسی نمونه‌هایی از این توصیه‌ها در هر سه چرخه و البته، در گروه‌های منطقه‌ای مختلف در سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا و همچنین، برخی از توصیه‌هایی که به کشور ایران شده، می‌پردازیم.^۳

توصیه‌هایی که در چرخه‌های اول و دوم بیان شد، با توجه به اینکه در بازه زمانی سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۶ بود، بیشتر بر اهداف توسعه هزاره تمرکز داشتند؛ به ویژه توصیه‌هایی که به کشورهای قاره آفریقا شده بود.

اهداف توسعه هزاره^۴ مجموعه‌ای از هشت هدف توسعه بین‌المللی بود که پس از اجلاس هزاره سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۰ و پس از تصویب بیانیه هزاره سازمان ملل متحد تعیین شد و

1. Available at: <https://www.ohchr.org/en/hr-bodies/upr/upr-home>. Last visited: 2023/06/30

2. Available at: <https://www.ohchr.org/en/hr-bodies/upr/basic-facts>. Last visited: 2023/06/30

3. Available at: <https://upr-info-database.uwazi.io/en/library> Last visited: 2023/07/28

4. The Millennium Development Goals (MDGs)



دستیابی به آن اهداف را تا سال ۲۰۱۵ بیان کرده بود.^۱ در سال ۲۰۱۵، مجمع عمومی سازمان ملل متحد اهداف توسعه پایدار را تصویب کرد. اهداف توسعه پایدار^۲ یا اهداف جهانی مجموعه‌ای از هفده هدف به هم پیوسته بود که به عنوان طرحی مشترک برای صلح و رفاه مردم و کره زمین در حال حاضر و آینده طراحی شد.^۳ در سپتامبر ۲۰۱۵، رهبران ۱۷۰ کشور جهان در اجلاس توسعه پایدار سازمان ملل در نیویورک گرد هم آمدند و دستورکار ۲۰۳۰ را تصویب کردند. دستورکار جدید مجموعه گسترده‌ای از ۱۷ هدف توسعه پایدار و ۱۶۷ هدف دیگر را پوشش داد و به عنوان چارچوبی کلی برای هدایت اقدامات توسعه جهانی و ملی برای ۱۵ سال آینده شناخته می‌شود.^۴ با توجه به اینکه چرخه سوم گزارش دوره‌ای جهانی در بازه زمانی بعد از تصویب دستورکار ۲۰۳۰ به وقوع پیوست، لذا در توصیه‌هایی که در این چرخه ذکر شد، اغلب بر آن بود تا دستورکار ۲۰۳۰ و اهداف توسعه پایدار را اعمال کند.^۵

در توصیه‌هایی که به کشورهای قاره آفریقا، به ویژه در چرخه اول گزارش دوره‌ای جهانی شد، بیشتر بر اهداف توسعه هزاره تاکید شده که از بین بردن فقر و گرسنگی، مبارزه با بیماری‌هایی مثل ایدز و مالاریا، همچنین کاهش مرگ و میر، بهبود سلامت مادران و دستیابی به آموزش همگانی را شامل می‌شود. در میان این توصیه‌ها، به کشورهای آفریقایی تذکر داده شده که از جامعه بین‌المللی برای دستیابی به اهداف توسعه هزاره درخواست کمک کنند؛ به تلاش‌های خود در ترویج و حمایت از حقوق بشر، از جمله با حمایت کشورهای توسعه یافته از طریق تعهد خود به تخصیص ۷۰ درصد تولید ناخالص داخلی به کمک‌های رسمی توسعه ادامه دهند. کمک‌های رسمی توسعه^۶ به عنوان کمک‌های دولتی تعریف می‌شود که توسعه اقتصادی و رفاه کشورهای در حال توسعه را ارتقا می‌دهد و به طور خاص، هدف قرار می‌دهد؛ با کمک‌های فنی و مالی جامعه بین‌المللی، بر محدودیت‌ها و چالش‌ها، به ویژه در زمینه آموزش، بهداشت و اشتغال غلبه کنند؛ با حمایت جامعه بین‌المللی، به مبارزه با فقر و دستیابی به اهداف توسعه هزاره و اهداف چشم‌انداز ۲۰۱۶ ادامه دهند. پس، با بررسی توصیه‌هایی که به کشورهای آفریقایی شده، به این

۱. هدف ۱: ریشه کن کردن فقر شدید و گرسنگی؛ هدف ۲: دستیابی به آموزش ابتدایی همگانی؛ هدف ۳: ترویج برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان؛ هدف ۴: کاهش میزان مرگ و میر کودکان؛ هدف ۵: بهبود سلامت مادر؛ هدف ۶: مبارزه با ایدز/ایدز، مالاریا و سایر بیماری‌ها؛ هدف ۷: تضمین پایداری زیست محیطی؛ هدف ۸: ایجاد یک مشارکت جهانی برای توسعه.

2. The Sustainable Development Goals (SDGs)

3. Available at: <https://www.un.org/sustainabledevelopment/sustainable-development-goals/>. Last visited: 2023/07/10

4. Available at: <https://www.ohchr.org/en/development/milestone-events-right-development>. Last visited: 2023/06/30

5. Transforming our world: the 2030 Agenda for Sustainable Development: resolution / adopted by the General Assembly (A/RES/70/1).

6. Official development assistance (ODA)

نتیجه می‌رسیم که رفع فقر مهمترین معضل برای رسیدن به تحقق حق بر توسعه در کشورهای این قاره است.^۱

در خصوص توصیه‌هایی که درباره حق بر توسعه به کشورهای اروپایی شد، اغلب به مشارکت و کمک این کشورها به کشورهای در حال توسعه اشاره کردند تا نقش مؤثری برای عملیاتی کردن حق بر توسعه در سطح بین‌المللی ایفا کنند. از کشورهای اروپایی خواسته شده تا مشارکت در هدف اصلی جریان‌سازی حق بر توسعه در برنامه‌ها و سیاست‌های کمک‌های رسمی توسعه خود را در نظر بگیرند، تعهد مالی خود به توسعه بین‌المللی را از طریق برنامه‌های کمک توسعه در خارج از کشور ادامه دهند؛ اقداماتی با هدف کاهش نابرابری‌های جدی در دسترسی به بهداشت، آموزش و اشتغال را انجام دهند؛ مشارکت مؤثر در عملیاتی کردن حق بر توسعه در سطح بین‌المللی داشته باشند و این کمک‌های توسعه نباید دارای شرایطی که ارزش‌های سنتی کشورهای دریافت‌کننده را در نظر نمی‌گیرند، باشد.

توصیه‌هایی که به کشورهای آسیایی شد، عموماً درباره رفع تبعیض جنسیتی و اقدام برای اهداف توسعه پایدار بود؛ از جمله اینکه تدابیر لازم برای مبارزه با بیکاری، به ویژه در بین جوانان و روستائیان را اتخاذ کنند. به تلاش‌های مستمر خود برای ترویج و تقویت حقوق بشر، به ویژه با تمرکز بر رشد اقتصادی و بهبود رفاه جمعیت ادامه دهند؛ به ترویج توسعه پایدار اقتصادی و اجتماعی و بهبود شرایط زندگی مردم ادامه دهند تا زمینه‌ای قابل اطمینان برای برخورداری مردم از همه حقوق بشر را فراهم کنند. توانمندسازی بیشتر زنان و اطمینان از مشارکت آن‌ها در برنامه‌ریزی و اجرای سیاست‌های ملی برای دستیابی به اهداف توسعه پایدار انجام شود و به سوی انجام تدابیر اقدام اجتماعی و راهکار ملی برای کودکان به منظور ارتقای اجرای اهداف توسعه پایدار پیش روند.^۲

1. Available at: <https://upr-info-database.uwazi.io/en/library> Last visited:2023/06/20
2. Available at: <https://upr-info-database.uwazi.io/en/library> Last visited:2023/07/28



۲-۲. بررسی نمونه‌هایی از توصیه‌های گزارش دوره‌ای جهانی درباره حق بر توسعه

برای نمونه، توصیه‌های مربوط به حق بر توسعه در چرخه اول، جلسه ۳ به تاریخ دسامبر ۲۰۰۸، به گروه منطقه‌ای آفریقایی (گروه آفریقا) در جدول^۱ زیر بیان شده است:

کشور توصیه کننده	توصیه	گروه منطقه‌ای	کشور مورد بررسی	جلسه	چرخه
نيجریه	از جامعه بین‌المللی برای دستیابی به اهداف خود، از جمله اهداف توسعه هزاره، درخواست کمک نيجریه کنید.	آفریقا (گروه آفریقایی)	کیپ ورد	۳ - دسامبر ۲۰۰۸	اول
کوبا	به تلاش‌های خود در ترویج و حمایت از حقوق بشر، از جمله با حمایت کشورهای توسعه‌یافته از طریق تعهد خود به تخصیص ۷۰ درصد تولید ناخالص داخلی به اودی آ ادامه دهد.	آفریقا (گروه آفریقایی)	بورکینافاسو	۳ - دسامبر ۲۰۰۸	اول
مالی	وضعیت اقتصادی اجتماعی خود را با حمایت جامعه جهانی بهبود دهد.	آفریقا (گروه آفریقایی)	بورکینافاسو	۳ - دسامبر ۲۰۰۸	اول
الجزایر	با کمک‌های فنی و مالی جامعه بین‌المللی بر محدودیت‌ها و چالش‌ها، به ویژه در زمینه آموزش، بهداشت و اشتغال غلبه کنید.	آفریقا (گروه آفریقایی)	بورکینافاسو	۳ - دسامبر ۲۰۰۸	اول
مصر	درخواست کمک از دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد و جامعه بین‌المللی در رابطه با آموزش حقوق بشر، بهبود سیستم قضایی و تقویت نظارت بر پیشرفت در دستیابی به اهداف توسعه هزاره و اهداف چشم‌انداز ۲۰۱۶.	آفریقا (گروه آفریقایی)	بوتسوانا	۳ - دسامبر ۲۰۰۸	اول
مصر	با حمایت جامعه بین‌المللی، به مبارزه با فقر و دستیابی به اهداف توسعه هزاره و اهداف چشم‌انداز ۲۰۱۶ ادامه دهید.	آفریقا (گروه آفریقایی)	بوتسوانا	۳ - دسامبر ۲۰۰۸	اول

1. Available at: <https://upr-info-database.uwazi.io/en/library> Last visited:2023/07/28

توصیه‌های مربوط به حق بر توسعه در چرخه دوم، جلسه ۱۳ به تاریخ می ۲۰۱۲، به گروه منطقه‌ای اروپایی (گروه اروپای غربی) در جدول^۱ زیر ذکر شده است:

کشور توصیه کننده	توصیه	گروه منطقه‌ای	کشور مورد بررسی	جلسه	چرخه
پاکستان	نقش مؤثری برای عملیاتی کردن حق بر توسعه در سطح بین‌المللی ایفا کند.	اروپا (گروه اروپای غربی)	انگلیس	۱۳ - می ۲۰۱۲	دوم
بنگلادش	مشارکت در هدف اصلی جریان‌سازی حق بر توسعه در برنامه‌ها و سیاست‌های کمک‌های رسمی توسعه خود را در نظر بگیرد.	اروپا (گروه اروپای غربی)	انگلیس	۱۳ - می ۲۰۱۲	دوم
ترینیداد و توباگو	تعهد مالی خود به توسعه بین‌المللی را از طریق برنامه‌های کمک توسعه در خارج از کشور ادامه دهد.	اروپا (گروه اروپای غربی)	انگلیس	۱۳ - می ۲۰۱۲	دوم
اسپانیا	تقویت اقدامات با هدف کاهش نابرابری‌های جدی در دسترسی به بهداشت، آموزش و اشتغال که با وجود تصویب قانون برابری همچنان وجود دارد.	اروپا (گروه اروپای غربی)	انگلیس	۱۳ - می ۲۰۱۲	دوم
پاکستان	مشارکت مؤثر در عملیاتی کردن حق بر توسعه در سطح بین‌المللی.	اروپا (گروه اروپای غربی)	هلند	۱۳ - می ۲۰۱۲	دوم
نامیبیا	این کمک‌های توسعه نباید دارای شرایطی که ارزش‌های سنتی کشورهای دریافت‌کننده را در نظر نمی‌گیرند، باشند.	اروپا (گروه اروپای غربی)	فنلاند	۱۳ - می ۲۰۱۲	دوم
نوروی	موضوع را با انجام اقدامات لازم برای تحقق هدف بیان‌شده در سال ۲۰۰۸ برای رسیدن به هدف ۷،۰ درصدی کمک‌های رسمی توسعه در ترازوی رابطه با اهداف توسعه هزاره تا سال ۲۰۱۵ مورد بررسی مجدد قرار دهید.	اروپا (گروه اروپای غربی)	فنلاند	۱۳ - می ۲۰۱۲	دوم

1 Available at: <https://upr-info-database.uwazi.io/en/library> Last visited: 2023/07/29



توصیه‌های مربوط به حق بر توسعه در چرخه سوم، جلسه ۳۷ به تاریخ نوامبر ۲۰۲۰، به گروه منطقه‌ای آسیایی (گروه آسیا) نیز در جدول^۱ ذیل ذکر شده است:

کشور توصیه کننده	توصیه	گروه منطقه‌ای	کشور مورد بررسی	جلسه	چرخه
سومالی	اتخاذ تدابیر لازم برای مبارزه با بیکاری، به ویژه در بین جوانان و روستائیان.	آسیا (گروه آسیایی)	عمان	۳۷ - نوامبر ۲۰۲۰	سوم
ترکمنستان	به تلاش‌های مستمر خود برای ترویج و تقویت حقوق بشر، به ویژه با تمرکز بر رشد اقتصادی و بهبود رفاه جمعیت ادامه دهد.	آسیا (گروه آسیایی)	عمان	۳۷ - نوامبر ۲۰۲۰	سوم
چین	به ترویج توسعه پایدار اقتصادی و اجتماعی و بهبود شرایط زندگی مردم ادامه دهد تا زمینه‌ای قابل اطمینان برای برخورداری مردم از همه حقوق فراهم کند.	آسیا (گروه آسیایی)	عمان	۳۷ - نوامبر ۲۰۲۰	سوم
تایلند	توانمندسازی بیشتر زنان و اطمینان از مشارکت آن‌ها در برنامه‌ریزی و اجرای سیاست‌های ملی برای دستیابی به اهداف توسعه پایدار.	آسیا (گروه آسیایی)	عمان	۳۷ - نوامبر ۲۰۲۰	سوم
عراق	به تقویت تلاش‌ها برای توانمندسازی زنان و افزایش مشارکت آن‌ها در روند توسعه ادامه دهید.	آسیا (گروه آسیایی)	عمان	۳۷ - نوامبر ۲۰۲۰	سوم
بحرین	پیگیری تصویب قوانین و طرح‌های ملی با هدف توانمندسازی زنان، به ویژه با ادغام آن‌ها در راهبرد کارهای اجتماعی و افزایش مشارکت زنان در فرایند توسعه پایدار	آسیا (گروه آسیایی)	عمان	۳۷ - نوامبر ۲۰۲۰	سوم
قطر	پیش‌رفتن به سوی انجام تدابیر اقدام اجتماعی و راهکار ملی برای کودکان به منظور ارتقای اجرای اهداف توسعه پایدار.	آسیا (گروه آسیایی)	عمان	۳۷ - نوامبر ۲۰۲۰	سوم

1. Available at: <https://upr-info-database.uwazi.io/en/library> Last visited:2023/07/30

در طی سه چرخه از گزارش دوره‌ای جهانی، توصیه‌هایی در خصوص حق بر توسعه به کشور ایران نیز شده که در بین آنها، بیشتر مواردی از قبیل اهمیت دادن به گسترش سیاست ملی در ارتقای فرصت‌های برابر در زمینه اشتغال، تقویت شاخص‌های توسعه انسانی، تداوم برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی با اصلاح نابرابری‌ها بین مناطق شهری و روستایی، ارائه کمک‌های بشردوستانه به کشورهای کمتر توسعه یافته و افزایش همکاری بین‌المللی به چشم می‌خورد. در جدول زیر سه نمونه از توصیه‌های ارائه شده به جمهوری اسلامی ایران درباره حق بر توسعه در هر سه چرخه از گزارش دوره‌ای جهانی^۱ ذکر شده است:

1. Available at: <https://upr-info-database.uwazi.io/en/library> Last visited:2023/07/30



کشور توصیه کننده	توصیه	گروه منطقه‌ای	کشور مورد بررسی	جلسه	چرخه
قطر	ادامه تلاش‌ها با هدف اجرای اهداف توسعه هزاره و دستیابی به رفاه برای مردم، به ویژه از طریق تسهیل دسترسی مردم به خدمات بهداشتی لازم.	آسیا (گروه آسیایی)	ایران	۷ فوریه ۲۰۱۰	اول
لبنان	به تلاش‌های مستمر خود، مطابق با برنامه استراتژیک چشم‌انداز بیست‌ساله برای توسعه، برای دستیابی به توسعه جهانی و پایدار ادامه دهد.	آسیا (گروه آسیایی)	ایران	۷ فوریه ۲۰۱۰	اول
ونزوئلا	به ابتکارات فوق‌العاده همکاری با کشورهای در حال توسعه به عنوان راهی برای تحقق کامل حق بر توسعه ادامه دهد.	آسیا (گروه آسیایی)	ایران	۷ فوریه ۲۰۱۰	اول
بلاروس	تداوم اجرای برنامه‌های تعیین‌شده برای توسعه اجتماعی-اقتصادی کشور که به حمایت از حقوق بشر کمک می‌کند و تکمیل برنامه ملی اقدام استراتژیک در زمینه حقوق بشر.	آسیا (گروه آسیایی)	ایران	۲۰ اکتبر ۲۰۱۴	دوم
سوریه	به تلاش‌ها برای برجسته کردن پیامدهای منفی تروریسم و اقدامات قهری یکجانبه بر برنامه‌های توسعه ملی و برخورداری شهروندان از حقوق اولیه بشر ادامه دهید.	آسیا (گروه آسیایی)	ایران	۲۰ اکتبر ۲۰۱۴	دوم
سریلانکا	به سیاست ملی خود برای ارتقای فرصت‌ها و رفتار برابر در زمینه اشتغال ادامه دهد.	آسیا (گروه آسیایی)	ایران	۲۰ اکتبر ۲۰۱۴	دوم
عربستان سعودی	جلوگیری از انحراف ثروت کشور به خارج و تمرکز بر توسعه برای اطمینان از حفظ حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران.	آسیا (گروه آسیایی)	ایران	۳۴ نوامبر ۲۰۱۹	سوم
جمهوری دومینیک	به ترویج برنامه‌هایی که توسعه روستایی و مناطق کمتر توسعه یافته را تحریک می‌کند، ادامه دهید.	آسیا (گروه آسیایی)	ایران	۳۴ نوامبر ۲۰۱۹	سوم
هند	تحکیم پیشرفت‌های حاصل شده در جهت دستیابی به اهداف توسعه پایدار و بهبود شاخص‌های توسعه انسانی.	آسیا (گروه آسیایی)	ایران	۳۴ نوامبر ۲۰۱۹	سوم

بررسی دوره‌ای جهانی یک سازوکار رسیدگی مبتنی بر دولت است که به موجب آن، همه کشورهای عضو سازمان ملل با شرایط یکسان بررسی می‌شوند. در جلسات آن، علاوه بر رسیدگی به وضعیت حقوق بشر کشورها، بر اجرای توصیه‌های پذیرفته‌شده و تحولات حقوق بشر در کشوری که قبلاً مورد بررسی قرار گرفته است نیز توجه می‌شود. در واقع، دولت‌ها می‌توانند از سازوکار بررسی دوره‌ای جهانی و توصیه‌های آن، به عنوان فرصتی که شورای حقوق بشر در اختیار آن‌ها قرار می‌دهد، استفاده کنند و برای ایجاد و تقویت حقوق بشر و حق بر توسعه در کشور خود، در راستای توصیه‌ای که خود پذیرفته‌اند تا انجام دهند، کمک بگیرند. در ادامه، به سایر کوشش‌ها و اقدامات شورای حقوق بشر در راستای پیشبرد حق بر توسعه پرداخته می‌شود.

۳. سازوکار خاص شورای حقوق بشر در مورد حق بر توسعه

با ایجاد شورای حقوق بشر اساساً دورنمای دیگری راجع به حقوق بشر رقم خورد و در این راستا، یکی از ابعاد حقوق بشر که حق بر توسعه است نیز مورد بررسی و حمایت قرار گرفت؛ در واقع، حقوق بشر در جامعه‌ای معنا پیدا می‌کند که آن جامعه توسعه یافته باشد، هم از حیث بهره‌برداری از حقوق مدنی سیاسی و هم از حیث بهره‌برداری از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی؛ لذا، اگر جامعه‌ای توسعه یافته باشد، امکان تحقق این حقوق و ایجاد سازوکارهای تضمین‌کننده چنین حقوقی بیشتر محتمل دارد. نظر به اینکه هدف از حق بر توسعه، رسیدن به بهبود در رفاه بشر، حق تعیین سرنوشت، عدم تبعیض و مشارکت انسان‌ها، همکاری میان دولت‌ها، منع نقض آشکار و جدی حقوق بشر، خلع سلاح، دسترسی به خدمات عمومی برای همه و نظم بین‌المللی نوین اقتصادی است؛^۱ و با توجه به ایجاد نهادها و سازوکارهای مختلف در این زمینه و اعمال کاربری شورای حقوق بشر در این راستا به عنوان یک نهاد قدرتمند که حق بر توسعه را از وظایف اصلی خود می‌داند، در ادامه به بررسی سازوکار شورای حقوق بشر و نهادهای تحت نظارت آن در مورد حق بر توسعه پرداخته می‌شود.

البته، پیش از ایجاد شورای حقوق بشر، سازمان ملل متحد نیز در طول ظهور و گسترش حق بر توسعه، چه قبل و چه پس از تصویب اعلامیه، نقش کلیدی ایفا کرده است؛ این کار را از طریق حمایت از گفتگوهای سیاسی، مجموعه‌ای از گروه‌کاری‌ها، سازوکارهای کارشناسی، حمایت، تحقیق و تحلیل و مشارکت جامعه مدنی انجام داده است.^۲ از جمله اقدامات این نهاد، ایجاد گروه کاری حق بر توسعه و گروه کاری بین‌دولتی نامحدود برای حق بر توسعه است.

1. Declaration on the Right to Development: (A/RES/41/128)

2. Available at: <https://www.ohchr.org/en/development>. Last visited: 2023/05/22



۳-۱. سازوکار تخصصی در مورد حق بر توسعه

سازوکار تخصصی به شورای حقوق بشر تخصص در مورد موضوع حق بر توسعه را برای جست‌وجو، شناسایی و به‌اشتراک گذاشتن بهترین شیوه‌ها به کشورهای عضو می‌دهد و اجرای حق بر توسعه را در سراسر جهان ترویج می‌کند. سازوکار تخصصی در مورد حق بر توسعه^۱ توسط شورای حقوق بشر در سال ۲۰۱۹ بر اساس قطعنامه ۴۲/۲۳^۲ به عنوان یک نهاد فرعی شورا تأسیس شد. سازوکار تخصصی در اجرای وظایف خود جلسات سالانه برگزار می‌کند، مطالعات موضوعی و بازدیدهای تحقیقاتی انجام می‌دهد، بحث‌ها و مشاوره‌های تعاملی برگزار می‌کند و به مجمع عمومی و شورای حقوق بشر گزارش می‌دهد. سازوکار تخصصی پنج کارشناس مستقل در زمینه حق بر توسعه دارد.^۳ در نشست‌های اولیه سازوکار تخصصی، توافق کلی بر سر دو هدف اساسی وجود داشت: جریان‌سازی، تقویت مجدد و عملیاتی کردن حق بر توسعه و افزایش توانایی سازمان‌های مردمی برای استفاده از حق بر توسعه و همچنین، برای فراتر رفتن از لفاظی، شناسایی موانع تحقق حق بر توسعه و ارائه توصیه‌های سیاستی ملموس در مورد چگونگی غلبه بر آن‌ها انجام شود.^۴

در نشست‌های بعدی سازوکار تخصصی، مطالعات با موضوع عملیاتی کردن حق بر توسعه در دستیابی به اهداف توسعه پایدار انجام شد تا راهنمایی دقیقی را برای دولت‌ها و سایر ذینفعان در مورد نحوه جریان‌سازی و عملیاتی شدن حق بر توسعه در اجرای اهداف توسعه پایدار فراهم کند که از اصلاح مسیر اطمینان حاصل شود.^۵

علاوه بر این، در نشست‌های بعدی سازوکار تخصصی حق بر توسعه، نژادپرستی و تبعیض نژادی را به عنوان موانعی برای عملیاتی کردن حق بر توسعه در چارچوب تعهدات دولت، همکاری بین‌المللی و مشارکت‌های جهانی بررسی کرد. سازوکار تخصصی به دنبال ارائه راهنمایی به دولت‌ها و سایر ذینفعان برای رسیدگی به چالش‌ها و موانعی است که نژادپرستی و تبعیض نژادی برای عملیاتی کردن حق بر توسعه ایجاد می‌کند.^۶

سازوکار تخصصی به موضوعات دیگری از جمله ارتباط بین حق بر توسعه و تعیین سرنوشت توجه داشت و همچنین، اثرات اقدامات قهری یک‌جانبه، تجدید ساختار بدهی، جریان‌های مالی غیرقانونی، حقوق فردی و جمعی، مهاجرت، حق سلامتی، تبعیض علیه افراد دارای معلولیت،

1. The Expert Mechanism on the Right to Development (EMRTD)

2. The right to development : resolution / adopted by the Human Rights Council on 27 September 2019(A/HRC/RES/42/23)

3. Available at:

<https://www.ohchr.org/en/hrc-subsiaries/expert-mechanism-on-right-to-development>.

4. Annual report of the Expert Mechanism on the Right to Development(A/HRC/45/29)

5. Operationalizing the right to development in achieving the Sustainable Development Goals : thematic study / by the Expert Mechanism on the Right to Development(A/HRC/48/63)

6. Racism, racial discrimination and the right to development : thematic study / by the Expert Mechanism on the Right to Development(A/HRC/51/37)

میراث استعمار و توسعه انسانی و حقوق فرهنگی را بررسی کرده است.^۱ در نتیجه، این سازوکار در راستای پیشبرد حق بر توسعه مفید واقع شده است.

۲-۳. گزارشگر ویژه در مورد حق بر توسعه

نظر به اینکه با گذشت بیش از سه دهه از تصویب اعلامیه حق بر توسعه، میلیاردها نفر در تمام نقاط جهان واپس مانده و شاهد تحقق حق خود برای توسعه نبودند، لذا شورای حقوق بشر برای تحقق بهتر حق بر توسعه در قطعنامه ۲۳/۱۴ خود در ۲۹ سپتامبر ۲۰۱۶، مأموریت گزارشگر ویژه در مورد حق بر توسعه را تعیین کرد. گزارشگر ویژه به عنوان بخشی از مأموریت خود، راهنمایی‌های عملی برای تحقق مؤثر حق بر توسعه در سطوح محلی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی ارائه می‌کند. شورای حقوق بشر هنگام تعیین مأموریت گزارشگر ویژه، بر نیاز فوری به تحقق حق بر توسعه برای همه، همچنین با توجه به ادامه بحث‌ها و مناقشات سیاسی پیرامون تفسیر و اجرای اعلامیه حق بر توسعه ۱۹۸۶ در مورد حق بر خورداری از آن، تأکید کرد.^۲ گزارشگر ویژه گزارش‌های موضوعی سالانه خود را به شورای حقوق بشر و مجمع عمومی و همچنین، راهنمایی و توصیه‌هایی را برای کشورهای عضو سازمان ملل، سازمان‌های جامعه مدنی و سایر ذینفعان ارائه می‌دهد.

گزارشگر ویژه در گزارش‌های خود به بررسی ارتباط بین حق بر توسعه و برابری، پیامدهای نابرابری در داخل کشورها بر بهره‌مندی از حق بر توسعه پرداخته و همچنین، نابرابری درآمد، تبعیض مبتنی بر جنسیت، تبعیض علیه اقلیت‌ها را بررسی کرده است؛ وی توصیه‌هایی را در مورد کمک به ارتقا، حفاظت و تحقق حق بر توسعه در چارچوب اجرای اهداف مرتبط با برابری دستور کار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار ارائه داده است.^۴

همچنین، تأمین مالی در سطح ملی برای اعمال توسعه را از منظر حق بر توسعه بررسی کرده و در مورد ادغام حق بر توسعه در حوزه‌های جمع‌آوری منابع، سیاست‌های مالیاتی، مشارکت و دسترسی به اطلاعات توصیه‌هایی کرده است.^۵ گزارشگر ویژه در مورد ادغام حق بر توسعه در اقدام اقلیمی نیز توصیه‌هایی کرده است.^۶

1. Annual report of the Expert Mechanism on the Right to Development(A/HRC/51/36)
2. The right to development : resolution / adopted by the Human Rights Council on 29 September 2016(A/HRC/RES/33/14)
3. Available at: <https://www.ohchr.org/en/special-procedures/sr-development>. Last visited:2023/07/05
4. Report of the Special Rapporteur on the Right to Development: note / by the Secretariat (A/HRC/39/51)
5. Right to development: report of the Special Rapporteur on the Right to Development (A/HRC/45/15)
6. Climate action at the national level: report of the Special Rapporteur on the Right to Development (A/HRC/48/56)



همچنین، به بررسی پاسخ و بهبود بیماری همه گیر کرونا (کووید ۱۹) از منظر حق بر توسعه در سطح ملی پرداخته، عملکردهای خوب را مشخص نموده و چالش‌ها را برای حصول اطمینان از مشارکت معنادار دارندگان حق بررسی کرده است.^۱

۳-۳. کارشناس مستقل نظم بین‌المللی

نظم بین‌المللی مفهومی آرمانی مبتنی بر اصول مندرج در منشور ملل متحد است که شامل ترویج و تشویق احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه و احترام به اصل حقوق برابر و تعیین سرنوشت مردم، صلح، دموکراسی، عدالت، برابری، حاکمیت قانون، کثرت‌گرایی، توسعه، استانداردهای بهتر زندگی و همبستگی است.

در نتیجه، یک نظم بین‌المللی دموکراتیک و عادلانه موجب تحقق کامل همه حقوق بشر برای همگان می‌شود و تمام افراد مستحق آن هستند. در ۲۹ سپتامبر ۲۰۱۱، شورای حقوق بشر قطعنامه ۱۸/۶ را در مورد ارتقای نظم بین‌المللی دموکراتیک و عادلانه تصویب کرد. کارشناس مستقل نظم بین‌المللی در گزارش‌های خود، دیدگاه‌هایی را در مورد چارچوب مفهومی و حقوقی این مأموریت تنظیم کرد و برخی از چالش‌های شناختی نهفته در مفهوم دموکراسی در سطوح داخلی و بین‌المللی و نیز پیامدهای آن را مشخص کرده است. گزارش‌ها از اهداف و اصول اعلام‌شده در منشور سازمان ملل متحد و هنجارهای مربوط به حقوق بشر سازمان ملل متحد و معاهدات منطقه‌ای، از جمله معاهدات اصلی حقوق بشر و اعلامیه‌ها و قطعنامه‌های متعدد تصویب‌شده توسط مجمع عمومی، الهام گرفته شده است. در گزارش‌ها بیان شد که کارشناس مستقل با سایر رویه‌های خاص شورای حقوق بشر همکاری خواهد کرد و تلاش خواهد کرد تا کار خود را با سایر نهادهای سازمان ملل متحد، از جمله کمیته‌ها و کمیسیون‌های تخصصی مجمع عمومی و شورای امنیت، کمیته مشورتی شورای حقوق بشر و نهادهای معاهده حقوق بشر سازمان ملل متحد و با سازمان تجارت جهانی، بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول، سازمان بین‌المللی کار، سازمان بهداشت جهانی، سازمان جهانی مالکیت فکری، کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل متحد و سازمان آموزشی سازمان ملل متحد ارتباط دهد.^۳

1. Response and recovery plans and policies on the coronavirus disease (COVID-19) pandemic from the perspective of the right to development at the international level: note / by the Secretary-General(A/77/174)

2. Promotion of a democratic and equitable international order: resolution / adopted by the Human Rights Council(A/HRC/RES/18/6)

3. Interim report of the Independent Expert on the Promotion of a Democratic and Equitable International Order, Alfred Maurice de Zayas : note / by the Secretary-General(A/67/277)

۳-۴. کارشناس مستقل حقوق بشر و همبستگی بین‌المللی

همبستگی بین‌المللی بیان روح وحدت بین افراد، مردم، دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی است که شامل اشتراک منافع، اهداف و اقدامات و به رسمیت شناختن نیازها و حقوق مختلف برای دستیابی به اهداف مشترک است. همبستگی بین‌المللی یک اصل اساسی است که بر حقوق بین‌الملل معاصر به منظور حفظ نظم بین‌المللی و تضمین بقای جامعه بین‌المللی استوار است. هدف کلی همبستگی بین‌المللی، ایجاد محیطی مناسب برای جلوگیری و حذف علل نابرابری بین دولت‌ها و درون آن‌ها است و همچنین، موانع ساختاری که فقر و نابرابری را در سراسر جهان ایجاد و به آن تداوم می‌بخشد، شناسایی و حذف کند و همچنین، در پی آن است که اعتماد و احترام متقابل بین دولت‌ها و بازیگران غیردولتی را برای تقویت صلح و امنیت، توسعه و حقوق بشر ایجاد کند؛ و در نهایت، نظم اجتماعی و بین‌المللی را که در آن تمامی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی به طور کامل تحقق یابد، ترویج دهد. مأموریت کارشناس مستقل حقوق بشر و همبستگی بین‌المللی در سال ۲۰۰۵ توسط نهاد پیشین شورای حقوق بشر، یعنی کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد (با توجه به قطعنامه ۲۰۰۵/۵۵)^۱ ایجاد شد. شورای حقوق بشر در سال ۲۰۱۴ (قطعنامه ۲۶/۶)^۲، در سال ۲۰۱۷ (قطعنامه ۳۵/۳)^۳ و در سال ۲۰۲۰ (قطعنامه ۴۴/۱۱)^۴ این مأموریت را برای دوره‌های سه‌ساله دیگر تمدید کرد.^۵

کارشناس مستقل گزارش‌های موضوعی سالانه را به شورای حقوق بشر و مجمع عمومی ارائه می‌کند؛ گزارش‌های موضوعی یافته‌های کارشناس مستقل را در مورد موضوعات خاص مستند می‌کند و راهنمایی و توصیه‌هایی را برای کشورهای عضو سازمان ملل، سازمان‌های جامعه مدنی و سایر ذینفعان ارائه می‌کند. از مهمترین موارد ذکر شده در این گزارش‌ها، مطالب مربوط به اقداماتی است که برای تهیه پیش‌نویس اعلامیه در مورد حق مردم و افراد برای همبستگی بین‌المللی انجام شده است.^۶ کارشناس مستقل با مروری بر تحولات همبستگی بین‌المللی، بخش‌هایی را در مورد سه حوزه تمرکزی در اولین گزارش خود مشخص کرد؛ وی همکاری بین‌المللی، واکنش جهانی به بلایای طبیعی، بیماری‌ها و آفات کشاورزی و همچنین، حقوق بشر نسل سوم را برجسته کرده و چند پیشنهاد عملی برای اقدام در هر زمینه را ارائه داد.^۷

1. Human rights and international solidarity(E/CN.4/RES/2005/55)

2. Mandate of the Independent Expert on Human Rights and International Solidarity : resolution / adopted by the Human Rights Council(A/HRC/RES/26/6)

3. Human rights and international solidarity : resolution / adopted by the Human Rights Council on 22 June 2017(A/HRC/RES/35/3)

4. Mandate of the Independent Expert on Human Rights and International Solidarity : resolution / adopted by the Human Rights Council on 16 July 2020(A/HRC/RES/44/11)

5. Available at: <https://www.ohchr.org/en/special-procedures/ie-international-solidarity>. Last visited:2023/06/13

6. Human rights and international solidarity : note / by the United Nations High Commissioner for Human Rights(A/HRC/9/10)

7. Human rights and international solidarity : note / by the United Nations High Commissioner on Human Rights(A/HRC/4/8)



کارشناس مستقل به موضوع جرم‌انگاری یا توقف ارائه کمک‌های بشردوستانه به مهاجران و پناهندگانی که به صورت غیرقانونی وارد یک کشور می‌شوند، پرداخته است.^۱

علاوه بر این، در برخی از گزارش‌ها، به روشن کردن بهتر نقش همبستگی بین‌المللی مبتنی بر حقوق بشر در واکنش به تغییرات آب‌وهوایی که دغدغه مشترک بشریت است، پرداخته است.^۲

کارشناس مستقل حقوق بشر و همبستگی بین‌المللی، در بازه زمانی بعد از همه‌گیری کرونا (کووید ۱۹)، برای کمک به تحقق حقوق بشر در طول و پس از این بیماری گزارشی ارائه کرده است.^۳

لذا، با اشاره به مطالب فوق‌الذکر، به تاثیر‌گذاری کارشناس مستقل حقوق بشر و همبستگی بین‌المللی در ارتقای حق بر توسعه می‌رسیم.

بحث و نتیجه‌گیری

در پی تمام آنچه که در این پژوهش بیان شد، به این نتیجه می‌رسیم که با توجه به جایگاه والای حقوق بشر در نظام حقوق بین‌الملل، شورای حقوق بشر دستیابی به غایات متعالی انسانی را در این عرصه قابل وصول می‌کند و نظر به اینکه یکی از شقوق حقوق بشر، حق بر توسعه است، لذا از وظایف شورای حقوق بشر، ضمانت حق بر توسعه نیز هست. حق بر توسعه آنقدر دارای اهمیت است که شورای حقوق بشر به این مقوله کامل و جامع پرداخته است. این نهاد خواستار آن است که همه اعضای جامعه جهانی برای مشارکت کامل و آزادانه در تصمیم‌گیری‌های حیاتی توانمند شوند. همچنین، خواستار فرصت‌های برابر و توزیع عادلانه منابع اقتصادی است؛ از جمله برای افرادی که از توسعه محروم هستند. نهادهای حقوق بشر سازمان ملل متحد در تمامی مدت ظهور و گسترش حق بر توسعه از طریق حمایت از گفتگوهای سیاسی، گروه‌های کاری و سازوکارهای کارشناسی، تحقیق و تحلیل، مشارکت جامعه مدنی و همچنین، کاربردهای عملی نقش کلیدی ایفا کرده‌اند. شورای حقوق بشر به طور فعال درک و استفاده از حق بر توسعه را در سراسر نظام سازمان ملل متحد ترویج می‌کند. شورای حقوق بشر در این فرایند یک نقش تاریخی دارد و در راستای جهانی‌شدن حقوق بشر، از جمله حق بر توسعه به مثابه حق بشری، اقدامات مفیدی انجام داده است. نظر به فرایند تاریخی شورای حقوق بشر که به دنبال اهدافی مثل: «ارتقاء احترام جهانی به حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همگان بدون تبعیض، مشارکت از طریق گفتگو و همکاری به منظور پیشگیری از نقض‌های حقوق بشری و واکنش سریع، ارائه توصیه‌هایی

1. Human rights and international solidarity : report of the Independent Expert on Human Rights and International Solidarity (A/HRC/41/44)
2. International solidarity and climate change : report of the Independent Expert on Human Rights and International Solidarity (A/HRC/44/44)
3. International solidarity in aid of the realization of human rights during and after the coronavirus disease (COVID-19) pandemic : report of the Independent Expert on Human Rights and International Solidarity, Obiora Chinedu Okafor (A/HRC/47/31)

در خصوص ترویج و حمایت از حقوق بشر، اجراء قواعد و رویه‌های وضع شده برای کمیته‌های مجمع عمومی، نظارت بر اجرای مفاد و قواعد مندرج در منشور بین‌المللی حقوق بشر (شریفی طراز کوهی، ۱۳۹۷: ۳۲۵) است، و با توجه به این نکته که حق بر توسعه نیز یک حق بشری است، لذا شورای حقوق بشر در جهت ارتقای حق بر توسعه به دو شیوه ورود پیدا کرد:

۱. به صورت یک دستور کار کلی (یعنی توسعه و ارتقاء حقوق بشر که به تبع آن، مشمول حق بر توسعه نیز می‌شود)، لذا در مواقعی که به طور مثال، کمیته حقیقت‌یاب احساس کند که در جایی فقر وجود دارد، این مسئله را نافی حق بر توسعه دانسته؛ پس، در مأموریت خود به حق بر توسعه می‌پردازد و بدین گونه، به توسعه انسانی به معنای اعم می‌پردازد.

۲. شورای حقوق بشر در قالب عنوان خاص از جمله کمیته‌ها و سازوکارهای حق بر توسعه، به حق مزبور می‌پردازد.

شورای حقوق بشر مأموریت گسترده‌ای برای ترویج و حمایت از حقوق بشر در سطح جهانی، رسیدگی به وضعیت‌های نقض حقوق بشر و ارائه توصیه‌هایی در مورد آن‌ها دارد؛ همچنین، این توانایی را دارد که تمام موارد و موقعیت‌های موضوعی حقوق بشر که نیاز به توجه آن در طول سال ایجاد شده است را مطرح کند.

شورای حقوق بشر پایبندی به استانداردهای حقوق بشر را در تمام کشورهای عضو سازمان ملل متحد نظارت می‌کند. این نهاد شامل رویه‌های ویژه است که موظف به گزارش و مشاوره در مورد حقوق بشر از منظر موضوعی یا خاص کشور هستند. رویه‌های ویژه می‌توانند افرادی که «گزارشگران ویژه» یا «کارشناسان مستقل» نامیده می‌شوند، یا گروه‌کاری‌هایی متشکل از کارشناسان باشند. دارندگان مأموریت رویه‌های ویژه توسط شورای حقوق بشر منصوب می‌شوند و با عنوان مقام شخصی خدمت می‌کنند. آن‌ها مستقل هستند، کارکنان سازمان ملل متحد نیستند و نماینده کشور یا منطقه خاصی نیستند.

در مقابل، گزارش دوره‌ای جهانی یک فرآیند رسیدگی حقوق بشری مبتنی بر دولت است. هدف گزارش دوره‌ای جهانی، بررسی منظم اقداماتی است که کشورهای عضو برای بهبود وضعیت حقوق بشر در کشورهای خود و انجام تعهدات حقوق بشری خود انجام داده‌اند.

هر دو سازوکار رویه‌های ویژه و بررسی دوره‌ای جهانی، داده‌های ارزشمند حقوق بشر را پدید می‌آورند که می‌تواند به عنوان اطلاعات راهبردی برای برنامه‌ریزی و کار در این زمینه مورد استفاده قرار گیرد؛ سازوکارها، اگرچه ماهیت متفاوتی دارند، اما یکدیگر را تغذیه می‌کنند و متقابلاً تقویت می‌شوند. در مجموع، توصیه‌های آن‌ها در تبدیل تعهدات حقوقی و تعهدات دولت به یک نقشه راه عملی، برای بهبود وضعیت حقوق بشر در کشورها و تقویت توسعه پایدار، موثر است.



منابع

- اقبالی، کیوان. (۱۴۰۱). بعد اقتصادی حق تعیین سرنوشت خارجی و جایگاه آن در تحقق حق بر توسعه. *مطالعات حقوق عمومی*. ۵۲(۴)، ۲۱۴۹-۲۱۶۸.
- تقی زاده انصاری، مصطفی. (۱۳۸۷). شورای حقوق بشر سازمان ملل. *حقوق خصوصی*، ۵(۱۳)، ۱۳۹-۱۱۵.
- زمانی، قاسم. (۱۳۸۵). نظارت جهانی بر اجرای حقوق بشر: از کمیسیون تا شورای حقوق بشر سازمان ملل. *پژوهش‌های حقوقی*، ۵(۹)، ۳۱۴-۲۹۵.
- شریفی طراز کوهی، حسین. (۱۳۹۷). *حقوق بشر نظریه‌ها و رویه‌ها*. چاپ اول. بنیاد حقوقی میزان.

Documents and reports

- Annual report of the Expert Mechanism on the Right to Development (A/HRC/51/36)
- Annual report of the Expert Mechanism on the Right to Development (A/HRC/45/29)
- Climate action at the national level: report of the Special Rapporteur on the Right to Development (A/HRC/48/56)
- Contribution of development to the enjoyment of human rights: study of the Human Rights Council Advisory Committee (A/HRC/41/50)
- Human rights and international solidarity : note / by the United Nations High Commissioner for Human Rights(A/HRC/9/10)
- Human rights and international solidarity : note / by the United Nations High Commissioner on Human Rights(A/HRC/4/8)
- Human rights and international solidarity : report of the Independent Expert on Human Rights and International Solidarity (A/HRC/41/44)
- Human rights and international solidarity : resolution / adopted by the Human Rights Council on 22 June 2017(A/HRC/RES/35/3)
- Human rights and international solidarity(E/CN.4/RES/2005/55)
- Importance of a legally binding instrument on the right to development : report of the Human Rights Council Advisory Committee(A/HRC/45/40)
- Interim report of the Independent Expert on the Promotion of a Democratic and Equitable International Order, Alfred Maurice de Zayas : note / by the Secretary-General(A/67/277)
- International solidarity and climate change : report of the Independent Expert on Human Rights and International Solidarity (A/HRC/44/44)
- International solidarity in aid of the realization of human rights during and after the coronavirus disease (COVID-19) pandemic : report of the Independent Expert on Human Rights and International Solidarity, Obiora Chinedu Okafor (A/HRC/47/31)
- Mandate of the Independent Expert on Human Rights and International Solidarity : resolution / adopted by the Human Rights Council(A/HRC/RES/26/6)
- Mandate of the Independent Expert on Human Rights and International Solidarity : resolution / adopted by the Human Rights Council on 16 July 2020(A/HRC/RES/44/11)
- Operationalizing the right to development in achieving the Sustainable Development Goals : thematic study / by the Expert Mechanism on the Right to Development(A/HRC/48/63)

- Promotion of a democratic and equitable international order: resolution / adopted by the Human Rights Council(A/HRC/RES/18/6)
- Racism, racial discrimination and the right to development : thematic study / by the Expert Mechanism on the Right to Development(A/HRC/51/37)
- Report of the Special Rapporteur on the Right to Development: note / by the Secretariat (A/HRC/39/51)
- Response and recovery plans and policies on the coronavirus disease (COVID-19) pandemic from the perspective of the right to development at the international level: note / by the Secretary-General(A/77/174)
- Right to development: report of the Special Rapporteur on the Right to Development (A/HRC/45/15)
- The contribution of development to the enjoyment of all human rights: resolution / adopted by the Human Rights Council on 22 June 2017 (A/HRC/RES/35/21)
- The right to development : resolution / adopted by the Human Rights Council on 27 September 2019(A/HRC/RES/42/23)
- The right to development : resolution / adopted by the Human Rights Council on 29 September 2016(A/HRC/RES/33/14)
- The right to development: resolution / adopted by the Human Rights Council on 27 September 2018 (A/HRC/RES/39/9)
- Declaration on the Right to Development:(A/RES/41/128)
- Institution-building of the United Nations Human Rights Council (A/HRC/RES/5/1)
- Transforming our world: the 2030 Agenda for Sustainable Development: resolution / adopted by the General Assembly(A/RES/70/1).

Websites Available at

- <https://upr-info-database.uwazi.io/en/library> Last visited:2023/07/28.
- <https://upr-info-database.uwazi.io/en/library> Last visited:2023/06/20.
- <https://upr-info-database.uwazi.io/en/library> Last visited:2023/07/30.
- <https://www.ohchr.org/en/development>. Last visited: 2023/05/22.
- <https://www.ohchr.org/en/Development>. Last visited:2023/06/27.
- <https://www.ohchr.org/en/development/milestone-events-right-development>.Last visited:2023/06/30.
- <https://www.ohchr.org/en/hr-bodies/upr/basic-facts>.Last visited:2023/06/30.
- <https://www.ohchr.org/en/hr-bodies/upr/upr-home>.Last visited:2023/06/30.
- <https://www.ohchr.org/en/special-procedures/ie-international-solidarity>. Last visited:2023/06/13.
- <https://www.un.org/sustainabledevelopment/sustainable-development-goals/>. Last visited:2023/07/10.
- <https://upr-info-database.uwazi.io/en/library> Last visited:2023/07/28.
- <https://upr-info-database.uwazi.io/en/library> Last visited:2023/07/28.
- <https://upr-info-database.uwazi.io/en/library> Last visited:2023/07/29.
- <https://upr-info-database.uwazi.io/en/library> Last visited:2023/07/30.
- <https://www.ohchr.org/en/hr-bodies/hrc/advisory-committee/mandates>.
- <https://www.ohchr.org/en/hrc-subsidiaries/expert-mechanism-on-right-to-development>. Last visited:2023/07/30.
- <https://www.ohchr.org/en/special-procedures/sr-development>.

"in the name of God"



Islamic Azad University, Central Tehran Branch
College of Law

International Legal Research

Vol. 17, No. 63, Spring 2024

The scientific quarterly "International Legal Research" has a scientific rank based on the letter number 1399-11901 dated 2022-1-2 of the Scientific Publications Commission of the Ministry of Science, Research and Technology.

Concessionaire: Islamic Azad University, Central Tehran Branch

Managing Director: Dr. Sadeg Salimi

Editor-in-Chief: Dr. Seyed Bagher Mir Abbasi

Manager: Dr. Mohammad Reza Pirhadi

Address: Faculty of Law, Velayat University Complex, Shahid Sohani St., Artesh Boulevard, Imam Ali Highway, Tehran.

Postal code: 1955847781

Phone: 02122481626

website: alr.iauctb.ac.ir

E-mail: alr.iauctb.ac.ir@gmail.com

Print ISSN: 2383-1634

Online ISSN: 2383-3661

Accessible from: isc, noormags.ir, magiran.com, sid.ir, scholar.google.com

The articles published in the journal do not necessarily reflect the views of this quarterly